

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد ۳

چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام
درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام

دکتر مرتضی منطقی /

استاد دانشگاه خوارزمی /

زمستان ۱۴۰۱

فهرست کامل

۰۱ مقدمه

۰۲ گزارش مصاحبه‌های میدانی

«بعد فروشنده گفتم و ایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز!» (مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله)،

«بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟»

آره، متأسفانه» (مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله)،

«از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ

داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم» (مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله)،

«من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای

گرفت» (مصاحبه با مه‌لقا، ۱۸ ساله)،

«هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن»

(مصاحبه با علی، ۱۹ ساله)،

«کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب

افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت» (مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله)،

«گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو

بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد» (مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله)،

«همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشمش آبی، منم لنز می‌خوام یا

من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم» (مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله)،

«اینستاگرام جذاب تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت» (مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله)،

«همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام

قابل احترام» (مصاحبه با دُرسا، ۱۷ ساله)،

«از جولیا و اییگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی

خوشم میاد» (مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله)،

«اگه بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه» (مصاحبه با راد، ۱۶ ساله)،

«در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حال هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیش تر» (مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله)،

«خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد» (مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله)،

«فصل ۶ پیکي بلایندرز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عاااشق پیکي بلایندرز شدم» (مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله)،

«مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه» (مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله)،

«بازی‌های جرأت حقیقت و never have I ever حال می‌ده، همه رسوا می‌شن» (مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله)،

«قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیج‌ها رو فالو داشتم» (مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله)،

«مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایش‌ه دیگه، مگه دست خودشه» (مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله)،

«من فن پیج نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم» (مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله)،

«دیدن سریال سکس اجو کیشن باعث شد که رابطه... با چند نفر برام عادی سازی بشه» (مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله)،

«پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینگ، مژگان، حمید وای - تی هم هستند، اینا خیلی خوبن» (مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله)،

«من دنیا جهان‌بخت، کیمیا تاج‌زاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانیند اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانیند اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال می‌کنم» (مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله)،

«مهرداد و آيسان هم همیشه دورین مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آيسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الآن باید بچه‌دار بشیم...» (مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله)،

«جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید)» (مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله)،

«می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه» (مصاحبه با مامان لیا، ۲۶ ساله)،

«دلَم می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواهه» (مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله)،
«کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم» (مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله)،

«اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، و گرنه، نه» (مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله)،

«می‌لاد این جوری نیست و کلیپ‌هاش خب برای ماها نرماله، ولی مامان و بابام ببینند احتمال سخته شون می‌ره بالا که اینا چی هستن دیگه» (مصاحبه با نسترن، ۱۷ ساله)،

«یه پیج فیکم دارم که باهاش اکسم رو استاک می‌کنم» (مصاحبه با ترانه، ۲۱ ساله)،
«من همیشه خدا رو شکر می‌کنم که فن بلک پینک و بی‌تی‌اس شدم» (مصاحبه با ثنا، ۱۵ ساله)،
«قدیما که یه کار زشتی می‌کردم، عذاب وجدان شدید می‌گرفتم، از خدا می‌خواستم من رو ببخشه ... الان نه، عین خیالم نیست» (مصاحبه با امیرحسین، ۱۸ ساله)،

«حتی سگاشون رو مثل این مهد کودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچین جاهایی می‌برن، بهش می‌گن هتل سگ» (مصاحبه با رضا، ۱۸ ساله)،

«آرین راجع به مرلین منسون پست می‌ذاره، درباره ابعاد دنیا که با مصرف روان‌گردان می‌شه دیدش می‌نویسه. می‌گه اگر مصرف کنین، چیزایی می‌بینین که الان نمی‌بینین» (مصاحبه با اشکان، ۲۱ ساله)،
«من وقایع سیاسی - اجتماعی رو دنبال می‌کنم و گهگاهی هم درباره‌شون متن می‌نویسم. گاهی هم با دوستانم بحث‌های اجتماعی داریم که نتایج اون‌ها رو هم می‌نویسیم و ممکنه اون‌ها رو هم پست کنیم» (مصاحبه با مهدی، ۲۱ ساله)،

«من بیش‌تر در صفحه خودم کتاب‌های فلسفی و گاهی روان‌شناسی رو معرفی می‌کنم، و البته فقط محدود به کتاب هم نیستم و گاهی کلیپ‌های فلسفی هم می‌گذارم» (مصاحبه با الناز، ۲۴ ساله).

۰۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مصاحبه‌های انجام شده

فصل اول: برخی از پیش فرض‌های موجود در مورد روان‌شناسی اجتماعی کاربران نوجوان و جوان قبل از ورود به اینستا (ضعف رسانه‌های داخلی در برابر قدرت رسانه‌های آن سوی آب، کاهش

سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، سواد رسانه‌ای اندک کاربران، تحقق یادگیری و آموزش فعال، پررنگ شدن نقش آموزش‌های غیرمستقیم، جذابیت کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، اثرات فرهنگ جمع‌گرای ایران، ارضای هیجان‌جویی کاربران، تربیت هیجان‌مدار کاربران فضای مجازی، تغییر فرهنگ مکتوب به فرهنگ بصری، افسردگی اجتماعی نوجوانان و جوانان، ایجاد زمینه برای بروز برخی از اختلال‌های روانی، نسل تجربه‌گرا، تحول‌های هویتی، گسست نسلی، تحول‌های فرهنگی- اجتماعی- عقیدتی برخی از خانواده‌ها، ترجیح محصولات فرهنگی و رسانه‌های خارجی به محصولات فرهنگی و رسانه‌های داخلی، تحقق جهانی‌اندیشیدن نوجوانان و جوانان، نقد سیاسی نظام- با مشاهده فروریزی آرمان شهر انقلاب-، نقد دینی نظام- به تبع نقد سیاسی-).

فصل دوم: ورود به اینستا و اثرپذیری از آن (امکان برخورداری از ابعاد آموزشی اینستا به شکل رایگان یا با هزینه اندک، اطلاع‌رسانی‌های مفید، ارتقای دید زیست محیطی برخی از کاربران در جریان فرهنگ‌سازی‌های زیست محیطی، ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی، تبدیل قسمت‌هایی از اینستا به یک گالری هنری، پذیرش دیگر اقوام بشری، پذیرش تولید محتوای کاربران، اثرپذیری از سلبریتی‌ها، اثرپذیری از بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی- به عنوان منابع ارزشی جدید-، پا به عرصه نهادن هویت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی، اثرپذیری از منادیان پاسداشت ارزش‌های غرب در داخل، استقبال از فرهنگ فمینیستی، گسترش نگاه ابزاری و تحقیر آمیز نسبت به زنان، کاربری از بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های عرضه شده در فضای مجازی؛ کاربری از زیور آلات و وسایل نمایش داده شده در فیلم‌ها، سریال‌ها و گروه‌های موسیقی آن سوی آب؛ اثرپذیری از فرهنگ انتقالی از طریق موسیقی، استفاده از اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی، جهانی شدن و آمیختگی فرهنگی پدید آمده برای کاربران، آزادی عمل در انتخاب منابع فرهنگی مورد استفاده، اثرگذاری روی ذائقه و عادات غذایی کاربران، تحول- آفرینی‌های نامناسب در زبان، جایگزینی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی آن سوی آب، سرگرمی و گذران فراغت، مواجهه کاربران با فضایی ملامال از هیجان در اینستاگرام، رقابت در جهت کسب هوادار، پسند، دیده شدن و دریافت اظهار نظر؛ کاهش شدید حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی، انجام چالش‌های نامتعارف، دامن زدن به هرزه‌نگاری، استقبال از صور مختلف حیات جنسی، استقبال از روابط آزاد و ازدواج سفید یا مدنی، تحول‌یابی مقوله عشق، کم رنگ شدن مقوله خانواده در ذهن کاربران، پررنگ شدن مقوله شرط‌بندی و قمار در ذهن کاربران، کاهش حساسیت در برخورد با سوء مصرف مواد، سایه گستر شدن معیارهای لذت‌مدار و لاکچری در

زندگی، نهادینه شدن تقلب در اذهان برخی از کاربران، مواجهه با نمایش ویتترین زندگی دیگران در اینستاگرام، ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته، بروز تبعات ناشی از فقدان سازوکارهای تهاجم شکن، جایگزینی رسانه‌های غربی به جای رسانه‌های داخلی، تشویق غیرمستقیم کاربران به تجربه همه چیز، اتکاء به منابع غیرموثق، سطحی شدن دانش افراد با اتکاء به هشتک‌ها، محوریت یافتن مقوله اینستاگرام و فضای مجازی در مدارس پنهان، ضروری ندانستن طی مراتب آموزش عمومی، تنزل دید زیست محیطی کاربران، تبدیل فضای مجازی و اینستاگرام به یک مرجع اطلاعاتی برای نوجوانان و جوانان، تغییر مرجع فرهنگی نوجوانان و جوانان از خانه، محیط آموزشی و جامعه به اینستاگرام و فضای مجازی، دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم، گسست ارزشی و فرهنگی).

فصل سوم: ماحصل اثرگذاری‌های اینستا بر کاربران نوجوان و جوان: تغییر سبک زندگی از سبک زندگی تکلف‌مدار به سبک زندگی لاکچری و لذت‌مدار.

فهرست کتاب حاضر

- ۱- مقدمه جلد سوم ۱۳
- ۲- گزارش مصاحبه‌های میدانی ۲۰
- مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله ۲۰
- من فنیچ نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم. ۲۰
- مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله ۴۶
- دیدن سریال سکس اجوکیشن باعث شد که رابطه ... با چند نفر برام عادی سازی بشه. ۴۶
- مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله ۷۶
- پروپلیبرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیبرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینچ، مژگان، حمید وای- تی هم هستند، اینا خیلی خوبن. ۷۶
- مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله ۱۰۲
- من دنیا جهانخت، کیمیا تاجزاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانید اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانید اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال میکنم. ۱۰۲
- مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله ۱۲۸
- مهرداد و آسان هم همیشه دوربین مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم. ۱۲۸
- مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله ۱۵۵
- جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و اینجور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید). ۱۵۵
- مصاحبه با مامان لیا، ۲۶ ساله ۱۸۲
- میدونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش میشه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله میخواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن میخواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه. ۱۸۲
- مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله ۲۰۱
- دلم می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همونجور که لوسیفر می‌گه، خودخواهه. ۲۰۱
- مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله ۲۳۲
- کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم. ۲۳۲
- مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله ۲۵۱
- اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، وگرنه، نه. ۲۵۱

۱ - مقدمه جلد سوم

در مقدمه جلد نخست این مجموعه از سایه‌گستر شدن فضای مجازی و ضرورت بسترسازی‌های فرهنگی لازم برای کاربری بهینه از آن یاد شد تا به این ترتیب با کاهش تهدیدهای آن، امکان بهره‌وری هر چه بیش‌تر از فرصت‌های آن فراهم آید. در ادامه، از تجربه تاریخی غرب یاد شد که در مواجهه با آمیزه فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، کوشیده است تا با بسترسازی فرهنگی لازم و انجام اقدام‌هایی مانند: تولید ادبیات فاخر برای فضای مجازی، پاسخ مناسب به برخی از خلاءهای اجتماعی موجود (نظیر تهیه پویانمایی‌های جنسی برای کاربران متقاضی این دست از اطلاعات)، ارتقای سواد رسانه‌ای کاربران (تا جایی که در برخی از کشورهای غربی، بحث اخیر به صورت یکی از مباحث درسی نظام آموزش عمومی درآمده است)، انجام اطلاع-رسانی‌های لازم به اولیا و کاربران، تهیه ابزارهای کنترل‌کننده (تبلت، تلفن همراه، اینترنت و ماهواره) برای اولیا، اعمال نظارت (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، تدوین قوانین منع آسیب و ایذای کاربران فضای مجازی، تدوین قوانین خاص برای حمایت از کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی، ایجاد خطوط مستقیم برای تماس اضطراری با مسوولان برای ایجاد محیطی امن‌تر (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، درجه‌بندی محتوای رسانه‌ای، تشویق سازمان‌های مدنی برای حضور، اعمال نظارت، مداخله و اثرگذاری فعال در فضای مجازی؛ ایجاد صندوق حمایت از مراکز پژوهش در حوزه رسانه‌های نوین جهت ارائه خدمات و به اشتراک نهادن دانش، منابع و امکانات مورد نیاز پژوهش‌گران؛ ایجاد کتابخانه، موزه و محصولات علمی جهت کاربران فضای مجازی و مانند آن، کوشیده است تا با بسیج امکانات لازم از پزشک و کتابدار گرفته تا وزارتخانه‌های مختلف (نظیر وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی، ارتباطات) و حتی کلیسا، روشنگری‌های لازم در جهت کاربری بهینه از فضای مجازی را در غرب پدید آورند.

اما برخلاف تجربه بشری اخیر که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در برخورد با فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی با بسترسازی فرهنگی، تدوین قوانین لازم، مدیریت فضای مجازی و تولید محتوا، در صدد کاهش تهدیدهای فضای مجازی و افزایش فرصت‌های آن برآمده‌اند، اولیای فرهنگی ایران در مواجهه با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، به صرف آن که امکان کاربری نامناسب از این فناوری‌ها وجود دارد، به طور عمده با دیده نفی و انکار با این فناوری‌ها برخورد کرده‌اند و روند ممنوعیت کاربری از ویدیو در اوایل انقلاب، به روند ممنوعیت کاربری از ماهواره و برخی از شبکه

های اجتماعی تلفن همراه انجامیده است، و تأکید گردید، برخلاف تصور اولیای فرهنگی کشور، فناوری‌های جدید، انتخاب نبوده، تحمیل هستند و در شرایط اخیر باید برای کاهش آسیب فناوری‌ها و افزایش فرصت‌های آن‌ها، با استفاده از تجربه بشری، دست به بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری کاربران از آن زد.

به بیان دیگر، نفی فناوری‌های ارتباطی که از سوی برخی از مسوولان کشور ارایه شده و مورد تأکید قرار می‌گیرد، راهکار مؤثری نیست، همان‌گونه که به سبب کاهش قابل توجه سرمایه اجتماعی، دل بستن به جایگزین کردن «کامل» شبکه‌های اطلاع‌رسانی داخلی، برنامه موفق نخواهد بود، اما در این میان می‌توان با بسترسازی‌های فرهنگی لازم، ضمن اطلاع‌رسانی به کاربران (اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان، اولیا و اولیای آموزشی و فرهنگی جامعه)، در باب خطرهای بالقوه کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، آنان را از سویی در جهت به حداقل رساندن آسیب‌های فناوری‌های ارتباطی جدید و از سوی دیگر به حداکثر رساندن منافع آن‌ها یاری رساند.

در ادامه مقدمه، پس از بررسی اجمالی ادبیات پژوهش درباره اثرات اینستا بر روی کاربران، از مواردی نظیر: کاربری‌های آموزشی اینستا، استفاده از اینستا در زمینه‌های پژوهشی، گسترش ارتباطات، کاربری از اینستا در جهت ایجاد موج‌های اجتماعی، اثرات هویتی اینستا برای نوجوانان و جوانان، استفاده از اینستا در جهت گذران فراغت، سلامت، مسایل حقوقی، اقتصادی، زیباشناختی، زیست محیطی، اثرات منفی آموزشی، اعتیاد به اینستاگرام، اثر منفی بر عزت نفس، کاهش سازگاری، کاهش رضایت از زندگی، احساس طرد اجتماعی، نوسان‌های عاطفی، تنیدگی، اثرات منفی هویتی، اثرات عقیدتی، اثرات منفی بر سلامت روان، افسردگی، اضطراب، احساس بدشکلی بدنی، اختلال‌های خوردن، اختلال خواب، ترس از دست دادن، مصرف سیگار و مواد مخدر، مصرف الکل، تحریک جنسی و دامن زدن به مسایل جنسی، افکار خودکشی، آزارگری و قلدری سایبری، کودک آزاری، بزه‌کاری، خودشیفتگی و بی‌توجهی به ارتقای سواد رسانه و امنیت اندک اینستا، یاد شد.

در فراز بعدی مقدمه، ضمن تأکید فضای اجتماعی متفاوت ایران و غرب، از خطمشی اینترنت، پاک و به زبان امروزی‌تر، صیانت از فضای مجازی که در دستور کار مسوولان فرهنگی کشور است، سخن به میان آمد.

در توصیف فضای اجتماعی متفاوت ایران، باید خاطر نشان کرد، مواردی مانند: «کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته»، «تحقق اندیشه و روش‌های حل مسأله هیجان‌مدار»، «تحقق جهانی‌اندیشیدن»، «بصری شدن فرهنگ مکتوب»، «خستگی ذهنی کاربران نوجوان و جوان در بمباران اطلاعاتی آنان در فضای مجازی»، «ایجاد نوسان‌های روانی در کاربران» و «اتخاذ برخوردها و خطمشی‌های مبتنی بر صفر و یک»، در نسل جوان ایران قابل مشاهده است که این موارد در اتخاذ هر نوع تصمیم آنان ذی‌نقش و مؤثر ظاهر می‌گردند.

در ترسیم خطمشی مسوولان فرهنگی کشور در مواجهه با فضای مجازی هم بیان شد، توهم زدگی برخی از مسوولان فرهنگی، مانع از فهم درست مسایل برای آنان شده است و آنان تصور می‌کنند، با توسل به مواردی مانند فیلترینگ، توقیف و ممنوعیت در مقوله فضای مجازی و مانند آن، می‌توانند حرف آخر را بزنند، حال آن که چنین نیست و نمی‌توان علم را متوقف نگاه داشت و هیچ فیلتری در برابر پیشرفت علم امکان موفقیت نخواهد داشت. به تعبیر دیگر، اگر زمانی در سال ۱۳۷۴ با طرح ماهواره در ایران، برای گرفتن کانال‌های ماهواره، دیش‌های ۴-۵ متری لازم بود، در حال حاضر به دلیل پیشرفت‌های علمی، دیش‌هایی با یک صدم طول دیش‌های پیشین، عملکردی بهتر از دیش‌های بزرگ سابق را به معرض دید نهاده و در آینده‌ای نزدیک، با زیر پوشش قرار گرفتن تمامی کره زمین با ماهواره‌های ایلان ماسک، در عمل هر نوع فیلترینگی به حافظه تاریخ سپرده خواهند شد.

نوجوانان و جوانان کاربری که با پیش زمینه‌های اجتماعی و روانی پیش‌گفته، با فضای مجازی و خاصه شبکه اجتماعی تصویر محور اینستاگرام مواجه می‌گردند، رفته رفته جذب جذابیت‌های ظاهری محتواهای اخیر شده، و به تدریج قانع می‌شوند که در جست‌وجوی جایگزین مورد نظر خویش، به لحاظ فیزیکی باید مهاجرت به کشورهای خارجی را در دستور کار خود قرار دهند و به لحاظ فرهنگی و اجتماعی هم باید هنجارها و ارزش‌های تبلیغ شده در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همچون اینستا را مدنظر خود قرار دهند.

در مورد ارزش‌های القایی شبکه‌های اجتماعی که جوانان خود را با آن‌ها مواجه می‌بینند، لازم به توضیح است که فضای مجازی در عمل عرصه گسترده‌ای را برای هویت‌های حاشیه‌ای، شاخ‌های مجازی، اینفلوئنسرها و بلاگرها گشوده و پدید آورده است که پیش‌تر در فضای فرهنگی و اجتماعی جوامع مختلف مطرح نبودند.

گذشته از موج آفرینی جدیدی که با سایه‌گستر شدن فضای مجازی، چهره‌های جدید برای کاربران پدید آورده اند و غالباً آنان را به سمت و سوی یک زندگی تجملاتی، مصرف‌زده، لذت‌مدار و مبتنی بر هوس سوق می‌دهند، عناصر مرسوم فرهنگ غرب نیز در دسترس کاربران فضای مجازی؛ از جمله شبکه اجتماعی اینستاگرام قرار می‌گیرند.

کلیپ‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، سریال‌ها، سرگرمی‌ها، مدها، عرضه وسایل تزیینی (برگرفته از فیلم‌ها و سریال‌های غربی) و در کنار همه آن‌ها، طرح سلبریتی‌های غربی، عرصه گسترده‌ای را برای القائات فرهنگی- اجتماعی- عقیدتی- زیباشناختی کاربران رقم می‌زنند. آثار اخیر غالباً واجد ارزش‌هایی نظیر علم‌گرایی، مدنیت، دموکراسی و اقتصاد قوی که در غرب وجود دارند، نبوده، بیش‌تر واجد ارزش‌هایی مانند مصرف‌زدگی، هیجان‌طلبی، روابط نامتعارف جنسی،

اعتیاد، الکلیسم، شیطان‌پرستی و نظایر آن‌ها هستند که ذهن جوان ایرانی را در جریان کاربری از محتوای‌های اخیر، مخدوش می‌سازند.

بنابراین در فضایی که تولیدهای فرهنگی داخل (که عمدتاً با بودجه‌های دولتی تهیه شده اند و غالباً جنبه شعاری دارند)، در برابر انبوه تولیدهای فرهنگی غرب که با مطالعات علمی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اولیه و صرف بودجه‌های گزاف و پردازش‌های هنری و جذاب، خلع سلاح می‌گردند، کاربران نوجوان و جوان ایرانی عمدتاً تحت تأثیر انبوه کلیپ‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، سریال‌ها و خاصه سلبریتی‌های غربی که بعضاً مبلغ موضوع‌هایی مانند لذت‌مداری و هوس‌پرستی و نظایر آن‌ها هستند، قرار می‌گیرند.

اثرپذیری نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی و خاصه شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام سبب می‌شود، اقشار قابل تأملی از آنان، پس از مایوس شدن از تحول‌آفرینی در داخل کشور، به طور کامل متوجه خارج از مرزهای کشور شده، در این میان به لحاظ فیزیکی گریز از کشور و مهاجرت به کشورهای دیگر و به لحاظ روانی و ارزشی، به پذیرش ارزش‌های مادون فرهنگ غرب دست بزنند، به این معنا که آنان یا به حمایت از نهضت فمینیسم (در اشکال افراطی آن که مثلاً با شعار ضرورت له کردن مردان، در عمل مروج هم‌جنس‌گرایی زنان بوده یا ازدواج با مرد ایرانی را نفی می‌کنند) یا حمایت از جامعه اقلیت جنسی (ال‌جی‌بی‌تی)، شیطان‌پرستی، خرافه‌پرستی (نظیر پناه جستن به فلسفه فنگ‌شویی) پرداخته، به فضای ارزشی جدیدی گام نهند که در کنار تبلیغ مدام زندگی‌های لاکچری، در مجموع نوجوانان و جوانان را به سمت سبک زندگی جدیدی سوق می‌دهد که در تعارض عمیقی با سبک زندگی تکلیف‌مدار در جامعه و فرهنگ خودشان هست.

به تعبیر دیگر، هجمه فرهنگی، عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، زیباشناختی اینستاگرام از سویی و توهم زدگی مسوولان فرهنگی جامعه و ضعف‌های مفرط نهادهای فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و اقتصادی آن از سوی دیگر، در عمل ضمن ایجاد تحول‌هایی نظیر از خودبیگانه کردن کاربران نوجوان و جوان، القای فرهنگ لاکچری به آنان، رقم زدن تحول‌های هویتی شدید در جوانان (نظیر تحقق یافتن هویت‌های کاذب، پنهان، دوپاره شده و معارض)، سبک زندگی کاربران را تغییر می‌دهد و البته تغییر اخیر به نوبه خود، تحول‌های عمیقی را در نوع نگاه زیباشناختی، اخلاقی، عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کاربران پدید آورده و رقم می‌زند، به این معنا که برخلاف غرب که از فلسفه‌ای انسان‌مدار (و بالطبع لذت‌مدار) تبعیت می‌کند، در این مرز و بوم در طول تاریخ، اندیشه خدامدار (و بالطبع تکلیف‌مداری انسان)، مطرح بوده است، اما در تحولات پدید آمده، اقشار قابل تأملی از نوجوانان و جوانان ایرانی با جابه‌جا کردن دید اولیه تکلیف‌مدار خویش با دیدی لذت‌مداری، در عمل تحولی اساسی را در زندگی فردی و اجتماعی خویش رقم زده و پدید می‌آورند.

با توجه به آن چه از آن یاد شد، نگارنده با ملاحظه رویکرد نادرست مسوولان امر در فضای مجازی از سویی و آسیب دیدگی سرمایه‌های انسانی کشور از سوی دیگر، برای کمک به اولیا و اولیای آموزشی کودکان، نوجوانان و جوانان در صدد روشنگری در این امر برآمد که در قسمتی از این اقدام‌ها، تهیه مجموعه قریب ۴۰ جلدی «اینستا از درون»، در جهت ترسیم فراز و فرودهای آثار زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی، عقیدتی، اخلاقی، تربیتی، اقتصادی و زیباشناختی کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام در سطح کاربران ایرانی در دستور کار نگارنده قرار گرفت که اکنون جلد سوم «چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام»، فراروی شما است.

در جلدهای اول و دوم این مجموعه، پس از مقدمه، مصاحبه‌های زیر آمدند:

«بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز!» (مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله)،

«- بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟
آره، متأسفانه» (مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله)،

«از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم» (مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله)،

«من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت» (مصاحبه با مه‌لقا، ۱۸ ساله)،

«هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن» (مصاحبه با علی، ۱۹ ساله)،

«کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت» (مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله)،

«گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد» (مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله)،

«همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشمش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم» (مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله)،

«اینستاگرام جذاب‌تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت» (مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله)،

«همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام قابل احترامه» (مصاحبه با دُرُسا، ۱۷ ساله)،

«از جولیا و ایگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد» (مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله)،

«اگه بچه ۶، ۷ ساله جی تی ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه» (مصاحبه با راد، ۱۶ ساله)،
«در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حال هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیشتر» (مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله)،
«خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد» (مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله)،

«فصل ۶ پیکي بلایندرز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عاااشق پیکي بلایندرز شدم» (مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله)،
«مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه» (مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله)،
«بازی‌های جرأت حقیقت و never have I ever حال می‌ده، همه رسوا می‌شن» (مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله)،

«قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیج‌ها رو فالو داشتیم» (مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله)،
«مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایششه دیگه، مگه دست خودش» (مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله).

در کتاب حاضر که جلد سوم «چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام»، به شمار می‌رود، قسمت دیگری از مصاحبه‌های انجام شده با عناوین زیر آمده است:

«من فن پیچ نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم» (مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله)،
«دیدن سریال سکس اجوکیشن باعث شد که رابطه ... با چند نفر برام عادی سازی بشه» (مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله)،

«پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینچ، مژگان، حمید وای - تی هم هستند، اینا خیلی خوبن» (مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله)،
«من دنیا جهان‌بخت، کیمیا تاج‌زاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانیذ اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانیذ اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال می‌کنم» (مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله)،
«مهرداد و آيسان هم همیشه دوربین مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آيسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم...» (مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله)،

«جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزها، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید)» (مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله)،

«می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه» (مصاحبه با مامان لیا، ۲۶ ساله)،

«دل‌م می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواه» (مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله)،

«کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم» (مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله)،

«اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، وگرنه، نه» (مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله).

ادامه مصاحبه‌ها و جمع‌بندی آن‌ها، در سایر مجلدات بعدی این مجموعه آمده است.

۲- گزارش مصاحبه‌های میدانی

مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله

من فن پیچ نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم.

- سلام آریا جان، خوبی؟

بله، مرسی.

- آریا جان اجازه می‌دی مصاحبه را شروع کنیم؟

بله، بفرمایید.

- در ابتدا تصویری از خانواده خودت می‌دی؟

بله. من ۱۷ سالم هست. دانش‌آموز کلاس یازدهم هستیم. یک خواهر ۹ ساله دارم. پدرم شغل

آزاد داره و مادرم خانه‌دار هست. وضعیت اقتصادی مون هم بد نیست.

- خوب آریا همون طور که می‌دونی قراره یک کم راجع به شبکه اجتماعی اینستاگرام با هم

صحبت کنیم، آماده‌ای؟

بله.

- خوب آریا شما گوشی داری؟

بله، دارم.

- از کی گوشی داری؟

من از کلاس هفتم گوشی دارم.

- از همون اول که گوشی گرفتی، اینستاگرام رو نصب کردی؟

نه، من کلاس هفتم که بودم، اول فیس بوک داشتم، اونم چون رو خود گوشی از همون اول

نصب بود، منم اکانت فیس بوک ساختم. ولی از اواخر کلاس هشتم که بودم، یعنی تقریباً ۱۴ سالم

بود، اینستاگرام رو نصب کردم، از وقتی که اینستا رو نصب کردم دیگه فیس بوک رو گذاشتم کنار.

- چرا بعد از این که اینستاگرام رو نصب کردی فیس بوک را پاک کردی؟

خب اینستاگرام دقیقاً ویژگی‌های فیس بوک رو داشت، فیس بوک چون توی ایران فیلتر بود و

همین الان هم فکر کنم هست، واسه همین کاربر ایرانی نسبت به اینستاگرام خیلی کم‌تر داشت،

واسه همین منم تا اینستاگرام رو نصب کردم دیدم که کلاً همه جوهره از فیس بوک بهتره و کاربرهای

فعال بیش‌تری داره.

- اون اوایل که اینستاگرام نصب کرده بودی، پدر و مادرت از این موضوع در جریان بودن؟

آره در جریان بودن، ولی چون اینستاگرام خیلی مثل الان رو بورس نبود و منم چون خیلی وارد نبودم به این برنامه و خیلی ارزش استفاده نمی‌کردم، خانواده‌ام هم مشکلی با این قضیه نداشتن. بخوام کلی بگم خانواده‌ام خیلی کم توی کارای من دخالت می‌کردن، ولی الان روی اینستاگرام خیلی حساس شدن.

- نظر خانواده‌ات راجع به اینستاگرام الان چی هست؟

اونا می‌گن که برنامه‌ی خوبی، ولی به شرطی که ارزش درست استفاده کنی. مثلاً خودشون هم اینستاگرام دارن، فقط فامیل‌ها و آشناها رو فالو کردن، همیشه می‌گن آدم توی اینستاگرام فقط باید از حال و احوال آشناها باخبر باشه، نه این که بره یک تعداد غریبه رو فالو کنه یا بشینه هر روز و هر شب فیلم‌های اون‌ها رو که توی اینستاگرام هست رو ببینه. کلاً مادر و پدرم توی اینستاگرام فکر کنم بیش‌تر از ۲۰ تا فالور ندارند و همه‌شون هم فامیلامون هستن.

- آریا چرا خانواده‌ات روی این برنامه خیلی حساس شدن؟

خوب جدیداً درس‌م خیلی ضعیف شده و واقعاً نمراتم اومده پایین، خب پدر و مادرم هم از این قضیه باخبر شدن، چون من خیلی توی اینستاگرام هستم، دلیل این ضعف درسیم رو اینستاگرام می‌دونن، واسه همین خیلی بهم گیر می‌دن که اینستاگرام رو پاک کنم.

- آریا به حرف پدر و مادرت گوش دادی و اینستاگرام رو پاک کردی یا هنوز هم اینستاگرام رو توی گوشیت نصب داری؟

راستش خیلی دلم می‌خواد پاکش کنم، ولی از یه طرفم دلم نمیاد که پاکش کنم، چون من توی اینستاگرام چهارتا پیج دارم که هر کدوم چند هزارتا فالور داره. خوب اگر اینستاگرام رو پاک کنم و فعالیت‌م کم بشه، صد در صد فالورام تموم پیج‌هام آرو آنفالو می‌کنن، واسه همین نمی‌تونم به حرف‌شون گوش بدم و اینستاگرام رو پاک کنم.

- آیا خودت هم دلیل ضعف درسیت رو اینستاگرام می‌دونی؟

آره، خوب صد در صد اینستاگرام خیلی تأثیر داشته روی وضعیت درسیم، خیلی داره وقتم رو می‌گیره، این رو هم بگم که از همون اول هم درس‌م آن‌چنان خوب نبود، ولی نه دیگه در این حد، واقعاً امسال نمراتم خیلی پایین‌تر از سال‌های پیشه.

- آریا یعنی استفاده‌ات از اینستاگرام امسال بیش‌تر شده؟

خب آره، خیلی هم بیشتر شده، چون پارسال ۲ تا پیج بیشتر نداشتم، ولی الان ۴ تا پیج دارم، خوب مدیریت کردن ۴ تا پیج خیلی زمان زیادی رو ازم می‌گیره، واسه همین امسال خیلی وضعیت درسیم بد شده.

- یعنی به اینستاگرام وابستگی داری؟

خب به جورابی وابستگی محسوب می‌شه، به خاطر این که من این ۴ تا پیجم رو از ترس این که فالورام کم نشن، باید فعال نگه دارم و چون فن محسوب می‌شم، باید همیشه از اکثر اخبارهایی که توی اینستاگرام پخش می‌شه باخبر باشم. به خاطر همین من مجبورم همیشه توی اینستاگرام باشم و همیشه اکسپلور رو چک کنم، اگر اخبار جدیدی دیدم راجب کسانی که فن پیج‌شون رو زد من پیجم به اشتراک بذارم که بقیه هم بدونن، وگرنه اون جواری آنفالوم می‌کنن، خب تعداد لایک و ویوهای پیجم هم واسم خیلی مهمه.

- آریا همه‌ی این چهارتا پیج برای خودت هست؟

نه، فقط به پیج هست که برای خودمه، سه‌تای دیگه فن پیج آدم‌های دیگه است.

- خوب فن پیج چه کسانی رو در اینستاگرام ساختی؟

من فن پیج نیلوفر^۱ و ویدا^۲ و امیر ویکتور^۳ رو توی اینستاگرام ساختم.

- چی شد که فن پیج این سه نفر رو ساختی، دلیل خاصی داشته؟

خب هر کدوم رو به جور باهاشون آشنا شدم، مثلاً نیلوفر یکی از عکس‌هاش رو توی اکسپلور دیدم و خیلی از تیپ و استایلش خوشم اومد، واسه همین سریع پیجش رو فالو کردم، بعد از اون تمام استوری‌ها و هایلایت‌هاش رو دیدم و فهمیدم که علاوه بر این که تیپ و ظاهر خیلی خوبی داره، آدم خیلی شاد و پر انرژی هم هست. بعد از یه مدت که دنبالش کردم، خیلی بیشتر تر بهش علاقه‌مند شدم، چون دیدم جواب همه‌ی کامنت‌هایی که براش می‌ذارن رو می‌ده و خودش رو نمی‌گیره، تا این که یه روز دیدم نیلوفر استوری گذاشته و فن پیج‌هاش رو معرفی کرده، این فکر به سرم زد که منم فن پیجش رو بسازم و در واقع اولین فن پیجم که برای نیلوفر بود رو ساختم.

۱- طرفدار

۲- صفحات اینستاگرامی که طرفدارهای این افراد برایشان می‌سازند.

۳- تعداد بازدیدها

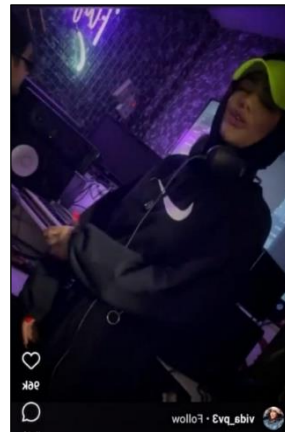
۴ - نیلوفر حسنی ۲۱ ساله از بلاگرها و مدل‌های فعال اینستاگرام با آی‌دی niillaax که تبلیغات بسیاری در اینستاگرام انجام می‌دهد.

۵ - ویدا از بلاگرها و خوانندگان فعال اینستاگرام با آی‌دی vida_pv3 است.

۶ - امیر ویکتور با آی‌دی Amir_victor2 از فعالان و شاخ‌های مجازی است که فیلم‌های طنز و دوربین مخفی‌های مختلفی در اینستاگرام به اشتراک می‌گذارد.



فن پیچ ویدا رو بعد از این که دیدم پیچی که برای نیلوفر زدم خوب داره جواب می‌ده و کلی فالور جذب کردم ساختم. البته من از قبل ویدا رو می‌شناختم، چون آهنگ‌هاش رو گوش داده بودم و پیچش رو از قبل داشتم، چون از ویدا هم خیلی خوشم می‌اومد فن پیچ اون رو هم ساختم و شروع کردم به فالور جمع کردن.



بعد از یه مدت فیلم‌های پویان و امیر ویکتور رو توی اکسپلور دیدم، چون تازگی‌ها خیلی معروف شدن فیلم‌هاشون توی اکسپلور برای بقیه میاد، واسه همین پیج اون‌ها رو هم فالو کردم و تازگی‌ها چون خیلی از امیر ویکتور خوشم میاد فن پیج اون رو هم ساختم، البته چون این فن پیج رو تازگی‌ها ساختم و هنوز امیر ویکتور آن‌چنان شناخته شده نیست، خیلی فالور نداره و دارم کم‌کم فالوراش رو زیاد می‌کنم.



- آریا شما معمولاً برای جذب فالور چه کارهایی می‌کنی؟

خب کارهای مختلفی انجام می‌دم، مثلاً وقتی پستی از نیلوفر می‌ذارم، هشتگ‌های زیادی زیرش می‌زنم، مثلاً هشتگ‌های مدلینگ رو زیر پستم می‌نویسم و حتی خود نیلوفر رو هم تک می‌کنم یا مثلاً وقتی استوری می‌ذارم، نیلوفر رو تگ می‌کنم و بعضی موقع‌ها که نیلوفر از استوریم خوشش میاد، استوری من رو دوباره توی پیج اصلی خودش استوری می‌کنه، این باعث می‌شه کسانی که نیلوفر رو فالو کردن، پیج من رو هم فالو کنن.

- آریا هر چهارتا پیچی که ساختی عمومی هست؟

آره، چون معمولاً کسی که دنبال جذب فالور هستش پیج خودش رو شخصی نمی‌کنه، تا بقیه هم که فالو ندارندش ببینن پیجش رو و اگر دوست داشتن فالوش کنن.

- هدف شما از ساختن این فن پیج‌ها چی هست؟

اول این که وقتی کسانی که فن پیج‌شون رو ساخته‌ام از پست یا استوری‌هایی که می‌ذارم خوش‌شون میاد و این‌ها رو دوباره توی پیج اصلی خودشون پست می‌کنن، خیلی حس خوبی به آدم دست می‌ده و دوم این که وقتی فالورها خیلی زیاد شد، می‌تونم با استفاده از همون پیج‌ها شروع به تبلیغات کنم و یه منبع درآمدی می‌شه برای خودم، چون الان شما توی اینستاگرام دقت کنی، می‌بینی که اکثر پیج‌ها دارن با تبلیغات درآمدزایی می‌کنن و سوم این که یه سرگرمی هم برای خودمه دیگه و خب ازش لذت می‌برم.

- چه حسی به شما دست می‌ده، وقتی پست‌های فن پیج شما رو توی پیج اصلی‌شون می‌گذرانن؟

خب یه جورایی حس می‌کنم که آدم خاصی هستم، چون بالاخره یه آدم معروف که خیلی فالور داره، پست من رو توی پیج اصلی خودش گذاشته و خب کم چیزی نیست، واقعاً اعتماد به نفس خاصی بهم دست می‌ده.

- آریا بیش‌تر توی کدوم یکی از پیج‌ها فعال‌تر هستی؟

خب من معمولاً هر فن پیچی که جدید می‌سازم، فعالیتم توش خیلی بیش‌تره، چون اون پیجم جدیده و باید بیش‌تر واسش وقت بذارم. تا فالورای اون پیج رو به بقیه پیج‌هام برسونم، به خاطر همین الان فعالیتم توی فن پیج امیر ویکتور خیلی بیش‌تره، چون جدیدترین پیجم هستش که ساختم.

- از دوستان خودت کسی هست که مثل شما برای کسی فن پیج زده باشه؟

آره، دوستم امیرمحمد فن پیج یه خواننده خارجی رو داره که اصلاً من اسمش رو هم نمی‌دونم، چه برسه که بخوام آهنگ‌هاش رو شنیده باشم.

- آریا فن پیچی که امیرمحمد ساخته رو شما دنبالش می‌کنی؟

آره، خیلی وقته که پیجش رو فالو کردم. خیلی فالورهاش از فن پیج‌های من بیش‌تره، چون خیلی از من قدیمی‌تره فن پیجش، اکثر فالوراش خارجی هستن، ولی یک بدی داره دیگه، اونم اینه که خیلی نمی‌تونه با این فالورا توی پیجش تبلیغ کنه.

- چرا نمی‌تونه تبلیغ کنه؟

چون اکثر فالوراش خارجی هستن و تبلیغاتی که توی پیج‌ها انجام می‌شه، واسه فالورهایی هستش که ایرانی هستن، ولی خب اکثر فالورهای فن پیج امیرمحمد خارجی هستن، حتی مجبوره تمام نوشته‌های پیجش رو انگلیسی بنویسه، ولی خب چون زبانش خوبه واسش آسونه این کار.

- آیا تا حالا امیرمحمد تبلیغی توی پیجش انجام داده؟

نه، فعلاً که هیچ پیشنهاد تبلیغی بهش نشده و فقط عکس و استوری‌های اون خواننده رو می‌ذاره توی پیجش.

- خودت چه طور آریا، آیا تا حالا پیشنهاد تبلیغی از شخصی یا پیجی دریافت کردی؟ چون گفتم یکی از اهداف تبلیغ کردن و پول درآوردنه.

راستش فن پیج‌هایی که من ساختم هنوز در اون حدی نیست که بخوام باهاش تبلیغ کنم، چون هنوز فالورهام به ۱۰ هزار نفر هم نرسیده، برای این که پیشنهاد تبلیغ بهم بشه، باید پیجم حداقل ۴۰ هزار نفر فالور داشته باشه.

- آریا تا حالا خواستی این فن پیج‌هایی که داری رو به کسی دیگه‌ای بدی یا مثلاً پاک کنی؟
خب من یادمه یک آنلاین شاپی^۱ بود که لباس گذاشته بود توی پیجش واسه فروش، من یه پالتو رو توی پیجش دیدم و خیلی ازش خوشم اومد، خیلی دلم می‌خواست که بخرمش، ولی خب چون من کار نمی‌کنم، خیلی پول نداشتم که بخرمش و نمی‌خواستم که از بابام تقاضا کنم بابتش. واسه همین خواستم فن پیج نیلوفر رو بفروشم تا بتونم ازش پولی دربیارم و اون پالتو رو بخرم، واسه همین رفتم دایرکت دادم به یکی از این پیج‌هایی که اعلام می‌کردن که پیج می‌خرن و باهاشون صحبت کردم، بعد بهم گفتن که پیج ۸هزارتایی من رو فقط ۳۰۰ هزار تومن می‌خرن، خوب اون پیج رو من خیلی وقت بود که داشتم و خیلی براش زحمت کشیده بودم، واسه همین کلاً پشیمون شدم از فروختن پیجم، چون قیمت خیلی کمی رو بهم پیشنهاد داده بودن.

- اگر قیمت بالاتری پیشنهاد می‌دادن شما قبول می‌کردی؟

خب اگه یه قیمت خوب در حد یکی، دو میلیون بهم پیشنهاد می‌دادن قبول می‌کردم، ولی قیمتی که پیشنهاد داده بودن خیلی پایین بود. حتی یکی از دوستای امیرمحمد بهم گفتش که پیج من رو ۷۰۰ تومن می‌خره، چون می‌گفت پیجم همه فالوراش واقعی ان و فیک نیستن، ولی راستش وقتی این حرف رو بهم زد و گفتش که پیجم خوبه و همه‌ی فالورام واقعی ان، واسه خودم ارزش قایل شدم، چون من واقعاً واسه اون پیج زحمت کشیده بودم.

- آریا گفتم پیج فیک^۲، تا حالا پیج فیک داشتی؟

خب من با این چندتا پیجی که دارم حتی اگر می‌خواستم هم پیج فیک داشته باشم، وقتش رو نداشتم، چون همین جوری سرم بابت این پیج‌ها شلوغ هستش (با خنده می‌گوید).

- بین دوستان خودت چه طور، کسی بوده که پیج فیک ساخته باشه؟

^۱ - خرید اینترنتی

^۲ - صفحه اینستاگرامی جعلی

خیلی کم، مثلاً یکی از هم‌کلاسیامون پیچ فیک ساخته بود و تازه پی وی منم نیومده بود، رفته بود پی وی محسن و خودش رو جای یه دختر جا زده بود، چندتا عکس دختر پست کرده بود توی پیچش و خب محسن هم زود باور، باورش شده بود که اون کسی که داره بهش پی‌ام می‌ده، واقعاً دختره، حتی من صدمبار بهش گفتم این پیچ فیکه، بهش بگو اگه واقعاً دختره، ثابت کنه، تا این که یه مدت بعد مثل این که به محسن گفته بوده من امیرعلی هستم و دست انداخته بودم و کلی مسخره‌اش کرده محسن رو.

- آریا معمولاً توی فن پیچ‌ها ت چه پست و استوری‌هایی می‌گذاری؟

من توی فن پیچ‌هام همان طور که می‌دونید بستگی به این داره که فن پیچ چه کسی باشه، اگر فن پیچ مثلاً نیلوفر باشه، عکس و فیلم‌های نیلوفر رو می‌ذارم، اکثر اوقات توی استوری‌هام جمله‌ها و تیکه کلام‌هایی که نیلوفر می‌گه رو استوری می‌کنم، همیشه جوری استوری می‌ذارم که فالورام فکر کنن اون کسی که داره پست و استوری‌ها رو می‌ذاره، دختره. برای ویدا هم همین طور، ولی توی فن پیچ امیر ویکتور که تازگی‌ها زدم یه سری از استوری‌ها پیچ اصلی خودم رو هم تگ می‌کنم که پیچ اصلیم رو هم فالو کنن.

- چرا توی فن پیچ نیلوفر و ویدا سعی می‌کنی که فالورات متوجه نشن که پسر هستی؟

خوب می‌دونی یه کم زشته که ادمین پیچی که برای یک واینر دختره، پسر باشه. چون به نظرم خیلی بد می‌شد، اگه می‌فهمیدن که ادمین اون پیچ‌ها پسر هست، بعد آنفالوم می‌کردن و پیجم رو از دست می‌دادم، به محسن و امیرمحمد هم به زور گفتم، یعنی نمی‌خواستم اونام بفهمن که من برای دخترا هم فن پیچ می‌زنم.

- آریا یعنی الان فالورهایت فکر می‌کنند که ادمین پیچ‌هایی که شما داری، یک دختر هست،

درسته؟

آره، به جز محسن و امیرمحمد و دو، سه تا دیگه از دوستانم، بقیه فکر می‌کنن که ادمین این پیچ‌ها دختره. ولی ادمین پیچ امیر ویکتور رو همه می‌دونن که من هستم. توی فن پیچ نیلوفر و ویدا سعی می‌کنم پست و استوری‌های دخترونه بذارم، ولی یه بدی داره که اونم اینه که نمی‌تونم پیچ خودم رو تگ کنم توی این فن پیچ‌ها و فالورهای پیچ اصلیم رو بالا ببرم.

- به نظرت چرا اگه بفهمند که ادمین این پیچ‌ها پسر هست، آنفالوت می‌کنن؟

خب می‌دونی یه جوریه، نمی‌تونم خوب توضیح بدم، حس خوبی بهم دست نمی‌ده (با حالتی خجالتی می‌گوید) چون اکثر فالورای این دوتا پیجم دخترن، خب می‌دونی دیگه دخترا همیشه در برابر پسرا یه گاردی دارن، واسه همین اگه بفهمن که ادمین اون پیچ‌ها پسره، خیلیاشون آنفالوم می‌کنن.

- آریا پس چرا فن پیچ این دو نفر را ساختی؟ یعنی ویدا و نیلوفر رو.

آخه معمولاً فن پیج‌هایی که برای مدل‌های دختره، خیلی بهتر و راحت‌تر می‌گیره و فالور جذب می‌کنه. مثلاً اگر فن پیج محسن یگانه یا مثلاً مسیح و آرش ای پی رو بسازی، خیلی نمی‌تونی فالور جمع کنی. منم واسه همین مجبور شدم که فن پیج این دو نفر رو بسازم.

- آریا در پیج اصلی‌ای که داری، چه طور پست‌ها و استوری‌هایی رو به اشتراک می‌گذاری؟
خوب توی پیج اصلی خودم تقریباً در ۸۰ درصد مواقع پست و استوری‌ها رو عکس خودم رو می‌ذارم، ۲۰ درصد بقیه رو استوری‌های خنده‌دار یا متن‌های قشنگ یا مثلاً عکس‌های مفهومی می‌ذارم.

- آریا عکس‌هایی رو که می‌گذاری از برنامه خاصی هم استفاده می‌کنی؟ یعنی مثلاً روی عکس‌ها افکت و فیلتر هم می‌اندازی.

من معمولاً سعی می‌کنم عکس‌هایی که از خودم توی پیجم می‌ذارم رو با دوربین عکاسی بگیرم، اصلاً وقتی با گوشی از خودم عکس می‌گیرم خیلی به دل‌م نمی‌شینه. یکی از دوستانم که اسمش دانیال هستش دوربین عکاسی داره، من و دانیال گاهی اگر بخواهیم پست بذاریم، می‌ریم با دوربین اون، جاهای مختلف تهران عکس می‌گیریم. وقتی عکس‌ها رو دانیال برام می‌فرسته، من توی اینستاگرام باز به عکس‌ها افکت می‌زنم و تازه اون موقع آماده می‌شه برای پست کردن (با خنده می‌گوید).

- چرا از افکت استفاده می‌کنی؟

خوب همه آدم‌ها این جورین که دوست دارن از طرف دیگران پسندیده بشن، خوب منم این حس رو خیلی دوست دارم که بقیه از عکس‌هام خوش‌شون بیاد و ازم تعریف کنن، هر چه قدر هم عکس‌هام خوب باشه، باز دوست دارم بهترش کنم اون عکس رو و بعدش پست کنم. چون دوست دارم کسی که وارد پیجم می‌شه از عکس‌هام لذت ببره. خوب هر چی عکست بهتر باشه، تعداد لایک و کامنت‌ها بیشتر می‌شه، واسه همین سعی می‌کنم با افکت، عکس‌هام رو بهترین کنم.

- چرا این قدر تعداد لایک پست‌ها برات مهم هست؟

خب چون وقتی می‌بینم پست‌هام خیلی لایک خورده، یه حس خیلی خوبی بهم دست می‌ده، کلاً اعتماد به نفس می‌گیرم با این که پست‌هام زیاد لایک بخوره.

- آریا به نظرت عکس‌های بدون فیلتری که داری چه مشکلی داره که حتماً باید از فیلتر یا از افکت‌های مختلف استفاده کنی؟

خوب عکس‌های بدون افکت رنگ قشنگی نداره و خیلی ساده هست، ولی آدم با افکت می‌تونه هر جور که دلش می‌خواد اون عکس رو تغییر بده، مثلاً فضای عکس رو گرم کنه یا عکس رو قدیمی می‌کنه یا رنگ‌هایی که توی عکس هست رو پررنگ و کم‌رنگ‌شون کنه، کلی از جوش‌ها یا چین و چروک‌ها رو می‌تونی با افکت از بین ببری.

- آریا صورت خودت چه مشکلی داره که عکس‌ها رو با افکت پست می‌کنی؟
قیافه من آن‌چنان مشکل خاصی نداره، منظورم از نظر فرم صورتمه، ولی چون الان توی دوره بلوغ هستم، صورتم پر از جوش و چین و چروکه، واسه همین سعی می‌کنم با این افکت‌ها چین و چروک‌ها و جوش‌هام رو از بین ببرم.

- به نظرت با این افکت‌ها فضای اینستاگرام پر از فریب کاری نمی‌شه؟
خب ببین اگر هر کسی به اندازه‌ی مناسب از افکت‌ها توی عکس‌هاش استفاده کنه، هیچ‌وقت فضای مجازی جایی برای فریب دیگران نمی‌شه، فقط بحث تعادله که باید رعایت بشه توی افکت و فیلتر زدن روی عکس.

- منظورت از رعایت تعادل توی افکت و فیلتر چی هست؟
خب منظورم اینه هر کسی به اندازه از افکت استفاده کنه، نمی‌گم اصلاً از افکت و فیلتر استفاده نکنیم توی عکس‌هامون، الان خودم به شخصه دارم از افکت استفاده می‌کنم توی عکس‌هام، ولی به اندازه کافی. ولی یک‌سری‌ها هستن که این‌قدر از افکت استفاده می‌کنن توی عکس‌هاشون که اصلاً دیگه انگار اون عکس مربوط به اون شخص نیست و کلاً قیافه‌اش رو عوض می‌کنه یک جورایی. منظورم در کل اینه که اگر صرفاً فقط برای تغییر فضای عکس یا از بین بردن جوش استفاده بشه از این افکت‌ها، دیگه فضای اینستاگرام پر از فریب نمی‌شه.

- آیا تا حالا به عمل جراحی فکر کردی؟
راستش قدیم بعضی موقع‌ها به این که بینیم رو عمل کنم فکر می‌کردم، تا این که بعدش با یه پستی مواجه شدم که عکس‌کسایی که عمل جراحی ناموفق داشتن رو نشون داده بود، قیافه‌هاشون واقعاً خیلی زشت شده بود، طوری که قیافه طبیعی‌شون خیلی بهتر از قیافه بعد از عمل‌شون بود و این که یکی از دوستانم که بینیش رو عمل کرده بود، برام تعریف کرد که چه قدر سخته دوره بعد از عملش و چه قدر باید حواست باشه که بینیت به جایی نخوره، خودش بهم گفته بود که پشیمون شده از این که بینیش رو عمل کرده، اون قدر که سختی کشیده بود بعد از عمل. الان هم خیلی دوست داره باشگاه بدن‌سازی بره، ولی به خاطر بینیش نمی‌تونه، کلاً محدودیت میاره دیگه.

- آریا دوستت چه زمانی بینیش رو عمل کرد؟
همین تازگی، فکر کنم یک سال هم نمی‌شه.

- می‌دونی چرا تصمیم گرفت بینیش رو عمل کنه؟
والا نمی‌دونم چرا، بینیش هم خیلی فرم بدی نداشت. یه روز اومد یه دفعه بهمون گفت می‌خوام بینیم رو عمل کنم، ما هم خودمون جا خوردیم، چون قبلش اصلاً حرفی درباره عمل نزده بود. ولی بعد از این که عمل کرد، خیلی پشیمون شد، چون گفتم که خیلی فرم بینیش بد نبود که نیاز به عمل داشته باشه.

- آریا معمولاً چه قدر در روز از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟
خیلی دقت نکردم بهش، ولی میانگین بخواهم حساب کنم روزی ۶ یا ۷ ساعت توی اینستاگرام فعالم.

- توی این مدت توی اینستاگرام چه کارهایی می‌کنی؟
من معمولاً وقتی وارد اینستاگرام می‌شم به ترتیب سعی می‌کنم کارام رو انجام بدم، مثلاً اول می‌رم سراغ پیج اصلی خودم رو چک می‌کنم که چه کسانی بهم درخواست فالو دادن و بعدش می‌رم استوریای فالورام رو می‌بینم، البته نه همه‌شون رو، فقط اونایی که می‌شناسم‌شون رو می‌بینم، چون اینترنت زیادی صرف می‌شه. بعدش می‌رم فن پیج‌هام رو چک می‌کنم که مثلاً ویدا یا نیلوفر یا امیر ویکتور پست یا استوری گذاشتن یا نه که معمولاً هم هر روز پست و استوری رو می‌ذارن. بعدش اگر عکس گذاشته باشن از عکس‌شون اسکرین می‌گیرم و توی فن پیج‌شون پستش می‌کنم یا اگر فیلمی رو پست کرده باشن با یه برنامه که اسمش اینستا دانلودر هستش، فیلماشون رو دانلود می‌کنم و توی فن پیج‌شون پستش می‌کنم. بعدش کسانی که فن پیج‌هام رو فالو کردن چک می‌کنم، بعدش دوباره برمی‌گردم توی پیج اصلی خودم و می‌رم توی اکسپلور می‌چرخم، این کار رو تقریباً روزی ۴ یا ۵ بار در روز انجام می‌دم.



- آریا گفتی کسانی که فن پیج‌هات رو فالو می‌کنن رو چک می‌کنی، می‌شه دلایلش رو به من بگی؟

خب همیشه توی اینستاگرام هستن کسانی که کلاً کارشون مزاحمت و این چیزاست، مثلاً میان زیر پستام کامنتی بد می‌ذارن یا همون به قول معروف هیت می‌دن، واسه همین چک می‌کنم اگر پیج‌شون خوب نباشه یا مثلاً احساس کنم فیک هستش، سریع بلاکش می‌کنم از پیجم.

- مگه توی کامنت‌ها چی می‌گن؟

خب مثلاً فحش می‌دن و حرف‌های رکیک می‌زنن یا مثلاً مسخره می‌کنن، یه سریا هم میان زیر پستام کامنت می‌ذارن و تبلیغ پیج‌شون رو می‌کنن، خب من اصلاً خوشم نمیاد چیزی به جز موضوعی که پست کردم، کامنت بذارن زیر پستم.

- گفتی کسانی که حس می‌کنی پیج‌شون فیک هست یا پیج‌هاشون مناسب پیجت نیست رو بلاک می‌کنی، خواستم بدونم از کجا می‌فهمی که کدام پیج‌ها فیک هستن یا مناسب پیجت نیستن؟
خب قطعی که نمی‌تونم بگم کدوم پیج فیک هست یا نه، ولی خب می‌شه احتمال داد مثلاً پیجی که کلاً دوتا پست داره و توسط هیچ پیج دیگه‌ای تگ نشده یا اصلاً کامنت نداره، فیک باشه یا مثلاً پیج‌هایی که خودشون محصولی رو به فروش می‌رسونن، خیلی میان زیر پستام شروع می‌کنن به تبلیغ کردن، واسه همین اون‌ها رو هم بلاک می‌کنم، چون همون طور که گفتم اصلاً از کامنت‌های بی‌ربط زیر پیجم خوشم نیامد.

- آریا توی اکسپلور اینستاگرام بیش‌تر چه موضوعاتی رو دنبال می‌کنی؟
من توی اکسپلور همه‌ی موضوعات رو تقریباً دنبال می‌کنم، ولی بیش‌تر فیلم‌های واینرها و کسانی که پست‌های خنده‌دار می‌ذارن یا اخبار سلبریتی‌ها و اخبار فوتبالی رو دنبال می‌کنم.

- معمولاً ویدیوهای کدام واینرها رو دنبال می‌کنی؟
ویدیوهای اکثر واینرهایی که الان توی اینستاگرام کارشون گرفته و معروف شدن رو می‌بینم، مثل عرفان علیرضایی^۱، محمدامین کریم پور^۲، محمد معماریان^۳ و پویان^۴ و امیر ویکتور و خیلی از واینرهای دیگه.



-
- ۱ - عرفان علیرضایی متولد ۲ تیر ماه ۱۳۶۶ در تهران، کم‌دین است. علیرضایی فارغ‌التحصیل فوق‌دیپلم دکوراسیون داخلی و دانشجوی انصرافی زبان ایتالیایی است. وی از اولین کم‌دین‌های اینستاگرام (واینر) است که در حال حاضر درآمد میلیونی دارد.
 - ۲ - محمدامین کریم پور متولد ۷ مرداد ۱۳۷۳ در تهران، بازیگر و کارگردان است. وی فارغ‌التحصیل لیسانس رشته برق الکترونیک از دانشگاه علمی کاربردی است و با ساخت کلیپ‌های طنز اینستاگرامی کارش را شروع کرد و حالا کارگردانی هم می‌کند.
 - ۳ - محمد معماریان متولد ۲۷ خرداد ۱۳۶۹، بازیگر طنز اینستاگرام است. وی با ساخت کلیپ‌های طنز ۱۵ ثانیه‌ای در اینستاگرام به عنوان یکی از اولین واینرها، فعالیت خودش را شروع کرد و از این‌قاب در سال ۱۳۹۷ وارد سینما شد.
 - ۴ - پویان مختاری ۸ مهر ۱۳۶۹ در ایزه متولد شد، خواننده پاپ و در حال حاضر ساکن ترکیه است. آخرین مقطع تحصیلاتش فوق‌دیپلم در رشته نقشه‌کشی صنعتی بود که از دانشگاه اصفهان مدرکش را گرفت و بعد از آن شروع به کار موسیقی و در ادامه راه‌اندازی سایت شرط‌بندی و قمار کرد.



- تا حالا سعی کردی که مثل این واینرها ویدیو بسازی و توی اینستاگرام بگذاری؟
(باخنده) اووه تا دل تون بخواد از این کارا کردم. مثلاً خیلی وقتا سعی کردیم با دوستان دوربین مخفی بسازیم، مثل پویان و امیر ویکتور که هیچ کدومش نشد و کارمون جور درنیومد یا خیلی وقتا با دوستان از این ویدیوهایی که حرفای قشنگ می‌زنن و بعدش یه آهنگ پخش می‌شه و صحنه آهسته می‌شه ساختم که اونم بعضیاش رو فقط استوری کردم و خورد توی ذوقم بیش‌تر.
- چرا خورد توی ذوقت، چه اتفاقی افتاد؟

خب وقتی اون فیلما رو ساختم و استوریش کردم، انتظار داشتم که خیلیا ریپلای کنن و راجبش نظر بدن یا مثلاً بخندن به استوریم، ولی واکنش‌ها به استوریام خیلی کم بود، واسه همون کلاً پشیمون شدم از ساختن این فیلم‌ها.

- آریا چرا با دوستانت سعی می‌کردی از این فیلم‌ها بسازی و مثل واینرها باشی؟
خب وقتی زندگی این واینرها رو می‌بینم، خیلی بهشون حسودیم می‌شه، چون هر چی که می‌خوان رو دارن، هم پول دارن و هم محبوبیت دارن. اکثر چیزا چون معروفن برایشون مجانیه، مثلاً چند وقت پیش محمد معماریان استوری گذاشته بود که رفته بود توی یکی از بهترین و گرون‌ترین باشگاه‌های بدن‌سازی ثبت نام کرده بود و هیچ پولی هم ازش نگرفته بودن بابت ثبت نامش، فقط به خاطر این

که معروفه یا با هر تبلیغی که می‌کنن کلی پول درمیارن. خب منم اگه مثل این واینرها معروف بشم، دیگه کار نمی‌کنم که، روزی ۲تا تبلیغ می‌ذارم کلی پول درمیارم.



- به نظرت واینرها زندگی واقعی شون رو توی اینستاگرام نمایش می‌دن؟
خب هر کسی واسه خودش مشکلاتی داره، ولی صد در صد واینرها همه‌ی زندگی شخصی شون رو توی اینستاگرام به نمایش نمی‌ذارن، ولی چیزهایی که توی اینستاگرام پست و استوری می‌کنن واقعیتیه، واقعاً دارن از زندگی شون لذت می‌برن، توی چه خونه‌هایی دارن زندگی و می‌کنن و چه ماشین‌هایی دارن.

- آریا مطمئنی اون خونه‌ها و ماشین‌ها برای خودشون هست؟
آره مطمئنم، چون من زندگی‌نامه‌ی اکثرشون رو خوندم، همه‌شون وضعیت مالی خیلی خوبی نداشتن و الآن وضع‌شون از این رو به اون رو شده. مثلاً خود حامد تبریزی خیلی وضع مالی خوبی نداشته، ولی الآن خونه‌ی میلیاردی داره.



۱ - حامد تبریزی متولد ۳۰ تیر ماه ۱۳۷۲ در خانواده‌ای آذری زبان و اصالتاً تبریزی به دنیا آمده و ویژگی و علت شهرت او به دلیل ساخت کلیپ‌های طنز در اینستاگرام و دابسمش‌های کمدی است که حالا به یکی از شاخ‌های اینستاگرام و چهره معروف در فضای مجازی تبدیل شده است.

- یعنی این واینرها رو به عنوان الگوی خودت انتخاب کردی؟
به اون صورت که بخوام از همه‌ی کاراشون تقلید کنم که نه، ولی سبک زندگی‌شون رو دوست دارم و سعی می‌کنم که مثل اونا به یه زندگی قشنگ برسم.
- تا حالا شده از این برنامه خسته بشی و اینستاگرامت رو پاک کنی یا حتی فکر پاک کردنش به سرت بزنه؟

(باخنده) خب یه بار که با پدر و مادرم سر همین اینستاگرام دعوا شده بود، پاک کردم اینستاگرام رو. ولی به دو روز نکشید که دوباره نصبش کردم.
- می‌شه یک کم بیش‌تر توضیح بدی؟

خب همین تازگی که خیلی سرم توی گوشی بود، مامانم صدام زد که برم خرید کنم واسش، ولی من چون داشتم یه پستی رو درست می‌کردم که توی فن پیج امیر ویکتور پستش کنم، واسه همون وقت نداشتم، می‌خواستم سریع اون پست رو بذارم، حتی به مادرم هم گفتم که یک ربع دیگه می‌رم، بعدش یه کم گذشت و من اون پست رو گذاشتم، رفتم به مادرم گفتم که پول بده برم واسش خرید کنم، ولی اون از دستم ناراحت شد، شروع کرد سرم داد زدن، وقتی شب پدرم اومد، مادرم به پدرم گفتش و پدرم گفت این قدر که سرت توی گوشیه، دیگه حرف مادرت برات مهم نیست. بعدش من بهم بر خورد و عصبانی شدم، واسه همین همون شب اینستاگرامم رو پاک کردم.
- خوب بعدش چی شد؟

فرداش رو هم بدون اینستاگرام گذروندم، ولی واقعاً سخت گذشت واسم، تا این که روز بعدش دیگه طاقت نیاوردم و دوباره اینستاگرام رو نصب کردم.

- اون روز که اینستاگرامت رو پاک کردی چه طوری سر خودت رو گرم می‌کردی؟
اولش چون می‌خواستم تغییر کنم یه کم درس خوندم، درس که تموم شد، حتی رفتم گوشیم رو بردارم برم توی اینستاگرام، بعدش که قفل گوشیم رو باز کردم تازه یادم افتاد اینستاگرامم رو پاک کردم. یعنی این قدر به اینستاگرام عادت کردم (چشم‌هایش را درشت می‌کند و باحالتی بامزه می‌گوید)، بعدش هم یه کم نشستم با کامپیوترم بازی کردم و بعدشم یه کم با دوستانم رفتم بیرون.
- اون روز کمبود اینستاگرام رو حس کردی؟

خب خیلی زیاد، همه‌اش دستم می‌رفت روی گوشیم و یادم می‌اومد که اینستاگرامم رو پاک کردم. ولی همه‌اش نگران پیج‌هام بودم، همه‌اش به خودم می‌گفتم الان باید استوری می‌داشتم یا نکنه الان فالورام، آنفالوم کنن، خیلی حس بدی بود در کل، دروغ نمی‌گم واقعاً انگار یه چیزی کم بود.

- مادر و پدرت در جریان پاک کردن اینستاگرامت بودن؟

نه، چون سریع رفتیم توی اتاقم و اینستاگرام رو پاک کردم و هیچیم بهشون نگفتم، یه جورایی خواستم خودشون تغییر کردنم رو ببینن و یک جورایی سورپرایز بشن، (باخنده) ولی مثل این که قسمت نبود تغییر رو در من ببینن.

- بعد از این که اینستاگرام رو دوباره نصب کردی، فالورهای پیج‌ها کم شده بودند؟
نه، فالورام کم نشده بودن، از اون موقع یه کم نگرانیم بابت این موضوع کم شد و فهمیدم با یکی، دو روز غیر فعال بودن توی پیجم، فالورام پیجم رو آنفالو نمی‌کنن.
- آریا از این که فالورها کم بشن می‌ترسی؟

خب راستش ترس ندارم، ولی خیلی حساس شدم روی فالورای پیجم، بعضی موقع‌ها فقط می‌رم چک می‌کنم که فالورام کم نشده باشن و وقتی می‌بینم یکی از پیج‌هام فالوراش کم شده خیلی اعصابم خورد می‌شه، واسه همین هی پست و استوری می‌ذارم که بازم پیجم رو فالو کنن و این مسأله جبران بشه یه جورایی.

- پس یعنی روی فالورهای پیجت حساس شدی؟
آره، یه جورایی می‌شه گفت وسواس پیدا کردم، حتی روی لایک و وبوهای پستام خیلی حساسم و اصلاً نباید پستام زیر ۲هزارتا لایک بخوره، وقتی یه پستم زیر ۲هزارتا لایک می‌خوره، خیلی ناامید می‌شم.

- توی اینستاگرام کدوم سلبریتی‌ها رو دنبال می‌کنی؟
من پیج اما واتسون، دنیل ردکلیف، جانی دپ، لئوناردو دی‌کاپریو، تام هاری و آنتونی استار رو دنبال می‌کنم و از بین سلبریتی‌های ایرانی ابی، حسین ابلیس، شایع و رضا پیشرو رو دنبال می‌کنم.

- سلبریتی‌های ایرانی رو بیشتر دوست داری یا خارجی رو؟
خب هر کدوم رو در یک سطح دوست دارم، مثلاً من فیلم‌های ایرانی اصلاً نمی‌بینم، چون اصلاً از سینمای ایران خوشم نمیاد و یه حس بدی به فیلم‌های ایرانی دارم، از بس که غمگین ان و فقط روحیه آدم رو بد می‌کنن. واسه همین اصلاً از بازیگرای ایرانی خوشم نمیاد و دنبال شونم نمی‌کنم. ولی در عوض خیلی رپ ایرانی رو دوست دارم، کلاً آهنگ‌های ایرانی گوش می‌دم، چون آهنگ‌های خارجی رو اصلاً نمی‌فهمم، واسه همون نمی‌تونم بگم که سلبریتی‌های خارجی رو بیشتر دوست دارم یا ایرانی رو.

- چرا این سلبریتی‌ها رو دنبال می‌کنی؟

خوب اگر بخوام تک تک بگم، اما واتسون و دنیل ردکلیف^۲ رو به خاطر فیلم هری پاتر دنبال شون می‌کنم، به خاطر این که زمانی که هری پاتر می‌دیدم سنم خیلی کم بود، هر وقت ناراحت بودم، می‌نشستم دوباره هری پاتر رو از اول تا آخر نگاه می‌کردم، واسه همین خیلی حس خوبی به دنیل ردکلیف و اما واتسون دارم.



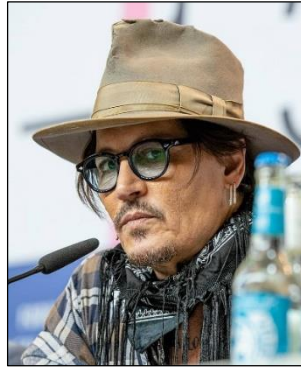
جانی دپ^۳ رو به خاطر این فالو کردم، چون سری فیلم‌های دزدان دریایی کارائیب رو خیلی دوست دارم، همیشه چه با دیدن بازی جانی دپ یا چه دیدن عکس و فیلم‌هایی که توی پیج جانی دپ هست، خیلی آروم می‌شم همیشه، چون جانی دپ فیلم‌های فانتزی بازی می‌کنه، خیلی به آدم انرژی می‌ده، هم شخصیت فانتزی داره و هم فیلم‌های خوبی بازی کرده.

۱- اما شارلوت دوئر واتسون، متولد ۱۵ آوریل ۱۹۹۰، بازیگر انگلیسی است. او برای نقش‌آفرینی‌هایش در فیلم‌های موفق و مستقل و همچنین کنش‌گری در زمینه حقوق زنان شناخته شده‌است. نام واتسون از سوی فوربز و ونتی‌فر در میان رتبه‌بندی پردرآمدترین بازیگران زن جهان قرار گرفته‌است. مجله تایم در سال ۲۰۱۵ از او به عنوان یکی از ۱۰۰ فرد دارای بیش‌ترین تأثیر در جهان یاد کرد.

۲- دنیل جیکوب ردکلیف، زاده ۲۳ ژوئیه ۱۹۸۹، بازیگر، تهیه‌کننده و خواننده انگلیسی است. او به‌خاطر نقش‌آفرینی هری پاتر در مجموعه فیلم‌های هری پاتر در دوران نوجوانی و اوایل بزرگ‌سالی شناخته می‌شود.

ردکلیف، حرفه خودش را از ۱۰ سالگی و با بازی در فیلم دیوید کاپرفیلد که برگرفته از رمان دیوید کاپرفیلد چارلز دیکنز بود، آغاز کرد. آغاز موفقیت‌های او از سال ۲۰۰۱ و زمانی که ۱۱ سال سن داشت، با بازی در نخستین قسمت از مجموعه فیلم‌های هری پاتر به نام هری پاتر و سنگ جادو آغاز شد. پس از آن در طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱، در ادامه مجموعه فیلم‌های هری پاتر، پسران دسامبر و زن سیاه‌پوش و سپس در سال ۲۰۱۳ در کشتن عزیزان شما به ایفای نقش پرداخت.

۳- جان کریستوفر دپ دوم، زاده ۹ ژوئن ۱۹۶۳، بازیگر، تهیه‌کننده و موسیقی‌دان آمریکایی است. او دریافت‌کننده افتخارات گوناگونی نظیر یک جایزه گلدن گلوب و یک جایزه انجمن بازیگران فیلم است و علاوه بر این، نامزد دریافت سه جایزه اسکار و دو جایزه آکادمی فیلم بریتانیا شده است.



لئوناردو دی‌کاپریو^۱ و تام هاردی^۲ که به نظرم جذاب‌ترین بازیگرهای هالیوودن و هر جفت‌شون فیلم‌های خیلی قشنگ بازی کردن، کلاً هر فیلمی که این دو نفر بازی کردن واقعاً از بهترین فیلم‌های هالیوود بوده، خصوصاً فیلم از گور برخاسته که جفت‌شون توی این فیلم بازی کردن، واقعاً هم اون فیلم شاه‌کاره و آنتونی استار^۳ هم دوستم محسن بهم معرفی کرد و گفت سریال بنشی رو ببین، خب من اون سریال رو دیدم و واقعاً از بازیگریش و هم‌چنین قیافه‌ی خیلی جذابش خوشم اومد، پیجش رو فالو کردم و الآن تازگی‌ها دارم یه سریال جدید از آنتونی استار می‌بینم که اسمش the boys هستش.



- ۱- لئوناردو ویلهلم دی‌کاپریو، زاده ۱۱ نوامبر ۱۹۷۴، بازیگر و تهیه‌کننده فیلم آمریکایی است. او برای بازی در فیلم‌های زندگی‌نامه‌ای و مربوط به دوره زمانی معروف است. دی‌کاپریو در طول حرفه خود افتخارات گوناگونی از جمله یک جایزه اسکار، یک جایزه آکادمی فیلم بریتانیا و سه جایزه گلدن گلوب دریافت کرده‌است. فیلم‌های او تا سال ۲۰۱۹ بیش از ۷٫۲ میلیارد دلار در جهان فروش داشته‌اند و نامش هشت بار در رتبه‌بندی‌های سالانه پردرآمدترین بازیگران جهان قرار گرفته است.
- ۲- ادوارد تامس هاردی، زاده ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۷، بازیگر انگلیسی است. او پس از تحصیل در رشته بازیگری در مرکز درام لندن، نخستین فعالیت سینمایی خود را در سال ۲۰۰۱ در فیلم سقوط شاهین سیاه، ساخته ری‌دلی اسکات تجربه کرد. او در طول حرفه خود نامزد دریافت یک جایزه اسکار، دو جایزه فیلم به انتخاب منتقدان و دو جایزه آکادمی فیلم بریتانیا شده است. هاردی در سال ۲۰۱۱ جایزه ستاره نوظهور بقتا را دریافت کرد.
- ۳- آنتونی استار هنرپیشه اهل نیوزیلند است که از آثار مطرح او می‌توان به نقش «لوکاس هود» در مجموعه تلویزیونی بانشی و شخصیت هوم لندر در سریال پرایم ویدیو آمازون تحت عنوان پسرها اشاره کرد.

خب توی سلبریتی‌های ایرانی واقعاً صدای ابی‌بهترین صدا بین تمام خواننده‌های ایرانی هستش، علاوه بر اون با این که خیلی آدم معروفیه، خیلی آدم محبوبی هم هست، چون خیلی مهربونه و تموم طرف‌دارش رو دوست داره، وقتی من عکس‌های ابی رو می‌بینم واقعاً انرژی می‌گیرم، این قدر که این فرد خوش خنده هست.



از پرهای ایرانی من ترجیح دادم شایع^۲ و رضا پیشرو^۳ و حصین ابلیس^۴ رو فالو کنم، چون واقعاً سطح آهنگ‌هاشون چند لول^۵ از بقیه ریپ‌های دیگه بالاتره، چه توی غم چه توی خوشحالی، من آهنگ این‌ها رو گوش می‌دم، یه جورای احساس می‌کنم کسی که آهنگ‌هاش رو گوش می‌دم باید از همه نظر حمایتش کنم، واسه همین پیج‌شون رو فالو کردم.

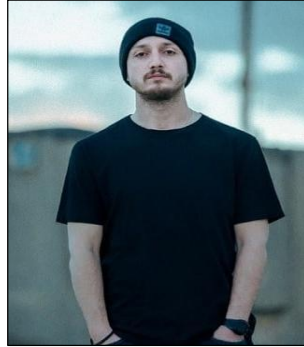
۱ - ابراهیم حامدی، زاده ۲۹ خرداد ۱۳۲۸، با نام هنری ابی، خواننده موسیقی پاپ ایرانی است. ابی در سبک‌های مختلف همانند راک، بالاد، موسیقی فولکلور، پاپ، دنس، هاوس و ترنس موسیقی صاحب اثر است. برخی او را با تام جونز، خواننده سرشناس بریتانیایی، مقایسه کرده‌اند؛ با این تفاوت که ابی را بر خلاف تام جونز دارای تمایلات سیاسی می‌دانند.

۲ - محمدرضا شایع از اعضای ثابت گروه کاغذ، متولد ۱۲ مرداد سال ۱۳۷۱ در محله شاه عبدالعظیم و ساکن تهران است. وی تکست نویسی را در سن ۱۴ سالگی به صورت جدی آغاز کرد و در سال ۱۳۸۹ اولین کار رسمی خود را به نام «یه روز خوب میاد» منتشر کرد. بعد از ششمین اثر خود مورد تحسین رهبر معروف حصین قرار گرفت و با دعوت او به گروه کاغذ رکورد ملحق شد و محبوب‌تر از گذشته به فعالیت خود ادامه داد.

۳ - محمدرضا ناصری آزاد، زاده ۱۲ بهمن ۱۳۶۶ در تهران که با نام هنری رضا پیشرو شناخته شده؛ خواننده، ترانه‌سرا، آهنگ-ساز و تهیه‌کننده موسیقی در رپ فارسی است. او فعالیت غیرحرفه‌ای خود را از سال ۱۳۸۱ و با لقب «رضا»^۳ آغاز کرد. پیشرو در تأسیس برخی گروه‌های موسیقی زیرزمینی مانند صامت نقش داشته است. او در سال ۱۳۹۶ به دنبال بازداشت و محکومیت به دلیل فعالیت هنری غیرمجاز از ایران خارج شد و فعالیت هنری خود را در خارج از ایران ادامه داد.

۴ - حسین رحمتی، زاده ۱۲ مرداد ۱۳۶۷، با نام هنری حصین؛ خواننده و ترانه‌سرای سبک رپ فارسی است که از سال ۱۳۸۱ تا اکنون در این زمینه فعالیت می‌کند.

حصین در سن ۱۷ سالگی رپ را شروع کرد. به عبارتی حصین از سال ۱۳۸۳ کارش را با گروه ۰۵۱ و آهنگ تو زنده می‌مونی آغاز کرد. به دلیل این که اکثر اعضای گروه اهل مشهد بودند. نام ۰۵۱ را که از ابتدای کد شهر مشهد گرفته شده بود، برای گروه انتخاب کردند.



- آریا تا حالا این سلبریتی‌ها رو الگوی خودت قرار دادی؟

خب این که از کاراشون تقلید کنم آره، ولی بیش‌تر از سلبریتی‌های ایرانی تقلید کردم. مثلاً وقتی که آهنگ‌های پیشرو یا شایع و یا حسین رو گوش می‌دم، خیلی جوگیر می‌شم، سریع می‌رم آهنگ خالی داندلود می‌کنم و شروع می‌کنم روی اون آهنگ شعر نوشتن. حتی من دوتا آهنگ هم ضبط کردم و توی پیج‌م هم گذاشتم آهنگ‌هام رو، ولی خب وقتی دیدم خیلی اون آهنگ رو خوب نخوندم و بازخوردهای خیلی خوبی هم بهم نشد، واسه همین آهنگ‌ها رو از توی پیج‌م پاک کردم. خیلی از بازیگرهای خارجی الگوبرداری نکردم، فقط چون سری فیلم‌های هری پاتر رو خیلی دوست دارم، واسه همین تمام کتاب‌هاش رو خریدم، چندتا پوستر از فیلم هری پاتر رو به دیوار اتاقم چسبوندم، ولی فکر نکنم اسم این رو بشه الگوبرداری گذاشت، صرفاً علاقه زیادی دارم به فیلم هری پاتر.

- آریا چه بازخوردهایی به آهنگ‌هات داده شد که اون‌ها رو از پیجت پاک کردی؟

کامنت‌هایی که زیر اون دوتا پست گذاشته بودن، یه سری‌هاش واقعاً خوب بود و بهم خیلی انگیزه و امید داد. ولی متأسفانه یک‌سری کامنت‌ها بود که نوشته بودن این چه آهنگیه خوندی، بعدشم کلی خندیده بودن یا مثلاً یکی از دوستانم نوشته بود به شوخی که الان هر کی از خونه قهر می‌کنه می‌ره خواننده می‌شه. درسته که این کامنت‌ها شوخی بود و دوستانم داشتن من رو دست می‌انداختن، ولی خوب واقعاً خیلی من رو ناامید کرد، دیگه از اون به بعد سعی نکردم که آهنگ بخونم و به اشتراک بذارم.

- آریا همه‌ی این سلبریتی‌ها رو قبل از این که اینستاگرام رو نصب کنی می‌شناختی؟
قبل از این که اینستاگرام نصب کنم سنم خیلی کم بود، ولی بازم خیلی از این سلبریتی‌ها رو می‌شناختم. مثلاً اما واتسون و دنیل ردکلیف رو می‌شناختم، چون خیلی قدیم قبل از این که اینستاگرام نصب کنم من فیلم‌ه‌ری پاتر رو دیده بودم یا مثلاً جانی دپ رو از این فیلم معروف کارخانه شکلات سازی که توش بازی کرده بود می‌شناختم.



ولی مثلاً تام هاردی رو بعد از این که اینستاگرام نصب کردم باهاش آشنا شدم، ولی اینستاگرام باعث آشنایی من با تام هاردی نشد، بلکه من تام هاردی رو از فیلم مد مکس که توش بازی کرده بود می‌شناسم و بقیه سلبریتی‌ها هم همین طور اینستاگرام باعث آشنایی من با این سلبریتی‌ها نشده.



- کدوم یکی از این سلبریتی‌ها رو بیش‌تر از بقیه دوست داری؟
خوب من لئوناردو دیکاپریو را از همه سلبریتی‌ها بیش‌تر دوست دارم.

- چرا، دلیل خاصی داره؟

چون لئوناردو دیکاپریو هم از نظر ظاهری خیلی خوش قیافه است و هم خیلی خوش تیپ، کلاً پرستیژ خیلی بالایی داره و هم از نظر باطنی آدم خوبیه. با این که خیلی آدم معروفیه، اصلاً خودش رو نمی‌گیره، با همه طرف‌داراش خیلی راحت و خوب برخورد می‌کنه و این که خیلی آدم خیریه و به خیلی از آدم‌ها کمک کرده، یکی از بزرگ‌ترین مدافعان محیط زیست هستش. کلاً علاوه بر این که خیلی بازیگر خوبیه، خیلی از فعالیت‌های دیگه هم انجام می‌ده و کلاً آدم خیلی موفقیه، البته یک چیز دیگه هم که خیلی تأثیرگذار هستش روی این که من خیلی لئوناردو دیکاپریو رو دوست دارم اینه که من لئوناردو دیکاپریو را از خیلی وقت پیش می‌شناختم، خیلی از فیلم‌هاش رو دیده بودم که اولین فیلمی هم که ازش دیدم فیلم تایتانیک بود.



- صفحه اینستاگرامی دیکاپریو رو از کی دنبال می‌کنی؟

من همون اولاً که تازه اینستاگرام رو نصب کرده بودم، خیلی واسم جالب بود که بینم بازیگرها، کلاً آدم‌های معروف توی اینستاگرام چه کارهایی انجام می‌دن و چه چیزهایی به اشتراک می‌ذارن، خیلی واسم جالب بود بینم آیا پست‌هایی که آدم‌های معروف در اینستاگرام می‌ذارن، مثل همون پست‌هایی هستش که توی فیس بوک اشتراک می‌گذاشتن. واسه همین لئوناردو دیکاپریو جزو اولین کسانی هستش که توی اینستاگرام فالو کردم.

- آیا روی این سلبریتی‌ها حساس هستی، یعنی اگر کسی آن‌ها رو نقد کنه یا بد راجع بهشون

حرف بزنه شما ناراحت می‌شی؟

خب ببینید سلبریتی‌هایی که هر کسی در اینستاگرام فالو می‌کنه، حتماً خیلی اون سلبریتی رو دوست داشته که فالوشون کرده. من از بین این همه سلبریتی که توی اینستاگرام اکانت دارن، همین چند نفر رو دنبال می‌کنم، خود این نشان دهنده اینه که من خیلی این سلبریتی‌ها رو دوست دارم و روشون خیلی حساسم، خوب اگر کسی راجع‌شون بد صحبت کنه، نمی‌گم که ناراحت می‌شم، ولی

حتماً باهاش بحث می‌کنم و از این سلبریتی‌های مورد علاقه‌ام دفاع می‌کنم، خصوصاً لئوناردو دی‌کاپریو.

- همون طور که گفتی شما خیلی فیلم‌های هالیوودی نگاه می‌کنی، آیا این فیلم‌ها رو از طریق اینستاگرام باهاشون آشنا می‌شی؟

خوب یه تعدادشون رو دوست و آشناهام بهم معرفی می‌کنن، تعدادی‌شون رو از توی سایت‌هایی که مخصوص فیلم و سریال هست باهاشون آشنا می‌شم، توی اینستاگرام یک پیجی رو دنبال می‌کنم که کلاً توی این پیج فیلم‌ها و سریال‌های روز رو تبلیغ می‌کنه، خیلی موقع‌ها از فیلم‌ها و سریال‌ها توضیحات کوچکی می‌ذاره و موضوع اصلی فیلم رو برای مخاطب‌ها توضیح می‌ده، خیلی از مواقع هم بین دو یا چند فیلم و سریال نظرسنجی می‌ذاره و حتی خیلی از اتفاقات حاشیه فیلم‌ها رو توی پیجش به مخاطب‌ها می‌گه.

- از فیلم و سریال‌هایی که اون پیج معرفی کرده راضی هستی؟

آره، خیلی هم راضیم، چون واقعاً بهترین‌ها رو همیشه توی پیجش معرفی می‌کنه.

- بین صحبت‌هایت گفتی که چون برایت کامنت‌های خوبی نگذاشتن باعث شد شما آهنگت رو از پیجت پاک کنی، می‌خواهم بدونم خودت اهل کامنت گذاشتن برای کسی هستی؟

خب آره، خیلی اهل کامنت گذاشتن هستم. مثلاً زیر پست خیلی از این سلبریتی‌ها کامنت می‌ذارم و نظرم رو بهشون می‌گم، ولی سعی می‌کنم کامنت‌های خوب بذارم و با کامنتم به دیگران انگیزه و امید بدم و سعی می‌کنم که با اون کامنت از دیگران تعریف کنم، نه که مثلاً برم زیر پست فلان دوستم کامنت بذارم یا مسخره‌اش کنم یا مثلاً زیر پست رضا پیشرو بنویسم، این چه آهنگی بود خوندی و ناامیدش کنم، در کل سعی می‌کنم با کامنت‌هام باعث دل‌خوری دیگران نشم.

- آیا تا حالا شده با کسی سر همین کامنت‌ها جرّ و بحث کنی؟

خب نه، من خیلی آدمی نیستم که بخوام سر این جور موضوع‌ها جرّ و بحث کنم، ولی خب حداقل از این راضی‌ام که من مثل بقیه زیر پست دیگران حرف‌های رکیک نمی‌زنم یا دیگران رو مسخره نمی‌کنم. الان بر فرض مثال شما برو زیر پست‌های سامان ویلسون رو نگاه کن، ببین چه قدر فحش به این طرف داده می‌شه توی کامنت‌ها و خوب این خیلی بده که فضای مجازی این قدر پر شده از حرف‌های رکیک و فحش دادن به همدیگه و بی‌احترامی کردن.

- دوستانت چه طور، آیا از این کامنت‌ها می‌گذارن؟

خب من خیلی اطلاعی ندارم، ولی خب زیر پستای خودم که شوخی می‌کنن باهام توی کامنت‌ها، ولی من ندیدم فحشی بدن یا حرف رکیکی بزنن زیر پست کسی.

- آریا تا حالا دوست داشتی که در اینستاگرام یک کار فرهنگی انجام بدی؟

خب ببین یه مدت نمی‌دونم یادته یا نه، اومده بودن می‌گفتن که بیاید فرهنگ کتاب خوانی رو رواج بدین، به جای این که مثلاً جوان‌ها و نوجوان‌ها بیش‌تر توی گوشی و فضای مجازی باشند، سعی کنند روزی حداقل ۱۰ صفحه کتاب بخونن. بعد منم با خودم گفتم که من ۴ تا پیج دارم، پیام بگم که شروع کنین روزی ۱۰ صفحه یا هر چه قدر کتاب بخونین و اینا که خب یه موقع‌هایی می‌شد من کوئشن باکس^۱ می‌ذاشتم و می‌گفتم که کتاب معرفی کنین، بعد دیدم خیلی‌ها بودن که کتاب‌های خوب و رمان‌های خوبی رو معرفی می‌کردن، بعدش من می‌رفتم یه خلاصه‌ای از این کتاب‌ها توی اینترنت درمی‌آوردم و با عکسش می‌ذاشتم توی استوری‌م که ببینن و اینا.

- بعدش چی ادامه دادی این کار رو، یعنی هنوز هم کتاب معرفی می‌کنی؟

خب نه همیشه، ولی بعضی اوقات که مثلاً میان دایرکت می‌گن که دیگه کتاب معرفی نمی‌کنی، منم دوباره کوئشن باکس می‌ذارم و می‌گم کتاب معرفی کنین، در این حد.

- آریا خودت چی، این استوری‌هایی که می‌ذاشتی و می‌اومدن کتاب معرفی می‌کردن، باعث شد که کتاب بخونی؟

خب خیلی کم، چون من زیاد اهل مطالعه نیستم، چون پیج هم دارم باید به اونام برسم، برای همین شاید بتونم بگم که یک یا دوتا کتاب خودم خوندم. اتفاقاً آگه این فرهنگ کتاب‌خوانی رواج پیدا کنه، خیلی می‌تونه مفید باشه، چون خیلی از فالورهام رو دیدم که اشتیاق از خودشون نشون می‌دادن، دوست داشتن که کتاب‌های خوبی بخونن و کلی تشکر می‌کردن بابت معرفی کتاب‌ها، برای اونا خیلی خوب بود یا مثلاً یه کار دیگه می‌کردم توی پیجم که فکر کنم، کار فرهنگی محسوب می‌شه، توی دوران کرونا خب خیلی باب شده بود که خیلیا پست و استوری می‌گذاشتن، می‌گفتن توی خونه بمونید یا ماسک بزنید، خب چون من هم همیشه ماسک می‌زدم و رعایت می‌کردم، گفتم بهتره که منم پست و استوری بذارم راجب این موضوع‌ها و دیگران رو تشویق کنم به این که ماسک بزنن یا کم‌تر از خونه برن بیرون.

- بازخورد هم داشت این پست و استوریایی که درباره‌ی ماسک و کرونا می‌گذاشتی؟

خب نه بازخورد آن‌چنانی نداشت، ولی خب سین زیاد می‌خورد استوری‌ام، بالاخره تأثیر خودش رو صد در صد می‌گذاره روی مردم.

- آریا جان خیلی ممنونم بابت وقتی که گذاشتی.

خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره:

آریای ۱۷ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

آریا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: افت درسی و بی‌علاقگی به درس، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

آریا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: رواج به اشتراک‌گذاری نظرات درباره موضوع‌های مختلف، اهمیت یافتن لایک، کامنت و ویو در زندگی روزمره و الگوبرداری از الگوهای ویرانگر و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

آریا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: گسترش فریب در فضای مجازی و پذیرش اصل هدف وسیله را توجیه می‌کند و نظایر آن، اشاره داشته است.

آریای ۱۷ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: طرح امکان کاربری اقتصادی از فضای مجازی برای کاربران (به صورت تهیه فن‌پیج برای سلبریتی‌ها و گرفتن تبلیغ یا فروش پیج)، اشاره داشته است.

آریا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: تعارض یافتن با خانواده و نیاز به دور زدن آنان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است. آریا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: روانی: افزایش احساس عزت نفس (با مدیریت ۴ صفحه اینستاگرامی)، افزایش اعتماد به نفس کاذب، اتلاف وقت، درگیر شدن در اضطراب‌های نوپدید (مانند نفرت گرفتن از مخاطبان)، وسواس، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

آریا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: احساس الزام به جراحی زیبایی جهت مورد پذیرش قرار گرفتن در فضای مجازی، اشاره داشته است.

آریای ۱۷ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: اقدام به جراحی زیبایی و برخی از تبعات منفی آن، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

آریا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، از بی‌توجهی و پرهیز خویش از فعالیت‌های سیاسی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است. آریا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: نقش لایک و ویو در سوق یافتن زندگی به سمت ابعاد عینی مادی و دوری نسبی از معنویات، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

آریای ۱۷ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: تولید محتوا برای فن‌پیج‌های خویش، تولید محتوا به زبان انگلیسی توسط دوستش برای فن‌پیج خودش، جایگزینی نسبی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی جدید، جهانی اندیشیدن، رکیک شدن بیان در غیاب سازوکارهای تهاجم شکن، اهانت به دیگران به مثابه سرگرمی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه آریای ۱۷ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، آریا در مصاحبه خویش ضمن بیان این که برای کسب درآمد، اقدام به زدن سه صفحه طرفداری (فن‌پیج) برای سه تن از سلبریتی‌ها زده است، از ضرورت تهیه محتوا برای این صفحات یاد می‌کند تا با بالا بردن فالورهای آن، امکان گرفتن تبلیغ و در نتیجه به دست آوردن پول را به دست بیاورد. وی در ادامه از دوستش نیز یاد می‌کند که وی نیز با تولید محتوا به زبان انگلیسی برای فن‌پیج خودش، در صدد کسب درآمد برآمده است. تولید محتواهای اخیر حاوی آمیزه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها هستند، زیرا با مدیریت صفحات طرفداری و کسب قدرت اقتصادی، افق‌های جدیدی فراروی کاربران گشوده خواهد شد، اما در صورت مبتذل بودن فردی که مورد توجه کاربر قرار گرفته است و برای وی صفحه طرفداری باز کرده است، نتایج طرفداری اخیر برای فرد و طرفداران صفحه وی، چندان مطلوب نخواهد بود.

مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله

دیدن سریال سکس اجوکیشن باعث شد که رابطه ... با چند نفر برام عادی سازی بشه.

- سلام صبا جان.

سلام.

خوب هستی؟

ممنونم.

- از این که وقت دادی تا با هم مصاحبه داشته باشیم، متشکرم.

خواهش می‌کنم.

- صبا جان می‌شه بگی که چند وقت هست اینستاگرام رو نصب کردی و ازش استفاده می‌کنی؟ فکر می‌کنم ۴، ۵ سالی باشه یا شایدم بیشتر، فکر کنم حدود ۱۶، ۱۷ سالگی بود که نصبش کردم.

- خوب الان که اینستاگرام رو داری، هر چند وقت یک بار پست یا استوری می‌گذاری؟

من تقریباً آخر هفته‌ها خیلی پست و استوری می‌گذارم، نمی‌دونم چرا، شاید چون اون موقع سرم خلوت‌تره و از کارای روزانه‌ام فارغ شده‌ام.

- بیشتر پست می‌گذاری یا استوری؟

بیشتر استوری می‌گذارم، اما اگه مثلاً یک عکس خیلی خوبی بگیرم، پستم می‌گذارم.

- پست و استوری‌هایی که می‌گذاری، بیشتر درباره‌ی چی هستن؟

خیلی وقتا در مورد مثلاً اتفاقای جدیدی که افتاده توی زندگی‌م، استوری می‌ذارم و درباره‌شون صحبت می‌کنم یا مثلاً در مورد اتفاقای که توی کلاسای مجازی‌مون می‌افته، می‌گذارم، چون بعضی وقتا اتفاقای بامزه‌ای می‌افته توی دانشگاه.

- پس از اتفاقات روزانه و مسایل روزمره‌ات هم استوری می‌گذاری؟

آره، ممکنه بذارم، مثلاً ممکنه سر یک کلاسی باشیم، یک اتفاق بامزه‌ای بعد بیفته، من همون رو استوری می‌کنم یا استادمون یک جزوه‌ای رو بذاره یا یک درسی رو بده که من اصلاً خوشم نیامد و به نظرم خیلی مسخره هست، بعضی وقتا اونم استوری می‌کنم، امکانم داره با دوستانم برم بیرون، مثلاً عکس بگیرم از مناظر.

- پس در واقع فکر می‌کنی، چیزهایی که حالا روزانه برات اتفاق می‌افتن و جالب هستن رو

دوست داری با بقیه هم، به اشتراک بگذاری؟

آره.

- بیش‌تر چه چیزهایی رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنی و می‌بینی؟
خب من کلاً خیلی عاشق کی‌پاپ و مخصوصاً گروه بی‌تی‌اس هستم، برای همین پست درباره‌ی اینا خیلی زیاد می‌بینم و گاهی حتی استوری هم از تیکه‌های آهنگ‌هاشون می‌دارم، کلاً دوست‌شون دارم.

- دقیقاً از کی به این نوع موسیقی کی‌پاپ علاقه‌مند شدی و این افراد برات یک نوع الگو شدن، بعد از نصب اینستاگرام بود یا قبلش؟

قبل از اینستا که بود حتماً، اما خب توی اینستا، من آدمای شبیه به خودم رو خیلی بیش‌تر پیدا کردم، کلاً من طرف‌دار گروه بی‌تی‌اسم و اونایی که طرف‌دارشن، بهشون می‌گن آرمی و وقتی توی اینستا بری، پستایی که در مورد مثلاً بی‌تی‌اس باشه، کامنتا رو که نگاه کنی، کلی آرمی اون‌جاست، برای همین می‌شه گفت، من بعد اینستا خیلی بیش‌تر انگیزه گرفتم در مورد علاقه‌ام، ولی خب قبلش هم، حس می‌کنم بود.

- پس الان توی اینستاگرام مثلاً جزو گروه‌هایی هستی که مثل خودت هستن و به این گروه بی‌تی‌اس علاقه دارن؟

آره، پبجای اونا رو خیلی فالو می‌کنم و خودم رو هم به نوعی آرمی می‌دونم.
- خوب مثلاً دقیقاً چه چیزی از این گروه رو بیش‌تر دوست داری، چه چیزی از این‌ها باعث شده تا این حد طرف‌دارشون باشی و الگوت شده باشند؟

به خاطر این که خیلی پر انرژی و خیلی انگیزه‌بخش هستن، با این که خودشون، بعضیاشون از یک‌سری شرایط خیلی سختی به این جا رسیدن که جهانی شدن، اما می‌دونی همه‌اش تلاش می‌کنن که به افرادی که توی همین رده‌های سنی ما هستن، یعنی جوونن، یاد بدن که پیشرفت کنن، بعدشم خب کلاً آهنگاشون رو خیلی دوست دارم، کلاً همه چی‌شون رو خیلی دوست دارم.

- بیش‌تر اون پیامی که می‌دن و زندگی که دارن و اخلاق‌شون باعث شدن تا این حد طرف‌دارشون بشی یا موسیقی‌شون؟

بین همه چیزشون، یعنی احساس می‌کنم که عاشق همه چیزشون هستم، مثلاً از رنگ موهاشون گرفته تا مسخره‌بازیشون یا این که کلاً یک اکپین با هم‌دیگه و این رابطه‌ی قشنگی که با هم دارن تا حالا پیامایی که می‌دن توی آهنگاشون، ولی خب دلیل این که این قدر دوست‌شون دارم، فکر کنم اینه که تفاوت‌شون از بقیه گروه‌های کی‌پاپ اینه که واقعاً آهنگاشون یه معنی‌ای داره، یعنی واقعاً آهنگ‌شون یک معنی داره، یعنی یک چیزی به آدم اضافه می‌کنه، ولی خب در کنار اون هم سبک رقصاشون، ویدیوهایشون، رفتارشون، آرایش‌شون یا رنگ موهاشون، همه‌شون رو دوست دارم.

- از این پیام و معنایی که می‌گی توی کارشون دارن، می‌شه بیش‌تر بگی، دقیقاً از چه چیزهایش این قدر خوشت اومده؟

بیش‌تر از این که باید تلاش کنی، موفق بشی، نه این که این رو به یک حالت انگیزشی خیلی استرس‌آور بگن، ولی این رو بهت می‌گن که آره، باید ادامه بدی، حس می‌کنم توی سن ما خیلیا این رو نیاز دارن، مخصوصاً اگر سنش کم‌تر باشه، مثلاً توی ۱۸ سالگی اینا که اصلاً خیلی کمک کننده هست و توی او سنم به من خیلی کمک کرد، اما الان، توی دوره جوونی هم، این پیام خیلی اثرگذاره و کمکت می‌کنه زندگیت رو دنبال کنی.

- پس در واقع این پیام‌هایی که می‌خواهند برسونن، این معنایی که توی کارهاشون هست رو توی زندگی خودت هم به کار می‌بری و کمکت کرده؟

آره، واقعاً احساس می‌کنم یک موقع‌هایی بوده که نمی‌تونستم ادامه بدم، اما ادامه دادم.
- آیا تا حالا شده بخوای مثلاً توی رفتار و همون نحوه‌ی پوشش و آرایش و غیره هم که می‌گی خیلی ازشون خوشت میاد، تلاش کنی شبیه‌شون بشی؟

من کلاً به رقص خیلی علاقه دارم، یعنی قبل از این که وارد اینستا هم بشم همین طور بود، کلاً اهل فیلم هندی هم برای همین بودم و به شدت و خیلی رقص هندی انجام می‌دادم. ولی بعد از این که عاشق کی‌پاپ شدم و رفتم کلاً توی فاز کره‌ای مثلاً، رقص‌ها، اجراهای اونا هم، مثلاً بعضی وقتا انجام می‌دم، سعی می‌کنم انجام بدم، غیر از اونم آره، مثلاً از وسایل آرایشی، موهام رو قرمز رنگ کردم.

- پس در عمل و رفتارهای خودت هم تلاش کردی که بیش‌تر شبیه‌شون بشی؟
آره.

- نظرت در مورد قاسم سلیمانی یا مثلاً مریم میرزاخانی چی هست، به نظرت اون‌ها ویژگی‌های خوبی برای الگوبرداری ندارن؟

به نظر من قاسم سلیمانی... خور نظام بود نه چیزی بیش‌تر، اما خب خانم میرزاخانی رو دوست دارم و به نظرم واقعاً الهام بخشه.

- چرا چنین نظری در مورد سردار داری، مگه ایشون تمام تلاشش رو برای این کشور نکرد؟
به نظر من ایشون هدفش کمک به کشور نبود، کمک به یه سری سران خاص بود فقط.
- خوب بین هم‌سن و سال‌ها و حالا دوستان و آشنایان چه طور، به نظرت حالا این بحث کی‌پاپ و این چیزها خیلی داره رواج پیدا می‌کنه و به نظرت این خوب هست؟

اگر افراد بزرگ‌سال منظورته که خب نه، ولی توی اطرافم مثلاً توی دانشگاه‌مون، یک چند نفری هستن که اونا هم اهل کی‌پاپ هستن و آره فکر می‌کنم تعداد طرفدارا خیلی زیاده، مخصوصاً توی اینستاگرام.

- اینستاگرام باعث شده که علاقه‌ات رو نسبت به بی‌تی‌اس بیش‌تر کنی و آدم‌های مثل خودت رو هم بیش‌تر ببینی؟
آره.

- فیلم‌های هندی که گفتی چه طور، آیا اون هم تحت تأثیر اینستاگرام بیش‌تر بهش علاقه‌مند شدی، یا نه، چه طور بود؟
نه، من کلاً عادت داشتم که همیشه فیلم هندی ببینم، البته الان که می‌گم، خیلی کم‌تر شده، ولی قبلاً بیش‌تر می‌دیدم، ولی تحت تأثیر اینستا بیش‌تر نشده، توی اینستا کلیپ‌های همون فیلما رو بعضی وقتا می‌بینم یا بعضی کلیپ‌هایی که از بخش‌های رقص اون فیلم‌ها هست، میاد برام توی اکسپلور، اینستا باعث شده یک جورایی ارتباطم با اون علایق قبلیم قطع نشه.
- خوب چه چیزی توی این فیلم‌های هندی باعث شده که این قدر ازشون خوشت بیاد و دنبال‌شون کنی؟

همین شادی دیگه، این شادی که توی مثلاً بی‌تی‌اس هم هست، توی فیلم و رقص هندی هم هست، بعد هم کلاً خیلی سرگرمی جالبیه، یعنی آدم می‌تونه مدت‌ها نگاه کنه و خسته نشه.
- پس در واقع این محتواها و حالا دنبال کردنشون توی اینستاگرام، باعث می‌شه که سرگرم و شاد بشی؟
آره.

- خوب دیگه کلاً چه چیزهایی رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنی، حالا چه توی پیج‌هایی که فالو داری یا چه توی اکسپلور؟
کلاً که دوستانم رو دنبال می‌کنم و دیدن استوری‌ای اونا، بعد همین می‌گم کی پاپ هست و فیلمای هندی، یه سری کلیپا از کم‌دین‌های مختلف یا مثلاً از بیوتی بلاگرا یا مثلاً حواشی بازیگرا و خواننده‌ها رو از بعضی پیجا دنبال می‌کنم. خیلی، خیلی چیزها، من خیلی وقتا می‌رم توی اینستا، پست همیشه نمی‌گذارم، آخر هفته‌ها، ولی در طول روز خیلی چک می‌کنم، حتی قسمت‌های کتابم می‌بینم.
- روزانه حدوداً چند ساعت توی اینستاگرام هستی؟
حس می‌کنم حداقل یک ساعت باشه، ولی خب خیلی وقتا به دو ساعت می‌رسه.
- آخر هفته‌ها این زمان بیش‌تر می‌شه؟
آخر هفته‌ها دیگه انگار مثلاً خودم می‌رم توی کار این که تولید محتوا کنم و پست و استوری بذارم، آره.

- حالا راجع به اون محتواهایی هم که دونه، دونه گفتی، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی مثلاً چه چیزی از اون اخبار و حواشی سلبریتی‌ها و بازیگرها برات جذابه و دنبال‌شون می‌کنی؟

بینین این جوری نیست که خیلی دیوونه زندگی شون باشم، ولی چرا، خیلی دوست دارم در جریان زندگی شون باشم، مثلاً یک سری پیجا هستن که به صورت مرتب از اخبارشون می‌گذارن، مثلاً می‌گن که فلانی فیلمش اکران شد، فلانی نمی‌دونم با بچه‌اش فلان جور شد، این و اون با هم رل زدن، اون از این یکی طلاق گرفت یا این با اون ازدواج کرد، چیزایی شبیه این و آره دیگه، اینا رو دنبال می‌کنم حتماً.

- چرا حس می‌کنی جزییات زندگی شون برات جذاب هست؟
به خاطر این که این آدم‌ها رو، اکثرشون رو توی فیلمای سینمایی یا سریال دیدم، برام جذابه که بدونم توی زندگی واقعی خودشون دارن چی کار می‌کنن.

- آیا تا حالا شده که خودت هم دوست داشته باشی در زندگی واقعی خودت بیش‌تر شبیه اون‌ها باشی و نظیر اون‌ها رفتار کنی؟

دوست داشتم عین اون‌ها این قدر آزاد بودم و هر کاری که دلم می‌خواست، می‌تونستم بکنم.
- مثلاً اگر مثل اون‌ها آزاد بودی، چه کارهایی می‌خواستی بکنی که الان نمی‌تونی بکنی؟
مثلاً بعضی وقتا فکر می‌کنم که اگر من توی کره به دنیا می‌آمدم، صد در صد رقاص می‌شدم و به این گروه‌های کره‌ای می‌پیوستم و کلاً حس می‌کنم زندگیم اینی نمی‌شد که الان هست، حیف.
- پس اگر این‌جا هم می‌تونستی، دوست داشتی که رقاص می‌شدی؟
آره یا خواننده.

- خوب به نظرت این که حالا به دلیل یک سری قوانین و مسایل شرعی و عرفی، این‌جا نمی‌تونی این کارها رو بکنی، با این قوانین مخالف هستی؟

آره، مخالف که هستم، ولی چیزی دست من نیست و الان مجبورم تحمل کنم.
- به این مسأله حالا بعدتر برمی‌گردیم. اما این سلبریتی‌ها و حالا ستاره‌ها و بازیگرها که گفتی دنبال می‌کنی، بیش‌تر ایرانی هستن یا خارجی؟

بیش‌تر خارجی، ایرانی کم دنبال می‌کنم، ایرانی فقط یک دونه پیج دارم.
- چرا ایرانی‌ها رو کم‌تر دنبال می‌کنی؟

نمی‌دونم، کلاً عادتمه که بیش‌تر فیلم خارجی ببینم، حالا چه کره‌ای، چه هندی، چه مثلاً آمریکایی و اینا، آخه فیلم ایرانی خوب کم پیدا می‌شه به نظرم.

- این که فیلم ایرانی خوب کم‌تر پیدا می‌شه، به نظرت دلیلش چی هست و مثلاً چه چیزی شون مثل اون فیلم‌های خارجی خوب نیست؟

آخه این قدر محدودیت دارن ایرانی توی فیلم‌سازی که جز غم و بدبختی نمی‌تونن چیزی رو نشون بدن، طرف نه می‌تونه یک دونه رقص نشون بده، نه می‌تونه خوانندگی نشون بده، نمی‌تونه فضا رو اصلاً شاد کنه، مثلاً یک سری موضوعاتی نمی‌تونن بیان توی صحنه، در مورد چه می‌دونم

دوست دختری، دوست پسری باشه، اصلاً نمی‌تونن حرف بززن توی فیلماشون که برای همین موضوعاتشون اجتماعی و این چیزا بشه.

- پس به نظرت این محدودیت‌هایی که فیلم‌سازهای ایرانی دارن که باعث می‌شه فیلم‌هاشون رو کم‌تر دوست داشته باشی، این هم به خاطر همون قوانین و مسایل سیاسی و حکومتی هست؟ فقط سیاسی هم نیست، بحث دینی هم هست دیگه.

- شما با این مسایل دینی و قوانین حالا دینی و حکومتی که باعث می‌شن دست و پای فیلم‌سازها به قول شما بسته بشن، مخالف هستی؟

کاملاً، چون به نظرم یک‌سری چیزایی که بدیهیات زندگی اند رو دارن هم از ما و هم از فیلم‌سازا می‌گیرن.

- می‌شه یک کم در مورد این بدیهیاتی که می‌گی دارن ازمون می‌گیرن توضیح بدی، مثلاً چه چیزهایی؟

می‌گم در مورد این که آدم می‌تونه شاد باشه با رقصیدن و شاد بودن چیز بدی نیست یا این که آدم می‌تونه راحت باشه بدون حجاب، اما این که چهارتا تار موی یه زن بیرونه، واقعاً چیز حساسی نیست که اینا این قدر بزرگش می‌کنن و به نظرم صرفاً می‌خوان ماها رو توی یک نمی‌دونم، مثلاً حماقتی نگه دارن، همین و این بدیهیات زندگی رو که توی کلی از کشور دنیا عادیه، یک جور عجیب جلوه بدن.

- به نظرت خود دین می‌خواهد افراد رو، مثلاً غمگین نگه داره یا به قول شما، توی یک حماقتی نگه داره یا نظام سیاسی و حکومتی؟

فکر کنم ترکیب‌شون این قدر فاجعه شده! چون دین و این حکومت ما همچین اجازه‌ای به خودشون دادن که هر کاری دلش خواست، بکنن.

- پس در واقع یک نوع نگاه منفی به دین پیدا کردی؟

آره، روز به روزم بیش‌تر می‌شه، به خاطر این که می‌رم توی اینستا می‌بینم اون‌ی که... من یک دوستی داشتم، دوستم نبود، هم‌مدرسه‌ایم بود و نمی‌دونم چی شد، پارسال مهاجرت کرد کانادا، نمی‌دونم دقیقاً از چه راهی مهاجرت کرد، ولی الآن مثلاً زندگی اون رو می‌بینم، بعضی وقتا که استوری می‌گذاره و هر لباسی دلش می‌خواد، می‌تونه بپوشه، هر جایی دلش می‌خواد، می‌تونه بره، احساس می‌کنم کلی شادی داره یا مثلاً وقتی که هالووین شده بود، استوری کرده بود، با دوستاش بودن، کریسمس همین طور، اصلاً نمی‌دونم ایران با این که نوروز و این جور چیزا هست، ولی آدم اصلاً نمی‌تونه توش شاد باشه، چون بهش اجازه نمی‌دن!

- پس در واقع تا حالا شده که حسرت زندگی مردم خارج از ایران رو بخوری؟

هر روز و هر دقیقه، آره!

- تا حالا شده به خاطر این حسرت و حالا غمی که زندگی توی ایران داره، میل به مهاجرت هم پیدا کنی؟

من اصلاً مدت‌هاست که میل مهاجرت دارم، من یکی از آرزو اینه که بتونم از ایران برم و خیلی دلم می‌خواد که بتونم برم کره، ولی خب فرقی برام نمی‌کنه، جای دیگه هم بتونم برم، می‌رم.
- این نگاهی که به وضع حاکم بر کشور داری و این که باور داری در کشور اصلاً غم حاکم هست و این که دوست داری مهاجرت کنی، آیا از قبل این که اینستاگرام بریزی هم بود یا از بعد این که اینستاگرام ریختی تقویت شد و به وجود اومد؟

خب قبل اینستا که من بچه‌تر بودم، فکر نمی‌کردم اوضاع این قدر بد بشه توی کشور ما! همه‌اش فکر می‌کردم اینایی که می‌خوان از کشور برن، مثلاً دارن یه ذره سخت می‌گیرن، ولی همین طور که بزرگ‌تر شدم، دیدم که نه، واقعاً این‌جا افتضاحه و همه حق دارن اگر فکر رفتن توی سرشون باشه! مثلاً وقتی یک کنسرت نمی‌تونه بره، مثلاً من اگه بخوام برم بی‌تی‌اس، کنسرتش، اونا هیچ وقت نمایان توی ایران کنسرت بذارن تا صد سال دیگه! منم اگر بخوام برم یک کشور دیگه، کلی هزینه‌اش می‌شه، چون کشور ما اقتصادش داغونه! یعنی بین بدیهی‌ترین چیزها که آدما می‌تونن داشته باشن، ما نمی‌تونیم داشته باشیم و این کاملاً باعث شده که من دلم بخواد مهاجرت کنم، ولی خب ورود به اینستا باعث شد که این واقعیت هی توی سرم بخوره! یعنی هی استوری اینا که توی ایران نیستن رو ببینم یا خارجیا رو ببینم، کلاً خیلی آزار دهنده هست.

- به نظرت این میل به مهاجرت در هم‌سن و سال‌ها و دوستان هم بیشتر شده؟

آره، حتی توی سن بالاترها هم یک جوری شده که می‌گن، دل‌شون می‌خواد برن.

- اگر شرایط یک کم بهتر از این بود، ترجیح می‌دادی توی ایران بمونی؟

به نظرم با یه کم ماجرا درست نمی‌شه، چون باید خیلی چیزا درست بشه، باید خیلی آزادی باشه، باید خیلی از حقوق‌مون رو که الان نداریم بهمون بدن که بخوایم بمونیم این‌جا، فعلاً که می‌خوام از این‌جا فرار کنم...!

- پس در واقع وقتی دوست داری توی ایران بمونی که عیناً مثل همون شرایطی باشه که مثلاً

کشورهایی مثل کشورهای غربی یا کره و این‌ها دارن؟

خب می‌تونیم فرهنگ خودمون رو حفظ بکنیم، قرار نیست فرهنگ‌مون رو عوض بکنیم، ولی قوانین مسخره‌مون رو که باید حذف کنیم! آره.

- بین حرف‌ها به حجاب هم اشاره کردی، خودت به حجاب اعتقاد داری؟

بین من فکر می‌کنم اگر یک نفر می‌خواد حجاب داشته باشه، باید حقش رو داشته باشه که داشته باشه، ولی قرار نیست مایی هم که نمی‌خوایم داشته باشیم، مجبور باشیم، نه، من چندان اعتقادی بهش ندارم.

- پس در واقع به نظرت باید همه آزاد باشند؟ یکی دوست داره حجاب داشته باشه، یک دوست نداره، نداشته باشه.

آره دیگه، به نظرم درستش همینه.

- به نظرت چند وقت هست که این نگاه رو به حجاب پیدا کردی، یعنی از قبل هم همین نگاه رو به حجاب داشتی و علاقه‌ای نداشتی بهش یا بیش‌تر از بعد اینستاگرام این طور شد؟
اون موقع بیش‌تر توی شک و تردید بودم که مثلاً...، آخه بعضیا می‌گن که ما این همه مشکل بزرگ داریم، ولی شما گیر دادین به حجاب! اما توی اینستا آدم هم‌فکرای خودش رو می‌بینه، مثلاً فمینیستا رو می‌بینه یا آدمای همین ضدنظام رو می‌بینه یا چیزایی شبیه به این و آدم مصمم می‌شه که خودش داره اشتباه فکر نمی‌کنه! واقعاً حجاب چیز مسخره‌ایه و حق هر کسیه که نخواد داشته باشدش.

- پس در واقع به نوعی از وقتی اینستاگرام رو ریختی اون شک و تردیدی که داشتی برطرف شد و نتیجه‌گرفتی حجاب رو زیاد دوست نداری و علاقه‌ای نداری حتماً رعایتش کنی؟
بین آره، نه این که بگم من چه می‌دونم حجاب‌ستیز شدم و اینا، خب هر کی دلش می‌خواد، می‌تونه حجاب داشته باشه، ولی این که این قدر حق ما رو پایمال می‌کنن، بیش‌تر به چشمم میاد با اینستا دیگه.
- منظورت از حق ما رو پایمال کردن، حکومته که داره این کار رو می‌کنه؟
هم حکومت، هم دین، این که کلاً یک قدرت برتر به خودش اجازه می‌ده ما زنا باید چی بپوشیم، چی نپوشیم! انگار که ما آلت دست اوناییم.

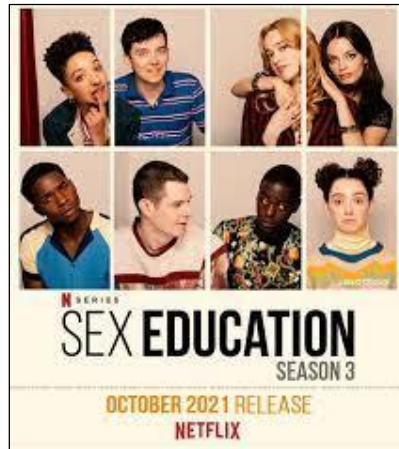
- می‌شه بگی دقیقاً چه چیزهایی رو توی اینستاگرام دیدی که باعث شدن این نگاه توی شما تثبیت بشه و چنین عقیده‌ای پیدا کنی؟
می‌گم، مثلاً اونایی که خارج زندگی می‌کنن، یعنی ایرانیای خارج نشین، خیلی تفاوت اساسی داشتن، چون اونا هم عین ما هستن، این جا به دنیا اومدن، ولی دیگه دچار جبر جغرافیایی نیستن، یک جای دیگه اند، می‌تونن هر کاری که دل‌شون می‌خواد بکنن یا مثلاً من بعضی وقتا برنامه‌های تالک‌شو آمریکایی رو می‌بینم و توی این برنامه‌ها مثلاً می‌بینم که این بازیگر چه قدر زندگی‌ش راحت نسبت به ما، ما چه قدر همه چی رو سخت می‌گیریم.

- می‌شه درباره‌ی این برنامه‌هایی که می‌گی یک کم بیش‌تر توضیح بدی یا مثال بزنی؟
برنامه‌های late night show یا همون برنامه‌های شبانه‌شون، مثلاً یک برنامه‌هاییه که از ۱۱، ۱۲ به بعد توی آمریکا یا مثلاً انگلستان پخش می‌شه، مجری‌های مختلفی داره، مثلاً جیمی کیمل فکر کنم یا حالا بقیه، اینا کلاً برنامه‌های طنزه دیگه، یعنی یه حالتیه که بازیگرا یا افراد معروف و مشهور رو دعوت می‌کنن، با یک مجری حرف می‌زنن و در مورد همین حواشی بین بازیگرا صحبت می‌کنن، گاهی بازی می‌کنن، چیزای این مدلی کلاً.



- پس دیدن این‌ها باعث شد، فکر کنی چه قدر اون‌ها راحت هستن و ما نیستیم؟
 آره، یعنی زندگی شون بیش‌تر به چشمم میاد، کمبودهامون توی این‌جا رو انگار بیش‌تر می‌بینم.
 - جدای از مسأله‌ی حالا آزادی و حجاب که اون‌جا دارن، چه چیزهای دیگه‌ای توی زندگی شون بود که باعث می‌شد اون‌ها رو ببینی و حسرت‌شون رو بخوری؟
 فکر می‌کنم کلاً سطح رفاه‌شون نسبت به ما بیش‌تره و به لحاظ اقتصادی هم همین‌طور بهترن، در کل نظام‌های اون‌جا به فکرشونن نه مثل ما، فیلم‌هاشون هم خیلی هیجان‌انگیزتر از فیلم‌های داخلیه و من ادیتم از سریال‌های مختلف می‌بینم توی اکسپلور، آره دیگه، چیزایی شبیه به این.
 - به نظرت با دیدن چیزهایی مثل فیلم و سریال‌های خارجی، برنامه‌های تلویزیونی شون و ایرانی‌هایی که خارج از کشور هستند، باعث شد که چنین نگاه و نظری پیدا کنی؟
 آره، من اخیراً یک سریال دیدم، اسمش بود sex education که این سریال واقعاً این رو به چشمم آورد که چه قدر ما سخت می‌گیریم توی رابطه‌ی دختر و پسر، مثلاً توی مدرسه، دبیرستان، همه جا، یعنی تا مدت‌ها که دخترا و پسرا رو از هم جدا کردیم، ولی این خارجیا توی این سریالاشون که من کلیپاش رو توی اینستا هم دیدم، نمی‌دونم حتی خیلی آزادانه درباره‌ی رابطه‌ی جنسی دوتا جنس هم، با هم حرف می‌زنن.





– می‌شه درباره‌ی این سریال یک کم بیش‌تر بگی، مثلاً دقیقاً موضوعش چی بود و چه چیزهایی داشت که باعث شد حسرت بخوری؟

بین نه این که حسرت بخورم، ولی واقعاً کمبود یک‌سری چیزا رو به چشم آدم میاره این فیلما، من اولین بار آشناییم با این سریال از این‌جا بود که توی اکسپلورم، یک بخشی از مصاحبه‌ی دو، سه‌تا از بازیگرای سریال رو دیدم و بعد چون به نظرم خیلی بامزه بودن بازیگراش، رفتم، سرچ کردم و کلاً سریالش رو شروع کردم به دیدن. الان یعنی داستانش رو تعریف کنم؟

– یک کلیتی مثلاً درباره‌ی این که چیه و چه چیزهایی توش گفته می‌شه و چه داستان کلی رو دنبال می‌کنه؟ اگر بشه توضیح بدی ممنونت می‌شم.

بین کلاً شروعش با یک صحنه‌ی خیلی تابو شروع می‌شه، دو نفر دارن با هم دیگه سکس می‌کنن و خیلی جریزه داشتن به نظرم که این شکلی سریال رو شروع کردن، بعد در ادامه هم درباره همینه دیگه، یعنی انگار می‌خوان یک ذهنیت درست‌تری از رابطه‌ی جنسی بدن به نوجوونا، توی این طیف سنی.



- خوب آیا این ذهنیتی که می‌گی می‌خواستن یاد بدن، برای خودت هم تغییری پیدا کرد، در این باره ازشون چیزی یاد گرفتی؟

خب بین اصلاً فکر می‌کنم ذهنیت ما با اونا خیلی فرق داره، چون اونا توی یک مرحله‌ای هستن که به نظرشون سکس خیلی چیز خوبیه، همه حتماً باید انجام بدن، خیلی از اونا فکر می‌کنن که مثلاً اگر تا یک سن خاصی رل نزنن و رابطه‌ی جنسی نداشته باشن، مشکل دارن. در حالی که ما برعکسیم! فکر می‌کنیم اگر یکی با کسی رابطه‌ی جنسی داشته باشه، مشکل داره، این تفاوتاً واقعاً باعث شد که من بفهمم چه قدر مسخره هست تابوهایی که توی ایران، به نظرم روی منم تأثیر گذاشته و مثلاً کلاً خیلی چیزای آموزشی جالبی در مورد رابطه‌ی جنسی ارایه می‌ده، مثلاً فهمیدم که خیلی چیزای توی رابطه جنسی مهمه، صرفاً انجام و اینا نیست، یعنی خیلی چیزای عاطفی هست، چیزای پیشگیرانه هست و این چیزا.

- پس در کل به نظرت تأثیرش توی این زمینه مثبت بود و باعث شد سواد جنسیت بالا بره؟ من که الان کاری نمی‌کنم، اما به نظرم دانش جنسیم رو آره، خیلی بالا برد.

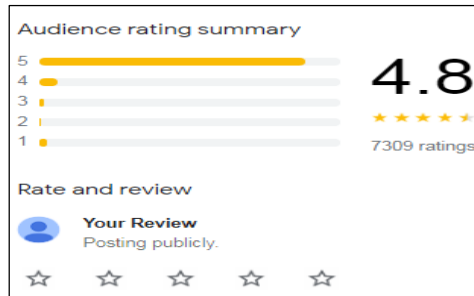
- تا قبل از دیدن این سریال و کلاً محتواهایی با این مضمون توی اینستاگرام و سریال‌ها و غیره، آیا نظرت متفاوت بوده با الان، یعنی آیا شما هم مثلاً همین نظری که به قول خودت جامعه‌ی ما در این مورد داشت رو داشتی؟

نه این که دقیقاً همین نظر رو داشته باشم، اما خب آره، یعنی به نظر من، یعنی هنوزم به نظر من این جوریه که، این که آدم رابطه‌ی آزادانه با همه داشته باشه، یک جوریه، یعنی نه این که بگم مخالفشم، اما قبلاً بیش‌تر حس خیلی بدی داشتم که یک نفر، مثلاً ممکنه با ۴ نفر در رابطه باشه و با همه‌شونم رابطه جنسی برقرار کنه، اما الان احساس می‌کنم دیدن سریال سکس اجوکیشن باعث شد که رابطه ... با چند نفر برام عادی سازی بشه، به خاطر این که فهمیدم این ذهنیتی که ما توش هستیم، قدیمیه، البته هنوز برای خودم خوشم نیامد که بیش‌تر از یک مثلاً شریک جنسی داشته باشم، اما به نظرم یک چیزیه که مردم خودشون باید در موردش تصمیم بگیرن.

- پس تا الان در عمل باعث نشده تغییر توی رفتارت در مورد این مسایل بدی؟

چرا، مثلاً توی بحثامون می‌گم من همیشه طرفدار اونی بودم که می‌گفت نه، مثلاً درست نیست که آدم با افراد متنوع دوست بشه، مثلاً من همیشه دنبال اون the one ام، انگار اون یک نفری که آدم تا ابد از نظر عاطفی و جنسی باشه، اما بعد از سریالای مختلفی که پیدا کردم که خیلی‌هاشم از اینستا پیدا کردم، فهمیدم این ذهنیت من خیلی بچه‌گانه هست.

- پس در واقع اینستاگرام و حالا این سریال‌هایی که از طریق اون باهاشون آشنا شدی و دیدی، باعث شد که نگاهت نسبت به روابط حالا عاطفی و جنسی قبل از ازدواج تغییر کنه؟ خیلی خیلی، به خاطر این که، می‌دونین خیلی آگاهی بخش بود برام.



- توی دوستان و اطرافیان چه طور، آیا اون‌ها درباره‌ی مثلاً حجاب و هم این مسأله‌ی حالا عاطفی و جنسی که گفتم هم همین نظر رو دارن، آیا نظرشون مثل شما همین تغییر رو کرده؟ در مورد حجاب که اکثراً آره، یعنی خیلی فراگیره، ولی در مورد روابط جنسی خب هنوز یک ذره تابو هست، یعنی من دوستایی دارم که هنوز این جور فکر می‌کنن که آره، آدم باید فقط با یک نفر باشه، فلان، یا مثلاً آدم عوض نکنه توی رابطه‌اش، اما من می‌گم، همین کامنتای یکی از پستای اینستا که یک تیکه از دیالوگای همین سریال sex education رو گذاشته بود، داشتم حرف چند نفر رو می‌خوندم، به هم دیگه جواب داده بودن، زیر اون پست که دیدم اونا هم عین من شدن، یعنی دارن به این می‌رسن که آره، واقعاً این تفکرات قدیمی که داشتن، بچه‌گانه هست که آدم یک نفر رو پیدا کنه که همون فرد رؤیایی باشه و معمولاً توی زندگی واقعی این اتفاق نمی‌افته.

- پس در واقع الآن اون باوری که سابق داشتی مبنی بر این که یک نفر هست که برای آدم خیلی مناسبه و عالیه، اون رو از دست دادی، به نظرت دیگه چنین فردی برای آدم وجود نداره؟ نه، به نظرم وجود نداره.

- الآن در کل نظرت راجع به ازدواج چی هست و چه نظری در مورد ازدواج و تشکیل خانواده پیدا کردی؟

هنوزم فکر می‌کنم ازدواج برای کسانی که دوست دارن، خوبه، مثلاً می‌دونی ما قبلاً خیلی این مدلی بودیم که خوبه آدم ازدواج کنه و بره زیر یک سقف، ولی الآن می‌بینم این حالتی که خارجی‌ها دارن توی فیلماشون یا من مثلاً توی اینفلوئنسرهای اینستاگرامی هم می‌بینم که مثلاً بدون این که حالا ازدواج رسمی کنن با هم، توی یک خونه زندگی می‌کنن هم، خیلی خوبه، چون آدم طرف رو می‌شناسه، هم این که حالا حتماً نیاز نیست تعهدی بده، یعنی تعهد دادن خوبه، اما به نظرم خیلی آدم رو محدود می‌کنه.

- حالا به نظرت اگر دو نفر این نوع هم‌خونگی و زندگی رو با هم تجربه کردن، خوبه که در نهایت ازدواج رسمی هم انجام بدن؟

اون دیگه بستگی داره به خودشون و علاقه‌شون، به نظرم اگر بچه‌دار بشن، حتماً باید انجام بدن، اما اگر بچه‌دار نشن، حالا خیلی هم مهم نیست.

- یعنی اگر به خودت باشه و مثلاً شرایط باشه و بتونی، ترجیح می‌دی حتی الامکان حالا تا قبل این که بچه‌دار بشی با یک نفر، ازدواج تون رسمی نباشه؟

اگر من طرف رو واقعاً خیلی دوست داشته باشم، آره، دوست دارم ازدواجم بکنم باهاش، ولی دلم نمی‌خواد سر یک رابطه‌ای که حالا همین طور شروع شده، تعهد الکی بدم.

- پس خیلی به نظرت سخت تر باید تن به اون ازدواج رسمی داد و بهتره رابطه‌ی هم‌خونگی یا ازدواج سفید شروع بشه؟
آره، حتماً.

- به نظرت دوستان و هم‌سن و سال‌ها هم چنین نگاهی پیدا کردن و همچین نگاه و عقیده‌ای داره گسترش پیدا می‌کنه؟

بین کلاً حس می‌کنم توی دانشگاه‌مون چند دسته هستن، یک سری هستن که می‌گن نه بابا، اصلاً ازدواج رو قبول نداریم و برامون مهم نیست، نمی‌خوایم ازدواج کنیم. یک دسته هستن که چون دیدگاه سنتی - مذهبی دارن، ازدواج براشون مهمه، یک دسته این وسط هستن که نه خیلی مذهبین، نه خیلی غیرمذهبین، بعد اون بین موندن و شک دارن کدوم وری برن، ولی ازدواج رو ترجیح می‌دن، من از این دسته وسطیا بودم، اما الان که احساس می‌کنم اطلاعات بیش‌تری رو به دست آوردم، بیش‌تر الان جز اون دست‌هایی شدم که محکم می‌گم که لزومی نیست آدم حتماً ازدواج بکنه، اگر نیاز دید، بکنه.

- خوب به نظرت الان بین هم‌سن و سال‌هاتون و هم‌نسل‌هاتون این نگاه داره بیش‌تر می‌شه؟
آره، چون این یک نگاهیه که توی بیش‌تر جهان غرب رایجه، ولی ماها کم‌تر بوده برامون، اما الان که در معرض این محتواها هستیم و با اینستا و فیلم و آهنگ، کم‌کم داریم به اون سمت می‌رییم.

- و به نظرت این خوب هست؟

آره، به نظرم خوبه که آدم بتونه نظرش رو بگه، ما که نمی‌گیم هیچ کس ازدواج نکنه که، می‌گیم این تابو نباشه که حتماً همه باید ازدواج کنیم.

- گفتی که یک‌سری پیج‌ها و محتواهای فمینیستی رو می‌دید، می‌شه درباره‌ی اون‌ها هم توضیح بدی، مثلاً درباره‌ی چی می‌گفتن و بر اثر این‌ها، نگاه شما چه تغییری پیدا کرد؟

آره، اینا رو هم می‌بینیم که گاهی، حرفایی که اونا می‌زنن خب در مورد اینه که زن و مرد باید برابر باشن، مخصوصاً اونم توی جامعه‌ای مثل ایران که کلی حقوق رو از زنا گرفتن، مثل آزادی پوشش‌شون، مثل حق طلاق‌شون، مثل حق کار و ازدواج‌شون که دست پسره یا مثلاً یک‌سری از

ورزشکارا زن بودن که شوهرشون اجازه ندادن از کشور خارج بشن، یعنی مثلاً یک جواریی اختیار زنا رو دادن دست مردا، در مورد اینا سعی می‌کنن اطلاع رسانی بکنن و منم تمام قد اونا رو حمایت می‌کنم.

- آیا قبل از این که اینستاگرام ببینی و چنین محتواهایی هم ببینی، همین نگاه رو داشتی؟
اون موقع این نابرابری رو احساس می‌کردم، اما می‌دونی انگار از یک منبعی تغذیه نمی‌شدم، ولی الان یک‌سری روشن‌فکرای فمینیست چون هستن توی اینستا، باعث شدن که اطلاعات منم بالاتر بره و بتونم... می‌دونی اطلاعات کسب بکنم.

- می‌شه از این روشن‌فکرها و مثال‌هایی که می‌گی، مثال بزنی؟
مثلاً پیج‌هایی مثل فمینیسم روزمره هستن که در مورد ابعاد مختلف فمینیسم حرف می‌زنن و اون رو محدود به ایرانم نمی‌کنن، یعنی حتی توی خارجم یک‌سری ابعادی هست که هنوز نابرابری وجود داره، مثلاً دست‌مزد زنها گاهی کم‌تر از مرداست، توی همون شغلای یک‌سان، حالا سعی می‌کنم نسبت به اینا آگاه بشم یا مثلاً یک دختره هست که من دنبالش می‌کنم، استوری‌هاش رو توی اینستا، خودش دانشجوی پزشکیه خارج از کشور، ولی خودش ایرانیه و خودش فمینیسته و مثلاً در مورد این می‌گه که چه قدر نابرابری‌ها وجود داره، توی پزشکی حتی، در قبال زنها.

- مثلاً چه نابرابری‌هایی در این مورد می‌گه؟
مثلاً می‌گه احیای مریض می‌خوان انجام بدن با این آدمک‌های مصنوعی، این آدمک خب مرده همیشه، می‌گه هر جایی که رفته بودم، این آدمکه همیشه مرد بود، یعنی مذکر بود و مثلاً یک بار از استادم پرسیدم، این اگر زن باشه و سینه داشته باشه، اون موقع ما دقیقاً باید چه طور فشار بدیم که درست احیا بشه؟ به من گفت که چه می‌دونم، مثلاً یه کم نزدیک به شکمش رو فشار بدین یا وسط سینه‌اش رو، این دختره به استادش گفت که اگر طرف باردار باشه چی؟ مسلماً خیلی نمی‌تونیم بیایم روی شکمش رو فشار بدیم که احیا کنیم قلبش رو و بعد استاد خندید و گفت که مثلاً ما امیدواریم این اتفاق نیفته، یعنی امیدواریم زن باردار خیلی به پست‌مون نخوره! حتی توی جهان که این قدر مدرنه هم، یک همچین چیزایی وجود داره و احساس می‌کنم، این بلاگرایی که حالا فمینیست هم هستن، باعث شدن من آگاهیم بره بالاتر یا مثلاً کتابایی که در مورد این مسأله معرفی می‌کنن، دید من رو ارتقاء داده‌اند.

- آیا این کتاب‌هایی که معرفی کردن، خودت رفتی بخونی؟
راستش احساس می‌کنم کلاً فضای مجازی، مخصوصاً اینستا که همه‌اش کپشنا کوتاهه، باعث می‌شه که من یه کم توی خوندن فعال نباشم! برای همین شده که من برم کتابا رو بخرم، اما هنوز نخونده باشم‌شون.

- یعنی حس می‌کنی از وقتی وارد اینستاگرام شدی، نسبت به قبل، کم‌تر می‌تونی متن‌های بلند رو بخونی؟

آره، تمرکز انگار خیلی کوتاه‌تر شده، یعنی به سختی می‌تونم حالا نیم ساعت بشینم بخونم، حالا نهایت اینه که ده‌تا استوری بخونم توی اینستا که اونم ده دقیقه وقت می‌بره یا حتی پنج دقیقه! دیدن برام راحت‌تر شده.

- آیا الان بر اثر محتواهایی که می‌بینی خودت رو یک فمینیست به حساب میاری؟
آره، صد در صد.

- آیا تا حالا شده که خودت هم در عمل برای اعتراض به اشاعه این باورها و این طرز نگاه کاری کنی، مثلاً حرفی بزنی، جایی بری یا چیزی بگی؟

آره، مثلاً پست این دختره که گفتم، در مورد این مسأله حرف زده بود، من لینکش رو فرستادم توی گروه دانشگاه‌مون، یعنی اگر اخبار مربوط به این قضیه باشه، دوست دارم انتشارش بدم، پست‌های شبیه به این هم ببینم، می‌گذارم توی تلگرام، توی گروه‌های دوستانه یا مثلاً روز خشونت خانگی، سعی می‌کنم آگاه‌سازی بکنم توی استوری‌هام.

- تا حالا شده که خودت هم مثلاً بخواهی یکی از همین بلاگرهایی که می‌گی بشی یا خودت به شکل متمرکزتر و گسترده‌تری توی این زمینه فعالیت داشته باشی؟

فکر می‌کنم این عادتی که کتاب رو شروع می‌کنم، اما تموم نمی‌کنم، باعث شده دانشم محدود بمونه توی این زمینه فمینیست (فمینیسم). اگر منم کتاب خون‌تر بشم، شاید بتونم این کار رو بکنم و چیزایی که توی کتابا می‌خونم، بیش‌تر انتشار بدم و از شون بنویسم، دوست دارم، آره این کار رو کنم، اما فعلاً که توی ذهنم نیست، اما یک کاری بود که دوست داشتم انجام بدم توی عمل، اگه می‌خواید بگم.

- حتماً.

خب می‌دونم خیلی مسخره شاید به نظر برسه، ولی خب اون روزایی که بحث دختران انقلاب پیش اومده بود، من اصلاً خیلی هیجان زده شده بودم و واقعاً دلم می‌خواست منم برم یک جایی و روسریم رو این‌جوری دربیارم و تکونش بدم، ولی خب از اون جایی که آدم خیلی می‌ترسه از حکومت، کاری نمی‌کنه! اما آره، این کارای مربوط به این چیزا توی ذهنم هست.

- یعنی اگر به نوعی برخورد حالا حکومت و پلیس‌ها و این‌ها کم‌تر بود، می‌رفتی این کار رو می‌کردی؟

اگه ترس از زندانی شدن نبود، حتماً این کار رو می‌کردم. مثلاً مسیح علی‌نژاد رو هم خیلی تحسین می‌کنم، چون خانما و زنا رو به این‌وا می‌داره که برای آزادی‌شون تلاش بکنن، اما می‌گم من یه

کم ترسو تر از اون هستم که این کار رو انجام بدم، اما اگه ترس از زندان نبود، این کار رو می‌کردم، ای کاش می‌شد، حیف.



- یعنی بیش‌تر ترجیح می‌دی که حالا نه در عمل، بلکه در فضای مجازی و اینستاگرام و این‌ها توی این زمینه‌ها فعال باشی، درسته؟
آره، تلاشم رو می‌کنم.

- خوب الان بین دوستانهات، هم کلاس‌هات، اطرافیانم مخصوصاً بین خانم‌ها و دخترها، به نظرت این طرز نگاه داره گسترش پیدا می‌کنه؟
ببین یه‌سریا هستن توی دانشگاه‌مون اسم خودشون رو نمی‌گذارن فمینیست، ولی می‌گن به این برابری اعتقاد دارن و خب من نمی‌دونم، اما به نظرم بین خیلی‌هاشون داره رواج پیدا می‌کنه، ولی بعضیا اسم خودشون رو نمی‌گذارن فمینیست.

- این برابری که ازش صحبت می‌کنی رو می‌شه یک کم بیش‌تر توضیح بدی، یعنی الان به نظرت زن و مرد کاملاً برابرند یا حقوق‌شون برابره، می‌شه یک کم بیش‌تر درباره‌شون بگی؟
بین همین‌طور که توی مثلاً مصاحبه‌های توی اینستا آدم می‌بینه، توی پستا می‌بینه، انگار اون زن و مردی که دارن فعالیت می‌کنن توی اینستا یا توی زندگی واقعی، هیچ فرقی با هم ندارن در برابر مقامات، می‌دونی در برابر آدم‌ها، یعنی اگر اون مرد کارش رو درست انجام بده، تحسین می‌شه، فلان می‌شه، اگه بخواد فلان لباس رو بپوشه، اجازه داره، اون زنم پس باید اجازه داشته باشه هر طوری دلش می‌خواد لباس بپوشه، کارش رو درست انجام بده، حقوقش رو سر وقت بگیره یا به اندازه‌ای که داره تلاش می‌کنه، حقوق بگیره، می‌دونی یعنی محدود نشن هیچ‌کدوم‌شون، در مورد برابری که پرسیدی، خب آره دیگه، حقوق‌شون باید یکسان باشه، اما قاعداً نمی‌گم که از همه‌ی جهات برابرن، مثلاً مردا قدرت جسمانی بیش‌تری دارن، ولی خب زنا کم‌تره، من انتظار ندارم تعداد کارگرای مرد و زن یکسان بشه، چون زنا خیلی کم‌تر توی این شغل دووم میارن، ولی توی جاهایی که می‌تونن باید برابر بشه حقوق‌شون.

- یک کم قبل تر درباره‌ی بخش روابط عاطفی و جنسی هم صحبت کردیم و این که چه جوری نگاه کنیم و این قضایا متفاوت شده. آیا تا حالا توی اینستاگرام شده که خودت هم چنین روابطی رو تجربه کنی، حالا چه عاطفی و چه جنسی؟

تا حالا نشده که رابطه تجربه کنم، اما شده که مثلاً ۳، ۴ نفر بهم پیام بدن یا دایرکت، مثلاً دنبال کننده‌های دوستانم بودن، بعد به پیج من رسیدن، بعد فالوم کردن، بعد بهم دایرکت دادن، بعضیاشون همین جوری سر صحبت رو وا کردن، حرف زدیم اما تا حالا به هیچ رابطه‌ای منجر نشده. - چرا اون جا گفتی نظرت درباره‌ی این روابط فرق کرده و هیچ ایرادی نمی‌بینی اما تا حالا خودت تجربه‌شون نکردی؟

من حس می‌کنم به هیچ کس اون قدر علاقه‌مند نشدم که بخوام برم سمتش.

- پس یعنی صرفاً به خاطر این هست که آدمی که خوشت بیاد و دوست داشته باشی با اون رابطه داشته باشی رو تا حالا پیدا نکردی؟

آره، در عمل پیدا نکردم، اما یک پسره هست که توی اینستا دنبالش می‌کنم، نوشته‌هاش، حرفاش، عکساش، خیلی خوشم میاد، اما متأسفانه دوست دختر داره، یعنی فقط در این حد بوده، تا این جا فقط پیش رفتم، در این حد خوشم اومده، هیچ وقت کسی نبوده که توی زندگی خودم باشه که خوشم اومده باشه و باهاش رابطه بگیرم.

- می‌شه بگی چه چیزهایی می‌گه و می‌نویسه که باعث شده ازش خوشت بیاد؟

این پسره گیمره و آره دیگه در مورد این چیزا می‌گذاره کلاً، در مورد بازی‌های مختلف، من خودم خیلی اهل گیم و این چیزا نبودم، ولی از صداش چون خیلی خوشم میاد، صدای این پسره، دنبالش می‌کنم. بعضی وقتا استوریاش رو دنبال می‌کنم و می‌بینم، ولی علاوه بر گیم بودن، کارای دیگه‌ای هم می‌کنه، یعنی به نظر من خیلی هیجان‌انگیزه، مثلاً یک‌سری پست‌های آنباکسینگ داره، یعنی این که مثلاً یک‌سری چیزا رو از جاهای مختلف سفارش داده، مثلاً از دیجی کالا و اینا، بعد توی یک‌سری از ویدیوهای اینستا، میاد اینا رو آنباکس می‌کنه، یعنی مخاطبش می‌بینن، باز می‌کنه، با هم نگاه می‌کنیم اون چیزی که خریده چی بوده و فلان، از اینا خوشم میاد، ولی من بیش تر از حس و حال حرف زدنش و ایناش خوشم میاد.

- شده تا حالا متأثر از کارهایی که می‌کنه، خودت تمایل پیدا کنی مثلاً همین آنباکسینگ که گفتی رو انجام بدی؟

این که آنباکسینگ خودم کنم که علاقه‌مند نشدم، ولی به این که از دیجی کالا هی سفارش بدم آره! چون خیلی احساس خرید رو توی آدم ایجاد می‌کنه، مثلاً یک‌بار یک ویدیویی ضبط کرده بود در مورد وسیله‌های کاربردی که از دیجی کالا سفارش داده بود، یعنی یک‌سری چیزای خیلی ریز و

کوچولو، مثلاً نگه‌دارنده‌ی گوشی برای شارژر یا چیزای خیلی ریز و منم خیلی خوشم اومد، رفتم توی دیجی کالا، کلی گشتم، چیزای شبیه به این رو پیدا کردم، سفارش دادم.

- درباره‌ی این بحث خرید و حالا اقتصادی یک کم جلوتر صحبت می‌کنیم. به نظرت کلاً این روابط مجازی و اینستاگرامی بین دوستان، هم کلاسی‌ها و هم سن و سال‌ها در حال افزایش هست؟ آره، چون توی فضای مجازی آدم راحت‌تر می‌تونه آدمای شبیه به خودش رو پیدا کنه.
- چرا به نظرت راحت‌تر می‌شه پیدا کرد؟

خب وقتی طرف هر روز از خودش استوری می‌گذاره، تو کلی در مورد زندگیش می‌فهمی، می‌فهمی از چی خوشش میاد، نمیداد. اما وقتی که توی یک مهمونی می‌بینیش، مثلاً ظاهرش رو می‌بینی دیگه، مثلاً شاید طرف خوشگلم باشه، ولی شاید در طول روز کارایی بکنه که تو اصلاً بهشون علاقه نداری، اما توی اینستا آدم می‌تونه طرف رو بشناسه.

- پس در واقع به نظرت اینستاگرام باعث شده که برقراری روابط برای مردم و حالا چه خودت آسون‌تر باشه؟
آره.

- جدا از روابط عاطفی، روابط دوستانه چی، یعنی تا حالا شده دوست و رفیقی توی اینستاگرام پیدا کنی؟

اینستا باعث شده یک‌سری آدمایی که معمولاً خبر کمی ازشون دارم رو دوباره دنبال کنم. مثلاً من یک دونه دختر عمو دارم که واقعاً با هم در ارتباط نیستیم، اما خب وقتی پیج اینستاش رو دنبال می‌کنم، مثلاً یک پیج آموزش زبان انگلیسی داره، خب من وقتی اون رو دنبال می‌کنم، خب از اوضاع کاریش با خبر می‌شم، بعد براش ریپلای می‌زنم، توی کامنتا یک چیزی براش می‌نویسم یا مثلاً یک‌سری فامیلای دور مثل شوهر خاله که من فکر نمی‌کردم این قدر بهش نزدیک بشم، پیجش رو که دنبال می‌کنم، خب بعضی وقتا از خودش عکس می‌گذاره، یعنی احساس می‌کنم باعث شده آدم به کسایی که خیلی نزدیک نیست، نزدیک‌تر بشه.

- آیا تجربه‌ی دوستی و رفاقتی که از اینستاگرام شروع شده باشه و بیش‌تر بر پایه‌ی همین آپ هم باشه، داشتی؟

آره، من یک بار از همون پستا در واقع استوریای فمینیستی گذاشته بودم و بعدش یک دختری به من ریپلای زد که من نمی‌شناختمش، بعد که باهاش صحبت کردم، فهمیدم که از هم‌مدرسه‌ای‌هامونه، مدرسه‌ی قبلی مون که من تا حالا ندیده بودمش، مثل این‌که اون توی مدرسه حالا من رو دیده بود و بعد توی اینستا که دید من هستم، من رو فالو کرده بود، بعد مثلاً خیلی برام جالب بود، با هم صحبت کردیم، اونم دقیقاً عین من و تفکراتش عین منه، از اون‌جا با هم دوست شدیم.

- خیلی از مزایایی که اینستاگرام درباره روابط اجتماعی و دوستانه داره رو گفتی. حالا به نظرت نکته منفی هم داره؟

خب به نظرم اگر به بازدید حضوری منجر نشه، خیلی دل سرد کننده هست، مثلاً این دوست من، خب می‌گم، توی مدرسه‌ای که من درس می‌خوندم، بود، توی شهری که من هستم بود، بنابراین تونستیم هم‌دیگه رو ببینیم حضوری، ولی خیلی‌ها هستن، مثلاً یکی از دوستای خود من هست که با یک پسره دوست شده که اون همدانه و از طریق همین اینستاگرام بوده، الآن کلاً با هم رل زدن، ولی خب اینا از هم دورن و این خیلی ناراحت کننده هست دیگه، می‌دونی.

- پس به نظرت این روابط اینستاگرامی، حالا چه صرفاً روابط دوستانه باشه و چه روابط عمیق‌تر و عاطفی‌تر، وقتی خوب هستن و جواب می‌دن که روابط حضوری هم در کنارش باشه؟ آره، آخه از دور فکر می‌کنم سخته، مگر این که بتونن هم‌دیگه رو ببینن، مثلاً این دوست من، خودش پیش اومده که بره و ببینه یا پسره بیاد این رو ببینه.

- این رابطه‌ی دوستت چه طوری هست، می‌شه پیش‌تر درباره‌اش بگی؟ این رابطه‌ی دوستم واقعاً سر دراز داره، یعنی الآنم که این دختر ترم چهاره، تا جایی که یادم میاد از سال یازدهم بود که اینا با هم دیگه دوست شده بودن، ولی اون موقع‌ها به من می‌گفت مثلاً یک دوستی ساده هست و با هم کاپل نیستیم، منم فکر می‌کردم واقعاً این جوریه، اما بعد پیش خانواده‌اش لو رفت و دیگه نتونست، چون مامانش خیلی حساس بود در مورد رابطه‌ی دختر و پسر، حتی دوستای معمولیش، دیگه نتونست مثلاً با پسره حرف بزنه، منم فکر می‌کردم تموم شده، اما اخیراً که هم‌دیگه رو دیده بودیم، متوجه شدم که نه اینا با هم دیگه واقعاً اون جوری دوست بودن، اما دل‌شون نمی‌خواست به بقیه بگن، رل زده بودن، الآن هم هنوز رل ان، یعنی بعد از این که کنکورش رو داد، دوباره با هم دیگه صحبت کردن و الآن هم با هم دیگه رل زدن و راستش رو بخوای خیلی دل و جرأت دارن توی رابطه‌شون، هم‌دیگه رو هم چندین بار دیدن، دوستم یک بار، یک دیدار خیلی خطرناکی داشته به نظر من!

- این دیدار خطرناک‌شون رو هم می‌شه توضیح بدین، چرا فکر می‌کنی خطرناک بوده و چرا فکر می‌کنی برای ادامه‌ی رابطه‌شون خیلی دل و جرأت دارن؟

به خاطر این که این دوستم، من اگر با کسی دوست شده بودم که از اینستاگرام بود، شاید این قدر راحت حالا بهش اعتماد نمی‌کردم، اما این دوستم نه تنها باهاش دوست شد، با هم صمیمی شدن و پسره اومد دیدش توی شهرشون، بلکه خودش یک بار، چون اینا دوتا خونه دارن، بعد توی دوتا شهر مختلف، توی این خونه‌ی دومشون اومده بود، یک کاری داشت توی اون شهر، یک چند روزی اون‌جا مونده بود، ولی خانواده‌اش توی شهری بودن که خونه‌ی اصلی‌شون هست و دوستم به طرز

خیلی خطرناکی تصمیم گرفت که شبانه بره شهر پسره که تهرانه و بینتش برای چندین ساعت و بعد برگرده! این خیلی خطرناک بود به نظر من.

- بیش‌تر چنین کاری رو تحسین برانگیز می‌دونی یا اشتباه؟

به نظر من تحسین برانگیزه که مثلاً یک کسی این قدر جرأت داشته باشه، این کار رو بکنه و به نظر اگه از پسره مطمئن بوده، خب ایرادی نداره، ولی خب شاید من، خودم، یه ذره دیرتر اعتماد می‌کردم.

- به نظرت اگر شما هم در چنین شرایطی قرار می‌گرفتی، این کار رو می‌کردی؟

اگه مثلاً دوتا شهر بهم نزدیک باشه، ممکنه، چون این دوست من خونگی دومشون قزوین بود و به تهران فکر می‌کنم اون قدر هم دور نیست.

- چرا می‌گی اگه من بودم دیرتر به پسره اعتماد می‌کردم؟

به خاطر این که تاحالا واقعاً وارد رابطه‌ی مجازی نشدم، نمی‌دونم رفتارم چی می‌شه در واقعیت! ولی خب در خودم این رو می‌بینم اگه وابستگی عاطفی داشته باشم، یک همچین کارایی هم بکنم، اما باز می‌گم که نباید آسون اعتماد کرد.

- در کل الان اگر بخواهی یک ارزیابی از روابط اینستاگرامی داشته باشی، هم از جنبه‌ی عاطفی‌تر

و عمیق‌تر و هم از جنبه‌ی دوستانه‌تر، به نظرت جنبه‌ی مثبت این روابط بیش‌تره یا منفی؟

به نظرم خیلی پنجاه پنجاهه، بستگی داره که آدم چه جوری ازش استفاده کنه، یک چاقو هست که می‌تونی باهاش یا میوه بخوری یا دستت رو ببری!

- آیا مطالب، پست و استوری‌هایی توی اینستاگرام درباره مسایل سیاسی رو هم دنبال می‌کنی،

مثلاً اخبار و مسایل تحلیلی؟

مسایل اجتماعی آره، بعضی وقتا دنبال می‌کنم، یک‌سری قتل‌ها که اتفاق می‌افته یا اعداما که

اتفاق می‌افته یا اعتراضات معلما که مثلاً اتفاق افتاده، چون خودم حقوق می‌خونم، برام جالبه.

- می‌شه بیش‌تر بگی، مثلاً مثال بزنی از چیزهایی که اخیراً رخ داده و دنبال کردی و پیگیرش بودی؟

مثلاً صفحه‌ی ایران اینترنشنال و رادیو فردا، یک‌سری اخبارهایی دنبال می‌کنم، در مورد مثلاً

می‌گم اعتراضات معلما شروع شده بود توی چندین شهر، بعد حتی یک‌سری هاشون دستگیر شده

بودن و خب خیلی ناراحت‌کننده بود برام. ما مثلاً توی قانون اساسی می‌خونیم که نمی‌دونم باید رفاه

فراهم بشه، فلان فراهم بشه، اما خیلی تناقض داره با چیزی که باید باشه.

- از این منابع خبری که گفتی، بیش‌تر منابع داخلی رو دنبال می‌کنی یا خارجی؟

بیش‌تر هر دوشون با همه، چون هم می‌خوام نظر این‌وریا رو بشنوم، هم اون‌وریا، اما آخه به نظرم

منابع ایران خیلی توی اینستا قوی نیست، اونا رو اگر بخوام دنبال کنم بیش‌تر توی مثلاً تلویزیون

ایران.

- پس می‌شه گفت به طور کلی مسایل اجتماعی و سیاسی به نوعی دغدغات هستن و تلاش می‌کنی با یک نگاه باز و همه جانبه دنبال شون کنی؟

بین خیلی عمیق عمیق نمی‌شم که برم تفاسیر و تحلیل اون اتفاق رو بخونم، اما دوست دارم، آره، باخبر بشم.

- خوب چرا دوست داری باخبر بشی، حالا جدای از این که می‌گی به خاطر رشته که حقوق می‌خونم، خودت چه علاقه‌ای داری که باعث می‌شه این مسایل رو دنبال کنی؟

خب فکر می‌کنم دلیل این که من این رشته رو انتخاب کرده بودم، همین حق جویی بوده، حالا چه برای زنا، چه برای اقشار ضعیف، چه برای مردمی که تحت فشار این ظلم قوانین هستن، فکر می‌کنم اینه دیگه، یعنی از علایقم میاد و این که خب خودم وسطش هستم، نمی‌تونم بگم من توی اجتماع نیستم یا نمی‌دونم سیاسی نیستم، مجبورم باشم، دلمم می‌خواد عمیق تر بشم.

- این علاقه‌ات به حق جویی که گفتی آیا از قبل اینستاگرام هم بود یا بعد از این که اینستاگرام ریختی و محتواهای داخل اینستاگرام رو دیدی، بیش تر در درونت به وجود اومد؟

بین یک سری خبرنگارا هستن توی اینستا که خبراشون رو استوری می‌کنن یا در مورد مسایل حرف می‌زنن، مثل مهدی رستم‌پور یا کسانی مثل این آدم یا همین مسیح علی‌نژاد و خب این باعث شده من چشمم باز تر بشه.



- پس در واقع پیگیری این اخبار و آگاهی داشتن در زمینه‌شون رو یک نوع رسالت اجتماعی می‌دونی؟

آره، می‌دونم، دلم می‌خواد عمیق‌تر بشم.

- آیا تاحالا اقدام کردی که خودت هم به نوعی در این زمینه‌ها فعال باشی، محتوایی بگذاری و بیش‌تر از یک صرفاً دنبال‌کننده باشی؟

گاهی یک‌سری از این خبرنگارا، یک‌سری خبرهایی می‌گذارن که خیلی مهمه، لطفاً انتشار بدید، من بعضی وقتا پیش میاد که اینا رو انتشار بدم توی استوریم، اما این که خودم محتوا تولید بکنم، نه. - مثلاً یک نمونه از این پست‌ها یا استوری‌هایی که به نظرت خیلی مهم بودن که خودت هم به اشتراک گذاشتی، می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً همین بحث می‌گم اعتراضات که شده بود، خیلی‌ها می‌گفتن این رو انتشار بدید که آدمای بیش‌تری هم ببینن که این قشر این قدر آسیب دیدن یا مثلاً بحث واکسیناسیون که شده بود و یادمه رهبر گفته بود که واکسن آمریکایی وارد نکنین، این رو هم من انتشار دادم، چون خیلی‌ها باور نمی‌کنن که این آدمم...!

- پس در واقع الآن نگاهی که داری این هست که به رهبری و نهادهای بالای نظام و حکومت هم نگاه منفی داری؟
آره خب.

- آیا این فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی که توی اینستاگرام انجام می‌شه رو اصلاً مفید می‌دونی، یعنی به نظرت یک اصلاح و تغییر واقعی می‌شه به دنبال این‌ها رخ بده؟
والا من فکر می‌کنم با یک انقلاب درست و حسابی می‌تونه تغییر بکنه! و خیلی‌ها هم توی اینستا دنبال این هستن.

- یعنی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی که در اینستاگرام انجام می‌شه رو به چشم مقدمه‌ای یا زمینه‌چینی برای اون انقلابی که در موردش صحبت می‌کنی، نگاه می‌کنی و دوست داری انجام بدی و دنبال کنی؟

ببین به نظرم بعیده به این زودیا اتفاق بیفته، به خاطر نوع خلق کلاً مردم ایران، انگار خیلی اهل اعتراض و اینا نیستن، اما همین اخیراً که اعتراضات شده بود، سر آب توی خوزستان، خب دیدی که چه قدر مردم رو آزار دادن و واقعاً حق مسلم‌شون رو زیر پا گذاشتن، برای همین فکر می‌کنم با این حالا نیروی نظامی که برخلاف مردم ایران داره قدم برمی‌داره، خب مردم می‌ترسن این کار رو بکنن. اما فعالیت‌های اینستاگرامی، فکر کنم یک تعدادشون در همین جهت هست و منم حمایت‌شون می‌کنم.

- این که می‌گی مردم ایران خیلی اهل اعتراض نیستن و خوب این روحیه بدیه، به نظرت به خاطر ترس از همین قوای نظامی که حکومت در اختیار داره هست یا مثلاً چیز دیگه‌ای؟

آره، به نظرم به خاطر اینه، چون ما بارها دیدیم که اخیراً مثلاً آبان ۹۸، اون زمانم بود که اعتراضات خیلی شدیدی بعد از گرون شدن بنزین، شده بود، اما خب فقط به بنزین منتهی نشد، یعنی کشید به کل نظام و حتی یک هفته اینترنت‌ها قطع شد. خب یعنی این که مردم می‌خوان، درسته توی این چهل سال کم‌تر خواستن، ولی الان دیگه توی سال‌های اخیر می‌خوان.

- تا حالا شده خودت هم توی این اعتراض‌ها شرکت کنی، توی این اعتراض‌های فیزیکی و این که می‌رن توی خیابون و شعار می‌دن و این جور چیزها؟

نه، می‌گم که من حس می‌کنم اون قدر شجاعت ندارم و توی اون مسأله حجاب و اینا نتونستم یک کار عملی بکنم، اما دوست دارم توی این حوزه هم قوی بشم.

- این نگاه منفی که به نظام سیاسی حاضر داری و حالا راه حل رو یک انقلاب و یا یک تغییر خیلی گسترده‌ای می‌دونی، آیا این نگاه رو از قبل این که اینستاگرام بریزی به نوعی داشتی یا بیش‌تر به خاطر چنین محتوایی در شما این فکر به وجود اومد؟

به نظرم با چنین محتوایی بود که جرأتش رو گرفتم و دیدم که آدمای زیادی این شکلی وجود دارن، باید متحد بشیم و خب بایدم دعا کنیم آدمای نظامی و اطلاعاتی و... این قدر اذیت‌مون نکنن! - خوب فکر می‌کنی اگر یک انقلابی انجام بشه و حالا این نظام سیاسی حاکم از بین بره، چه نظامی باید جاش بیاد و چه نظامی بهتره که جایگزینش بشه؟

یک نظامی که دموکراسی واقعی داشته باشه، نه مثل ما که اسم جمهوری داریم و یک نظامی که آزادی رو خیلی بهش بها بده، یک نظامی که همین آدمایی مثل مسیح علی‌نژاد طرف‌داری می‌کنن ازش، یعنی یک جایی که واقعاً آزادی بیان باشه، بتونی نظراتت رو بگی و اقتصاد واقعاً بهش اهمیت داده بشه، توی بند دین و این چیزا نباشه، مثل خیلی از کشورهای اروپایی و آمریکایی و... - این نگاهت به آزادی و دموکراسی و این جور چیزها هم از بعد اینستاگرام توی شما به وجود اومد؟ بله. خیلی تأثیر زیادی داشت روم، چون با متفکرای زیادی آشنا شدم.

- می‌شه چندتا از این متفکرها رو مثال بزنی؟ می‌گم دیگه، مثلاً همین علی‌نژاد تأثیر زیادی داشت روم یا همین آقای رستم‌پور، اونم یک خبرنگاره، یا حتی دیدن کاوه مدنی که قبلاً توی ایران، توی محیط زیست سمت داشته، اینم برام مهم بود. درسته که اون از لحاظ محیط زیستی خیلی آدم رو آگاه می‌کنه، ولی اون آدم اومده بود که توی ایران کارای خوبی بکنه برای محیط زیست، اما بعضی از آدم‌ها بهش انگ زدند و می‌دونن حتی اون قدر آزادی بیان نداشته که از محیط زیست ما دفاع کنه، چه برسه اگه آدم عقیده متفاوت

داشته باشه، همه این چیزا باعث می‌شه که من یک جورایی مصمم‌تر بشم و اینستا به نظرم توی این جهت خیلی کمکم کرده.



- آیا مسایل و جنبش‌های محیط‌زیستی رو هم توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟
همین پیج آقای مدنی رو دنبال می‌کنم که در مورد چیزای مختلف حرف می‌زنه، اما راستش بعضی وقتا حوصله نمی‌کنم کامل ویدیوها رو ببینم، اما خیلی ویدیوهای جالبی می‌گذاره.
- می‌شه مثلاً از حرف‌هایی که می‌زنه و ویدیوهایی که می‌گذاره مثال بزنی، مثلاً چی می‌گه و آیا حرف‌هایی که می‌زنه تغییری توی نگاه و افکار شما هم به وجود آورده؟
هم از چیزای دم دستی صحبت می‌کنه مثل آزار دادن حیوونا، مثل این‌که زباله نریزیم، از این گرفته تا اخیراً یک استوری ازش دیده بودم، داشت در مورد کمبود آبی که امکان داره توی شهرها ایجاد بشه، می‌گفت، داشت در مورد اونا هشدار می‌داد در واقع، می‌گفت اینا بعد به سرنوشت خوزستان دچار می‌شن، گفت و گوهایی هم می‌کنن با افراد سرشناس حوزه محیط زیست.
- شده که تحت تأثیر این حرف‌هایی که می‌زنن و چیزهایی که می‌گن، خودت هم رفتار خاصی درونت به وجود بیاد و سبک زندگی‌ت رو در این جنبه تغییر بدی؟

بین یکی از چیزایی که یادمه همین آقای مدنی بود که پست گذاشته بود توی اینستا، مقایسه- ی سبک زندگی و جترین و وگن و آدم‌های همه چیزخوار بود و نشون می‌داد اینا، هر سبک زندگی، یعنی غذاهاشون، چه قدر آب مصرف می‌کنه و از همه کم‌تر وگنا بودن، این یعنی خب خیلی به محیط زیست کمک می‌شه اگر یک نفر وگن بشه، خیلی زیاده‌خبر، منم نمی‌گم می‌خواستم وگن بشم‌ها، چون خیلی کار سختیه واقعاً، مخصوصاً توی ایران، اما گوشت قرمز رو الان چند وقته از سبد غذایی حذف کردم، تقریباً ۳، ۴ ماهه، به خاطر این که اون تولیدش آب خیلی زیادی مصرف می‌کنه. - یعنی الان و جترین شدی؟

نه، من مرغ و ماهی می‌خورم، فقط گوشت قرمز رو قطع کردم.

- آیا دوست داری، حالا می‌گی سخته، ولی دوست داری یک روزی توانایی این رو پیدا کنی که با این مسأله کنار بیای و وگن هم بشی؟
توی ایران نه، ولی اگر از ایران خارج بشم که امیدوارم بشم، آره حتماً، چون اون‌جا توی کشورهای خارجی آپشن‌های بیش‌تری هست برای کسی که وگنه.

- خوب راجع به اون بحث سیاسی که کردیم، به نظرت آیا دوستان، هم‌سن و سال‌ها، اطرافیان هم همین نگاه داره درون‌شون به وجود میاد، به همین شکل تفکرشون راجع به مسایل سیاسی ایران داره تغییر می‌کنه؟

آره کاملاً، بین مثلاً ما هنوز با بچه‌های مدرسه‌مون در ارتباطیم، با یک‌سریاشون که صمیمی بودم، یعنی از بعد دانشگاه هم یک گروه داریم توی تلگرام، بعد گاهی که درباره‌ی همین کشور و مسایله‌ش حرف می‌زنیم، واقعاً خیلی حالت سرخوردگی دارن، یعنی یک آدمی که مثلاً من یادمه ما مثلاً وقتی توی مدرسه بودیم، این خیلی این‌جوری نبود، یعنی همه‌اش فکر می‌کرد، این چیه که ما همه‌اش خودمون رو با خارجیا مقایسه می‌کنیم و فلان و اینا، اما الان اونم این شکلی شده که

۱- افرادی که محصولات غذایی نظیر گوشت قرمز، گوشت سفید، لبنیات، تخم مرغ را نمی‌خورند وگن هستند. این افراد حتی از محصولاتی که از حیوانات گرفته شده باشد نیز استفاده نمی‌کنند. هدف این افراد از انتخاب این روش غذایی و زندگی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

بیش‌تر این افراد به علت اخلاقیات و انسانیت رو به این سبک زندگی و آداب غذایی می‌آورند. اغلب آن‌ها اعتقاد دارند، حیوانات نیز مانند انسان‌ها حق زندگی دارند و انسان برای رفع نیازهای خود نباید جان حیوانی را بگیرد و همچنین برخی معتقد هستند، افزایش بیماری به علت خوردن گوشت و محصولات حیوانی است که با کشتن حیوان تهیه می‌شود. برخی از وگن‌ها هم اعتقاد دارند با نخوردن هر نوع گوشتی در غذاهای خود باعث می‌شوند چربی‌های مضر، کلسترول‌های بد و مواد سمی وارد بدنشان نشود، در عوض تحت نظر متخصصان تغذیه سبزیجات، میوه و دانه‌های گیاهی را جایگزین می‌کنند که مواد حیاتی بدن آن‌ها از دست نرود.

افراد و جترین در غذاهای خود فقط از گوشت قرمز و گوشت سفید استفاده نمی‌کنند، اما افراد وگن علاوه بر آن که گوشت قرمز و گوشت سفید نمی‌خورند، هر محصولی که از حیوانات به دست می‌آید یا تهیه می‌شود را نیز برای خود ممنوع کرده‌اند.

فهمیده این کشور چه قدر داره داغون می‌شه، به نظرم حتی آدمایی که قبلاً تاحدی هم هوادار نظام بودن هم، الآن دارن با این سیل خبری اطلاعاتی که حالا توی فضای مجازی مثل اینستا هست، تغییر می‌کنن.

- خوب به نظرت این خوب هست؟

صد در صد.

- مثلاً درباره‌ی طرح‌هایی که تا امروز درباره‌اش صحبت کردن، از جمله همین طرح صیانت یا اگه مثلاً به نوعی اینستاگرام رو فیلتر کنن، آیا حاضری عضو شبکه‌های جایگزینی که حالا احتمالاً داخلی هم هستن و نظام تبلیغ می‌کنه، بشی یا مقاومت می‌کنی و هم‌چنان توی اینستاگرام می‌مونی؟ اولاً من فکر می‌کنم طرح صیانت خیلی بیش‌تر از یک فیلتر ساده هست، چون مثلاً وقتی تلگرام رو فیلتر کردن، من هنوزم با فیلترشکن استفاده می‌کنم و حتماً اگر اینستا هم فیلتر کنن، با فیلترشکن می‌رم، چون به نظرم خیلی منبع خوبی، حالا هم سرگرمیه، هم از نظر خبری و همه چی خیلی عالیه، فکر به این که صیانت اجرا بشه واقعاً من رو دیوونه می‌کنه، اگه بخواد واقعاً عملی بشه، من به هر دری می‌زنم که از ایران برم.

- چرا این قدر وحشتناک بود، دقیقاً چه چیزیش رو این قدر وحشتناک می‌دونی؟

بین من می‌گم که اینا تمام راه‌های ارتباطی ما رو می‌خوان ببندن با اطلاعاتی که ما می‌تونیم به دست بیاریم، الآن از همین اینستا کلی آدم آگاه شدن نسبت به مسایل سیاسی، اجتماعی، حتی سرگرمی‌هاشون بیش‌تر شده، ولی اینا وقتی بخوان این مسیر رو ببندن، آدما هم کم‌تر آگاه می‌شن و خب اینترنت خیلی فضای آزادیه برای اطلاعات.

- در مورد مسایل زیست محیطی چی، درباره‌ی اون‌ها هم به نظرت اطرافیان و دوستان و

آشنایان هم توجه شون به این مسایل بیش‌تر شده؟

آره، آره، شده. مثلاً من بیرون که می‌رفتیم، بابام عادت داشت که پوست هندونه، تخمه، کلاً چیزایی که گیاهی‌طور بود، بریزه اون کنار و بذاره بمونه، مثلاً می‌گفت نمی‌دونم ایراد نداره، چون اینا گیاه هستن و اینا، اما مامانم جدیداً خیلی حساس شده و اگه بریم بیرون، بهش می‌گه که نه، اینا رو حتماً باید بریزی توی سطل زباله.

- شده که خودت هم بخواهی یک روزی چنین فعالیت‌هایی داشته باشی توی اینستاگرام و حالا

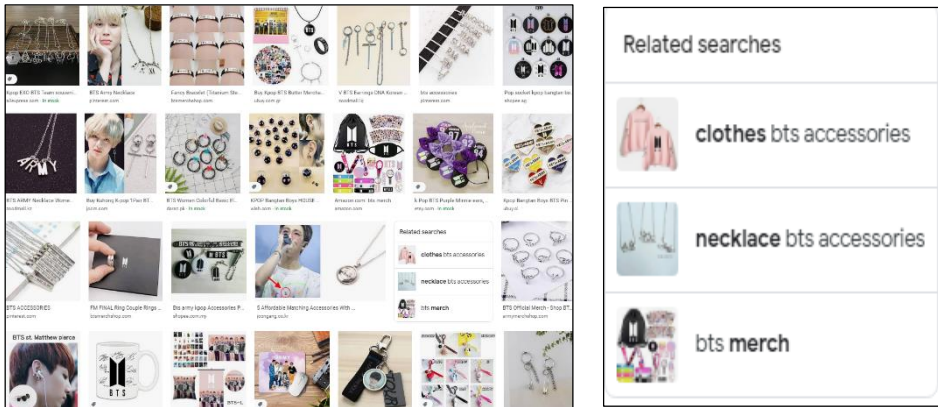
چه در جاهای دیگه و بخواهی خودت هم به نوعی یک فعال محیط زیست به شمار بیای؟

اگه بتونم که وجترین بشم، چون وگن که فکر نمی‌کنم بتونم بشم توی ایران! اما اگه وجترین بشم آره، دلم می‌خواد بیش‌تر در مورد اثرات محیط زیستی وجترینی یعنی گیاه‌خواری اشاعه بدم، چون خیلی توی کاهش آب و گازهای گل‌خونه‌ای تأثیر داره.

- پس به نوعی این مسایل زیست محیطی هم دارن دغدغه‌ات می‌شن و شدن.

آره، شدن.

- قبلاً توی مصاحبه به مسأله‌ی خرید هم اشاره کردی، این که خیلی شده مثلاً خریدهای مختلفی کنی، مخصوصاً چیزهایی که توی اینستاگرام دیدی، می‌شه بیش‌تر در این مورد توضیح بدی، مثلاً بیش‌تر چی می‌خری و کلاً نظرت در این مورد چی هست؟
خب همین‌طور که گفتم من طرفدار بی‌تی‌اس هستم، بعد یک پیجی دارم که کلاً اکسسوری و چیزای مختلف می‌فروشه، بعد یک‌سری پوستر سفارش داده بودم، یعنی آدم می‌تونه عکس مورد علاقه‌اش رو بده، اونا پوسترش کنن. یک، دو، سه تا پوستر این جوری خریده بودم از یک پیجی.



بعد یک پیجی دارم که عروسکای دست‌ساز خیلی کوچولو، خیلی کوچولو می‌سازه که خیلی هم گرون و من پولم نمی‌رسه بخرم، ولی خیلی خوشم میاد، دوست دارم بتونم از این چیزا بگیرم.
- شده تا حالا چیزهایی ببینی که مثلاً قبل‌تر دوست نداشتی یا نیازی بهشون نداشتی، اما بعد از

این که توی اینستاگرام دیدی شون، علاقه‌مند شدی اون‌ها رو بخری و داشته باشی؟

آره، من جدیداً یک‌سری اسلایم دیدم توی اینستا، من قبلاً وقتی اسلایم می‌دیدم توی فروشگاه‌ها، می‌گفتم آخه چه کاریه آدم اسلایم بخره، اما توی اینستا کلیپایی هست که دختره اسلایم رو بیهوش می‌ده و خیلی حس آرامش بخشی داره، بعد یک بار رفتم خریدم، البته آنلاین نه، از یک فروشگاه خریدم، خیلی از اسلایم خوشم اومد.

- پس در واقع بعد از اینستاگرام، یک‌سری از خریدهایی که قبلاً نداشتی اضافه شده و یک‌سری کالاهایی که قبلاً سراغشون نمی‌رفتی و نمی‌گرفتی، الان می‌خری، درسته؟
آره، پیش میاد.

- شده که تا حالا خودت هم به فکر این بیفتی که از اینستاگرام بخوای درآمدزایی داشته باشی یا مثلاً به نوعی پیجی بزنی و یک کسب و کاری راه بندازی؟

راستش شک دارم، نمی‌دونم دقیقاً، ولی خب خیلی به ذهنم میاد که کار دانشجویی انجام بدم، اما هنوز دقیق بهش فکر نکردم.

- می‌شه دقیق‌تر بگی منظورت دقیقاً از کار دانشجویی چی هست؟
یعنی مثلاً خودم یه سری از کارای این مدلی مثل تایپ، کارای تحقیقاتی، ادمینی اینستا و... رو انجام بدم. تا الان پیش نیومده، اما بدم نمیداد یه روزی از این کارا کنم، بالاخره هم تجربه است و هم باعث می‌شه آدم پول دربیاره که توی این کشور... شده لازمه.

- چرا تا الان پیش نیومده؟

حوصله‌اش رو نداشتم صرفاً.

- کلاً نظرت درباره‌ی کسب و کارهای اینستاگرامی چی هست؟

خیلی خوب هستن و باعث شدن خیلی‌ها کار پیدا کنن و بتونن درآمد داشته باشن. خودم چندتا از دوستانم هستن که تلاش کردن از اینستا، با زدن پیج‌های مختلف پول در بیارن و کلاً داره این چیزا زیادتر می‌شه که خوبه.

- آیا حاضری یک روز منبع اصلی درآمدت اینستاگرام باشه؟

نمی‌دونم راستش، چون هنوز تجربه‌اش نکردم، نمی‌تونم دقیق نظر بدم، شاید یه روزی بشه کار اصلیم، فعلاً باید تجربه‌اش کنم اول ببینم چه طوره.

- مرسی از این‌که وقتت رو در اختیارم گذاشتی.

خواهش می‌کنم، خسته نباشید و خداحافظ.

- سلامت باشی، خداحافظ.

تأملی دوباره:

صبای ۲۲ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

صبا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، از ظرفیت آموزشی اینستا، استقبال از آموزش جنسی، ارتقای دانش جنسی، پذیرش عدم ضرورت زندگی با یک نفر در طول زندگی یاد کرده است.

صبا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: گسترش ارتباطات، جهانی شدن (با افزایش مبادلات فرهنگی)، تعمیق رابطه با دوستان و

آشنایان، عمق یافتن دوستی‌های مجازی، حضوری شدن دوستی‌های مجازی، اثرپذیری عمیق نوجوانان و جوانان از الگوها، بدبینی نسبت به الگوهای داخلی، استقبال از الگوسازی‌های آن سوی آب (استقبال از گروه بی‌تی‌اس)، علاقه به مهاجرت و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

صبا ۲۲ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به تغییر ذائقه مصرفی کاربران در جریان سلیقه سازی برای آنان، اشاره داشته است. صبا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اخلاقی کاربران، از پذیرش عدم ضرورت زندگی با یک نفر در طول زندگی و استقبال از ازدواج سفید یاد کرده است. صبا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده به شکل سنتی در اندیشه برخی از کاربران در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

صبا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به کاهش تمرکز در جریان کاربری از فضای مجازی و فعالیت افراد در اینستا به مثابه یک آزمون فرافکن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

صبا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به معیار قرار گرفتن استانداردهای غرب در امر زیبایی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

صبا ۲۲ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به آسیب‌های جسمی در اثر کژکاربری از فناوری‌ها، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به توجه نظری و عملی به مسایل زیست محیطی، علاقه (عملی) به مسایل زیست محیطی و ایجاد تغییر در سبک زندگی، اعتقاد به خیانت مسوولان به زیست محیط ایران، اشاره داشته است. صبا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: جهانی‌اندیشیدن و نقد سیاسی، نگاه نسبتاً مثبت به نظام‌های سیاسی غرب، برگشت از تایید نظام، استقبال از اقدامات سیاسی علیه نظام، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

صبا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: جهانی‌اندیشیدن، نقد عقیدتی، کاهش حساسیت‌های عقیدتی هم‌زمان با کاهش تدریجی حساسیت‌های فرهنگی، استقبال از ازدواج سفید، پذیرش روابط آزاد جنسی دو جنس، اشاره داشته است.

صبا ۲۲ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: جهانی‌اندیشیدن، پذیرش برخی از کالاهای جدید برای مصرف، القای مفاهیم

فرهنگ فمینیستی به کاربران، ترجیح فرهنگ بصری به جای فرهنگ مکتوب، حضور مراکز هنری غیر همخوان با فرهنگ بومی در فضای مجازی، تغذیه از برنامه‌های فرهنگی غرب، اثرپذیری‌های فرهنگی از الگوهایی که در لفافه هیجان‌های هنری به مخاطبان ارایه شده‌اند، ظهور گروه‌های فرهنگی بی هویت در فضای مجازی (شبهه افراد حاشیه‌ای)، تغذیه نامناسب فرهنگی و گرفتار آمدن به ابتذال فکری، ارایه اطلاعات سطحی و کم عمق در اینستا، خطرات موجزگویی‌های مکتوب اینستا، تولید محتواهای مبتذل، کاهش تدریجی حساسیت‌های فرهنگی، گسست فرهنگی، استقبال از فرهنگ لذت مدار، وقوع گسست فرهنگی، بسترسازی‌های فرهنگی - اجتماعی جهت مقابله با نظام، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه صبا ۲۲ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، صبا ۲۲ ساله، در مصاحبه خویش با نقد خطامشی‌های فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی موجود در ایران و کنار نهادن الگوهای داخلی، به دنبال جایگزینی برای خطامشی‌های فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی خویش در فضای جهانی شده، متوجه سلبریتی‌ها، اینفلوئنسرها و بلاگرهای آن سوی آب شده است که دقایق زندگی و رفتارهای آنان از طریق اینستا در دسترس وی قرار گرفته و می‌گیرند.

صبا با الهام گرفتن از گروه بی‌تی‌اس، آرزوی خویش را رقص شدن اعلان کرده، بیان می‌دارد، از این که ملزم به رعایت حجاب است و نمی‌تواند آزادانه لباس بپوشد، ناراحت است. به همین ترتیب وی با الهام از الگوهای جدیدش، نه تنها به لحاظ ظاهری سعی در تبعیت از آنان دارد (و مثلاً موهایش را همچون عضو گروه بی‌تی‌اس قرمز کرده است)، بلکه به لحاظ رفتاری هم رفتارهای آنان را مد نظر قرار داده، می‌کوشد تا از آن‌ها کپی‌برداری کند (و مثلاً با تلاش در جهت مهاجرت به موطن آنان، کپی‌برداری خود را به حداکثر برساند) و فراتر از آن، به لحاظ ارزشی نیز ارزش‌های آنان را درون‌سازی کرده و در همین راستا، نه تنها تشکیل خانواده را ضروری نمی‌داند، بلکه با استقبال از ازدواج سفید، زندگی با یک فرد در طول عمر را نیز ضروری نمی‌داند.

ماحصل آن چه در بیانات صبا وجود دارد، فاصله گرفتن از فرهنگ بومی، گسست فرهنگی و جایگزینی یک فرهنگ لائیک و لذت‌مدار، در زندگی وی است.

مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله

پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینچ، مژگان، حمید وای - تی هم هستند، اینا خیلی خوبن.

- سلام بهروز جان!

سلام.

- حالت چه طور هست؟

ممنون، شما چه طورین؟

- ممنون عزیز. بهروز جان من می‌خواهم چند سوال راجع به خودت و استفاده‌ات از اینستاگرام از شما بپرسم، هر جا احساس خستگی کردی به من بگو تا مصاحبه رو قطع کنیم. باشه، حتماً.

- در ابتدا تصویری از خانواده خودت می‌دی؟

بله. من ۱۸ سالم هست. دانش‌آموز کلاس دوازده هستم. پدرم شغل آزاد داره و مادرم خونه‌دار هست. وضعیت اقتصادی مون هم متوسط رو به بالا هست.

- خوب ممکنه بگی روزانه حدوداً چه قدر از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

میانگین ۳ ساعت، بستگی به اون روز داره، اگه خیلی بتونم خودم رو سرگرم کنم کم‌تر می‌شه، اما اگه حوصله نداشته باشم می‌رم اینستا.

- با چه کارهایی خودت رو سرگرم می‌کنی که سمت اینستاگرام نری؟

گیم می‌زنم، سریال می‌بینم معمولاً، قبلاً بیشتر بود استفاده‌ام، شاید روزی ۴، ۵ ساعت، ولی کم‌ترش کردم، چون محتواش واقعاً چرت شده، قبلاً مفیدتر بود، الان محتوای مفید رو توی یوتیوب می‌بینم.

- بهروز چرا گفتمی محتوای اینستاگرام چرت شده، دلایلت چی هست؟

یه زمانی همه پیجا دنبال تهیه محتوای قشنگ و مفید بودن، اما بعد از یه مدتی اکثرشون فقط دنبال کامنت و لایک گرفتن افتادن.

- چرا؟

چون دنبال بالا رفتن پیج‌شون، فالوراشون بالا بره که اینا روی بیارن به کار تبلیغ و پول دربیارن، وقتی که افتادن دنبال پول، دیگه کامل محتوا رو فراموش کردن.

- یعنی می‌گی پول درآوردن از این طریق بده؟

نه، اتفاقاً خیلی هم خوبه، ولی نه این که افراط بشه، خیلی از این پیجا فقط به اون پوله اهمیت می‌دن و این درست نیست. باید در کنار پول درآوردن از طریق پیج، به تولید محتوای خوب هم اهمیت بدن و متعادل برن جلو.

- پیجی بوده که به همین علت آنفالو کرده باشی؟

من پیج ایرانیایی که ویدیو طنز می‌ساختن رو زیاد داشتم، ولی بعد یه مدتی اکثرشون رو آنفالو کردم، چون افتادن توی همین مسیر.

- یکی رو مثال می‌زنی؟

مثلاً علی صبوری.

بعد کلاً علاوه بر اینا فضای اینستا سمی شده، خیلیا برا مسخره بازی پیج می‌زنن، خیلیا برا کلاه‌برداری، خیلیا برا فحش دادن، برا همیناست که چرت شده.

- وقتی هم مشغول کارهای دیگه هستی، به این که اون کارت رو زودتر تموم کنی و بری توی اینستاگرام گشت بزنی، فکر می‌کنی؟

نه، اهمیتی نداره اینستا، ولی همین فکر رو در مورد گیم و سریال دارم، فقط منتظرم تموم شه و حتی یه سری کارا که خیلی مهم نیست هم‌زمان پادکست گوش می‌کنم و انجام می‌دم.

- خیلی سریال می‌بینی؟

آره، خیلی زیاد نگاه می‌کنم، هر چی پیج اخبار سریال جدید یا فصل جدید سریالای مورد علاقه‌ام رو منتشر کردن، سریع می‌رم می‌بینم که از خماری دربیام.

- اسم چندتا از گیم‌هایی که می‌زنی رو می‌تونی بگی؟

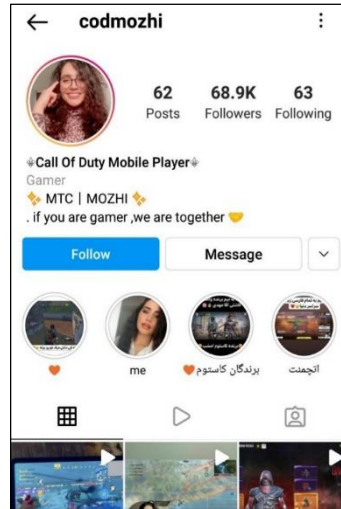
آره، مثلاً کالاف موبایل هست، پابجی هست، قبلاً فورتنایت هم می‌زدم، نینجا آرشی هم یکی دیگه شونه.





- چرا فورتنایت دیگه نمی‌زنی؟
- دوستام می‌گفتن بچه‌گونه است، منم نردم.
- یعنی تمامی این بازی‌ها رو با دوستان خودت می‌زنی؟
- به جز نینجا که آفلاین هست، بقیه‌شون رو با دوستام می‌زنم.
- بازی‌های آنلاین رو دوست داری؟
- آره.
- چرا؟
- چون با دوستامون با هم می‌زنیم و می‌خندیم و چون با بازیکنای دیگه از کل دنیا بازی می‌کنیم، هیجان‌ش بیش‌ترم می‌شه، اصلاً همون هیجان اصل جنسه، اون قدر کیف می‌ده که نگم برات.
- چه طور با این بازی‌ها آشنا شدی؟
- دوستام گفتن دانلود کنم.
- اون‌ها چه طور آشنا شدن؟
- اونا توی اینستاگرام دیدن.
- می‌تونن بیش‌تر توضیح بدی.
- خب بین کلاً بازیایی مثل کال آف یا پابجی و فورتنایت، اول برای کنسول و کامپیوتر میان، بعدش کم‌کم برا موبایل هم عرضه می‌شه. حالا بعضی از گیمرها یا یوتوبرها، برای تولید محتوا، توی کانالای یوتوب‌شون یا پیجای اینستاگرام‌شون، سراغ یکی از این بازی‌ها توی کنسول، کامپیوتر یا موبایل می‌رن. اونا بازی می‌کنن و از بازی‌شون استریم می‌گیرن، بعد اون رو به صورت لایو یا فیلمای ادیت شده پخش می‌کنن.
- استریم یعنی چی؟
- همون فیلم گرفتن از بازی‌شون منظوره.
- پس دوستان هم این طوری آشنا شدن، درسته؟
- آره، بازی چندتا گیمر حرفه‌ای رو دیدن و خوش‌شون اومد، از اون موقع هم دنبال می‌کنن کارای اون گیمر رو.

- خوب اسم چندتا از این گیمرها رو به من می‌گی؟
من چون خودم کالا آف بیش تر بازی می‌کنم، پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پرو پلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینچ، مژگان، حمید وای - تی هم هستند، اینا خیلی خوبن.



- این‌ها فقط پیج اینستاگرام دارن؟
بین کار اکثراً اینا این شکلیه که از اینستاگرام شروع می‌کنن تا معروف شن و تعداد فالورهایشون بالا بره، وقتی که بالا رفت، سریع یه کانال توی یوتیوب می‌زنن و اون‌جا تولید محتوا می‌کنن.
- خوب چرا از همون اول توی یوتیوب کانال نمی‌زنن؟

چون کسی نمی‌شناست‌شون که.

- منظورت این هست که معروف شدن توی اینستاگرام راحت‌تر از یوتیوب هست؟
بله، دقیقاً.

- بعد چرا وارد یوتیوب هم می‌شن؟

چون خود شبکه یوتیوب، بر اساس تعداد ویوی که فیلمات توی یوتوب بخوره، بهت پول می‌دن.
- بهروز می‌تونی به من بگی با توجه به این که ایران از طرف یوتیوب تحریم هست، ایرانی‌ها چه طور از این طریق پول درمیارن؟

یه کم قضیه سخت می‌شه، ولی نشدنی نیست. اول این که یوتیوب بر اساس تعداد ویو و دنبال کننده کانال، میاد پول می‌ده. دقیق یادم نیست ولی بالای ۹۰۰-۱۰۰۰ نفر باید دنبال کننده داشته باشی، تعداد ویو رو یادم نیست، اونم یه عدد مشخص داشت. برای گرفتن پول از یوتیوب هم اگر یکی رو توی خارج از کشور داشته باشی، از طریق اون یه حساب توی خارج باز می‌کنی، چون مهمه محل حساب داخل ایران نباشه، بعد اون طرف می‌تونه بیاد به وسیله صرافیا، پول رو بریزه توی حساب داخل ایران.

- اون شخصی که توی خارجه خیلی باید مورد اعتماد باشه، درسته؟
آره، دقیقاً.

- پس این‌ها میان توی اینستاگرام که شناخته بشن و بعد می‌رن یوتیوب که پول درمیارن؟

آره، ولی از همون اینستا هم می‌شه پول درآورد، یوتیوب برای پول بهتره یه جورایی.

- توی اینستاگرام از چه طریقی پول درمیارن؟

تبلیغ پیجی‌های دیگه یا پیجی‌های دیگه توافق می‌کنن که توی بازه‌های زمانی خاصی تبلیغ‌شون رو کنن و اینا هم پول بگیرن.

- به نظرت چرا معروف شدن توی اینستاگرام راحت‌تر از یوتیوب هست؟

نه فقط یوتیوب، کلاً راحت‌تر از جاهایی مثل توئیتر یا حتی کانالای تلگرامی هست، دلیلشم می‌تونه این باشه که خب کلاً تولید محتوا کردن توی اینستاگرام راحت‌تره و هر کسی دنبال محتوایی شبیه به پیج تو باشه، خود به خود تو قسمت اکسپلور اینستاگرامش، پستای پیج تو براش بالا میاد و راحت تو رو پیدا می‌کنه. دلیل دیگه‌اش هم این می‌تونه باشه که خب تلگرام و توئیتر توی ایران فیلتر هستن و سخته بخوای توش فعالیت کنی، ولی اینستا فیلتر نیست.

حتی توی اینستاگرام، افراد خارجی از کشوری مختلف، راحت‌تر می‌تونن تو رو پیدا کنن و این -
طوری کم‌کم حتی می‌تونن توی دنیا معروف بشن.

- چرا خارجی‌ها راحت‌تر پیدات می‌کنن؟

ما یه چیزی داریم به اسم هشتگ که علامتش اینه: #

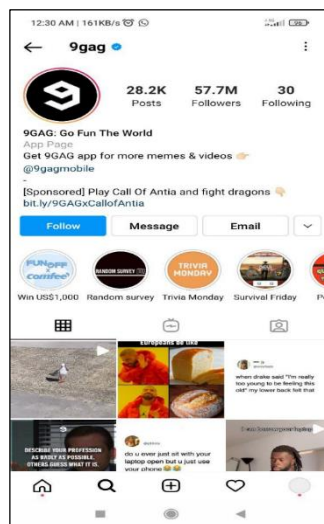
وقتی توی اینستا پست یا استوری می‌ذاری، می‌تونی از هشتک‌های فارسی و انگلیسی استفاده کنی، همین باعث می‌شه کسانی که اون هشتک رو سرچ می‌زنن، راحت تو رو پیدا کنن و بیان محتوای پیجت رو ببینن.

مثلاً کسانی که کال آف بازی می‌کنن اکثراً #callofdutymobile رو زیر پستاشون می‌نویسن، این طوری هم گیمرای خارجی و هم گیمرای ایرانی، خیلی راحت می‌تونن پستاشون رو پیدا کنن. - خوب حالا به من بگو کلاً توی این مدت زمانی که گفتی از اینستاگرام استفاده می‌کنی، بیش‌تر به چه پیج‌هایی با چه محتوایی سر می‌زنی؟

پیجای گیمنگ که در مورد بازی می‌ذارن که گفتم، میم‌های طنز و البته چندتا پیج دامپزشکی که در مورد حیوانات استوری می‌ذارن جالبه واسم. پیجای سریال و فیلم که اخبار اومدن شون می‌ذارن و نقدشون می‌کنن مفیده، استریمرا رو فالو می‌کنم که اگه استریم گذاشتن یا یوتیوب ویدیوی گذاشتن، برم ببینم، یه سری فروشگاهها رو هم دنبال می‌کنم که تخفیف چیزی زدن، سریعاً بفهمم و استفاده کنم، پیجای غذا و تیسترها رو هم فالو می‌کنم، جاهای خوب شهر رو بفهمم، البته اشتها ندارم، اونا رو می‌بینم اشتها باز می‌شه.

- خوب چندتا نمونه از این پیج‌های طنز میم رو می‌دی؟

9gag برای میم



۱- برای این که چیزی به عنوان (meme) شناخته شود، لازم است تا جنبه ویروسی داشته باشد و به شدت به اشتراک گذاشته شود. به خاطر همین، تصاویر، ویدئوها، و یا متن‌هایی که به میم تبدیل می‌شوند، باید قابلیت بازگو کردن داشته باشند، طنز آمیز باشند و یا هر دوی این موارد را دارا باشند. با این حال، در تبدیل شدن یک چیز به میم (meme) عنصر شانس هم خیلی دخیل است. حدس زدن این که چه چیزی آنقدر عمومی می‌شود که تبدیل به میم (meme) گردد، کار سختی می‌باشد.

- خوب چندتا نمونه از سایر پیج‌های مورد علاقه‌ات رو می‌دی؟

Iranpet_clinic

Drmehrddad_karimi برای دامپزشکی.

برای گیم ثابت پیجا زیاده، بهترین منابع پیجای خود شرکتای بازی هستن، ولی pardisgame و gamefa.official از منابع قدیمی هستن و ایرانی، اینا خوبن.

استریمرا هم که خیلی معروفن، مثل farhad xray یا bigezmoge
فروشگاه معمولاً از اکسپلور می‌بینم، فالو نمی‌کنم، جز دیجی کالا و lioncomputer و exogame

تیسترها

Shiraz delicious

Amoo rohi

و اینا هم میاد توی اکسپلور نمی‌خواد فالو کنم زیاد.

- پیج اون‌هایی که کال آف دیوتی بازی می‌کردن هم می‌دی لطفاً.

Abtyny1

Codmozhi

Ioslynch

- چی باعث شده بین این همه پیج که مثلاً توی زمینه دامپزشکی و فیلم و گیمینگ هستن، این پیج‌های به خصوص رو دنبال کنی؟

چون تولید محتوای بهتری دارن، تر و تمیز، فعالیت می‌کنن زیاد و به روز هستن، بعضی از پیجای فروشگاه‌ها، فقط انگار اومدن محصول معرفی کنن و این خوب نیست، در کنار محصول معرفی کردن، این پیجا اطلاع‌رسانی خوبی دارن، مطالب مفیدی می‌گن.

- چرا به این پیج‌ها علاقه‌مند هستی؟

دیگه وقت رو می‌گذرونه و مخصوصاً وقتی حوصله ندارم یا وسط کلاس آنلاینیم، باید یه جورى بگذرونم.

- خوب یعنی وقتی حوصله‌ات سر می‌ره، فقط دوست داری اینستاگرام بری؟

آره، تقریباً که زمان بگذرونه برام، ولی برا یه سری آموزش‌ها یا منابع اینستا می‌رم.

- مثلاً برای چه آموزش‌هایی اینستاگرام می‌ری؟

خب برای کارای مختلفی می‌رم، مثلاً پیجای گیمینگ بعضی موقع‌ها نکاتی رو می‌گن که باعث می‌شه نوع بازییم توی بازیای مختلف قوی‌تر بشه.

یا حتی شیوه‌های استریم کردن یا این که چه طوری می‌شه به یه یوتیوبر تبدیل شد رو یاد می‌گیرم که شاید یه روزی به دردم خورد.

- چرا دوست داری بازیای قوی بشه؟

خب شکست دادن حریفای واقعی توی بازیای آنلاین خیلی لذت‌بخشه و دوستش دارم.

- چه لذتی به شما می‌ده؟
- حس قدرت و گنگ بالا که یعنی آره منم کله گنده‌ایم برا خودم.
- بردهات رو توی اینستاگرامم به اشتراک می‌گذاشتی؟
- آره، ولی قبلنا نه، الان یا از بردهام استوری می‌ذاشتم یا از خود بازی.
- چیزی هم می‌نوشتی یا فقط استوری می‌کردی؟
- مثلاً می‌نوشتم #گیم - تایم.
- از باخت‌ها چی؟
- نه باو، حاجی مگه مغز خر خوردم (ناراحت می‌شود)، باختا اعصاب خودم رو به اندازه کافی خورد می‌کنه، حالا پیام به بقیه‌ام نشونش بدم؟ مگه مدال طلاست؟
- خوب بهروز خودت هم دوست داری یوتیوبر بشی و از بازی‌ها فیلم بگذاری تا مردم ببینن؟
- آره، این مورد اصن جزو برنامه‌هام هست.
- چرا؟
- خب درآمد خوبی داره، فکر کن هم از پیج اینستاگرام و هم از کانال یوتیوب بتونی پول دربیاری، تازه به این ختم نمی‌شه. توی تلگرام هم کانال می‌زنی و طرفدارات اون جا هم عضو می‌شن و از راه تبلیغ توی کانال تلگرامت هم می‌تونی پول دربیاری.
- راستی بهروز به کلاس‌های آنلاین توجه می‌کنی؟
- نه.
- چرا به کلاس‌های آنلاین توجه نمی‌کنی؟
- چون درسای عمومی اهمیت ندارن واسم، شب امتحان جمع‌شون می‌کنم، سر تخصصیا اهمیت می‌دم، شاید در آینده به دردم بخوره، اگه در ایران مدرک ملاک نبود و سربازی اجباری نبود، دانشگاه نمی‌رفتم (می‌خندد).
- شده از یک پیجی خوشت نیاده، اما باز هم بری به محتواش سر بزنی؟
- یه سری چیزا می‌ره روی مخم، ولی محتواشون رو دوس دارم، مثلاً از شخص خوشم نیاده، ولی ویدیویی که می‌ذاره رو دوس دارم، برا همین فالوش نمی‌کنم که هی پوزه نحسش بیاد جلوم، ولی ویدیوهایش رو می‌بینم.
- چندتا مثال بزن از این پیج‌ها که صاحب پیج رو دوست نداری اما محتوا رو دوست داری؟
- مثلاً hisenberg. Official یا mireyzed.
- چون با حاشیه اومدن بالا و دنبال درآمد هستن تا این جور بزن بالا، ولی محتوایشون خوبه، سرگرم کننده است.

- خوب بهروز جان درسته معروف شدن توی اینستاگرام آسون تر از یوتیوب و یا تلگرام هست، اما خوب الان هم فضای اینستاگرام یک جورایی اشباع شده و بلاگرهای خیلی زیادی توی هر زمینه‌ای در حال فعالیت هستن، خوب بعضی‌ها برای این که بیان ره صد ساله رو یک شبه طی کنن، رو به حواشی میارن، نظرت در این مورد چی هست؟

خب البته این مسأله جهانیه و فقط مختص ایرانی نیست، بعضی مواقع هم خیلی خوب جواب می‌ده، مثل خانواده‌کارداشیان‌ها که هر روز خدا یه حاشیه درست می‌کنن، تا هی بیش‌تر خودشون رو توی چشم مردم بکنن و خب براشون کار سازم بوده اینستاگرام، هر کدوم‌شون بالای ۷۰، ۸۰ میلیون فالور داره و خدا تومن برای تبلیغات پول می‌گیرن.

- خوب شما این کار رو تأیید می‌کنی؟

من به شخصه نه، ولی خب وقتی آدم نگاه اینا می‌کنه و می‌بینه دارن توی چه بهشتی زندگی می‌کنن، خیلی سخته که جلوی خودت رو بگیری و این کار رو نکنی، هر موقع که مثلاً لیست می‌دن که کدوم سلبرتی‌ها بیش‌ترین درآمد رو از اینستا کسب می‌کنن، این خواهران کارداشیان همیشه توی این لیست هستن، همیییییشه.

- یعنی دوست داری شما هم جزو اون لیست باشی؟

یه جورایی شاید.

- بین شما گفتم شاید دوست داشته باشی از طریق حاشیه پیجت رو بالا ببری، چون مثلاً کارداشیان‌ها این‌طوری رفتن بالا و الان دارن توی بهشت زندگی می‌کنن، درسته؟
بله، البته گفتم دوست ندارم، فقط چون اونا رو می‌بینم این‌طورین دلم می‌خواد بعضی وقتا.
- خوب تا حالا فکر کردی اگر حاشیه‌ای درست کنی و جواب نده، چه تأثیراتی ممکنه توی روح و روانت بگذاره؟

به نظرم بستگی به نوع حاشیه‌اش داره.

- مثلاً حاشیه‌هایی که شاخ‌های مجازی ایرانی مثل وحید خزایی، امیر تتلو، دنیا جهان‌بخت، مسعود ترکیبی و امثالهم درست کردن و خیلی هم شناخته شدن.
آره فهمیدم، به نظرم یه جورایی بازی با آبرو هست، آبروت می‌ره و اولش ممکنه خیلی سخت باشه، اما یه دفعه معروف می‌شی و پیجت روند افزایشی می‌گیره.

- خوب حالا فکر کن معروف نشدی هیچ، آبروت هم رفت، واکنشت چی هست؟

نمی‌دونم، خیلی بده این‌طوری، باید یا خودت رو بکشی یا آب بشی بری توی زمین (می‌خندد)، چون بدتر از این که آبروت جلو مردم بره، اینه که جلوی خانواده و دوست و فامیل و آشنا هم آبروت می‌ره.

- به نظرت واکنش خانواده‌ات چی هست؟

شاید ترکم نکنن.

- واکنش دوستان خودت چی هست؟

اونا هم ممکنه ترکم نکنن.

- فالورها چند نفر هستن؟

حدود ۱۶۰۰، قبلاً ۳۵۰۰ اینا بود، یه بنده خدایی فیک زده بود برام، اوکیش کردم، روند مثبتی داشت تا پارسال، ولی خب کنارش گذاشتم به دلایلی.

- چه فعالیت‌هایی می‌کردی؟

دیلی استوری می‌کردم، پست می‌ذاشتم هفتگی یا هفته‌ای دو بار رو تولید محتوا می‌کردم، اما خب به خاطر شرایط، حدود ۱۴ ماهه ولش کردم.

- خودت خواستی فیک بزنی؟

نه دادا، از روی شوخی زد، ولی بعداً فهمیدم اشتباه بزرگی کرده و درستش کردم، جالب‌تر اینکه، اون رفیق صمیمیم بود یه مدت، ولی الان هیچ نشونی ازش ندارم... این بدههههههه (استیکر شخصی به اسم سپهر خلسه را برای چندمین بار پی‌پی می‌فرستد).

- به سپهر خلسه علاقه داری که مدام استیکرهاش رو می‌فرستی؟

آره، خیلی خوبه این بشر.

- چرا؟

مگه فیلم‌های اینستاگرامیش رو ندیدی؟

- کدوم فیلم‌ها؟

بین سپهر خلسه میاد توی یه فیلمی به یه نفر دیگه به اسم پارسالیپ کلی فحش ناموسی می‌ده. حالا بیجای اینستاگرامی اومدن، کلی میکس‌های مختلف از این فحشا درست کردن، من هر کدوم این‌ها رو می‌بینم از خنده پاره می‌شم، یعنی بهتر ازینا پیدا نمی‌کنی توی اینستا.

- خوب توی این میکس‌ها فقط فحش می‌ده که می‌خندی؟

آره دیگه، ولی مثلاً روی فحشا آهنگ می‌ذارن، تصویر می‌ذارن و خیلی چیزای دیگه، برا همین این قدر خنده‌دار هستن.

- خوب این‌ها فقط برای شما خنده‌دار هستن یا برای دوستان خودت هم هستن؟

نه، فقط من و دوستانم، کلاً هر کسی می‌بینه، از خنده پاره می‌شه، اگر کامنتای این نوع پستا رو بری ببینی، می‌فهمی چی می‌گم، تازه حالا قسمت خنده‌دارترش می‌دونی چیه؟

- نه، چی هست؟

مجریای صدا و سیما یا بازیگرا، میان دقیقاً عین همین تیکه‌های سپهر خلسه یا میکسای دیگه اینستاگرام رو استفاده می‌کنن (می‌خندد).

- می‌تونن توضیح بدی چه کسانی استفاده کردن؟

مثلاً رضا جاودانی، مجری برنامه گزارش ورزشی هست که از شبکه ۳ پخش می‌شه، چند شب پیش داشت روی آنتن زنده کامنتای مردم رو می‌خوند که به یکی شون گفت: «بیا پایین سرمون درد گرفت».

- خوب این از تیکه‌های سپهر خلسه هست؟

نه دیگه، یه فیلم معروفی یه دفعه توی اینستا وایرال^۱ شد که توش یه پسر جوون بالای سطل آشغال نشسته، داره شعر می‌گه، بعد یه پیرمرد میاد بهش می‌گه، بیا پایین بچه، بیا پایین سرمون درد گرفت، یه فحش بهش می‌ده (می‌خندد).

اتفاقاً از این هم میکسای خیلی خفنی ساختن توی اینستا، الان زیر هر پستی بری توی اینستا، خیلیا کامنت گذاشتن بچه بیا پایین، بیا پایین سرمون درد گرفت.

- خوب از حرف‌های سپهر خلسه هم توی صدا و سیما استفاده شده؟
آره (می‌خندد).

بازم توی برنامه گزارش ورزشی، گزارش‌گر بازی رئال مادرید گفت، وینیسیوس جونیور یه پیام داره برا تیتیه.

- خوب بیش‌تر توضیح می‌دی، نفهمیدم.

وینیسیوس بازیکن رئال هست که به تیم ملی برزیل دعوت نشده، تیتیه هم سرمربی رئال هست، وینیسیوس گل می‌زنه و گزارش‌گر هم اون جمله رو می‌گه. اون جمله از بهترین تیکه‌های سپهر خلسه هست، وقتی توی همون فیلم داشت به پارسالیپ فحش می‌داد، یه جاش می‌گه: «یه پیام دارم برا پارسالیپ عزیز»، بعد دوباره کلی فحش ناموسی می‌ده بهش (می‌خندد).

- گفتی بازیگراها هم از حرف‌های سپهر خلسه استفاده می‌کنند؟

آره، این رو من نمی‌دونستم، رفیقم فیلمش رو توی اینستا برام فرستاد، توی سریال سیاوش، مجید صالحی یه تیکه کلام داره که هی می‌گه: «این بدههههه»، این دقیقاً تیکه کلام سپهر خلسه بود که توی سریال سیاوش ازش اسکی^۲ می‌رن.

- راستی چرا این فحش‌های ناموسی که داده می‌شه توی این فیلم‌ها، برای شما خنده داره؟

۱- از کلمه وایرال (viral) برای اشاره به محتوا یا ویدیویی که بسیار معروف شده است استفاده می‌کنند.

۲- این کلمه برای اشاره به تقلید کردن از کسی به کار می‌رود.

آخه خیلی بامزه هست، مخصوصاً وقتی روش تصویر می‌دارن یا آهنگ خاصی روش می‌دارن و می‌شه همون ویدیوی میکس، خیلی بامزه‌تر و خنده‌دارتر می‌شه.

- خوب فحش‌ها ناموسی این فیلم‌ها برای شما این قدر خنده دارن یا به نظرت برای بقیه هم همین هست؟

آره دیگه، گفتم برا بقیه هم همینه، اگر بری کامنتای مردم زیر این پستا رو نگاه کنی متوجه می‌شی.

- بهروز در مورد اون مورد سپهر خلسه و حالا این که فحش‌هاش و فیلم‌هاش خنده‌دار هستن چندتا سوال دارم.

بفرما.

- به نظرت انتشار این فیلم‌ها روی تربیت افراد جامعه اثر نمی‌گذاره؟ یعنی کم‌کم و رفته رفته فحش دادن توی فضای جامعه خیلی عادی نمی‌شه؟

خب آخه همین الانش هم نیست، الان به بزرگ و کوچیک توی جامعه فحش داده می‌شه یا مثلاً اکیپای جوونا و نوجوونا خیلی راحت بلند بلند به هم فحش ناموسی می‌دن توی کوچه خیابونا، حتی بچه کوچیکا هم همین‌ان.

- با توجه به این که توی سال‌های قدیم شاهد همچین چیزی نبودیم و احترام بزرگ‌ترها خیلی حفظ می‌شد، به نظرت نقش اینستاگرام توی این قضیه چه قدر هست؟

می‌تونم بگم خیلی زیاد، شما کامنتا رو بیای نگاه کنی، زیر پستای پیج‌های مختلف می‌بینی که فحش دادن یه چیز کاملاً عادی شده، کسی خجالت نمی‌کشه از این که فحش داده.

- مسوول پیج‌ها وقتی می‌بینن توی کامنت‌ها فحش هست چه کار می‌کنن؟
اگر براشون مهم باشه بلاک می‌کنن طرف رو و اگر نباشه که هیچی، حتی گاهی اوقات خود ادمین پیج میاد فحش می‌ده.

- شما خودت هم زیاد فحش می‌دی؟

توی جمعی دوستانه آره، زیاد می‌دیم به هم.

- یعنی دوستان خودت هم اینطوری هستن؟

آره، کلاً اکثر هم‌سن و سالای من و حتی افراد کوچیک‌تر از من اینطوری‌ان، دیگه، خودت گفتی جامعه داره به چه سمتی می‌ره، این فحش‌های ناموسی الان برا ما عادیه.

- یعنی به نظرت فحش دادن و فحش‌های ناموسی الان جزئی از فرهنگ کلامی جامعه ما شده؟
آره، به نظر من که شده و خیلی هم عادیه بین افراد جامعه.

- یکی از اخلاق حسنه در فرهنگ دینی و ملی ما این بوده که افراد از فحش در کلامشون استفاده نکنن و همیشه بهترین کلمات از زبونشون بیرون بیاد، این مسأله برای شما مهم نیست؟

نه، واقعاً مهم نیست، آخه من آن چنان اعتقادات دینیم قوی نیست که بخواد برام مهم باشه و مورد دیگه این که صرف فحش دادن دلیل بر این نمی‌شه که من لزوماً آدم بدی باشم، اونیم که فحش نمی‌ده، به این معنی نیست که آدم بدی نباشه، انسان با انسان فرق داره، حالا یکی زیاد فحش محش می‌ده، یکی هم نمی‌ده، ربطی به این نداره که چون فلانی نمی‌داده، منم مثل اونا ندم.

- نظر دوستان در این باره چی هست؟

اعتقادات دینی اونا بدتر از منه (می‌خندد)، شوخی می‌کنم ولی کلاً اونا عادت کردن به این موضوع فحش دادن و نمی‌شه ازشون خواست کنار بذارنش.

- خوب حالا به من بگو چرا فعالیت کردن توی اینستاگرام رو کنار گذاشتی؟

چون پول توش نبود خیلی ساده، اگه یه پلتفرمی مثل یوتیوب بود که در ازای ویو پول می‌داد، قطعاً ادامه می‌دادم. ولی خب ۱۸ سالمه و باید پول درآرم و نباید وقتم رو اون جور بگذرونم، همین الانم کار شاخی نمی‌کنم (می‌خندد). اگه سال ۲۰۱۸ که شروع کردم، یه درصد فکر می‌کردم یوتیوب فارسی این همه کاربر می‌گیره، حتی با فیلتر بودن به جای اینستا اون جا فعالیت می‌کردم، شاید الان خیلی چیزا فرق می‌کرد.

- مگه نگفتی توی اینستاگرام از راه تبلیغ می‌شه پول درآورد؟

آره می‌شه، ولی اندازه یوتیوب نیست و این که باید روزانه تولید محتوا کنی تا افراد بیش‌تری پیدات کنن. من توی سالای اخیر به خاطر درس و مدرسه و اینا نمی‌تونستم این کار رو کنم.

- خوب بهروز جان معیارهای شما برای محتوای مفید و غیرمفید چی هست؟ و بر چه اساسی یک محتوا رو مفید یا مضر ارزیابی می‌کنی؟

محتوای اینستا منظوره؟

- بله. محتوای فضای مجازی و اینستاگرام.

من چیزای غیرمفید هم در اینستا زیاد می‌بینم، مثل میم‌ها که جنبه سرگرمی داره، هر چی دارک‌تر باشه بهتره، ولی چیز مفید یعنی کیفیت ساختش خوب باشه، خوب ادیت شده باشه، جذب بکنه من رو، مثلاً اگه محتوای آموزشیه، ببینمش بازم.

اما مضر به نظرم هر چی که دوس نداشته باشم و اعصابم رو بهم بریزه یا اون شخصی که توش اکت می‌کنه، باب میل نباشه، هی بگم وای فلانی یه موقع این جور بود، الان این جور شده.

- چرا به میم‌ها و مخصوصاً به میم‌های دارک علاقه داری؟

چون مغزم رو به کار می‌اندازه و پشمام می‌ریزه، حال می‌ده، این که یه جوک یا عکس خنده‌دار پوینت رو همون اول بهم بده، کم‌تر جذابه برام.

- چه محتواهای آموزشی‌ای رو در اینستا دنبال می‌کنی؟

مربوط بشه به کامپیوتر، حالا ادیت عکس فیلم و یا اطلاعات عمومی در مورد کامپیوتر، یادگیری زبان که هی مثلاً پست بیاد برام زبان یادم نره یا همون گیم که بالاترم گفتیم.

- چرا محتواهای یوتیوب رو مفیدتر از اینستاگرام می‌دونی؟

نه همه‌شون‌ها، ولی چون یوتیوب یه پلتفرمی^۱ هس که به خاطر درآمدزایی، به شدت رقابتیه، سعی می‌کنن همه بهترین شکل خودشون باشن و همین باعث می‌شه یه چیز آموزشی چند لول فرق کنه با اینستا، البته این چند سال اخیر محتواهای اینستا غیرمفید شده، البته هستن پیج‌هایی که واقعاً خوب بسازن، ولی بعضیاشون بازم به خاطر درآمدزایی از یوتیوب، کم‌کم می‌رن سمت یوتیوب، اینستا به نظرم جنبه فان داره بیش‌تر، فقط وقتت رو بگذرونی توش و گهگاهی اگه دنبالش باشی چیزای خوب یاد بگیری.

- خوب چرا به نظرت اینستاگرام الآن مفید نیست، با قبلش چه تفاوتی کرده؟

از وقتی ملت بلد شدن چه جور ی با انجام هر کاری معروف شن و سلبریتی به حساب بیان، فضا سمی شده، عملاً هر کاری می‌کنن تا معروف شن، نمونه‌اش همین میلاد حاتمی که اخیراً گرفتنش. - به نظرت ورود افرادی مثل میلاد حاتمی، امیر تتلو، دنیا جهانبخت، پویان مختاری و این شاخ‌های مجازی، باعث تأثیر بر روی اخلاق مردم جامعه می‌شه؟

خب اینایی که گفتی، کارایی مثل دزدی، فحش‌های ناموسی، بی‌وفایی به همسر یا پارتنر، خیلی راحت دراگ مصرف کردن در اجتماع بین مردم دیگه، رفتارهای جنسی نامناسب و این‌طور چیزا رو خیلی رواج دادن، به نظرم تأثیرشون رو مخصوصاً روی طرف‌داراشون گذاشتن. مثلاً از یه جوونه یه مصاحبه‌ای درباره‌ی امیر تتلو گرفته بودن، توش می‌گفت، وقتی تتلو میاد به ما فحش ناموسی می‌ده، در واقع فحش نمی‌ده، داره حقیقت رو می‌گه، خب من مطمئنم فحش ناموسی برا این افراد نقل و نبات می‌شه و به همه می‌دن. در صورتی که کسی مثل من فقط توی جمع‌های دوستانه از این حرفا استفاده می‌کنه، نه جای دیگه.

- به نظرت روی اخلاقیات و ارزش‌های شما این افراد تأثیری داشتن؟

دروغ نگم بهت، وقتی می‌دیدم اینا هر روز با یه دختر هستن، واقعاً دلم می‌خواست و می‌گفتم خوش به حال شون که اون قدر حال می‌کنن و می‌دونم این مورد ممکنه در آینده از من یک فرد بی‌وفا و خیانت‌کار به همسر یا پارتنرش بسازه، برا همین سعی کردم اصلاً این‌ها رو دنبال نکنم.

۱- معنای لغوی این کلمه "سکو" است، اما در این مصاحبه به معنای بستر یا محیط است.

- این سلبریتی‌ها روی دوستان خودت تأثیری داشتن؟
در این حد که بعضیاشون ترغیب شدن برن بت بزبن، ولی بعد از ضرری که کردن منصرف شدن و ادامه‌اش ندادن.

- به نظرت این افراد تونستن معیارهای زیبایی رو تغییر بدن؟
خب قطعاً آره، اینا رو طرفداراشون خیلی تأثیر داشتن و اون طرفدارا هم عضوی از همین جامعه هستن دیگه. مثلاً دنیا جهان‌بخت قبل رو می‌ده بالا و سینه‌هاشم میاره جلو، همه‌اش لباسای تنگ می‌پوشه تا جذاب‌تر به نظر بیاد، پسرای طرفدارش دنبال دخترایی با همچین ویژگی‌هایی می‌رن و دخترای طرفدارش هم برا جذب پسرا، سعی می‌کنن این کارها رو بکنن. حتی منم که خودم پسریم همچین استایلی رو می‌پسندم، اگر عکس و فیلمای مدلا و یا خیلی از بازیگرا و سلبریتی‌های خارجی رو توی اینستاگرام نگاه کنی، همه‌شون همچین استایلی دارن، یه جورایی مد جهانی هست، بعد وقتی همچین چیزایی توی جامعه مطرح بشه، دیگه کسی دنبال زیبایی‌های معنوی نمی‌ره.

- روی معیارهای زیبایی از نظر شما تأثیری داشتن؟
اینجا تأثیری نداشتن، ولی بازیگرا یا سلبریتی‌های مورد علاقه‌ام داشتن، گفتم چیزی هستش که مد جهانی شده، همه سینه‌ها و باسنشون رو گنده می‌کنن، چون مد می‌گه این قشنگه.
- به نظرت این شاخ‌های مجازی که نام بردم، چه قدر موفق بودن توی این مورد که مردم ارزش‌ها و عقایدشون مخصوصاً عقاید دینی‌شون رو زیر پا بگذارند؟

خب مثلاً توی اسلام شرط‌بندی حالا نمی‌دونم یا حرامه یا مورد پسند نیست یا هر چی، کلاً می‌دونم بده. ولی توی این هزاران هزار آدمی که توی سایتای شرط‌بندی فعالیت می‌کنن، می‌دونم آدمای با دین و ایمونی هم بودن که به خاطر پول، مجبور شدن عقایدشون رو زیر پا بذارن. فکر کن اینا توی پیجاشون هر روز تبلیغ پول‌دار شدن می‌کنن، چون وضعیت جامعه بده، خیلیا دل‌شون می‌خواد و به این سمت گام برمی‌دارن.

- روی عقاید و ارزش‌های دینی شما هم تأثیری داشتن؟
من آن‌چنان مذهبی نیستم، ولی خب هیچ‌وقت سمت بت زدن هم نرفتم خوشبختانه.
- خوب می‌تونم به من بگی این افراد چه اثراتی روی خانواده‌های جامعه گذاشتن؟
همین شاخا؟

آره.

من خیلی خبرا خوندم در رابطه با خانواده‌هایی که از هم پاچیده شده.
- به خاطر شرط‌بندی کردن؟

شرط‌بندی یکی از دلایل هست که بیش‌تر بولد شده، ولی خیانت هم از عللی بوده که خیلیا از هم طلاق گرفتن.

- چرا؟

خب اینا توی پیجاشون هر روز با یه دختر بودن و ظاهر قضیه رو خیلی خوب و اوکی نشون می‌دادن، در صورتی که همه این کارا برا ایجاد حاشیه و تبلیغ بیش‌تر پیجشون بوده و اینا، به صورت غیر مستقیم روی ایجاد خیانتا توی خانواده‌ها خیلی تأثیر داشته.

ولی بین من این‌ها رو زیاد دنبال نمی‌کردم از همون اولم، خبراشون رو از بعضی از پیجا داخل اینستا می‌خوندم، حالا چیزایی که گفتم یا نظرات شخصیم بوده یا چیزایی بوده که توی اون پیجا دیدم، این‌ها رو از یکی دیگه هم پرسیدم خوبه.

- میلاد حاتمی رو می‌تونم جریانش رو به من بگی؟

خوش‌بختانه زیاد در جریانش نبودم، ولی یه شاخ مجازی بوده مثل همه شاخ مجازیای دیگه که سایت بت داشته، عملاً پول ملت رو با دعوت کردن به شرط‌بندی به فنا می‌داده، اخیراً رفته بوده غیرمجاز توی ماشین پلیس و هی بوق می‌زده، پلیس ترکیه هم می‌گیرتش و اون رو می‌ده ایران (می‌خندد).

- به نظرت چه حد و مرزهایی برای معروف شدن توی اینستاگرام یا فضای مجازی وجود داره که باید رعایت بشه؟

به نظرم باید دست نزنم به هر کاری که معروف شی، با یه محتوای خوب، ایده خوب، یه آدم موفق باشی که معروف شی و ملت ازت الگو بگیرن حتی.

- یعنی خودت در آینده امکانش هست دنبال حواشی بری؟

فعالاً نمی‌دونم، آخه حاشیه‌سازی هم من بلد نیستم، حاشیه مثل شمشیر دولبه است، کارساز نشه، بدتر آبروت می‌ره، بدون هیچ سودی. ولی من تصمیم گرفتم یکی، دو سال اول رو فقط با تلاش خودم برم جلو، بلکه بتونم از راه درستش معروف شم، تازه این جور کلی اعتبار پیش همه دارم.

- خوب اگه احياناً از این راه موفق نشی چی؟

خب اون جور حس می‌کنم بقیه از من بهترن و من هیچ پخی نیستم.

- چه محتوایی رو دوست نداری که اعصابت رو بهم می‌ریزه؟

اخبار منفی.

- مثلاً چه اخباری؟

اخبار که توی کشورامون خیلی زیاد شده، همه‌اش گرونی، گرونی، گرونی و

یا همه‌اش اخبار دزدی و چه می‌دونم این طرح صیانت.

- طرح صیانت چی هست؟

طرح صیانت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی.

- با طرح صیانت مخالف هستی؟

مگه کسی هم هست که موافق باشه؟ البته به جز نماینده‌های اح**مجلس.

- چرا با این طرح مخالف هستی؟

چون با عملی شدن این طرح ایران دقیقاً فلج می‌شه، ارتباطمون با کل دنیا قطع می‌شه و می‌شیم

یه کشور بدتر از کره شمالی.

- چرا؟

چون هدف ملی کردن اینترنت، یعنی استفاده از شبکه‌های مجازی ایرانی، این یعنی هر چی

سیاست گذارا تعیین کنن می‌تونیم بدونیم، هر چی رو منع کنن، هیچ اخباری نمی‌تونیم از شون داشته

باشیم. دقیقاً مثل چین.

- چرا مثل چین؟

چون اونا هم همین طوری هستن، شبکه‌های مجازی چینی دارن و اینترنت ملی هم دارن، چند

وقت پیش توی اینستاگرام خوندم یکی از بازیگرای چینی سر یک مسأله‌ای با دولت چین دعواش

می‌شه، اونا هم تمامی حساب‌های کاربری اون بازیگر رو توی شبکه‌های اجتماعی چینی می‌بندن و

عکساش رو از همه جا پاک می‌کنن.

یه کاری می‌کنن که انگار همچین فردی وجود خارجی نداشته. این اتفاقی هست که در آینده

می‌تونه برا همه‌ی ما داخل ایران بیفته، با این طرح مسخره.

- نظر دوستان خودت درباره‌ی این طرح چی هست؟

اونا هم خیلی ناراحتن، کلاً مردم واقعاً سر این طرح عصبی هستن، تمام کامنتایی که دیدم سر

این قضیه فحش به مسوولین کشور بود.

- این اخبار شما رو به سمت فکر به مهاجرت سوق داده؟

کی رو سوق نداده؟ یعنی حتی کسانی که یه زمانی از مهاجرتم خوش شون نمی‌اومد و وطن رو

دوست داشتن و این داستانا، الآن دارن به این مسأله فکر می‌کنن و بیجایی که در مورد مهاجرت

حرف می‌زنن و در این مورد آدمای عادی رو راهنمایی می‌کنن، فالوراشون داره تصاعدی همچین

رشد می‌کنه.

- خوب بهروز جان چندتا نمونه از پیج‌های آموزشیت به جز گیمینگ رو می‌گی؟

Englishhints

English_code

- آموزش‌های ادیت و این‌ها رو توی اکسپلور می‌بینم بیشتر، اگه چیز خاصی بخوام سرچ می‌زنم.
- پیج‌های نقد فیلم و سریال رو چرا دنبال می‌کنی؟
- تا معرفی کنن چه سریالی خوبه، چه فیلمی جدید میاد یا اومده، اطلاعات رندوم بدن، مثلاً فلان فیلم این قدر فروش داشته یا یه سریالی برا یه فصل دیگه تمديد شده.
- نقدهاشون رو کامل می‌خونی؟
- کم و بیش، بیشتر کلی نگاه می‌کنم.
- خوب این پیج‌های معرفی روزانه تعداد زیادی فیلم یا سریال معرفی می‌کنن، چی باعث می‌شه یکی رو معرفی شون رو نگاه بکنی و یکی رو نه؟
- این که مثلاً خوب باشه، نقد منفی بی دلیل نداشته باشه، کامنتا بگن این خوبه، مثل فلان سریاله سبکش، ولی مثلاً اگه بگن کلیشه‌ای هست یا سبکی باشه که دوس نداشته باشم، نمی‌بینم، ولی در کل با افتخار بگم که من یک معتاد به فیلم و سریال هستم (می‌خندد).
- خوب شده مثلاً این پیج‌های فیلم و سریال سلیقه شما رو تغییر بدن یا چیز جدیدی رو باهاشون کشف کنی؟
- آره.
- خوب می‌شه توضیح بدی؟
- خب مثلاً من سبک درام اصلاً هیچی ازش نمی‌دیدم، برام حوصله سر ببر و بی‌فایده بود، اما بعدش با چندتا از معرفی این فیلما دیدم که خیلی از شاهکارهای زیادی فقط توی این سبک ساخته شدن.
- با کدوم معرفی به این نکته پی بردی؟
- معرفی سریالای *the affair* و *after life* رو دیدم و کنجکاو شدم، بعد دیدن سریالاشون فهمیدم تا حالا خیلی چیزا رو صرفاً به خاطر درام بودنشون ندیدم و از دست دادم. بعد خب مثلاً این سریالایی که گفتم، به همراه کلی فیلم و سریال دیگه کلی درس و آموزش دارن داخلشون، آموزش‌های مختلف توی زمینه‌های روابط زناشویی، دوستی یا سلسله‌های تاریخی یا چه می‌دونم کلی چیز میز دیگه، منی هم که تماشای فیلم و سریال رو دوست دارم، بعدش می‌رم این نقدها رو می‌خونم و کلی چیز می‌یاد می‌گیرم، کلی هم کیف می‌کنم.
- بهروز عکس نوشته‌های مربوط به فیلم‌ها و سریال‌ها هم توی اکسپلورت میاد؟
- آره، خیلی میاد، بعضیاشون خیلی خیلی خفن و خنده‌داره.
- مثلاً چی؟

مثلاً از خنده‌داراش می‌شه به این اشاره کرد که پست زده بودن سریال‌هایی که می‌تون با خانواده مشاهده کرد، بعد گات و وایکینگ و اسپارتاکوس و فیلمایی مثل فیفتی شیدز گری‌رو زده بود جزو اون فیلم سریالا (می‌خندد).

- این کجاش خنده داره؟

خب همه این فیلم سریالایی که گفتیم، از پر صحنه‌ترین فیلم و سریالای جهان ان.



- شما هم این فیلم و سریال‌ها رو دیدی؟

خب اسپار تا کوس رو نه، اما بقیه رو آره.

- با معرفی دوستانت دیدی یا شبکه‌هایی مثل اینستاگرام؟

گات (گیم آف ترونز) که نیاز به اینستا نداره، انقد که معروفه، اما راستش فیلم فیفتی شیدز رو به خاطر هایپ زیادش دیدم، مثلاً همین پسته رو که الآن گفتم، با ادیتای مختلف توی اینستا می‌دیدم یا مثلاً یه سری از صحنه‌های فیلم رو پست می‌کردن، مثلاً اون صحنه‌ای که پسره چشمای دختره رو بسته بود یا خود تریلرای فیلم خیلی کنجکاوم می‌کرد و می‌خواستم ببینم صحنه‌هاش چه جوریه، آخه می‌گفتن صحنه‌های ارباب-برده و این‌ها رو هم داره.

- خوب بعد دیدن این فیلم و سریال‌های پر از صحنه، باز هم دلت می‌خواست فیلم‌های بیش‌تری

از این نوع ببینی؟

راستش آره، مثلاً توی تلگرام یا همین اینستا هم می‌زنن، معرفی ۷ فیلم اروتیک و بعد این‌جور

فیلم‌ها رو معرفی می‌کنن، منم اکثراً دانلودشون می‌کردم و می‌دیدم‌شون.

- از چند سالگی با این فیلم‌ها و سریال‌ها آشنا شدی؟

شروعش با گات بود مسلماً، بقیه‌اش هم که با فضای مجازی، می‌شه گفت حدوداً از ۱۴ سالگی

اینا.

- خوب بهروز چندتا مورد دیگه هست که مثلاً اینستاگرام عادتت رو در شما ایجاد کرده باشه یا

باعث شده باشه انجام کاری رو ترک کنی یا در یه زمینه‌ای تأثیر چشم‌گیری روی شما داشته باشه؟

اگه دنبالش باشی می‌تونه تأثیر مثبت داشته باشه روت، برعکسش هم هست، اگه پیجای ببخشد

چس ناله دنبال کنی هی فازت دپ‌ا و منفی می‌شه و مودت آمیاد پایین. من خودم از وقتی پیجای

دام‌پزشکی رو دنبال کردم اطلاعاتم از سگا زیاد شده، از نژادهاشون یا مثلاً گیم پلی بازی رو که

می‌بینم، باعث می‌شه بازیم خوب شه، ولی وقتی پیجای اخبار منفی رو می‌بینم ناامید می‌شم از

زندگی.

- یعنی اینستاگرام این قدر می‌تونه تأثیر بگذاره؟

آره خب، اینستاگرام چیزیه نیست جز مردم، یه شبکه مردمی، مثلاً توی همین پیج اخبار بری

کامنتا رو ببینی همه دارن می‌نالن، حقم دارن شرایط خیلی سخته به خدا، نالیدن و فاز دپ و منفیم

مسری‌عه... هی منتقل می‌شه.

- وقتی ناامید می‌شی چه کار می‌کنی؟

۱- به معنای غمگین بودن

۲- به معنای خلق و خو و حالت روحی و وضعیت روانی

خب علاقه‌ام رو به همه کارا از دست می‌دم، بی‌حوصله و کسل می‌شم و بعضی موقع‌ها که شدید باشه، سر درد هم می‌گیرم، یه جورایی کل اون چند روزی که ناامید هستم رو روی تخت خوابم می‌گذرونم.

- چه پیج‌هایی اخبار منفی زیاد تولید می‌کنن؟

مثلاً پیج من و تو یا توانا بودن که هر روز یه اخبار منفی از ایران منتشر می‌کردن، واقعاً روی من تأثیر داشت.



- و شما هم آنفالو کردی شون؟

آره، چون دیگه اون حجم از خبر منفی زندگی‌م رو مختل می‌کرد.

- یعنی اخبار دروغ منتشر می‌کردن؟

نه، لزوماً دروغ نبودن، من تحمل اون همه خبر منفی رو نداشتم، وگرنه همه می‌دونیم وضعیت ایران جالب نیست.

- توی اینستاگرام چه اخبار منفی بیش‌تر در مورد ایران پخش می‌شه؟

خب زیاده، ولی اونایی که بیش‌تر به چشم خورده، کتک خوردن دخترا از گشت ارشاد، گرونی و تورم توی کل جامعه، کتک خوردن دستفروشا از شهرداری، مرگ مردم به خاطر کرونا و قتل‌های ناموسی بوده.

- خوب به نظرت همه‌ی این اخبار منفی که راجع به ایران تولید می‌شه، درست هست؟
قطعاً نه، چون این رو به چشم خودم دیدم.

- می‌تونم یک مثال بزنی؟

آره، چند وقت پیش یکی از دوستانم یه ویدیو از حداد عادل برام فرستاد که فکر کنم داشت در مورد اسامی دختران حرف می‌زد. ویدیو رو از پیج من و تو فرستاده بود، بعد دقیقاً همون روزی که این ویدیو توی اینستا و ایرال شده بود و همه داشتن از حداد عادل بد می‌گفتن، یکی از پیجای بی‌طرفی که من فالو کرده بودم، مصاحبه کامل رو گذاشته بود، فهمیدم من و تو اون مصاحبه رو کات کرده بوده و فقط یه قسمت به خصوص رو به اشتراک گذاشته بوده.

- وقتی بعضی از اخبار جعلی که توی اینستاگرام پخش می‌شه، مثل مثالی که زدی، واکنشت چی هست، اصلاً کار خاصی می‌کنی؟

آن‌چنان کار خاصی که نمی‌کنم، تنها کاری که می‌تونم بکنم اینه که اون ویدیو رو لایک و سیو نکنم، براش کامنت نذارم و برا بقیه هم نفرستم. با خودم می‌گم شاید این‌طوری بتونم یک کمی از انتشار خبر غلط و دستکاری شده توی اینستا جلوگیری کنم، البته می‌دونم تأثیری نداره چون من یه نفرم (می‌خندد).

- خوب به اون دوستت که اون فیلم کات شده رو فرستاده بود، گفتی ماجرا از چه قراره؟
آره، به دوستم گفتم.

- واکنشش چی بود؟

خنده‌اش گرفت، گفت فکر می‌کردیم فقط صدا و سیمای خودمون از این حرکتا بلده، نگو هر کسی یه رگ کص*** داره (می‌خندد)

- چرا صدا و سیما؟

چون اونا هم خیلی مصاحبه‌های فیک^۱ ساختن و پخش کردن یا خیلی از مصاحبه‌ها رو کات می‌کنن و اون قدر توی اینستا و تویتتر پخش شد دیگه گذش دراومد.

- خوب شما به اینستاگرام بیش‌تر اعتماد داری یا صدا و سیما؟
به هیچ‌کدوم.

- اگر خبری رو بخوای بدونی به کجا مراجعه می‌کنی پس؟

آها برا اون رو که صد درصد می‌رم اینستا، چون اون‌جا حداقل دوتا خبر راست پیدا می‌شه. ولی اکثراً از چند منبع می‌خونم که مطمئن شم خبری که خوندم درسته، ولی خب اون خبر خیلی باید مهم باشه، چون می‌گم به خاطر حجم زیاد اخبار منفی که توی این فضا هست، خیلی کم می‌رم سمتش.

- دوستان خودت برای اخبار کجا رو دنبال می‌کنن؟

اونا هم می‌رن سراغ همون پیجایی که توی اینستا دارن.

- پس اون‌ها هم هیچ اعتمادی به صدا و سیما ندارن، درسته؟

این طوری بگم که اعتمادشون به اخبار گدای سر کوچه‌شون بیش‌تر از اعتمادشون به صدا و

سیمای ما هست (می‌خندد).

- بهروز می‌خواهم بدونم این که گفتی خودت یا دوستانت به اخبار صدا و سیما اصلاً اعتمادی

ندارید، آیا فضای اینستاگرام تأثیری داشته، چه طوری به این نتیجه رسیدید؟

این طوری بگم که فضای صدا و سیما، یه فضای سانسور شده به نفع حکومته، صدای مردم

نیست، ولی فضای اینستاگرام صدای مردم و حداقلش اینه که سانسور نیست.

و این که اینستاگرام فضایی بوده که همیشه گاف‌ها و دروغ‌های صدا و سیما رو به نمایش گذاشته،

پس قطعاً آره تأثیر داشته روی افراد جامعه، نه فقط من و دوستانم، برای همینه اگر اکثر کامنت‌ها رو

بری بخونی همه از اینستا بد گفتن.

- خوب بهروز همون طور که خودت گفتی تعداد فالور توی اینستاگرام خیلی مهم هست، چرا

فالورهای فیکت رو پاک کردی؟

چون تأثیر می‌داشت توی روند پیج، این که ۳۶۰۰ تا باشه و ۵۰۰ و ۶۰۰ و یو داشته باشه، خیلی جالب

نیست و می‌فهمن فیکه، ولی اگه با فالور پایین رشد کنی خیلی بهتره، فیک زدن کلاً جالب نیست.

- خوب شما با رشد کردن پیجت، حتی بدون فالور فیک هم می‌تونستی بعدها توی پیجت تبلیغ

انجام بدی و درآمد کسب کنی، پس چرا ادامه ندادی؟

حقیقتاً از این روش خوشم نیومد، زیاد دلم نمی‌خواست این جور باشه درآمدم.

- دوست داشتی چه جور باشه؟

مثل همین یوتیوب که به ازای ویو بهت پول می‌ده شخصاً، درآمد ثابت داره، ولی درآمد اینستاگرام

ثابت نیست. علاوه بر این، اینستا توی این یکی، دو ساله هم باگ زیاد داده و بعضی موقع‌ها اذیت

می‌کنه این باگاش.

- چه باگ‌هایی هستن؟

خب بیش‌تر باگ جهانیه و به خاطر سرورهای خود اینستاگرام هست، مثلاً چند وقت پیش این

سرور رو هک کردن و اینستا کلاً بالا نمی‌اومد. البته خود ایرانم سر قضیه اینترنت ملی و طرح

صیانت، پهنای باند شبکه‌های مجازی خارجی مثل اینستاگرام رو به شدت کم کرده، برای همین دیدن چندتا پست و استوری ساده توی اینستا کار سختی شده.

- یعنی چی پهنای باند رو کم کردن؟

یعنی درصد اینترنتی که برای استفاده از این برنامه لازمه رو تا جایی کاهش می‌دن که کلاً اون برنامه بالا نیاد.

- خوب یعنی فیلترش می‌کنن؟

نه دیگه، این‌طوریم غیرقابل استفاده می‌شه، مثل همون فیلتر کردن، ولی صدای مردم رو کنترل می‌کنن این‌طوری. چون یه دفعه بزمن فیلتر کنن، مردم خیلی عصبانی می‌شن، ولی کاهش پهنای باند یه روند طولانی‌تری هست که بیش‌تر جواب می‌ده، برا این که برنامه اینترنت ملی رو عملی کنن.

- خوب بهروز جان از وقتی که برامون گذاشتی، ممنون و متشکرم.

خواهش می‌کنم، خداحافظ.

تأملی دوباره:

بهروز ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

بهروز در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: ایجاد شرایطی برای بروز خلاقیت‌های فردی، یادگیری استریم کردن و یوتیوبر شدن و مالامال بودن اینستا از منابع نادرست، اشاره داشته است.

بهروز در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: استفاده از ابعاد ارتباطی گسترده اینستا، یافتن نگاه نقادانه نسبت به مسایل اجتماعی کشور، انجام نقد اجتماعی، رواج هشتگ‌سازی، بی‌اعتمادی به رسانه ملی، علاقه به مهاجرت، الگوبرداری، الگوبرداری برای شرکت در سایت‌های قمار، مواجهه نوجوانان و جوانان با الگوهای ویرانگر و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

بهروز در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: اخذ ارزش از سلبریتی‌ها و رواج دادن فحاشی توسط سلبریتی‌ها و نظایر آن، اشاره داشته است.

بهر روز ۱۸ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: محوریت یافتن پول، تلاش برای کسب پول و اندیشه پول به دست آوردن از طریق استریم کردن، اشاره داشته است.

بهر روز در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، از دور زدن خانواده، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

بهر روز در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: ایجاد عرصه‌ای برای ارضای هیجان جویی در فضای مجازی، پذیرش هزینه‌های روانی برای برخوردار شدن از اعتبار اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس کاذب، آموزش حل هیجان مدار مسایل، احساس سرخوردگی و ناامیدی، افسردگی اجتماعی، مواجه شدن با اضطراب‌های نوپدید، اعتیاد به دیدن فیلم و سریال، اعتیاد به محصول‌های هرزه‌نگار و پایین آمدن سن کاربری از محصولات هرزه‌نگار، اشاره داشته است.

بهر روز در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، از اثرپذیری از استانداردهای زیبایی سلبریتی‌های غرب، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

بهر روز ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به آسیب‌های زیستی کژکاربری از فناوری‌ها، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

بهر روز در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: ارتقای نقد سیاسی خویش و فهم و دریافت سوءاستفاده سیاسی غرب از فضای مجازی اشاره داشته است.

بهر روز در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به تضعیف اعتقادی خود و دوستانش اشاره داشته است.

بهر روز ۱۸ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: نقد فرهنگی، تحول‌آفرینی‌های فرهنگی شاخ‌های مجازی، اثرپذیری عمیق نوجوانان و جوانان از الگوها و رواج ادبیات فحاشی، تحول کلامی و رکیک شدن بیان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه بهروز ۱۸ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، بهروز در مصاحبه خویش بیان می‌دارد، وی در مسیر ارضای

هیجان‌جویی‌های خود، متوجه سلبریتی‌های ایرانی خارج نشین شده است و در جریان درگیری‌های آنان که غالباً با فحاشی و پرده‌داری توأم است، به رکاکت کلامی رسیده است. به تعبیر دیگر، این دست از سلبریتی‌ها که از هنر چندانی برخوردار نیستند، برای زنده نگه داشتن خویش با دست زدن به حاشیه‌پردازی‌های بسیار زننده، در عمل مروج رکیک شدن بیان (و اندیشه) مخاطبان خویش در فضای مجازی شده‌اند.

مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله

من دنیا جهان بخت، کیمیا تاجزاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانیز اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانیز اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال می‌کنم.

- سلام ریحانه جان، خوبی؟

ممنونم، شما خوبید؟

- ممنونم عزیزم، این روزها چه می‌کنی؟

هیچی، درس می‌خونم، با گوشی کار می‌کنم و فیلم دیدن و موزیک.

- دبیرستانی هستی؟

آره، سال آخرم.

- چند ساله که گوشی داری؟

من تقریباً از ۱۴ سالگیم.

- از همون اول گوشت هوشمند بود؟

بله.

- مادر و پدرت خودتون خواستن اون موقع برایت گوشی بخرن؟

خب دوستام و بچه‌های فامیل تقریباً همه داشتن، حتی بچه‌های ۸، ۹ ساله هم تبلت رو دیگه

داشتن، من به مامانم گفتم، اولش مخالفت کرد گفت نه، مگه هر کی هر چی داشته باشه، تو هم

باید داشته باشی، خلاصه چند وقت خودم رو دپرس نشون دادم و قهر کردم، هی وسط صحبتاشون

می‌گفتم، فلانی باباش واسش جایزه گوشی گرفت، تا بالاخره مامانم راضی شد و قرار شد بابام رو

راضی کنه تا برای تولدم گوشی بخرن.

- ریحانه جان اینستاگرام هم داری؟

بله.

- از کی؟

یه چند وقت بعد از این که مامان و بابام واسم گوشی خریدن.

- مشکلی نداشتن؟

چرا خوب، خیلی مشکل داشتن اون اوایل، برای همین تا فهمیدن اینستا دارم ازم خواستن پاک

کنم، ولی من پاک نکردم، فقط الکی برای چند لحظه جلوشون آپش رو پاک کردم، بعد که خیالشون

راحت شد، دوباره نصب کردم و ازشون پنهون کردم که اینستاگرام دارم، چون می‌دونن اون موقع به

اندازه آن خیلی باب نشده بود و خانواده‌ها دید نسبتاً بدی داشتن به اینستاگرام، الآن انگار دارن فرهنگ سازی می‌کنن اینستاگرام رو بین همه، حتی مادر و پدرها، به نظرم تازگی حساسیت‌شون کم‌تر شده.

- چرا اینستاگرام رو نصب کردی؟

خب دوستانم داشتن هی توی مدرسه یواشکی گوشی می‌آوردن عکس می‌گرفتن، تگ می‌کردن هم رو، بعد به من غر می‌زدن، آه تو هم که نداری تگت کنیم یا استوری‌ش می‌کردن یا مثلاً بیرون می‌رفتن، با هم عکساشون رو پست می‌کردن، یکی از دوستانم می‌اومد تعریف می‌کرد، منم دوس داشتم عکساشون رو ببینم و لایک کنم و سی ام بذارم واسه‌شون تا خودی نشون بدم.

- سی ام چی هست؟

همون کامنته.

- یعنی چی خودی نشون بدم، یعنی با داشتن اینستاگرام اعتماد به نفس می‌گرفتی؟

آره خب، دوستانم همه داشتن و برای هم کامنت می‌داشتن، منم دوس داشتم داشته باشم تا بهم احترام بذارن و کم بزنن توی سرم که تو نداری گوشی، تو اینستا نداری و از این حرفا.

- یعنی اینستاگرام برایت احترام میاره؟

خب وقتی نداری معمولاً مسخره می‌کنن دیگه، مسخره کردنم بی‌احترامیه.

- کامنت گذاشتن خیلی مهم بود؟

خب آره، این جور نشون می‌دی با طرف صمیمی هستی و پستش رو دیدی و پسندیدی.

- خودت الآن برای دوستانت کامنت می‌گذاری؟

معلومه که آره، تازه بعضی اوقات دوستم می‌گه، واسم نفری ۲۰ تا کامنت بذارید، کامنتام بره بالا،

دیگه ما هم هی ایموجی، قلب و بوس و قربون صدقه می‌نویسیم واسش.

- چرا می‌خواهد کامنت‌هاش بالا بره؟

خب می‌خواد این جور کم کم پیجش رو ارتقاء بده، بعدم خب کامنتا بالا باشه، خیلی خفنه دیگه.

- چرا خفن هست؟

خب شاخای اینستا معمولاً کامنتاشون بالاس دیگه، یکی کامنتش زیاد داشته باشه، می‌گن اووو

بین پستش رو چه قدر دیدن که این قدر کامنت داره.

- معمولاً شاخ‌های اینستاگرام چه طوری هستن؟

خب فالوراشون بالاس، فالوینگاشون کمه، لایک و ویوهاشون بالاست، دیگه توی فضای مجازی

هم کم کم معروف می‌شن.

- دوستت هم سعی داره جز شاخ‌های اینستاگرام بشه؟

آره تقریباً.

- خوب چرا می‌خواهد جز شاخ‌های اینستاگرام بشه؟
خب ببین الان این جور چیزا خیلی مد شده، دیگه تقریباً پول توی این کاراست، همه‌ی توجه‌ها سمتته، خیلی‌ها هوادارت می‌شن، خلاصه لاکچریه دیگه، دلیل مهمش هم پوله دیگه، برای پول درآوردن خیلی خوبه.

- مادیات برای دوستت که می‌گی، خیلی مهم هست؟
خب لابد مهمه که می‌خواد این کار رو انجام بده دیگه.
- معنویات هم برایش اهمیت داره؟
ببین خیلی توی قید و بند این چیزا نیست اصلاً، بیش‌تر ترجیحش اینه که توی چشم باشه و بقیه از زیباییش تعریف کنن.

- چرا؟
خب می‌گه هر کس اجازه داره هر جور دلش می‌خواد زندگی کنه، منم دوس دارم این جوری باشم.
- دوستت برای بالا بردن پیجش چه کارهایی می‌کنه؟
خب مدام در حال پست و استوری گذاشتنه، هی می‌سپره به دوستا که واسش کامنت بذاریم، لایکش کنیم، پست و استوریاش رو توی پیج خودمون منشن کنیم تا فالورای ما هم فالوش کنن، خودشم با پیجای هم سطح خودش تبادل انجام می‌ده یا مثلاً هشتگای پر بازدید می‌زنه تا پستش دیده شه، دیگه تقریباً هر روز با یکی از آشناهاش که دوربین داره، می‌رن بیرون برای عکس گرفتن.
- عکس‌هایی که می‌گیره پست‌شون می‌کنه دیگه، درسته؟
آره.

- خوب عکس‌هاش چه طوری هستن؟
خب مثلاً چند دست لباس با خودش می‌بره، با اون فامیل‌شون که دوربین داره، همه مدل عکسی می‌گیره.

- توی عکس‌هایی که می‌گذاره حجاب داره؟
نه خیلی.
- چرا؟
گفتم که خیلی توی قید و بند این چیزا نیست، حجاب که دیگه اصلاً مهم نیست.
- چرا؟
خب آخه با حجاب واقعاً آدم قیافه‌اش قشنگ نمی‌شه.
- چرا همچین فکری می‌کنه؟

آخه واقعاً با حجاب زیبایی‌هاش معلوم نمی‌شه، بعدشم هر کی بی‌حجاب، لزوماً آدم بدی نیست، حجاب هم یه چیز شخصیه، حالا توی ایران اجباریش کردن، دیگه به دوست من مربوط نیست که! اون دلش نمی‌خواد حجاب داشته باشه و به نظرم هیچ اشکالی نداره، هر کی دوس نداره، می‌تونه عکساش رو نبینه.

- به نظرت حجاب نداشتنش به خاطر جلب توجه بیش‌تر توی اینستاگرام نیست، یعنی هر کی حجاب دوست نداره برای جلب توجه این کار رو می‌کنه؟

خب اون خودشم دوس نداره دیگه، ولی این که توی اینستا، اکثر آدم‌ها رو بی‌حجاب می‌بینه و خوشش میاد، بی‌تأثیر نیست.

- دوستت به چه صورتی تبادل انجام می‌ده؟

یعنی میاد با پیجایی که تقریباً فالوراش هم اندازه‌ی مال خودش، صحبت می‌کنه، می‌گه من اسم پیج شما رو می‌ذارم فالوت کنن، شما هم اسم پیج من رو بذار فالوم کنن، این‌طوری کم‌کم فالور می‌گیره.

- پول هم این وسط رد و بدل می‌شه؟

پول برای زمانیه که بخوای به یه پیجی که خیلی بالاتر از خودته بسپری که پیجت رو تبلیغ کنه، نه این که دوتا پیج هم سطح، تبلیغ هم رو کنن.

- تا حالا به پیج‌های بالاتر از خودش هم پول داده که تبلیغ کنن؟

نه، هنوز می‌خواد یه کم فالوراش زیاده‌تر بشن، مثلاً برسه به ۸۰۰۰ تا، بعدش این کار رو کنه، فعلاً هم که برای تبلیغ دادن پول نداره، باید کم‌کم جمع کنه پولاش رو، چون این بلاگرا بابت تبلیغ پیجت خیلی پول می‌گیرن.

- مثلاً چه قدر می‌گیرن؟

مثلاً یه بلاگر معمولی بخواد پیجت رو استوری کنه، بابت هر استوری که واست می‌ذاره، ۳ میلیون می‌گیره، بخواد پست کنه ۵، ۶ میلیون تومن، تازه این برای وقتی که طرف بلاگر معمولیه، نه از این بلاگر خفنا.

- بلاگر خفنا کی هستن؟

خب اینا که پیجاشون ۱ میلیون به بالا فالور داره، معمولاً بابت هر پست و استوری ۱۵ میلیون به بالا می‌گیرن.

- مثال می‌زنی؟

خب مثل گیتاهوم، والده مامان پانیز اسماعیلی، گل منگولی و خلیلیای دیگه که زیاده، اونایی که ارزون می‌گیرن فالوراشون مثلاً ۲۰۰ کا، ۳۰۰ کا هستش، وگرنه اونایی که گرون می‌گیرن، فالوراشون بیش‌تره.



- چرا این قدر گرون می گیرن؟

خب ببین چندتا دلیل هست این وسط، اول این که تو وقتی فالورات خیلی زیاد باشن، وقتی برای کسی میای تبلیغ می کنی، قطعاً اون طرف بازخورد بهتری خواهد داشت، بعدم این که اکثر اینایی که گرون می گیرن، یه حاشیه‌ای اول درست می کنن که خیلی به معروفیتشون افزوده می شه، برای خاطر اون معروفیتنه، نرخشون هم می ره بالاتر.

- مثلاً چه حاشیه‌ای؟

مثلاً یه بلاگری هست توی مشهد، اسم پیجش گل منگولیه، اسم خود طرف عاطفه هست، ۲۲ سالشه، بهش می گن عاطی، این اول ۵۰۰، ۶۰۰ کا فالور داشت و خب بلاگر لایف استایله، مدام با شوهرش در حال عکس و استوری گرفتن بود، هی پز شوهرش رو می داد که چقد خوبه، درکم می کنه، دوسم داره و این حرفا، بعد شوهرش توی رستوران واسش تولد گرفته بود و همه‌ی دوستا و فامیلا رو دعوت کرده بود، عاطفه رو سوپرایز کنه، دقیقاً ۳ هفته بعد از تولدش و سوپرایز و قربون صدقه‌های عاطی برای شوهرش، دیدم عکسای شوهرش رو پاک کرده و شروع کرده بد و بی‌راه گفتن به شوهر و خانواده شوهرش، دیگه کم کم شروع کرد استوری گذاشتن که زنا چه جور حق و حقوقشون رو بگیرن و حتماً حق طلاق رو از شوهرشون بگیرن، دیگه شوهرشم از خونه بیرون

کرد، بعد خودشم یه خونه گرفت و همه‌ی وسیله‌هاش رو برد خونه‌ی جدیدش، شروع کرد، تنهایی زندگی کردن، اصلاً هم نگفت علت قهر و درخواست طلاقش چیه، ولی از کامنتا معلوم بود شوهرش سر اینستا باهاش بحث کرده، اینم گفته من ول نمی‌کنم اینستا رو، خلاصه چند ماهی گذشت و با این حاشیه‌ای که ساخته بود و با استوری‌ای جنجالی‌ش، فالوراش رو رسوند به نزدیک ۱ میلیون، نرخش رو هم برد بالا، الانم که برگشته سر خونه و زندگی‌ش، می‌گه شوهرم شکایت کرده و تمکین گرفته، مجبور شدم برگردم، کلاً معلوم شد که فقط برای جذب فالور بیش‌تر این حرکتا رو کرده بود و یه مدت اسمش توی اینستا، همه جا پیچیده بود. معمولاً بلاگرا هر چند وقت یه بار یه حاشیه‌ای درست می‌کنن که فالوراشون بره بالا تا بتونن نرخشون رو هم ببرن بالا، بعد اصلاً این بلاگرا خودشون هم یه گروه دارن با هم‌دیگه، توی اون با هم نرخ تعیین می‌کنن، حتی یه وقتا برای دیده شدن بیش‌تر خودشون با هم یه دعوا راه می‌اندازن، بعد با هم آشتی می‌کنن.

- به نظرت این نرخ‌هایی که توی اینستاگرام گفتی عادلانه هست؟

نه، اصلاً، ولی خب آدم مجبوره دیگه.

- چرا؟

خب اینستاگرام فضاش جوریه شده که تقریباً افتاده دست بلاگرا، یعنی یه جورایی بلاگرا گردونده‌ی اینستا شدن، هر کی هم بخواد پیشرفت کنه و دیده بشه، باید به این‌جور افراد پول بده تا تبلیغش رو کنن، چون توی اینستا هم اکثراً بلاگرا رو دوس دارن و هر چی بگن، تقریباً همه انجام می‌دن، وقتی بگن این فرد رو فالو کن، بقیه هم فالو می‌کنن. البته یه‌سری بلاگرا هستن توی اینستا واقعاً بلانسیبت عوضی ان.

- چرا؟

مثلاً نمونه‌اش ساناز ...، ۱ میلیون فالور داره، ولی تقریباً نصفش فیکه و وقتی آنلاین شاپا بهش تبلیغ می‌دن، هر چی فیکه می‌ریزه توی پیج آنلاین شاپ بدبخت و اون آنلاین شاپی که ۱۵ تومن برای تبلیغ داده به این خانوم، هم پولش می‌پره، هم پیجش.

- چرا؟

بین این خانوم تازه دستش رو شده، بیش‌تر فالوراش فیکه ان و فالورای واقعی‌ش کم اند، پول داده چند نفر رو استخدام کرده، بعد بهشون گفته شما باید نفری ۱۰، ۲۰ تا پیج بسازید و بیاید من رو فالو کنید و لایک کنید و کامنت بذارید، بعد وقتی آنلاین شاپ یا یه بلاگر سطح پایین بهش تبلیغ می‌ده، به همین کسایی که استخدام کرده می‌سپره که برن فالو کنن و بعد از دو، سه روز که یارو باورش شد، جذب فالورش از طریق ساناز خوب بوده، آنفالوش می‌کنن و پیج اون آنلاین شاپ بدبخت می‌پره و پولش هم هدر می‌ره.

- شما خودت این شخص رو فالو کردی؟

آره، من فالوش داشتم، ولی وقتی دستش رو شد، منم آنفالوش کردم.

- پیجش راجع به چی بود؟

این از ازدواج اولش یه پسر ۱۶، ۱۷ ساله داره، بعد جدا شده، میاد با یه مرد زن دار به اسم طاهر ازدواج می کنه و به فالوراش می گه، شوهر دومم مجرده و زندگی مون رو عاشقانه شروع کردیم، حتی یه عروسی خیلی خیلی خفن با شوهر دومش گرفت با حضور پسرش، بعد معلوم شد شوهر دومش زن داره و ساناز و طاهر برای پول این کارا رو می کنن، منم دیگه آنفالوش کردم.



- یعنی اینستاگرام زمینه‌ی فساد رو برای بعضی‌ها ایجاد کرده، درسته؟

آره، ولی بازم به نحوه‌ی استفاده‌ی خودت ربط داره، خب این دوست من نمی‌خواد مثل ساناز شه که، بعدشم خیلی از بلاگرا هستن که خیلی خوب ان و اصلاً مثل ساناز نیستن.

- بین صحبت‌ها گفتی بلاگر لایف استایل، این یعنی چی؟

خب کسی که از روزمرگیاش، خرید کردنش، لباس پوشیدنش و کلاً هر چی که از صبح تا شب انجام می‌ده، از آشپزی بگیر تا مهمونی رفتن، عکس و فیلم می‌ذاره، بهش می‌گن بلاگر لایف استایل، یعنی نشون دادن سبک و نحوه‌ی زندگی.

- دوستت برای هشتگ‌های پر بازدید زیر پست‌هاش، چی می‌نویسه؟

خب معمولاً اکثر پستاش عکسای خودش، برای همین زیرش می‌نویسه #مدل، #آرایش_دخترونه و از این چیزا.

- دوستت محتوای پیجش چی هست؟

همش عکسای خودش، لباسای مدل به مدل می‌پوشه، آرایشای مختلف می‌کنه، عکس می‌گیره و می‌ذاره، حالا زیر پستش معمولاً متن آهنگ یا مثلاً نوشته‌های قشنگ می‌ذاره، دیگه جایی بره، چیزی بخوره، کاری انجام بده هم استوری می‌کنه.

- وقتی پیچش ارتقاء پیدا کرد، باز محتواش قرار عکس‌های خودش باشه؟
خب آره، کلاً دوس داره یه بلاگر لایف استایل باشه که در کنارش مد و آرایش رو هم دنبال می‌کنه.

- دوستت عمل زیبایی هم انجام داده؟

نه هنوز، ولی مدام هی می‌گه که می‌خوام دماغم رو عمل کنم، ولی گیج شده.

- چرا گیج شده؟

خب بین تازگیا دکتر خیلی زیاد شده و خب آدم گیج می‌شه پیش کی بره، تا یکی رو انتخاب می‌کنی بری پیشش، یهو یه کامنت منفی می‌بینی، پشیمون می‌شی، دوستم هم برای همین گیج شده و دو دله که پیش کی بره.

- بینش مشکلی داره که می‌خواهد عمل کنه؟

نه، خیلی بد نیست، بهش میاد.

- پس چرا دوست داره عمل کنه؟

خب اصلاً لازمه‌ی بلاگر شدن به نظرم بینی عملیه، تو الان هر بلاگری رو بینی کمه کم، حداقل بینش عملیه، بعد خب واقعاً هم با عمل آدم خوشگل تر می‌شه و بیشتر تر به چشم میاد.

- یعنی به خاطر این که به چشم بیاد می‌خواهد این کار رو کنه؟

تقریباً، البته خب خودشم دلش می‌خواد خوشگل شه دیگه.

- برای این که به چشم بیاد، دیگه چه کارها می‌کنه؟

فعلاً که فقط توی فکر عمل بینیه، خب لباسم زیاد می‌خره خدا و کیلی، چون مدام در حال عکس گرفته، مجبوره هی لباس بخره و تیپای مختلفی بزنه.

- شما هم به عمل زیبایی فکر می‌کنی؟

راستش من هم دوس دارم دماغم رو عمل کنم، ولی واقعاً پولش رو ندارم، چون تازگیا نرخ عمل بینی خیلی رفته بالا، دیگه یه جای معمولی هم بخوای بری ۱۵، ۱۶ تومن تموم می‌شه و خانواده‌ی من این قدر پول نمی‌دن برای عمل.

- تا حالا لجبازی کردی که پول عمل رو بدن؟

آره بابا، خیلی غر زدم و قهر کردم، ولی فایده نداشت، مامانم مدام می‌گه بینیت خوبه هیچ ایرادی نداره، الکی خودت رو نبر زیر تیغ، هی می‌گه همه شبیه هم شدن، بابامم می‌گه، اصلاً حرفش رو نزن.

- چرا عمل زیبایی دوست داری؟

خب بین الان اکثراً به کسایی که قیافه شون عملیه، می گن خوشگل و ملاک خوشگل بودن، عملی بودن دماغ و این چیزاست. دیگه تقریباً همه ی هم سن و سالای من دارن عمل می کنن، دوس ندارم فقط من توشون زشت بمونم.

- یعنی وقتی عمل نکنی، زشت هستی؟

آره دیگه، الان اکثراً عملی می پسندن.

- الان که خانواده ات پول نمی دن برای عمل، می خواهی چه کار کنی؟

هیچی، فعلاً کاری ازم برنمیاد تا بتونم یه کاری پیدا کنم، برم سر کار، خودم پول جمع کنم برای

عملم، تا اون موقع هم فعلاً گریم دماغ رو یاد گرفتم، انجام می دم.

- چه جور ی یاد گرفتی؟

از اینستا، یه پیجی دارم آرایش یاد می ده، گریم کوچیک کردن دماغ رو هم یاد داده، خیلی تأثیر

داره، حداقل یه کم آدم اعتماد به نفس می گیره.



- مگه اعتماد به نفس نداری؟

خب بین وقتی می بینم همه خوشگل شدن و لنز می ذارن و موهاشون هر دفعه یه رنگه، خب منم دلم می خواد این طوری کنم و وقتی خانواده ام نمی ذارن، یه حس سرکوب شدن بهم دست می ده، حس این که چرا این قدر صورتم بده و اینا بهم پول نمی دن، حداقل بینیم رو عمل کنم.

- رنگ مو گذاشتن هنوز زود نیست؟

وا! معلومه که نه، تو الان بچه ی کلاس ششمی رو هم ببینی، موهاش رنگه!

- دوست داری شما هم مثل دوستت بلاگر بشی؟

آره، کیه که دوس نداشته باشه، ولی من مثل دوستم پول برای این کارا ندارم و خانواده ام هم

حمایت نمی کنن.

- چرا بلاگر شدن رو دوست داری؟

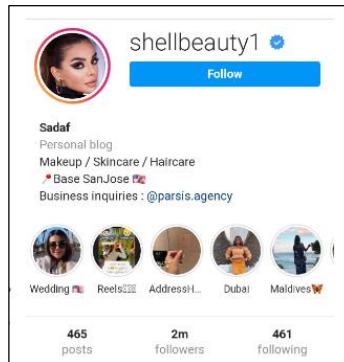
خب پول توشه، معروف شدن توشه.

- اگر بلاگر می شدی، می خواستی چه محتوایی داشته باشی؟

من بیش‌تر آرایشی، مثل شل بیوتی.

- بیش‌تر توضیح می‌دی؟

یه شخصیه به اسم صدف ترابی، اسم پیجش شل بیوتیه که انواع آرایش رو آموزش می‌ده، گریم صورت یاد می‌ده، لوازم آرایشی خوب رو معرفی می‌کنه. ولی لازمه‌اش واقعاً داشتن صورت خوب و بی‌نقص و هم چنین پول هست که من ندارم اینا رو، واقعاً دوس دارم جای صدف باشم.



- چرا؟

دختر خوشگل و جذابی، همه جور آرایش کردن بلده، پول داره، معروفه، کل جهان رو داره می‌گرده با نامزدش، دیگه واقعاً چی از خدا می‌خواد وقتی همه چیز داره؟

- مادیات رو به معنویات ترجیح می‌دی؟

معلومه که ترجیح می‌دم.

- چرا؟

الآن دنیا روی مادیات می‌گرده، با معنویات به هیچ جا نمی‌شه رسید، نمی‌شه بشینی یه گوشه فقط عبادت کنی، بعد انتظار داشته باشی با عبادت پول دار شی که. الآن زمونه‌ای شده اون قدر باید برای پول درآوردن کار و تلاش کنی که واقعاً وقتی برای معنویات و نماز و این چیزا نمی‌مونه، ما فعلاً بتونیم توی این دنیا زندگی مون رو بچرخونیم و گشنه نمونیم، اون دنیا پیشکش مون.

- دین رو قبول داری؟

من معتقدم یه چارچوبی باید باشه توی رفتار آدم که از خط قرمز رد نشیم، ولی خب این چارچوبی که اینا برای ما ساختن رو قبول ندارم.

- چرا؟

خب چون به نظرم الکیه و برای نفع خودشونه، من ترجیح می‌دم خودم با چارچوب خودم پیش

برم.

- چارچوبت چی هست؟

خب این‌که به کسی آزار نرسونم، کسی رو نرنجونم، آدم درست‌کاری باشم.

- شما از طریق اینستاگرام این‌ها رو متوجه شدی؟

نمی‌شه بگی اینستا تأثیر نداره، چون توی اینستا با یه عالمه افکار روبه‌رویی و خب وقتی می‌بینی، ترجیح می‌دی اونی که درست‌ترین هست رو برای خودت انتخاب کنی، من خودم می‌بینم دیگه، این همه آدم توی خارج با دینای متفاوت هیچ کدوم اندازه‌ی کشور ما اجبار و دروغ توش نیست، خب اگه کشور ما خیلی کشور مذهبی و دینی هست، پس چرا این قدر توش فساد و دروغ زیاده، اگر خارجیا کافرن، چرا این قدر فساد مالی و دروغ توشون کمه و آدمای موفقی اند؟ می‌دونی آدم می‌شینه یه سری چیزا رو می‌ذاره کنار هم، متوجه می‌شه همه‌ی اینا الکیه، هدف اصلی خدا هم اینه که ماها آدمای مهربون باشیم و به هم ظلم نکنیم، سعی کنیم، درست زندگی کنیم، نه این که واسش نماز و روزه و حجاب مهم باشه، آخه یعنی چی مثلاً کسی که نماز و روزه‌اش پا برجاست، حجابشم رعایت می‌کنه، ولی آزار می‌رسونه به بقیه و دروغ می‌گه، می‌شه مسلمون درجه یک، بعد کسی که بی‌حجاب، ولی درست کاره، می‌شه کافر و خدا هم می‌برتش جهنم؟ آخه این با عقل جور درمیاد؟ جور درمیاد دیگه...، اینا الکی این‌جوری می‌گن ما رو زیر سلطه‌ی خودشون ببرن و هر بلایی خواستن سرمون بیارن به اسم دین و خدا، بعدم ما لال بشیم.

- ریحانه جان خانواده‌ات هم چنان نمی‌دونن که تو اینستاگرام داری؟

چرا، می‌دونن، فهمیدن.

- خانواده‌ات از کجا فهمیدن اینستاگرام داری؟

خب یکی از دخترای فامیل رو فالو کرده بودم، نگو اون می‌ره به مامانش می‌گه که آره ریحانه رو من توی اینستا دارم و عکسم رو نشونش می‌ده، مامان فضول اونم به مامان من می‌گه که عکس دخترت رو توی اینستا دیدم و این جور حرفای خاله زنکی دیگه (می‌خندد).

- دیگه گیر ندادن؟

نه دیگه، می‌گم که الان تقریباً داره عادی می‌شه، مثل تلگرام و واتساپ که همه دارن.

- یعنی چی؟

خب بین کم‌کم همه نصب کردن اینستاگرام رو و الان اکثر فعالیت‌های سرگرم کننده و یا حتی مدرسه‌ای هم تو اینستاگرام هست، یعنی مثلاً یکی از معلمای کنکور خود من، می‌گه باید توی اینستاگرام می‌خوام لایو بذارم و رفع اشکال کنم، تا وقتی مامان و باباها ببینن این‌طوره، دیگه کم‌تر گیر می‌دن دیگه، الان خود مامان من از وقتی فهمیده من بازم اینستا دارم، دیگه به من گیر نمی‌ده و حتی خودشم نصب کرده و از صبح تا شب مشغول چک کردن پیج‌های آشپزی و بافتنی و خانومای فامیله (می‌خندد)، من خودم تازگیا کم‌تر خانواده‌ای رو می‌بینم که اینستا نداشته باشن و معمولاً توی هر خانواده یکی داره اینستاگرام رو.

من باشگاه می‌رم روزای زوج، توی باشگاه‌مون چندتا خانوم ۳۰ سال به بالا هم هستن، چند روز پیشا مربی‌مون برگشت و بهمون گفت، آیدی می‌دم پیج ورزشی من رو توی اینستا فالو کنید، یکی

از هم‌باشگاه‌هایم که تقریباً ۲۴ سالشه، گفت ببخشید، من اینستا ندارم فالوتون کنم، بعد یکی از همون خانومایی که سنش تقریباً ۳۵ بود و ناظم دبستان پسرانه هم هست، برگشت رو به این دختره با تعجب زیاد گفت، واقعاً! دختره گفت به خدا ندارم، از اینستا خوشم نمیداد، بعد اون ناظمه می‌گفت، وا مگه می‌شه، چه جوری می‌تونی بدون اینستا باشی، اصلاً اوقات بی‌کارتیت رو چه جوری می‌گذرونی و این حرفا، می‌خوام بهت بگم در این حد عادی و لازم شده که ناظم یه مدرسه هم داره و تشویقت می‌کنه داشته باشی.

- به نظرت خوبه که کاربری از اینستا داره عادی می‌شه؟

خب چه اشکالی داره، توی دورانی که کرونا اومد و همه خونه بودن، واقعاً برای سرگرم شدن خیلی خوب بود، حتی خانواده‌ها، در این شرایط کم‌ترم به بچه‌هاشون گیر می‌دن (می‌خندد)، فضای اینستاگرام واقعاً جذابه و وقتی می‌ری توش، دل‌کندن ازش سخته، چون تا رفرش می‌کنی، می‌بینی یه عالمه اتفاقای جدید و جالب رخ داده یا فامیلا و دوستات استوری و پست و لایو گذاشتن و از زندگیای همه تقریباً سر درمیاری، حتی یه سری وقتا هست بعضیا استوری می‌ذارن، سریع پاک می‌کنن، اگه همون موقع نبینی، از دستت رفته (می‌خندد).

- تا حالا این طوری شده که یکی چیزی بگذاره و شما سریع دیده باشی؟

آره، مثلاً دوستم با دوس پسرش بیرون بودن، یه لحظه استوری کردش، بعد من دیدم فوری اسکرین شات گرفتم، بعد چند دقیقه دیدم پاک کرد، بعد توی دلم گفتم خوب شد اسکرین گرفتم.

- اسکرین شات گرفتن به چه دردت می‌خوره؟

خب به دوستای دیگه‌ام نشون می‌دم، می‌گم فلانی با دوس پسرش بیرون بودن، بیاید ببینید.

- برای دوستان تو هم مهم هست؟

آره خب.

- چرا؟

خب دور هم شروع می‌کنیم به نقد و بررسی تیپ و قیافه‌ی دوستم و دوست پسرش (می‌خندد).

- واقعاً این مسأله مهمه؟

آره خب، الان تیپ و قیافه خیلی مهم شده خب.

- چرا؟

خب الان تقریباً همه اول به قیافه توجه می‌کنن و اول از همه راجع به تیپت نظر می‌دن، این

روزا دیگه ملاک اول تیپ و قیافه هست، بعد اخلاق و این چیزا.

- پدر و مادر دوستت نمی‌بینن که اون با دوست پسرش استوری گذاشته بود؟

خب دوتا اکانت داره، یکی مخصوص دوستاشه، یکی فامیلا و خانواده‌اش، تازه توی همون پیج

خانوادگیس هم، یه سری وقتا عکس خودش رو که استوری می‌کنه، مامان و باباش رو هیدن می‌کنه.

- خوب چرا دوتا پیج داره؟

خب خانواده‌اش و فامیلاش از کاراش سر درنیارن، چون نمی‌دونن که دوس پسر داره، توی اون پیج خانوادگیش هم می‌گه، پسرای فامیل مون فالوم دارن، مامان و بابام رو هیدن می‌کنم، عکسای خودم رو گاهی می‌ذارم، پسرای فامیل ببینن.

- چرا، مگه نگفتی خودش با کسی هست؟

خب بین فکرش این طوریه که می‌گه شاید با اینی که الان باهاش هستم، کات کنم یه روزی، بعد اون وقت نمی‌شه پسرای فامیل مونم از دست بدم که، یه جورایی انگار گذاشته توی آب نمک اینا رو، عکساش رو می‌ذاره که اونا ببینن، مثلاً ترانه چه قدر بزرگ شده، خوشگل شده.

- عکس‌هاش رو که می‌گذاره، اون پسرها هم بهش پیام می‌دن؟

می‌گه یه وقتاً مثلاً توی دایرکت ازم تعریف می‌کنن، چه قدر عوض شدی و خوب شدی، ولی اون طوری نیست که دایم چت کنن، چون نمی‌خواد خیلی خودش رو دختر ولی نشون بده.

- دوستت با دوست پسرش توی اینستاگرام آشنا شدن؟

نه، ولی دوستی‌شون رو آوردن توی اینستا دیگه.

- یعنی چی؟

گفتم که یه پیجی داره که همه فامیلا و خانواده‌اش رو بلاک کرده، عکسای خودش و گاهی دوس پسرش رو می‌ذاره، مثلاً دوس پسرش زیر پستاش کامنت می‌ذاره و قربون صدقه اون می‌ره.

- چرا دوستیش رو توی اینستاگرام آورده؟

به اصرار دوس پسرش، مثل این که می‌گفت بیا پیج بزنیم، دوستای تو و دوستای من بدونن با همیم و این صحبتا.

- شما یک دونه اکانت داری؟

آره.

- چندتا فالور داری؟

خیلی نیستن، نزدیک ۲۰۰.

- صفحه‌ات خصوصیه یا عمومی؟

خصوصیه، خیلی حالا عکسام خوبه، عمومی هم کنم ببینن.

- چرا؟

خب من عکسام خیلی معمولیه، واقعاً خیلی ژست و اینا مثل دوستم بلد نیستم.

- یعنی اصلاً عکس نمی‌گذاری؟

چرا می‌ذارم، ولی خب کیفیتش معمولیه دیگه.

- افکت هم می‌دی؟

یه درصد فک کن افکت ندم، همین طوری که داغونم، کیفیت عکسامم بد هست، دیگه افکتتم ندم چی می‌مونه.

- با افکت‌های خود اینستاگرام هم عکس می‌گیری؟

آره، یه سریاش خیلی خوب بینی رو کوچیک می‌کنه و قیافهات رو خیلی بهتر می‌کنه.

- از اندامت هم ناراضی هستی؟

نه، اندامم خوبه خدا رو شکر، باشگاهم می‌رم یه وقت چاق نشم و همینی که هستم بمونم.

- چاق شدن بده؟

نه که بخوام توهین کنما به کسی که چاقه، ولی خب واقعاً از ریخت می‌اندازه آدم رو، بعدم خب وقتی چاق باشی، مسخرهات می‌کنن، با چاق شدن اعتماد به نفست رو از دست می‌دی انگار، بعدم توی اینستا بلاگرا رو که می‌بینی همه شون خوش هیکل ان، اگر بین شون کسی چاق باشه هم، سعی در لاغری داره با رژیمای لیمومی و غفاری.

ghafaridiethoopoe →

۳۷ پست ۱۳۴ هزار دنبال‌کننده ۲ دنبال‌شونده

بهاره غفاری
مجهزترین مرکز لاغری و زیبایی
• شعبه فرشته
• شعبه نیاوران
• شعبه الف (پوست و زیبایی)
• شعبه رشت
22020820 شماره تماس
وقت دهی آنلاین

www.ghafaridiet.com/fa/diet_plan.html

limoo.me →

۲,۳۷۷ پست ۲,۵ میلی... دنبال‌کننده ۷ دنبال‌شونده

رژیم غذایی لیمومی/لاغری/تغذیه سلامت/زیبایی
هایلایت نتایج موفق رو ببین!
مشاور تغذیه حمیدرضا شیخ روشندل (354-ت) با مجوز رسمی وزارت بهداشت و درمان دریافت رژیم
limoo.me/getdiet2

- خودت تا حالا رژیم گرفتی؟

من نه، ولی خاله‌ام از لیمومی برای لاغری رژیم گرفته بود.

- تأثیری داشت؟

آره خب، خیلی خوب شد، ولی باید ادامه می‌داد که نداد.

- چرا؟

خب پر هزینه بود، هم برای تمدید رژیم باید پول می‌داد، هم این‌که غذاهایی که توی رژیمش نوشته شده بود، هزینه‌بر بود.

- خاله‌ات چه طوری به لیمومی اعتماد کرد؟

خب لیمومی یکی از معروف‌ترین رژیمای اینترنیتی، کلی از بلاگرا خودشونم این رژیم رو گرفتن و راضین، تبلیغش رو هم می‌کنن، خاله‌ام اولش گفت یه دوره می‌گیرم، راضی بودم، بازم می‌گیرم،

دوره‌ی اولش خوب بود و این باعث شد بازم ادامه بده، دیگه وقتی هیكلش بهتر شد، به خاطر هزینه‌های زیادش دیگه نتونست ادامه بده، ولی خب رعایت می‌کنه.

- ریحانه جون تو تو اینستاگرام معمولاً چه پیج‌هایی رو دنبال می‌کنی؟
من دنیا جهان‌بخت، کیمیا تاج زاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانیذ اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانیذ اسماعیلی، شل بیوتی رو دنبال می‌کنم.

- گل منگولی رو با این که فهمیدی دروغ گفته، باز دنبال می‌کنی؟
آره.

- چرا؟

خب آخه تیپایی که می‌زنه خیلی خوبن، سعی می‌کنم الگو بردارم از روی تیپاش، بعدم خب واقعاً فضولیم گل می‌کنه بینم اوضاعش با شوهرش چه جوریه خب (می‌خندد).

- کیمیا تاج زاد کی هست؟

یه خواننده هست ۲۱ سالشه، تازه از ایران رفته ترکیه و فعالیتش رو داره اون‌جا ادامه می‌ده.



- چرا دنبالش می‌کنی؟

صدای فوق‌العاده قشنگی داره، خوشگلم هست، بعد از وقتی که رفته ترکیه از روزمرگی هاشم فیلم و عکس می‌ذاره، تازگیا با نگین فضلی دوس شده و توی بعضی استوری‌هاش نگین هم هست و با هم مسخره بازی درمیارن، خیلی باحال ان.



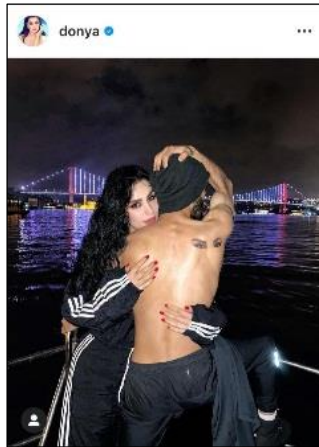
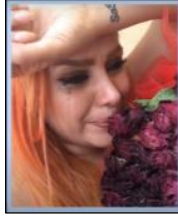
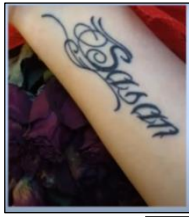
- یعنی کیمیا با تکیه به نگین داره خودش رو معروف می‌کنه؟
خب کیمیا معروف هست، ولی خب اکثر این بلاگرا برای این که پیج‌شون بیش‌تر دیده شه، میان طرح دوستی می‌ریزن که فالوراشون بره بالا.

- بلاگرها رو چرا دنبال می‌کنی؟
خب از نحوه‌ی زندگی کردن‌شون خوشم میاد، از سبک چیدمان خونه‌شون خوشم میاد، از روزمرگی‌هاشون خوشم میاد، خیلی با ماها متفاوت ان، خیلی لاکچری زندگی می‌کنن، غذاهای خوب، لباسای خوب، رستورانای لاکچری، ماشین مدل بالا.

- دوست داری جاشون باشی؟
خب کی دلش نمی‌خواد اون جوروی زندگی کنه؟ توی این اوضاع خراب مملکت، واقعاً اون جوروی زندگی کردن خیلی خوبه، البته اینم بگما، توی یه پیچی نوشته بود، بعضی از این بلاگرا مثل همون ساناز ... همه چی شون اجاره‌ایه، برای این که توجه جلب کنن، الکی می‌گن مال خودمونه، چون الان فالوراش زیاده، به اعتبار پیجش مثلاً مزونا، نمایشگاه ماشین و اینا، بهش اجاره می‌دن تا این عکس بندازه، بعد پشش بده، اینم میاد عکس می‌ذاره، مردم فک می‌کنن، ساناز چه قدر لاکچریه، اما خب خیلپاشون مثل مامان پانید اسماعیلی، همه پیش واقعیه، یعنی اولش زندگی خیلی معمولی توی شرق تهران داشتن، بعد با استفاده از بچه‌شون پانید به معروفیت الان شون می‌رسن و کم‌کم خونه و ماشین عوض می‌کنن، بعد هی وضع مالی شون خوب می‌شه، مثل ساناز فیک نیست زندگیش.



- دنیا جهان‌بخت رو چرا دنبال می‌کنی؟
خب دوسش دارم، قیافش رو، تیپش، هیکلش... کنجکاوم بدونم چه اتفاقی واسش می‌افته و دنبالش می‌کنم، سبک زندگیش رو هم دوس دارم.



- مگه سبک زندگیش چه جوریه هست؟

خب قشنگه، این که به خودش می‌رسه، اهمیت می‌ده، این که هیچی واسش مهم نیست و به حرف مردم گوش نمی‌کنه و کار خودش رو انجام می‌ده، این که سعی داره واسش بچه‌اش بهترینا رو تنهایی فراهم کنه.

- دوست داری جاش باشی؟

دوس دارم واقعاً برسم به جایگاهی که مثل دنیا، حرف مردم واسم مهم نباشه و کار خودم رو انجام بدم و به بهترینام برسم. واقعاً یه دختر جز خوشگلی، استقلال، پول، ویزای دوتا کشور، دیگه چی می‌خواد؟ به نظرم هر کی هم بهش خرده می‌گیره، داره بهش حسادت می‌کنه، دنیا نزدیک به ۱۴ میلیون نفر فالور داره، یعنی بین زنانی ایرانی فک کنم اولین نفریه که این قدر فالور داره و می‌شه قشنگ با زنانی خارجی مقایسه‌اش کرد.

- برای این که تبدیل بشی به دختری مثل دنیا، حاضری مثل اون جلوی دوربین ادای خودکشی

کردن رو دربیاری یا مثلاً حاضری سایر کارهایی که دنیا کرده رو بکنی؟

خب دنیا همه‌ی این کارا رو برای معروف شدن و جذب فالور کرده، واقعی نبوده که، خب بالاخره هر کسی از یه راهی محبوبیت و معروفیت رو به دست میاره، دنیا هم از این روش استفاده کرده، یه جورایی بازیگری کرده. من همه‌ی کاراش رو تأیید نمی‌کنم، ولی خب می‌گم هر کی از یه راهی معروف می‌شه، دنیا هم از این راه، نمی‌تونن خرده بگیرن، بگی چرا بقیه از اون راه معروف شدن، دنیا چرا از این راه! منم شاید اگه امکانش رو داشتیم برای این که معروف بشم و قدر دنیا درآمد داشته باشم، حاضر بودم جلوی مردم فیلم بازی کنم.

- منظورت از این که امکانش رو داشتی چی هست؟

خب یعنی این که اول از همه یه سرمایه‌ی جزئی می‌خوام، دوم این که ایران نباشم، چون توی ایران سخت‌گیری‌ها داره زیاد می‌شه و خب آدم استرس می‌گیره، هر لحظه بیان دستگیرش کنن.
- تا حالا شده از دنیا الگو برداری کنی؟

خب من قدر دنیا پول ندارم که بخوام کارایی که اون می‌کنه رو انجام بدم، من نهایت تقلیدم از دنیا مدل خط چشم کشیدنشه که منم اون جور می‌کشم تا بلکه چشمم نما پیدا کنه، دارم سعی می‌کنم مثل دنیا یه کم بی‌خیال باشم و به حرف مردم گوش ندم، ولی خب کار سختیه، باید تمرین کنم.

- شما هم دوست داری مثل دنیا مستقل باشی؟

خب اگه پول داشته باشم، قطعاً مستقل می‌شم، ولی خب فعلاً که ندارم (می‌خندد).

- یعنی بدون پول نمی‌شه مستقل شد؟

خب هزارتا بدبختی و دنگ فنگ داره، مثلاً من مطمئن شم که می‌تونم خرج خودم رو دربیارم، می‌تونم یه خونه برای خودم بگیرم، بدون شک استقلال رو انتخاب می‌کردم.

- چرا مستقل بودن رو دوست داری؟

چون کسی نیست بهت بگه چه کار کن یا چه کار نکن، مدام بهت گیر نمی‌دن و هر کاری که خودت دوس داری، می‌تونن انجام بدی، کسی هم نیست سرزنشت کنه.

- به نظرت استقلال، اعتماد به نفس یک دختر رو بالا می‌بره؟

به خدا توی ایران اشتباه می‌کنن دخترا رو این قدر توی خفقان نگه می‌دارن، من توی اینستا می‌بینم، توی خارج وقتی دختر ۱۸ سالش می‌شه، دیگه کامل مستقل می‌شه و از خانواده‌اش جدا می‌شه، سفر می‌ره، سر کار می‌ره، تفریح می‌کنه با دوستاش، ولی توی ایران تا وقتی شوهر نکردی، نمی‌دارن مستقل بشی، شوهرم که می‌کنی بازم مستقل نیستی و یکی دیگه واست تصمیم می‌گیره، نه خونه‌ی پدر آزادی داری، نه خونه‌ی شوهر، این جور آدم سر خورده می‌شه.

- منظورت از آزادی چی هست؟

یعنی بدون اجازه‌ی کسی بری سر کار، بری با دوستان سفر، حتی یه وقتا تنهایی بری سفر، خرید، اون جورایی که خودت دوس داری، زندگی کنی و خودت برای خودت تصمیم بگیری، آدم وقتی خونگی باشه، از اکثر این کارا محرومه و وقتی هم خونگی شوهر می‌ره، اختیارش می‌افته دست شوهر که یه قانون مسخره‌ایه.

- چرا؟

این که توی ایران هیچ وقت از خودت اختیار نداری چیز چندشیه، قبلش که اختیارت دست خانواده‌ات هست، بعدش هم باید غلام حلقه به گوش شوهر باشی، پس ما دخترا توی ایران کی می‌تونیم خودمون باشیم؟ واقعاً ظلمه که هر چی مرد گفت باید همون باشه، هی هم توی گوش‌مون فرو می‌کنن، وقتی شوهرت راضی نباشه و تو از خونگی بیای بیرون حرامه و کار بدی کردی! خب من، دوستانم و مسلماً خیلی از دخترای دیگه، دوس داریم آزاد باشیم، ولی این حق که حق مسلم ما هستش، از ما گرفته شده.

- یعنی دخترها نباید ازدواج کنن؟

نه، نمی‌گم ازدواج نکنن، ولی جوری باشه که استقلال‌شون رو از دست ندن، همه چی شون نیفته دست شوهرشون، الان من یه پیجی دارم اسم دختره و پسره آیدا و یاسینه؛ آیدا ۱۹ سالشه، یاسین ۲۱ سالشه، فوق‌العاده هم پول‌داره، تازه عقد کردن، قبلش ۳ سال با هم دوس بودن، دوستی‌شون رو آورده بودن توی اینستا، عکس و فیلمای عاشقانه می‌داشتن، دابسمش و کلیپ می‌ساختن، آیدا کلاً خونگی یاسین بود و از اون‌جا هی فیلم و عکس می‌داشت. بعد توی دایرکت ازش پرسیده بودن، چرا می‌ری خونگی یاسین و این حرفا، جواب داده بود ما قصدمون جدیه، برای شناخت هم‌دیگه این چیزا لازمه و من نمی‌خوام وقتی ازدواج کردم، یاسین رو خوب نشناخته باشم، حالا نمی‌دونم خانواده‌شون می‌دونستن یا نه که اینا با هم زندگی هم می‌کنن، بعد حالا که عقد کردن، آیدا هم‌چنان آزادی خودش رو هم داره، یعنی یه پیج کاری داره توی اینستا، با دوستانش مسافرت می‌ره، کلی تپپای خفن و خوشگل می‌زنه، یاسین بهش گیر نمی‌ده، کلاً یه دختر آزاد و مستقلیه که در کنارش، شوهرم داره و شوهرداری هم می‌کنه. منم می‌گم، دخترامون اول بشناسن طرف مقابل‌شون رو، ببینن می‌ذاره اصلاً زنش مستقل باشه، کار کنه، بیرون بره، اون جور که دوس داره لباس بپوشه، بعد ازدواج کنن.

۱ - آیدا صداقت و یاسین رفیع نژاد از شاخ‌های اینستاگرام ساکن رشت هستند. آن‌ها با عمل‌های متعدد صورت و به اشتراک گذاشتن دوستی لاکچری‌شان به شهرت رسیده‌اند. آیدا ۱۹ ساله و یاسین ۲۱ ساله، ۳ سال با هم در رابطه بودند. حال با توجه به عکس و فیلم‌های اینستاگرام‌شان آن دو با هم ازدواج کرده‌اند. آن‌ها علاوه بر درآمدزایی در اینستاگرام از طریق پیج‌شان، صاحب یک بوتیک بزرگ در رشت هستند که خودشان مدل بوتیکی که دارند، هستند و با برتن کردن لباس‌های بوتیک خویش، آن‌ها را تبلیغ می‌کنند. آن‌ها مدام در حال به اشتراک گذاشتن زندگی لاکچری و مهمانی‌ها و سفرهایشان هستند.



- با این نگاه فمینیستی که می‌گه زن حتی بعد از ازدواج هم مالک جسم خودشه و آزاده که با هر کسی رابطه داشته باشه، موافق هستی؟

نه، اصلاً، ببین حرفای من رو یه وقت بد برداشت نکنیا، من وقتی می‌گم آزادی، منظورم نوع پوششم، حق کار کردن، حق گردش و تفریح با هم‌جنسام هستش، نه این که آزاد باشم با هر کی بخوام رابطه داشته باشم.

- خوب برای این که آزادی به دست بیاری، حاضری چه کارهایی کنی؟
قطعاً اولین قدمم اینه برم سر کار و پول جمع کنم، بعدم اگر بشه از ایران برم.
- کجا می‌خواهی بری؟
ترکیه.

- چرا می‌خواهی از ایران بری؟

تو بگو چرا باید توی این خفقان بمونم؟ بالاخره برای این که مستقل باشم، باید برم از این‌جا، وگرنه توی این مملکت دختر نمی‌تونه به جایی برسه، توی اینستا یه دختری هست اسمشه پانیز جی ام ۲۴۱ سالشه فک کنم، داره تنها ترکیه زندگی می‌کنه و خیلی هم دختر خوبیه، اصلاً ارزش بی‌بند و باری ندیدم، خب چه اشکال داره منم مثل پانیز باشم.



۱ - پانیز گل مهدی معروف به پانیز جی ام، متولد ۱۳۷۷ در یزد است. او به تازگی و به تنهایی به ترکیه مهاجرت کرده است. پانیز وقتی در ایران بود، در زمینه‌ی مدینگ و عکاسی فعالیت داشت.

- چرا حالا ترکیه رو انتخاب کردی؟

پانیزد خیلی تعریف می‌کنه از ترکیه و می‌گه هم هزینه‌ها به صرفه هست، هم آب و هواش خوبه، هم به ایران نزدیکه و اگر دل‌تنگ خانواده شدید، می‌تونید راحت برید و بیاید، دانشگاه‌هاش هم مثل این‌که خوب پذیرش می‌کنه.

- فقط به خاطر حرف پانیزد؟

نه خب، ولی تجربیات پانیزد که در اختیارمون می‌ذاره هم بی‌تأثیر نیست، اگر پانیزد هم نمی‌گفت، من توی فکر بودم که از ایران برم.

- چند ساله به رفتن فکر می‌کنی؟

تقریباً دو ساله.

- به نظرت تأثیر اینستاگرام می‌تونه باشه که تصمیمت برای رفتن جدی هست؟

قطعاً می‌تونه باشه، من وقتی توی اینستا دختری هم‌سن و سال خودم رو می‌بینم که چه قدر راحت دارن توی کشورهای دیگه زندگی می‌کنن، تصمیمم جدی می‌شه برای رفتن، برای این‌که کشورمون برای دختری اصلاً جای زندگی نیست. وقتی دختری حتی از سمت پدرشون امنیت ندارن و دولت هم طرف پدر رو می‌گیره، همیشه مثل قضیه‌ی رومینا و خیلی از دخترهای دیگه که مثل رومینا کشته می‌شن و کسی هم نمی‌فهمه و دولت هم صداسش رو در نیاره.



۱ - ویکی پدیا درباره قتل رومینا توسط پدرش می‌نویسد:

وکیل مادر رومینا در مصاحبه با روزنامه شرق گفت، رئیس دادگاه از رضا اشرفی پرسید: «اگر تو معتقد بودی ناموست لکه‌دار شده، چرا بهمن خاوری را نکشتی؟... آیا این رفتار یک پدر با فرزندش است؟» و رضا اشرفی پاسخ داد: «اگر بهمن را می‌کشتم، قصاص می‌شدم». در ادامه وکیل مادر رومینا گفت، با این اظهارات مشخص شد که قاتل از عملش آگاه بوده و خطرناک بودن او ثابت شده است. هم‌چنین او تأیید کرد که از طرف برادران رضا اشرفی تهدید شده که از مادر رومینا رضایت بگیرد. هنگامی که رضا اشرفی دخترش را تحویل گرفت به او گفت: «قرص بخور و خودت را بکش، رومینا که از پدرش می‌ترسیده فقط به او گفته چشم!» به گفته این وکیل «پدر رومینا از سوی افرادی از نزدیکانش تحریک شده است، آن‌ها به پدر رومینا گفته‌اند، اگر تو این دختر را نکشی، ما این کار را می‌کنیم» و تأیید کرد که قاتل با تحقیق اقدام به قتل کرده و در چنین مواردی نباید به «مجازات فقهی» بسنده شود و در این پرونده با توجه به «خطرناک بودن مجرم» و «بسیار خشن» بودن قتل باید «مجازات تکمیلی» صادر می‌شد.

- به نظرت خانواده‌ات می‌گذارن بری؟
- قطعاً مخالفت می‌کنن، ولی من همه‌ی تلاشم رو می‌کنم که راضی‌شون کنم.
- چه جوری راضی‌شون می‌کنی؟
- امید دارم وقتی سنم یه کم بره بالا و پول داشته باشم، مخالفتی نکنن، ولی خب اگر هم کردن با حرف زدن سعی می‌کنم راضی کنم.
- شما از کجا می‌دونی که خیلی‌ها مثال رومینا می‌میرن و صداش درنمیاد؟
- بین صداش از تلویزیون درنمیاد، ولی کافیه یه چرخ بزنی توی اینستا تا ببینی چه جوری خبرا می‌پیچه و دولت اصلاً به روی مبارکش هم نمیاره.
- پیچی رو در این راستا داری که از توش خبرهای سیاسی دنبال کنی؟
- آره، پیج توانا خیلی هم معروفه، خبراشم واقعاً راسته، هر چی که اخبار ایران پنهان می‌کنه، این فوری نشر می‌ده و دست دولت رو رو می‌کنه (می‌خندد).



- ریحانه جون خرید اینترنتی هم داشتی؟
- من پیج یه مزونی رو دیدم توی اینستا، دیدم لباساش خیلی شیک و قشنگه، قیمتاشم مناسبه، آدرسشم توی بیو که خوندم، دیدم بهمون نزدیکه، با مامانم تصمیم گرفتیم حضوری بریم، ما رفتیم دیدیم خیلی خوب بود لباساش، دقیقاً همونایی بود که توی عکس گذاشته بود، اما قیمتا متفاوت بود، بعد که بهشون گفتیم قیمت پیج با قیمت این‌جا متفاوته، گفت اینترنتی تخفیف داره، ولی حضوری این‌طوری نیست، هیچی دیگه، مامانم گفت بریم از اینستا سفارش بدیم به صرفه‌تره، دیگه مامانم سفارش داد و اسش آوردن دیگه.
- توی اطرافیان کسی هست که خرید کرده باشه از طریق اینستاگرام و به مشکل برخوردده باشه؟
- نه، خداییش من هر کی رو دیدم خرید کرده، راضی بوده و بقیه رو هم تشویق کرده.
- پیچی رو در راستای حمایت از محیط زیست داری؟
- نه، من فالو ندارم، ولی توی اکسپلور خیلی از این پستای حمایتی دیدم.
- مثال می‌زنی؟

مثلاً پیج هایپر استار، یه خانومی که گویا مدیره یه بخشی از هایپره، بچه‌هایی که توی هایپر مشغول به کارن رو جمعه‌ها می‌بره کوه یا پارک و آشغال رو با هم جمع می‌کنن.

- نظرت راجع به کارشون چی هست؟

خب کار قشنگ و خوبیه، خوبه که دارن فرهنگ سازی می‌کنن که مردم یاد بگیرن این چیزا رو.
- خوب شما کاری در این راستا می‌کنی؟

خب من فعالای محیط زیست رو فالو نکردم، ولی خودم وقتی جایی می‌رم، واقعاً سعی می‌کنم، اصلاً آشغال نریزم زمین یا حتی وقتی مامان یا بابام می‌خوان یواشکی بندازن زمین که مردم نبینن، واقعاً تذکر می‌دم و می‌گم نکنید، زشته یا مثلاً یه پستی بود، نوشته بود زمستونا گربه‌ها برای این که گرم شن میان قسمتای گرم ماشین قایم می‌شن، حواس تون باشه به این طفلکا، منم این پست رو استوری کردم که بقیه هم حواس شون به حیوونا باشه.

- ریحانه جون در طول روز چند ساعت توی اینستاگرام هستی؟
تقریباً فکر کنم ۸، ۹ ساعت.

- استفاده‌ات از وقتی که اینستاگرام رو نصب کردی زیاد شده؟

اون موقع‌ها چون می‌خواستم خانواده‌ام نفهمن اینستا دارم، مجبور بود کم استفاده کنم، دیگه الان که می‌دونن، راحت استفاده می‌کنم.

- الان به نظرت به اینستاگرام اعتیاد داری؟

آره واقعاً، من حتی ببخشیدا، دستشویی هم می‌رم گوشیم رو می‌برم که پست و استوریا رو چک کنم، بعد خب شبا هم اکثراً خوابم نمی‌بره، توی اینستا می‌چرخم تا خوابم بگیره.

- خوابت به هم خورده؟

تقریباً، مثلاً شبا ۲-۳ می‌خوابم و روزا هم خیلی کسلم.

- خانواده‌ات گیر نمی‌دن؟

نه، دیگه عادت کردن.

- خوب چرا این قدر به اینستا وابسته هستی؟

آخه لامصب می‌گم که هی رفرش می‌کنی، کلی پست و استوری‌های جدید میاد که نبینی از دست رفته، دیگه کرونا هم اومده، همه‌اش خونه‌ایم دیگه، با اینستا ور نریم، چه کار کنیم.

- کاربری مفرط از اینستا آسیب جسمی هم بهت رسونده؟

خب این که گوشه دستم هست مدام، باعث می‌شه یه کم گردنم درد بگیره، چشمام یه کم بسوزه، وگرنه مشکل خاصی فعلاً نگرفتم خدا رو شکر (می‌خندد).

- مرسی که وقتت رو در اختیارم گذاشتی.

خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره:

ریحانه ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است. ریحانه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به ظرفیت آموزشی مناسب اینستا، اشاره داشته است.

ریحانه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: حمایت دوستان از هم، فشار هنجاری گروه، تعمیق روابط دو جنس، اهمیت یافتن فالور برای نوجوانان و جوانان، علاقه به مهاجرت برای گریز از محدودیت‌های زنان در جامعه، ترفندهای ارتقای فالور در اینستا، غوغای لایک و ویو، شکل‌گیری هویت‌های جدید نمایشی و لاکچری و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ریحانه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: تحولات ارزشی جامعه زنان، تنزل اخلاق و اخلاقیات در فضای اینستا، حاکمیت یافتن اصل هدف وسیله را توجیه می‌کند، پر فریب شدن محیط اینستا، پذیرش تقلب کردن در روابط اجتماعی و نظایر آن، اشاره داشته است.

ریحانه ۱۸ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: آلودگی تبلیغات در فضای مجازی، استفاده از ترفندهای مختلف جهت ارتقای فالور در اینستا، سوءاستفاده‌های اقتصادی از کاربران کاربر فضای مجازی و نظایر آن، اشاره داشته است.

ریحانه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: خانوادگی: اثرات فرهنگ جمع‌گرای ایران در روابط خانوادگی، ایجاد درگیری‌های خانوادگی، مخفی کاری و دور زدن اولیا توسط برخی از کاربران، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ریحانه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: ارضای هیجان جویی در فضای اینستا، تحقق اضطراب‌های نوپدید، احساس حسرت، نازل شدن مقام عشق، افزایش اعتماد به نفس کاذب، وابستگی و اعتیاد به فضای مجازی و جادوی استوری، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ریحانه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: بی‌توجهی نسبی به زیبایی‌های معنوی، دیگرپیروی برخی از کاربران در ابعاد

زیباشناختی از سلبریتی‌ها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی، بهره بردن از آپ‌های ادیت و افکت دادن و عرضه غیر واقعی خویش، استقبال از آرایش، استقبال برخی از کاربران از جراحی زیبایی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ریحانه ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: ناراحتی‌های چشمی و ضعف بینایی، دردهای عضلانی و اسکلتی، اشاره داشته است. مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

ریحانه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: ارتقای نقد سیاسی و یافتن نگاه نقادانه نسبت به مسوولان و نظام سیاسی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ریحانه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: بی‌توجهی نسبی به زیبایی‌های معنوی، پررنگ شدن زندگی مادی (مادی‌گرایی) و کم‌رنگ شدن نسبی معنویت‌گرایی در فضای اینستا، نقش اندک معنویت‌گرایی در فضای مجازی، نقد قرائت رسمی دین و حاکمیت یافتن مطلق پول، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ریحانه ۱۸ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: پررنگ شدن فضای مجازی در زندگی کاربران، جذابیت یافتن فناوری‌های ارتباطی جدید و شبکه‌های اجتماعی در چشم و دل کاربران، تحقق برخی از فرهنگ‌سازی‌ها (نظیر فرهنگ‌سازی در زمینه زیست محیطی) در اینستا، سایه انداختن حاشیه‌سازی‌های هویت‌های لاکچری بر جامعه (نظیر بهره بردن از آپ‌های ادیت و افکت دادن و عرضه غیر واقعی خویش که فرهنگ جامعه را به سمت پذیرش معیارهای لاکچری سوق می‌دهد)، سایه انداختن حاشیه‌سازی‌های بلاگرها بر جامعه، پذیرش قابل توجه معیارهای زیبایی بلاگرها در جامعه، ایجاد شرایط مساعد برای به نمایش نهاده شدن هویت‌های لاکچری و نمایشی، پذیرش تقلب کردن در روابط بین فردی و اجتماعی، استقبال از مهاجرت کردن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه ریحانه ۱۸ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، ریحانه در مصاحبه خویش ضمن تأکید برخی از اثرگذاری‌های مثبت اینستا (مانند اثرگذاری‌های زیست محیطی)، به سبب میدان دادن به بلاگرها، اینفلوئنسرها و هویت‌های حاشیه‌ای (نظیر افراد منحرف و مطرود اجتماعی) که تا پیش از سایه‌گستر شدن فضای مجازی، امکان طرح چندان در جامعه نداشتند، در عمل جامعه را با منبع ارزشی،

هنجاری و فرهنگی جدیدی مواجه ساخته است. به این معنا که بسیاری از بلاگرها، برخلاف تعریف بلاگری، فاقد هر گونه تخصصی هستند، از این رو ناچارند برای مورد توجه نگه داشتن خودشان، متوسل به حاشیه‌سازهای مختلف شوند، به این ترتیب حجم قابل توجهی از مباحث حاشیه‌ای و مبتذل بلاگرها، فضای عمومی اینستا را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، به همین ترتیب اینستا با ایجاد شرایط مساعد برای به نمایش نهاده شدن هویت‌های لاکچری و نمایشی، سبب شده است تا هویت‌های اخیر بر فرهنگ جامعه مؤثر واقع آیند (و مثلاً با بهره بردن از آپ‌های ادیت و افکت دادن و عرضه غیر واقعی خویش، فرهنگ جامعه را به سمت پذیرش معیارهای لاکچری و نمایشی سوق دهند). از این رو سایه انداختن حاشیه‌سازی‌های بلاگرها، اینفلوئنسرها و هویت‌های حاشیه‌ای و هویت‌های لاکچری بر جامعه مقوله جدی و مهمی است که باید آن را در تحولات فرهنگی جامعه لحاظ کرد.

مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله

مهرداد و آيسان هم هميشه دوربين مخفي مي‌ذارن، توي يکيش مهرداد به آيسان مي‌گفت، براي يوتيوب همين الان بايد بچه‌دار بشيم... .

- سلام!

سلام.

- حالت خوبه نرگس جان؟

خوبم. مرسی.

- از اين که حاضر به وقت گذاشتن براي مصاحبه شدي، ممنونم.

خواهش.

- اجازه مي‌دي مصاحبه خودمون رو شروع کنيم.

بله. بفرماييد.

- دانشجو هستي؟

بله. علوم انساني مي‌خونم.

- خوب نرگس جان چه مدت هست که اينستاگرام داري؟

من والا از ۱۶ سالگي اينستا داشتم فکر کنم، البته تقريباً ۲ سالش روي گوشي خودم نبود، هم به خاطر کنکور براي اين که دور باشم از فضاي اينستا و هم اين که نصب نمي‌شد روي گوشي خودم، برا همين روي گوشي خاله‌ام داشتم، گاهي که مي‌رفتم خونه‌ي مادر بزرگم، اون جا يک چکي مي‌کردم، اگر گوشيش رو بهم مي‌داد، اگر نمي‌داد هم چک نمي‌کردم. بعد از اون ديگه گوشيم رو که عوض کردم، دوباره حدوداً از دي امسال من دوباره اينستا ساختم و فعاليتم بيش تر شد.

- پس از دي امسال تا به حال فقط روي گوشي خودت بوده؟

نه، اولش هم روي گوشي خودم بود، بعدش انتقال پيدا کرد روي گوشي خاله‌ام، يعني اول خودم، بعد خاله‌ام، بعد دوباره خودم، روندش اين طوري بود. نصبش روي گوشي خاله‌ام هم به اين دليل بود که هم از فضاي اينستا يک مقدار دور باشم به خاطر کنکور و هم اين که براي يک مدتي روي گوشي خودم نصب نمي‌شد، نمي‌دونم دليلش چي بود، خيلي يهويي حذف شد و ديگه هم نصب نشد.

- به نظرت چه سني براي نصب اينستاگرام مناسب هست؟

کلاً خب سنش خیلی مهمه دیگه، مثلاً یک وقتایی اینستا می‌دن دست بچه ۱۲، ۱۳ ساله، خب این خوب نیست واقعاً، چون اون تو همه چی هست و بچه هم کنجکاوه، من خودم هم بچه داشته باشم، دلم می‌خواد اول یک‌سری آموزش‌ها بهش بدم، بعد اینستا بدم دستش، تا اون موقع خودش بتونه انتخاب کنه.

- توی اطرافیان کسی رو دیدی که از سنین پایین اینستاگرام داشته باشه و تأثیراتش رو ببینی؟ آره، مثلاً از ۱۰، ۱۱ سالگی اینستا دارن و خب می‌شن همینایی که می‌نشینن محتوای بی‌معنی دنبال می‌کنن، چالش‌های مسخره، مثلاً توی مدرسه گوشی میارن، از توی مدرسه از بچه‌ها بدون اجازه فیلم می‌گیرن، استوری می‌ذارن، بعد بچه‌ها مثلاً می‌بینن استوری شدن، خب جالب نیست دیگه، ولی خودشون فکر می‌کنن بامزه اند.

- مثلاً چه فیلمی؟

نمی‌دونم، مثلاً طرف داره درس جواب می‌ده، فیلمش رو می‌گیرن می‌ذارن، داره تغذیه می‌خوره، عکسش رو با فیلترای مسخره می‌گیرن می‌ذارن، مثلاً یک میمونه که بیکیینی پوشیده، صورت طرف رو در حال درس جواب دادن می‌اندازن روی اون و استوری می‌کنند، بدون اجازه، خب قشنگ نیست دیگه آدم با دوستاش این کارها رو کنه.

- تا به حال با شما هم این کار رو کردن؟

من یک بار سر همین فیلتر که روی دوستم گذاشته بودن و استوری کرده بودن، اعتراض کردم و بهشون چیز گفتم، بعد فرداش با خودم این کار رو کردن و روش نوشتن خانم غرغرو، من اون موقع اینستا نداشتم، دوستم بهم نشون داد.

- بعد شما چه کار کردی؟

هیچی، وانمود کردم ندیدم، چیزی بگی بدتر می‌کنن، کلاً باهاشون همراه نباشی دهنتم سرویسه (می‌خندد).

آره دیگه، سنش خیلی مهمه، نباید اینستا رو دست بچه داد، وای یا وقتی کلاس زبان می‌رفتم، یکی از بچه‌ها بود از همه کوچک‌تر بود، شاید ۹ سالش اینا بود که می‌دیدم تا معلم بیاد، داره اینستا چک می‌کنه، اصلاً عجیب بود، حس می‌کردم دلش می‌خواست فاز بزرگ‌تره تری بگیره، چون خیلی هم کوچولو و ریزه میزه بود، برای همین با فیلتر و اینا عکس می‌گرفت که خودنمایی کنه و شاید یه کم بزرگ‌تر به نظر برسه، خب اینا الکی زود بزرگ می‌شن دیگه، بچگی نمی‌کنن، انگار فقط یک چیزی دیده باشن و بخوان تکرارش کنند.

- به عنوان کسی که از سن پایین‌تر وارد این فضا شده، تغییراتی توی اخلاقیاتش هم احساس می‌کردی؟

خب چون خیلی کوچک‌تر از من بود و توی کلاس زبان فقط با هم بودیم، خیلی با هم گفت‌وگویی نداشتیم، به خاطر همین خیلی نمی‌دونم.

- منظورت از این که بچگی نمی‌کنند، چی هست؟

خب مثلاً بازی نمی‌کنند، خیلی زود درگیر خودشون می‌شن که حالا چه عکسی بگیرن و بذارن، بعد چیزایی که باید برای یک بچه جذابیت داشته باشه، انگار براشون جذابیت نداره دیگه، مثلاً من یک دختردایی دارم کوچولوئه، دومه، دوم دبستان، هر جا می‌ره باید گیمش 'باهاش باشه، بعد من اون بار، خونه مامان جونم بودیم، به عنوان یه دختر بزرگ نشسته بودم روی تاب داشت بارون می‌اومد، هوا عالی بود، اما این اصلاً انگار نه انگار، اسمش بهشته هست گفتم بهشته بیا روی تاب، هوا عالی، گفت نه تبلتم خیس می‌شه (می‌خندد)، یعنی یک ثانیه هم حاضر نیست این بازیش رو بذاره کنار.

- به نظرت ممکنه این افراد به علت بچگی نکردن پشیمون بشن؟

خب قطعاً، کسی که بچگی نکرده، توی جوونی می‌خواد بچگی کنه، توی پیریش جوونه کنه، از دور زندگی عقب می‌مونه و همیشه هم ناراضیه.

- خودت استفاده روزانه‌ات از اینستاگرام چه قدر هست؟

خب نگاه کنین، فضای اینستا این طوره، بعضی وقتا که آدم حوصله‌اش سر می‌ره یا خسته است، یا هر چی، می‌خواد یک گشتی بزنه، مثلاً می‌گه برم یک استوری نگاه کنم، بعد دیگه می‌ره هاللا، زیاد می‌ره (می‌خندد).

من خودم فکر می‌کنم استفاده‌ام زیاده و این بده، برای همین دارم سعی می‌کنم کنترلش کنم، اینستا کم‌تر استفاده کنم، چون بعضی چیزاش واقعاً خیلی بی‌هوده است، البته که بعضی چیزاش هم خوبه و می‌شه کلی چیز میز ازش یاد گرفت یا مثلاً یک‌سری عکس‌ها که خیلی حس خوب دارن بینی و این‌ها قشنگ از حال بد نجات می‌ده، این اوکیه یا پیج‌هایی که مطالب روان‌شناسی طور دارن، من خیلی دوست دارم و هی نگاه می‌کنم.

خب اینا بالاخره مفید و اوکیه، ولی مثلاً یک‌سری چرت و پرت‌های مزخرف هم داره که من می‌گم ملت واقعاً با کجاشون فکر می‌کنن؟ یا مثلاً اینا دیگه کی اند که خب سعی می‌کنم نبینمشون.

- می‌تونن به من بگی متوسط روزی چه قدر زمان برای اینستاگرام می‌گذاری؟

شاید ۶ ساعت بشه احتمالاً...

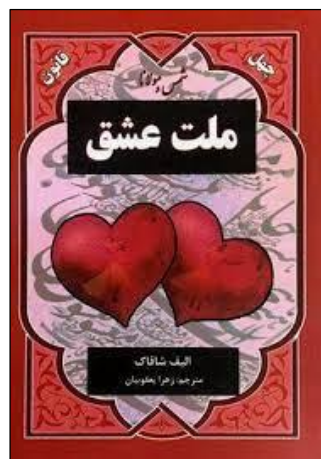
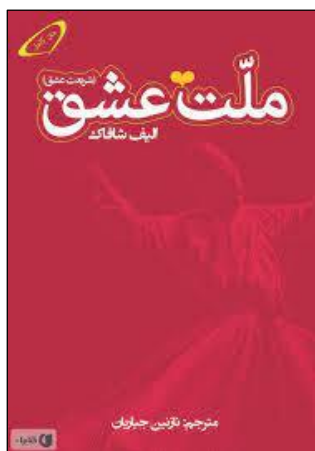
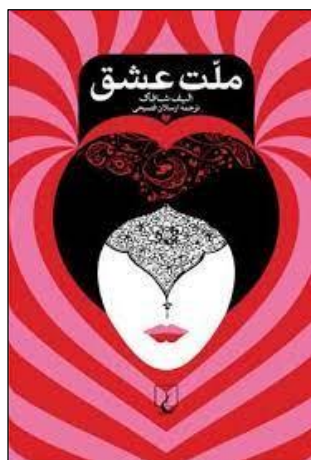
- بعد گفتم یکی چیزهایی هست خیلی بی‌هوده هست، ولی یک چیزهایش هم خوبه، می‌تونن

مثال هم بزنی؟

ببینم مثلاً هر کس هر چیزی دوست داره، این طوره که همون سبک محتوا واسش مفیده، مثلاً من خیلی اهل آشپزی و اینا نیستم، در نتیجه خیلی هم نگاه نمی‌کنم و پیگیرش نیستم، ولی خب مثلاً یک‌سری چیزهای دیگه که مربوط به روان‌شناسی و فلسفه باشه، رو خب دوست دارم و نگاه می‌کنم یا مثلاً پیچ‌های کتاب‌خوانی و معرفی کتاب رو دنبال می‌کنم، پیچ‌های کتابی که تخفیف داره یا مثلاً می‌بینم یک کتابی معرفی شده توی لیست کتابم اضافه می‌کنم و یا از معرفی اون می‌رم می‌خرم اون کتاب رو یا حتی پیچ لباس که خب خیلی چیز خوبیه برای من.

- چه کتاب‌هایی رو تا به حال از این معرفی‌ها تهیه کردی؟

خیلی چیزها، ۴ میثاق، ملت عشق...، مثلاً کوئشن باکس می‌ذارن، اسم کتابی که زندگیت رو متحول کرد، هر کسی میاد اون کتاب خاص رو می‌گه، بعد من می‌رم اون کتاب رو صفحه‌های اولش رو اگه توی نت باشه یا توی کتاب‌فروشی، یک نگاه می‌اندازم، اگه دیدم خوشم اومد می‌خرمش، مثلاً همین کتاب ۴ میثاق فوق‌العاده بود، یک سبک زندگی بود خودش.



- همیشه خرید اینترنتی انجام می‌دی؟

همیشه نه، ولی اکثر وقتا، توی شهر ما خب یک‌سری چیزا نیست دیگه، حالا یا من ندیدیم یا به چشمم نخورده، مثلاً یک ماگ می‌خواستم با یک طرح بال و خب این هیچ جا نبود، من ندیده بودم و می‌دونستم این‌جا قطعاً اگر هم باشه قیمتش بیش‌تره، خب توی اینستا هم بود و هم قیمتش خوب بود، هم دیگه زحمت گشتن نداشت، خب منم این طوری سفارش دادم.

- اون چیزهایی که گفتی برات عجیبه، چی بود؟

آهان دیدین بعضی بلاگرها یا کلاً کسانی که توی اینستا فعالیت دارن، حرکت‌های مزخرف می‌زنن. یا مثلاً این فود تسترها؛ آخه کی دوست داره صدای ملچ ملوچ تو رو گوش بده؟ من خودم خیلی بدم میاد، اینا خیلی بیپه‌ده اند و به نظرم خیلی هرز و زرد هستن، یک‌سری چیزایی که دیگه واقعاً فضایی طورن، من خودم نگاه نمی‌کنم واقعاً مگر این‌که توی صفحه‌ی اکسپلورم بیاد، ولی حتی اونم خیلی سمتش نمی‌رم، واقعاً اینا به نظرم مزخرف ان، مزخرف که یعنی شاید باید برای یکی دیگه خوب باشه، ولی برای من مزخرف بوده.

- می‌تونن چندتا مثال هم ازش بیاری که متوجه منظورت بشم؟ محتوایی که حالا بیش‌تر توی ذهنت مونده.

خب همین چند وقت پیش یک چیزی دیدم از یک دوست دختر و دوست پسر که اینا خارج ایران هستن، یکی شون رفته بود توی لباس اون یکی پودر خارش ریخته بود، بعد ازش فیلم گرفته بود که واکنشش رو ببینه، خب اون که نمی‌دونست چیه، بعد رفته بودن بیرون و اینا، بعد اون بیچاره خب هی خودش رو می‌خاروند، خب من این‌جوری بودم که این یعنی چیسی، دقیقاً یعنی چی؟ و خب اصلاً خیلی عجیبه، هیچ وقت نفهمیدم اینا چرا چنین حرکتی زدن، مثلاً برای لایک؟ و اونا که مثلاً اینا رو لایک می‌کنند، نگاه می‌کنند و فالو می‌کنند، چی این رو دوست دارند؟ یعنی من نشستم پیجش رو نگاه کردم، ببینم محتواش راجع به چه چیزهایی بوده، خب محتوای جالبی نبود واقعاً.

- چیز دیگه‌ای هم هست که توی ذهنت مونده باشه؟

آره، مثلاً مهرداد و آيسان هم همیشه دوربین مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آيسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم، برای کانال یوتیوبمون، چون دنیا جهان‌بخت هم بچه‌دار شد معروف‌تر شد و فلان اینا، بعد به زور می‌خواست دختره رو راضی کنه که همین الان بیا بچه درست کنیم، به زور دختره رو می‌خواست بخوابونه روی تخت، می‌گفت مثل همیشه شمع می‌گذاریم، فلان می‌کنیم، بچه‌دار می‌شیم، اونم هی می‌گفت: نه، نه، تو رو خدا و اینا. خب چرا؟ بعد ما هم باور کنیم که دوربین مخفی و هماهنگ شده نیست (می‌خندد).



الآنم که داستان جدید ساختن که دارن از هم جدا می‌شن که فقط فالور بگیرن، مردمم ساده، باور می‌کنن، آخه دو نفری که می‌خوان جدا بشن میان فیلم پر کنن بگن ما داریم جدا می‌شیم؟ (می‌خندد)، خدایا یک عقلی به مردم بده یک پولی به ما.



- به نظرت تأثیرش روی بینندگانش چی می‌تونه باشه، روی خودت تا به حال تأثیری داشته؟
بینین مثلاً وقتی که یک مطلب راجع به روان‌شناسی و اینا باشه، اطلاعاتت رو بیش‌تر کنه، خب قطعاً تأثیر می‌گیری و می‌گی، چه جالب این رو نمی‌دونستم و خب این اوکیه. اما چیزای بیهوده‌ای که الان گفتم، خب نهایتاً براشون تأسف می‌خورم و می‌گم که خب خدا انشالله بهشون عقل بده، فقط در همین حد.

- به نظرت روی دیگران ممکنه تأثیر بگذاره؟
قطعاً، خصوصاً کسانی که کوچک‌ترن، الان این همه که چالش‌های مسخره زیاد شده، خب خیلی‌هاشون از رو اینا دیدن دیگه.

- شده هیچ وقت به این فکر کنی که بلاگر بشی؟
خب بلاگری رو خیلی دوست ندارم، این فضای پرایوت پیجم که خب خیلی دوستانه است و آدم‌هایی هستن که می‌شناسمشون، این برام قشنگ‌تره، اون طوری اگه بخوام توی پیجم مثلاً فعالیت کنم، مثلاً توی حوزه حال خوب، سلامت روان، اگر بخوام ویدیو بسازم، این کار رو می‌کنم، در غیر این صورت نه، بعد اصلاً فکر می‌کنم اون طوری هر روز باید اکتیو باشی، پست بذاری، استوری بذاری، ولی خب آخه باید حسش باشه و فکر نمی‌کنم آدم هر روز حس این فعالیت رو داشته باشه، بعد تازه قرار باشه یک چیز ریزی از زندگیت رو هم رو کنی، شت‌ا که خب خیلی‌ها این کار رو حالا یا با واقعیت یا با اغراق انجام می‌دن، دوست ندارم اصلاً.

- خوب توی کار هم همینه، هر روز باید فعالیت کنی، درسته، حس اون هست؟
حقیقتش رو بخوام بگم، نه حس اونم نیست (می‌خندد).

- خوب پس حس چی هست؟

حس تفریح، حس خواب، اینا.

- اینستاگرام هم تأثیری توی انتخاب این سبک زندگی داشته؟
نه، اینستا ابزارشه بیش‌تر، مثلاً یکی از تفریحات مورد علاقه‌ی من اینه که بخوابم توی تختم، اکسپلورم رو چک کنم.

- خوب این باعث کم تحرکی و چاقی هم شده؟

باعث کم تحرکی که می‌شه، ولی خب چون شدیداً از چاقی متنفرم، ورزش رو توی برنامه دارم همیشه، خیلی وقتا هم از همین اینستا دنبالش می‌کنم، خصوصاً از وقتی که کرونا اومد.

- خوب گفتی حاضرم محتوای روان‌شناسی بگذارم، روان‌شناسی می‌خونی؟

نه، من کارشناسی اقتصاد رو می‌خونم.

- پس چه طوری می‌گی توی حوزه سلامت روان می‌تونم تولید محتوا کنم؟

خب روان‌شناسی رو دوست دارم.

- گفתי یک دونه پیج داری که خصوصی هم هست، درسته؟
آره.

- چندتا فالور داری؟

نمی‌دونم، شاید شصت و خورده‌ای باشه، خب اون پیج که روی گوشی خاله‌ام بود هم، ولی اون دیگه در واقع شده بود اینستای اون، بعد نمی‌دونم چه حرکتی زده بود که پیج کلاً پرید، حالا اون پیج هم بدون هیچ چیزی مونده و موندم چه کارش بکنم، پسوردشم یادمون نیست دیگه. اون یکی خیلی فالور داشت، درسته که خود اکانت پرایوت بود، ولی خب هر کس ریکوئست می‌داد، اکسپتتش می‌کردم، کسایی که نمی‌شناختم و اینا و اوکی بود، چون همین جوری بود و خب چیز خاصی هم توش نبود، خب به هر حال اون اکانت هم مال اوایلی هم بود که اینستا رو نصب کرده بودم، اون موقع خیلی بولد بود که اگر خیلی فالور داشته باشی، خیلی شاخی و اینا، توی اون ذهنیت بودیم هنوز.

- الان فالور چه قدر برات اهمیت داره؟

الآن ترجیح می‌دم افرادی که می‌شناسم و یا بهم درخواست فالو می‌دن رو قبول کنم و فقط هم چیزایی که خوشم میاد رو فالو کنم.

- توی اون پیج که گفתי فالورهای زیادی داشت، عکس از خودت هم می‌گذاشتی؟

عکس به صورت کاور از خودم نداشتم، چه می‌دونم، در حد یک لبخند شاید بود یا از دور یک حالت هاله عکس بود.

- می‌تونم یک کم از مزیت‌های اینستاگرام صحبت کنی؟

اوممم، یکی از چیزایی که خب من توی اینستا خیلی دنبال می‌کنم و استفاده می‌کنم، رقصشه، مثلاً آموزش‌هایی که وجود داره خب خیلی خوبه، من همیشه سعی می‌کنم حرکاتش رو تمرین کنم و توی رقص خودم اضافه کنم.

یا مثلاً حرکاتی که ورزشی‌طورن و حالت درمانی هم دارن، پیج‌های کتاب هم خب خیلی عالی‌ه، پیج‌هایی که اطلاعات روان‌شناسی می‌ده هم خوبه، دیگه همین.

- از ورزش‌ها استفاده می‌کنی؟

بعضی‌هاش رو آره، ولی خب من بیش‌تر رقصش رو استفاده می‌کنم.

- یعنی تمرین می‌گیری، درسته؟

آره، آره.

- بعد گفתי جنبه درمانی هم دارن، منظورت همون جنبه‌ی اصلاحی هست؟

آره، مثلاً ورزش‌هایی برای قوز کمر و اینا، خیلی چیزای خوبی توی هشتگ‌هاش پیدا می‌شه، من خودم هم یک مدتی تمرین‌هاش رو می‌گرفتم و انجام می‌دادم.

- از این که تمرین‌ها رو اشتباه آموزش بدن و باعث آسیب بشن، نمی‌ترسی؟
چرا، خب این ترس که همیشه هست، حالا این افراد توی بیو کلی زدن مدرک فلان و اینا، ولی خب به هر حال آدم اعتماد نمی‌تونه بکنه کامل، اما خب خصوصاً برای دوره فعلی و وضعیت کرونا که آدم نمی‌تونه باشگاه و اینا بره، خیلی خوبه.

دیگه خب یک جنبه خوبی که داره، اینه که می‌تونن سفارش چیزی رو بدی با قیمت خوب و مناسب، چون خب مغازه‌دارها پول اجاره‌شون رو هم می‌خوان از جیب ما دربارن دیگه که خب خدا رو شکر این دیگه توی کسب و کارهای آنلاین، صادق نیست.

- به نظرت اثرات اخلاقی اینستاگرام چه طوری هست؟
به نظرم که یک‌سری چیزهایی که اخلاقی طور نیستن هم توش زیاد هست.
- منظورت چی هست؟

نمی‌دونم والا، جامعه مائه که داره به افول می‌ره یک‌سری چیزاش، یا در کل همه جا همین طوره، در کل که همه جا خوب و بد هست، ولی خب میزان نسبتش فرق می‌کنه.

- می‌تونن یک مثال برام بزنی؟
مثال اون طوری توی ذهنم نمیداد الان، ولی خب یک‌سری چیزاش جالب نیست برام، هان مثلاً افرادی مثل دنیا جهان‌بخت و اینا یا مثلاً تتلو رو خوشم نمیداد، چون فکر می‌کنم گوشامون شایسته این هستن که کلمات خوب بشنون، نه فحش و ناسزا، ولی خب جالبه که توی اینستا n میلیون فالور دارن و گنده اند برای خودشون.



همین تلو توی یک‌سری آهنگاش یک چیزایی می‌گه که واقعاً خجالت آورده و بعضاً افرادی که اینا رو فالو می‌کنند، خوبه که بدونن چیز خوبی نیست واقعاً و خب حاوی یک‌سری چیز سگسی طور، اون طورین، درسته که یک‌سری چیزا تابو اند و باید شکسته بشن و اطلاعات خوبه که داشته باشیم، اما خب این که یک چیزی رو بخوای بولدش کنی و روش فوکوس کنی این دیگه جالب نیست.

- پس با تابوشکنی به طور کلی موافق هستی؟

خب مثلاً یک چیزی مثل این که یک دختر دلش بخواد موهایش رو پسرینه کوتاه کنه یا این که یک پسر بخواد گوشواره گوشش کنه، مشکلی نداره، فکر می‌کنم این سبک تابوشکنی‌ها خوبه، اما این که فقط روی محتوای سگسی تمرکز کنی، صرفاً برای این که خودت رو مطرح کنی، نه این که دردی دوا کنی، خب این خوب نیست.

- خوب شده تا به حال تأثیرات این افرادی که توی اینستاگرام الگو شدن رو، روی اطرافیانت

بینی؟

آره، یک خواننده‌ای هست، اسمش رو هم نمی‌دونم، آهنگاش همه فاز خودکشی و ایناست، جیغ می‌زنه انگار، این رو می‌دیدم توی بچه‌هایی که از خودم حالا کوچک‌تر بودن، فازشون یک فاز عجیب شده بود، هم‌ااش توی فکر مرگ و پریدن از ارتفاع و اینا بودن، حتی محتواهایی که می‌داشتن هم از این رهایی حرف می‌زدن. حالا درسته که تو توی هر سنی و هر برهه‌ای ممکنه دچار افسردگی بشی، ولی خب باید بری درمانش کنی، نه که تازه بری سمت چنین مزخرفاتی، خب واقعاً روی روحیه‌هاشون تأثیر می‌داشت و من اون دوستم رو مجبور کردم تمام این مزخرفات رو پاک کنه، ولی خب متأسفانه بعدش دوباره رفته بود دانلود کرده بود، منم گفتم خب دیگه به من ربطی نداره، من در این حد می‌تونستم تلاش کنم.



- به نظرت چرا جذب این محتواها می‌شن؟

واقعاً نمی‌دونم دقیقاً چرا این کار رو می‌کنند، من خودم اصولاً چیزی گوش می‌دم با یک ذره سبک مثبت که حالا که داری گوش می‌دی، حداقل یک معنی داشته باشه، واقعاً نمی‌دونم چه طوری اینا رو گوش می‌دن، من روی خیلی چیزها حساسم و برای همینم اینا که این فرمی هستن رو درک نمی‌کنم، شایدم درون‌شون یک‌سری رنج‌هایی بوده که حالا داره بیان می‌شه برایشون که خب باید برن دنبالش و پیدا کنن و حلش کنن، چون هر چی بیش‌تر تکرارش کنن، دیگه بدتر می‌شه و می‌ره توی ناخودآگاه آدم.

من بعضی وقتا قدیم که یک آهنگی گوش می‌دادم، مثلاً یک‌سری آهنگا بود که پایه ثابت عروسی بود، بعد مثلاً توی هر عروسی تکرار می‌شد و خب این دیگه بچه کامل توی ذهنش می‌موند، انگار توی ناخودآگاهش ثبت بشه. یکی از دوستانم چند وقت پیش داشت در مورد آهنگ ساسی که می‌گه، ما به هر چی می‌خواستیم بهمون دست رد زد، تعریف می‌کرد که این توی ناخودآگاه من مونده و تا یک چیزی نمی‌شه، مثلاً توی رابطه‌اش دچار مشکل می‌شه، این آهنگ میاد توی ذهنش و براش تداعی می‌شه و هی می‌گه آهان اینم به من دست رد زد، برای همین می‌گم انتخاب آهنگ به نظرم مهمه.

- این خواننده‌ای که می‌گی ایرانی بود یا خارجی؟

این ایرانی بود، ولی خب خارجی‌ها هم حاوی سابلیمینال هستن، یعنی یک‌سری پیام‌های مخفی دارن توی خودشون که توی دراز مدت توی ناخودآگاه افراد می‌تونه تأثیرات منفی بذاره، آدم باید حواسش به اینا باشه و توی انتخاب محتوا دقت کنه.

- می‌تونن از این پیام‌های پنهان مثال بزنی؟

یکیش مثلاً آهنگ‌های شاهین نجفی، یکی از آهنگ‌هاش بود که توش یک جمله می‌گفت که برعکسش که می‌کردی، می‌شد خدا نیست، یک همچین چیزی بود یا یکی از جمله‌هاش می‌گفتن مال شیطان پرست هاست.

- شما خودت آهنگ‌هاش رو گوش می‌دی؟

گاهی وقتا، ولی بعضی از آهنگ‌هاش رو فقط، یک‌سری آهنگ‌هاش مثل نقی که توش به امام شیعیان توهین کرده به نظرم درست نیست یا مثلاً آهنگ یا زهراش، آدم می‌تونه اعتقاد نداشته باشه، ولی حالا تمسخر هم نکنه.

- خودت بیش‌تر توی اینستاگرام چه کسانی رو فالو می‌کنی؟

خب اونایی که حالا فالورهای خودمن یا مثلاً چیزایی که ازشون خوشم بیاد در کل، مثل پیج عکاسی که از دوستای خودمه، اون رو فالو دارم مثلاً، عکساش خوشگله، اوکیه، من خودم عاشق عکاسی‌ام، توی فکر اینم هستم که دوربین که خریدم یک پیج عکاسی بزنم و عکسای حرفه‌ای خوشگل توش بذارم.

دیگه مثلاً پیج‌های لباس رو دارم، امممم حالا بگیم به طور کلی آنلاین شاپ‌ها، یک‌سری پیج روان‌شناسی، همین.

- تا به حال از اینستاگرام درآمدی هم داشتی؟

نه، نداشتم.

- تا به حال بهش فکر کردی؟

نه، راستش بهش فکر هم نکردم، چون هم آموزش درست حسابی می‌خواد و هم وقت خیلی خوبی می‌گیره از آدم، بهش فکر نکردم، ولی خب بخوای یک ابزار کسب و کار داشته باشی، می‌تونه یک ابزار خوب باشه.

- خوب نرگس جان می‌تونم برای جمع‌بندی به من بگی اینستاگرام از لحاظ روان‌شناختی چه

تغییراتی رو در شما رقم زده؟

اوووم، قبلاً باعث می‌شد انگیزه‌ام بیش‌تر بشه، مثلاً اگر قبلاً بود، یک‌سری پست انگیزشی و اینا نگاه می‌کردم، توی دوران کنکور و دوران نوجوان‌تریم، آره بعضاً کمک می‌کرد، چون من خودم یک کانال تلگرام هم عضو بودم، بعد خب این حس و حال خوبی بود، یادمه هر وقت انرژی کم می‌آوردم، این اوکی بود، ولی اینا یک چیز موقت هستن، اگر بخوای انگیزه درست و حسابی داشته باشی، خیلی چیزای دیگه هم هست، باید اونا رو بشناسی، باید خودت رو بشناسی، ببینی کدوم چیزا رو می‌خوای. بعد خب اینستاگرام الان حاوی روان‌شناسی زرد شده، با شعار خواستن توانستن است، هر چی بخوای می‌شه، نه بابا چی می‌گی؟ این اصلاً عملی نیست، حداقل توی ایران عملی نیست، کجا توی ایران خواستن توانستن است؟ (می‌خندد).

هی هم می‌گه برو فلان کار رو بکن، ولی به ابزار نمی‌پردازه، همه‌اش به فکر کردن و تصور کردن نیست که آخه، من نمی‌گم بی‌تأثیره، ولی خب اصل موضوع نیستن و تأثیر خاصی هم ندارن، بعد خب اینا خیلی زیاد شدن و خب ما فکر می‌کردیم، اصلاً من خودم فکر می‌کردم، اینا خیلی مؤثرن، ولی خب دروغه دیگه، واقعیت چیز دیگری هست، این قدر توی اینستا از این حرفا از سمت روان‌شناسا زیاده، خب ما هم دل می‌بندیم به این چیزا که جذبش کنیم و بهش برسیم و اینا، بعدم که نمی‌رسیم، تازه به افسردگی و غم و غصه می‌رسیم.

- تأثیرش رو توی اعتماد به نفس افراد چه طور می‌بینی؟

خب فضای اینستا انگار سالن عروسیه (می خندد)، و روی خیلی‌ها تأثیر می‌ذاره، اعتماد به نفس - شون رو میاره پایین، مثلاً من یک دوست دارم، می‌بینه فلانی مژه گذاشته، می‌ره می‌ذاره، می‌بینه لباس خریده می‌ره، پیجش رو پیدا می‌کنه، اونم می‌خره، باهاش حرف که می‌زنی، مشخصه اصلاً خودش رو قبول نداره و همه رو بهتر از خودش می‌بینه، بعد خب وضع مالی شون هم خیلی خوب نیست، مثلاً دیده بود مژه کار مدل رایگان می‌خواد، رفته بود مژه بکاره، آقا مجبوری؟ بعد چشماش قرمز، دیگه این قدر نوازولین می‌زد که التهابش کم بشه، خب اینا که مدل رایگان می‌گیرن که بلد نیستن که، یهو اصلاً بار اول شونه، من هی بهش می‌گفتم اصلاً چشمت این قدر قرمز، زیبایی چشم خودتم گرفته، ولی خب گویا مجبور بود (می‌خندد).

- گفتی با دوستت که حرف می‌زنی، می‌فهمی اعتماد به نفس نداره، مثلاً چی می‌گه؟
خب مثلاً عکس یکی رو نشون می‌ده که واقعاً هم خودش، یعنی خود دوستم، از اون فرد خوشگل‌تره، بعد می‌گه ببین چه نازه و کاش منم این شکلی بودم، بعد بهش می‌گم فرناز واقعاً تو از این زیباتری، نه این که چون دوستم باشی، بهت بگم، واقعاً بهتری، بعد می‌گه الکی نگو و اینا، باور نمی‌کنه، عجیبه.

- خودت چی، روی خودت هم تأثیری داشته؟
نه، من برام بی‌اهمیتیه، یعنی یک جورایی نچرال بودن رو بیش‌تر دوست دارم.
- قبلاً چه طور؟

قبلاً هم تقریباً همین بود، ولی حالا شاید توی یک برهه‌ای منم از افکت و اینا استفاده می‌کردم، ولی الان دیگه کلاً عکس‌هام افکت ندارن و وقتی هم با دوستانم عکس می‌گیرم، می‌خوام واقعی‌ترین حالت ممکن باشه، اگر هم خنده‌ای هست، در نهایت اون لحظه باشه، برای همین می‌گم نچرال بودن خیلی قشنگ‌تره.

- تأثیرهای روان‌شناختی دیگه‌ای هم هست که بخوای بهش اشاره کنی؟
خب مثلاً قبل از وجود اینستا، من هیچ وقت نمی‌شستم مثلاً اخبار ایران رو نگاه کنم، کلاً تلویزیون خیلی نگاه نمی‌کنم، ولی اخبار رو دیگه اصلاً، اونم اخبار ایران که واقعاً دهنش رو سرویس می‌کنه و خب هیچ کاری هم ازت ساخته نیست.

ولی خب الان به لطف اینستا، اخبار خیلی سریع می‌پیچن و ما هم می‌شنویم، مثلاً چه دنبالش باشی، چه نباشی، می‌شنوی که یک پدری دخترش رو کشته! این خب خیلی ترسناکه، این قتل‌هایی که از سمت خانواده اند واقعاً رعب و وحشت وحشتناکیه، من رو می‌ریزه بهم، توی خونه هم دیگه آرامش ندارم یه وقتایی، خب من شاید نخوام اینا رو بشنوم، ولی اینستا مجبورت می‌کنه که بشنوی، این خب بده و باعث مضطرب شدن من می‌شه.

بینین من یک امتحان داشتم، بعد یکی اومد پی وی من و ازم تقلب خواست، بعد من نگاه کردم توی هیچ کدوم از گروه‌های دانشگاه‌مون نبود، گفتم بین تو از کجا اومدی آخه، گفتش که من با یک شماره دیگه اومدم و خجالت می‌شد، گفتم حداقل اگر قراره کسی بهم نه بگه، حداقل ناشناس بمونم دیگه، گفتم، نه اوکیه، من بهت می‌رسونم، مسأله‌ای ندارم سر این موضوع و اینا، بعد خیلی بامزه بود ری‌اکشنش، بعد از یک مدت که یک حالت صمیمی طور پیش اومد، فهمیدم انگار به همه گفته و کسی بهش نداده، تنها کسی که بهش رسونده من بودم.

- توی دانشگاه تون بود؟

می‌دونین، هیچ اسمی نداشت، حتی اسمش رو هم به من نگفته بود، بعدش حالا جریان ادامه داره، بعدش ما یه کم با هم صحبت کردیم و اینا، من یک مقداری که نیاز داشت بهش رسوندم، ولی اون پروژه‌اش رو زودتر تحویل داد، من معمولاً آخرین نفرها تحویل می‌دم، چون باید تایپ هم می‌کردم، کتاب باز بود، ولی خب خیلی باید تایپ می‌کردیم. بعد از یک مدت هم هنوز حرف می‌زدیم، حتی بهش پیام می‌دادم، حالش رو می‌پرسیدم و هم‌چنان فکر می‌کردم این هم کلاسی دانشگاهمه. بعد از یک مدت گفت شرمندم و من هم کلاسیت نیستم، من دوست هم کلاسیتم، دیگه من اون شب کلی خندیدم و گفتم، وای چه جالب، پس تو هم کلاسیم نیستی و اینا...

خیلی دوستش داشتم، اخلاق‌هاش توی چت یه جور جالبی بود، اونم فیزیک دانشگاه تهران می‌خوند که من فیزیک خیلی به نظرم رشته خفنیه و مغز خیلی خوبی می‌خواد، تهرانم که خب خیلی خوبه، در این حد می‌دونستم، بعد یک بار که شهر ما کار داشت، ما هم رو دیدیم، ولی خب خیلی با اون تصور متفاوت بود، البته ما هم خیلی با هم حرف نمی‌زدیم، مدت کمی بود، توی چت خب ما خیلی راحت ارتباط برقرار می‌کردیم، اما توی حضوری این‌جوری نبود، خیلی دیالوگ‌مون نمی‌شد و نمی‌تونستم ارتباط خاصی برقرار کنم و کانکشن صمیمی نبود.

البته که خب ما خیلی با هم حرف نمی‌زدیم، اما خب اون دوستم که ۷ ساله مجازی در ارتباطیم، چون خیلی حرف می‌زنیم، مثلاً عمق زیادی داره، واقعاً مثل دوست واقعیمه، شاید بینش بهتر باشه، اما قطعاً اونم تفاوت فاحشی داره، البته که فقط یک فاصله و در دسترس نبودن، چیزی جز این نیست، خیلی وقتا بوده هیچ دوست واقعی کنار من نبود و من رو درک نمی‌کرد، ولی این دوست مجازیم همیشه کنارم بوده و خیلی بهم کمک می‌کرد، یعنی می‌خوام بگم اسمش مجازیه، وگرنه، واقعیه.

- اگر اون دوست مجازی ناگهان قطع رابطه کنه چه طور؟

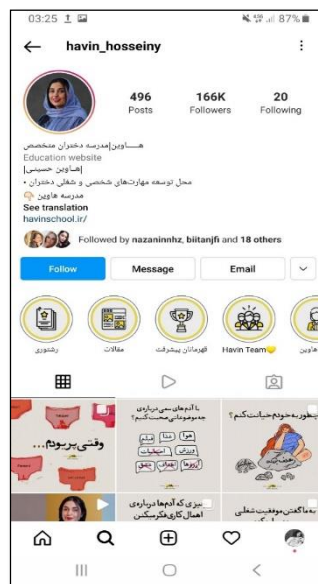
خب هر دلبستگی همینه، یعنی این احتمال رو داره، شما یک سگ هم داشته باشی به هر حال ممکنه یک روز ولت کنه بره دیگه (می‌خندد)، یعنی منظورم اینه که دخلی به مجازی بودنش نداره به نظرم، من خودمم تا به حال تجربه اینی که می‌گید رو نداشتم البته.

- خوب به من بگو که آیا اینستاگرام شده باعث هنجارشکنی هم بشه؟

نمی‌دونم، این هنجارشکنی محسوب می‌شه یا نه، ولی خب یه چیز خیلی خوب که داشت اینه که جنسیت‌زدایی کرد، یعنی لایف استایل، یعنی از مو گرفته تا لباس، به هر حال متفاوت و خب این جنسیت‌زدگی که این تیپ مال دختراست و این تیپ مال پسر است، تا حد زیادی برداشته شده خدا رو شکر، چه اشکالی داره اگر یک پسر دلش بخواد گوشواره گوشش کنه؟ یا یک دختر دلش بخواد تا دیروقت بیرون باشه، بدون این که لقب بدی بگیره؟ این نقطه مثبتیه که آدم‌ها اگر قبلاً نمی‌تونستن یک نقطه‌هایی از وجود، شخصیت و تیپ‌شون رو نشون بدن، الان دیگه می‌تونن.

- خوب دوتا سوال، اول این که به نظرت اینستاگرام چه طوری این کار رو کرده؟

خب مثلاً با وجود همین جنبش‌های فمینیستی که خیلی‌هاشون با همین اینستا رو اومدن، من خودم به وسیله اینستا با فمینیست (فمینیسم) آشنا شدم.



- بعد این که این هنجارشکنی رو تا به حال خودت هم تجربه کردی؟

به این شدت نه، ولی خب آره، مثلاً من با یک متنی موافقم و فکر می‌کنم این شکلیه، شاید نتونم توی خونه بگم، اما توی اینستا می‌تونم این رو بروز بدم یا مثلاً یک سری چیزهایی که تابو هستن،

مثلاً همین خانم‌ها تابو اند، بدن‌شون تابوئه...، خب خانواده‌هایی هستن که هنوز سنتی اند و تو نمی‌توننی خودت رو بروز بدی، اما توی اینستا حتی به یکی از دوستان تو که حداقل می‌دونم اونم دچار همین مشکله، می‌توننی بروز بدی.

- می‌توننی این ابرازگری رو بیش‌تر توضیح بدی؟

خب ببینین محیط آزاد گفت و گو توی خونه نیست دیگه، خیلی بد کوبیده می‌شه، ولی خب مثلاً همین چیزایی که در مورد حق خانم‌هاست رو حداقل توی پروفایل شخصیم می‌تونم شر کنم یا با یکی از دوست‌های مجازیم در مورد تتو و همه چیز حرف می‌زدم، این خودش برام حالت یک دورهمی می‌شد که توی گروه‌هامون می‌شستیم، راجع به همه چی حرف می‌زدیم و کسی، کسی رو به خاطر عقیده مخالفش نمی‌کوبید. مثلاً همین تتو، چیزی که اصلاً نمی‌تونم با خانواده مطرح کنم، شده حتی یکی از دوست‌هام حرف زدم و مخالف بوده، ولی به حرفای منم گوش می‌داده، چیزایی بوده که خانواده چند سال مخالفش بودن و برای من مسخره بود، اما یکی از دوستانم می‌تونه توی چند دقیقه همون مخالفتش رو بگه و من رو منصرف کنه حتی.

- خوب تا حالا نشده به خانواده بگی؟

نه خیلی واضح، اگر بگم خیلی اوضاع خوبی پیش نیاد، چون خب ما خیلی تفاوت فکری داریم، ممکنه مثلاً یک چیزی که توی اینستا می‌بینم رو در مورد یک‌سری چیزهای ریزش، فقط نظرم رو بگم که چون مثلاً تا به الان این طوری بوده، قرار نیست درستش این باشه و اینا، می‌گم، ولی خب نفی می‌شه، نهی می‌شه... .

- این مسأله باعث شده که ارتباط با خانواده کم‌رنگ‌تر بشه؟

بله، واقعیتش تأثیر گذاشته، چون همیشه با یک نه بزرگ بی‌دلیل روبه‌رو می‌شدم.

- توی چه چیزهایی اصولاً با این نه مواجه می‌شی؟

همه چی، یک تتو کردن، حتی پاسور کردن با دوستانم (می‌خندد)، یک دورهمی رفتن، پارک رفتن، مسافرت‌های حتی یک روزه رو هم نمی‌ذارن... .

- بعد توی فضای مجازی فرصت بروز این مسأله هست؟

آره، به نظرم هست، حداقل دیگه سبک پوششت توی عکسات و اینا دست خودته دیگه، برای من این طوریه، من خودم بیش‌تر وقتاً خودمم، چون پیجم هم دوستانه است، کلاً خودمم، برای همین هم من یک مدتی به این فضا اعتیاد پیدا کرده بودم، یعنی مدام توی اینستا بودم، ولی خب این چیز خوبی نیست، باید کنترلش کنم.

- برای چی اعتیاد پیدا کرده بودی؟

برای این که می‌تونستم خودم باشم، ولی خب شاید توی خونه این فضا برام مهیا نبود.

- بعد شده که تا به حال یک کنش اجتماعی داشته باشی، مثلاً در یک کارزار شرکت کنی؟

آره، کارزار مقابله با منع سگ گردانی بود که می‌خواستن نذارن حیوونا رو ببریم بیرون و اینا، مخصوصاً سگ‌های بیچاره که خب واقعاً تحمل محیط خونه براشون سخته، خب من خیلی به حیوان‌ها علاقه دارم، خودم هم یک پرنده کوچولو دارم، این رو من شرکت کردم.

آهان یکی دیگه هم بود که برای منع سربازی اجباری بود، من اون رو هم شرکت کردم و هم توی پیجم منتشرش کردم که بقیه هم برن امضاء کنن، البته فکر نمی‌کنم هم‌کاری ما خیلی تأثیر داشته باشه، ولی خب من سعی کردم همکاریم رو بکنم، من همین رو اعتراف کنم که قبل از نصب اینستا، تفکر عقب‌مونده‌ام این بود که پسرا با رفتن به سربازی مرد می‌شن (می‌خندد)، ولی با دنبال کردن پیج افراد فمینیستی، مثل سمانه سوادی که خب خیلی هم لیبرال هستش، عقیده‌ام واقعاً تغییر کرد و الآن فکر می‌کنم جز توسری خور کردن جوونای مملکت، چیزی نداره، نباید اجباری بشه همین و بس.

- چیز دیگه‌ای هم هست بخواهی توی آثار اجتماعی بهش اشاره کنی؟

آره، این که خب اوایل کرونا خیلی چالشی بود و همون زمان من کنکور داشتم، همون زمان اینستا هم خیلی در دسترس نبود، فکر می‌کنم اگر بود یه کم شرایط رو تعدیل می‌کرد. خب خیلی خیلی اوایل کرونا برای من سخت بود، نمی‌شد یک کلاس حضوری بری، همه چیز داشت تکراری می‌شد و من توی یک محیطی محفوظ بودم و حتی نمی‌دونستم بیرون چه خبره، حتی نمی‌شد بری یک قدم معمولی بزنی، باز اگر اینستا بود یه کمی از دیگران با خبر بودم، شاید بهتر بود.

و خب یک چیز منفی هم که می‌خوام بهش اشاره کنم، اینه که بچه‌هایی که خب نوجوان‌تر هستند و حالا تازه می‌خوان مسوولیت کسب کنند، اینستا یک ابزاری می‌شه براشون و توی جهت نادرستی می‌بردشون.

- می‌تونی مثالی بزنی؟

مثلاً آره...، مثلاً یک هم‌کلاسی داشتم که ظاهرش توی مدرسه یک چیز بوده، توی اینستا یک چیز دیگه بوده، خیلی فرق می‌کرده و انگار دوتا شخصیت کاملاً متفاوت بود.

- کدومش به نظرت واقعی‌تر هست؟

اونی که توی محیط واقعی بود، به نظرم اون خیلی واقعی‌تره، توی اینستا سعی داره خیلی چیزا رو داشته باشه که خب شاید نداره یا مثلاً می‌خواد یک سری حرکتا رو بزنه که عجیبه یا مثلاً کلاس یازدهم بودیم، لایو گذاشته بود یا استوری بود، یادم نیست، داشت سیگار می‌کشید، گفتم خب چرا؟ تو الآن توی سنی هم نیستی که، آخه واقعاً ۱۶، ۱۷ سالگی سنی نیست که بخوای بری سراغ این چیزا، البته نمی‌دونم آسیب همیشه هست، نمی‌شه خیلی چیزی گفت.

- به نظرت دلیل این کارها چی هست؟

یک چیز فقط، توی چشم بودن.

- به نظرت این کارها باعث اعتبار هم می‌شه؟

قطعاً، یک جورایی نشونه بزرگ شدن.

- توی ابعاد فرهنگی چه طور؟

خب یکیش همون که اشاره کردم، این که دیگه دید کلیشه‌ای نسبت به جنسیت‌ها کم‌تر شده و

افراد می‌تونن خودشون باشن، خب قبلاً این آگاهی خیلی خیلی کم‌تر بود.

و دیگه این که خب من خیلی از دوستان هستن، دوستایی از فرهنگ‌های متفاوت دارن با

فرهنگ‌های مختلف آشنا شدن، با دیدگاه‌های مختلف آشنا شدن که این خب عالیه.

- می‌تونن مثال هم بزنی؟

آره، مثلاً همین آیین چایی چینی‌ها که خب خیلی برای من جالب بود که با چایی احترام به

والدین شون رو بروز می‌دن و یا حتی ادیان مختلف مثل غسل تعمید اونا، بعد خب دوستان با اینا

انگلیسی حرف می‌زنن و خب باعث تقویت زبان شون هم می‌شه، ولی متأسفانه برای خودم تا به حال

این اتفاق نیفتاده، ولی خودم خیلی دوست دارم این شکلی باشه که یک دوست دیگه از یک کشور

دیگه باشم که ببینم دنیا از دید اونا چه طوریه.

- خوب دوستانی که خودت از شهرهای دیگه داری چه طور، اون‌ها شامل این حالت نمی‌شه؟

خیلی نه، درسته که آداب و رسوم هر شهر فرق می‌کنه، ولی خب به پای یک کشور نمی‌رسه،

یعنی تفاوت به اون صورت نیست.

- تأثیر اینستا در ابعاد آموزشی چه طور ارزیابی می‌کنی؟

خب مثلاً یک‌سری از ویدیوها و پست‌های روان‌شناسی رو من همیشه دنبال می‌کنم و باعث

می‌شه توی خیلی چیزها آگاهییم بیشتر بشه و خیلی از داده‌ها رو توی زندگیم به کار بگیرم و حال

خودم رو خوب کنم.

حتی این که رقص رو من توی اینستا دنبال می‌کنم، همون‌طور که گفتم خیلی از ورزش‌ها رو هم

توی اینستا دنبال می‌کنم.

- گفتی اطلاعات روان‌شناسی رو دنبال می‌کنی، با اطلاعات زرد روان‌شناسی چه کار می‌کنی؟

اونا رو خب تقریباً می‌دونم چه اطلاعاتی زرده، علاوه بر این که پیج‌های زرد زیاده، پیج‌های زیادی

هم هست که دست همین پیج‌های زرد رو کرده کامل، مثل این روان‌شناسایی که همه‌اش می‌گن

زن‌ها باید جذاب باشن تا مردها خیانت نکنند، خب تقریباً دیگه همه می‌دونن اینا علمی نیست.

- تأثیر اینستا رو روی درس و تحصیلت چه طور ارزیابی می‌کنی؟

هم خوب، هم بد.

- چه طور؟

خب خوبش اینه که من خیلی وقتا که دارم یک مطلبی رو می‌خونم، توی اینستا توی هشتگ‌ها رو سرچ می‌کنم، کلی مطلب، فیلم و آزمایش ازش میاره که خیلی توی یادگیری مطلب کمک می‌کنه.

- تأثیر بدش چی هست؟

این که شدیداً وقت آدم رو می‌گیره، خیلی وقتا وقتی برای درس نمی‌مونه.

- آیا باعث افت تحصیلی هم شده؟

به اون شدت نه، اما امتحان‌هایی بوده که شاید اگر یه کم گوشی و اینستا رو می‌انداختم اون

طرف، می‌تونستم نمره بهتری بگیرم.

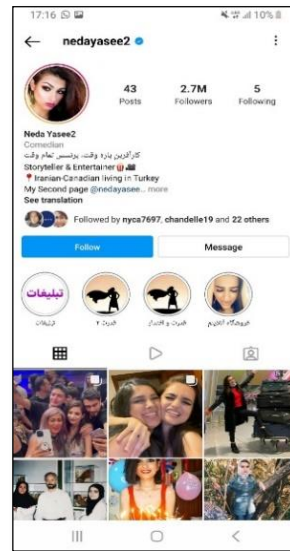
- در ابعاد اخلاقی تأثیرش رو چه طور ارزیابی می‌کنی؟

خب توی جامعه‌ای که یکی مثل ندا یاسی الگو باشه، خیلی چیزا عوض می‌شه دیگه، نمی‌دونم

می‌شناسینش این فرد رو یا نه، ولی خب خیلی حرف‌های عجیبی می‌زنه، حتی اسم آلت مرد و زن

رو خیلی راحت میاره، خب نرمال شده این چیزا، بعد خیلی از دوستانم بهم دیگه ویدیوهاشون رو

نشون می‌دن، فقط برای خنده، اما خب نمی‌دونن که این تأثیر خودش رو به صورت ناخودآگاه داره.



- چه جور تأثیری داره؟

خب خیلی عادی می‌شه دیگه، برای خنده گوش می‌دن، ولی جزئی از ادبیات‌شون می‌شه، مثل

تأثیری که تتلو همیشه داشته، اصطلاحاش جا افتاده دیگه، الآن دیگه مثلاً این حرف‌ها عین سلام،

خداحافظی شده، خیلی راحت همه به هم می‌گن، حتی توی قرار اول، مثلاً دوستت رو تازه دیدی

یهو این الفاظ رو به کار می‌بره، دیگه زشتی ندارن، رایج می‌شه.

- به نظرت چی می‌شه که این افراد الگو می‌شن؟

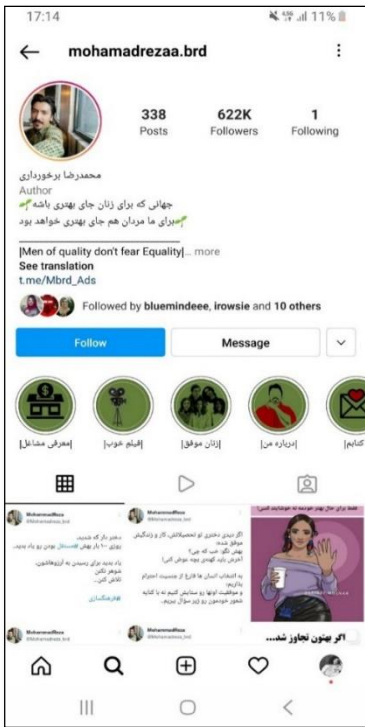
خب از بس که این سبک آدم‌ها زیاد شده و معروف شدن، اصلاً یک عکاس حرفه‌ای معروف نمی‌شه، ولی اینا از بس زیاده و چیزای عجیب می‌گن، فالوراشون هم زیاد می‌شه، بیش‌تر هم توی چشم می‌رن.

- در ابعاد اعتقادی چه طور، شده اعتقادات رو نسبت به چیزی تغییر بده؟

آره این شده. خب به نظرم تو فرایند رشدی این می‌تونه یک ایده باشه که خب اینم هست و خب اون چیزی که همیشه فکر می‌کردی، فقط اون نیست.

- می‌تونی مثالش رو هم برای من بزنی؟

آره، مثلاً همین جنبش فمینیسم رو من اصلاً نمی‌دونستم چیه، با اینستا متوجهش شدم. گفتم، یک پیج هست، مال محمدرضا برخورداریه که راجع به تابوهای جامعه که به زنان تحمیل می‌شه، حرف می‌زنه و آگاهی می‌ده و خب راجع به چیزهایی حرف می‌زنه که توی جامعه ما تابوئه و خب جرأت بروز می‌ده به دخترها. یک پیج دیگه هم دارم به اسم هاوین که اونم روی توانمندسازی دخترها کار می‌کنه که خودشون مستقل باشن، کارشون رو انجام بدن و اعتماد به نفس داشته باشن.



- چیزی از پست‌هاشون هم هست که توی ذهنت مونده باشه؟
آره مثلاً، یک پست بود که می‌گفت ما به کسی زیبایی رو بدهکار نیستیم، این خیلی توی ذهنم مونده، خب این خودش خیلی روی دخترا دیدم تأثیر داشته، توی کامنت‌ها می‌بینیم که می‌گن دیدگاه‌شون به این مسأله تغییر کرده، مستقل شدن و اعتماد به نفس از دست رفته‌شون برگشته.
- توی دیدگاهت نسبت به حجاب تأثیری داشته؟
من از قبل هم نظرم این بوده که حجاب اجباری یک چیز مزخرفه، اینستا خیلی تأثیری نداشته به نظرم.

- تأثیر اینستا توی دیدگاهت نسبت به دین چه طور بوده؟
مسایل دینی رو که الان خیلی برایش سوال دارم که مثلاً چرا و کدومش درسته، چون مثلاً هر کسی یک چیزی اومده گفته و خب این چیزی نبود که خیلی توی اینستا باشه، فقط چیزهایی بوده که بهش فکر کردم که مثلاً حالا در مورد اینی که یکی گفته، چه جوابی می‌تونن داشته باشی؟ خودم هیچ جوابی نداشتم، بیش‌تر کنجکاوم کرده و کمکم کرده از بعدهای مختلف نگاه کنم.
- تأثیر اینستا توی دیدگاهت سیاست چه طور بوده و آیا تغییری در دیدت ایجاد کرده یا نه؟
آره، آره.

- می‌تونن مثالی هم بزنی؟
آره. یکی از مسوولان داشت راجع به تخت جمشید و زمین‌های زراعی اطرافش حرف می‌زد و حرفش کاملاً بی‌عقلی بود، یعنی با عقل جور در نمی‌اومد.
- راجع به تخت جمشید چی گفت؟
دقیقش یادم نیست، ولی راجع به موقعیت تخت جمشید بود که می‌گفت، موقعیت‌های زمین‌های زراعی اطراف تخت جمشید خوبه و باید توی اون‌ها کشت کرد. در حالی که این مسأله به تخت جمشید ممکنه آسیب برسونه. بعد خب این حرف خیلی جالب نبود و در فضای مجازی وایرال شد. این جور ویدیوها یک وقتایی آدم رو بیش‌تر متوجه می‌کنه که چه افرادی دارن به این مملکت حکم‌رانی می‌کنن.

- تأثیر اینستا توی ابعاد اقتصادی چه طور بوده؟
خب من خودم درآمد خاصی از اینستا نداشتم، اما مثلاً خاله‌ام خب خیلی دلش درآمد مستقل می‌خواست، اما چون بچه‌اش کوچک بود و سر یک‌سری مسایل، شوهر خاله‌ام با کار خارج از خونه مخالف بود، حالا الان توی اینستاگرام خودش کیک می‌زنه، دستبند بافت و اینا رو می‌زنه اینستا و اون‌ها رو اینترنتی می‌فروشه، خب خیلی خوبه که اینستا برای همه اقشار جا داره.
- اینستاگرام باعث مصرف‌گرایی شده؟

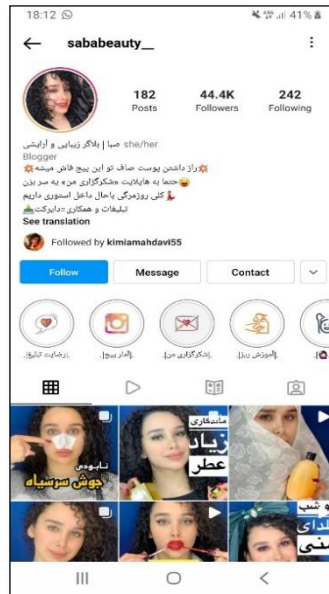
خب خودم خیلی وقتاً وسوسه می‌شدم که برم این رو بخرم، ولی الان دیگه کنترل دارم، قدیماً تا تخفیف می‌خورد یک چیزی، می‌خواستم بگیرمش، حتی اگه نمی‌خواستم، یا تا یک چیزی رو می‌دیدم می‌خواستم بخرم، الان دیگه نه.

- چی شد که تغییر کردی؟

خب چون یه تایمی بود همه پولام داشت می‌رفت دیگه (می‌خندد)، الان تاحدی یاد گرفتم پس‌انداز کنم.

- اینستا توی موارد زیباشناختی چه تأثیراتی داشته؟

روی خود من خیلی تأثیر واضحی نداشته، چون کلاً از توی قالب رفتن بدم میاد، تنها چیزی که توی خودم احساس کردم این بود که... (می‌خندد)، خب من بعد از دیدن صبا بیوتی، خیلی رفته توی مخم که دندونام رو کامپوزیت یا لمینت کنم، یعنی قبلاً این قدر روی مخم نبود، اما الان حس می‌کنم وای چه قدر کجه چه قدر زرده، خیلی دلم می‌خواد این کار رو انجام بدم.



- به خانواده هم گفتی؟

آره، ولی خیلی گروونه، قبول نمی‌کنند الان، خودم برم سر کار اولین کاری که می‌کنم همین کامپوزیت یا لمینت (می‌خندد).

- توی ابعاد خانوادگی هم باعث تغییراتی شده؟

خب یک بعد مثبتی که داره، ما خیلی‌ها توی آشناهامون مهاجرت کردن و خب خانواده‌هاشون عکساشون رو توی اینستا می‌بینن، ذوقشون رو می‌کنن، ویدیو کال می‌کنند و اینا، خب اگر اینا نبود، تحمل غربت خیلی سخت‌تر می‌شد.

من خودم تأثیر خاصی احساس نکردم، یعنی پیش از اینم ارتباطم با خانواده خیلی زیاد نبود، چون خب خیلی متفاوتیم، فقط قبلاً که اینستا نداشتم توی اتاق بودم، ممکن بود حوصله‌ام سر بره، الآن، دیگه حوصله‌ام سر نمی‌ره، در این حد (می‌خندد).

- اینستا در ارتباط با ابعاد زیست محیطی چه تغییراتی رو رقم زده؟

خب من از طریق اینستا با چندتا انجمن حمایت از حیوانات آشنا شدم و هرازگاهی برای حمایت از اون‌ها و کمک کردن به بهتر شدن وضعیت حیوان‌هایی که حالا خیلی وقتا مریضن، یک پاشون رو از دست دادن و دولت هم هیچ کاری برای اینا نمی‌کنه، یک پولی که در حد توانمه واریز می‌کنم، البته خیلی زیاد نیست، ولی مسوولیت شهروندیمه در حد توانم، یکی هم همون کارزارهایی بود که برای حمایت از حیوانات شرکت می‌کردم.

- تأثیر اینستا توی ابعاد زیستی چه طوره عزیزم؟

باعث بی‌حرکی که خب شده، چون به هر حال گاهی ۶ ساعت نشستم و سر اینستا، اما خب از طرفی هم همون طور که گفتم، سعی می‌کنم از همون اینستا ورزش‌ها رو هم بگیرم، انجام بدم و تاحدی جبرانم کنم.

- ممنونم از وقتی که گذاشتی نرگس جان.

خواهش می‌کنم.

- خسته نباشی و خدانگه‌دار.

شما هم همین‌طور، خداحافظ.

تأملی دوباره:

نرگس ۲۰ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

نرگس در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: تحقق نسبی آموزش فعال، آموزش رقص، افت نسبی تحصیلی، منابع غیر موثق اینستاگرام، توجه نسبی به تقلب، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

نرگس در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: جلوگیری از قطع ارتباط با دوستان، افزایش نقد اجتماعی، تحول‌های ارزشی و هنجاری برخی از کاربران، پیشی گرفتن دوستان مجازی نسبت به دوستان واقعی در برخی از مواقع، شکل‌گیری هویت‌های جدید (هویت دوپاره شده، هویت زودبسته شده)، سوق یافتن برخی درگیری‌ها به فضای مجازی، استقبال از هنجارشکنی ملایم، تلاش برای خودنمایی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

نرگس در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: ارتقای تسامح اجتماعی، کاهش استانداردهای اخلاقی جامعه، بیان ویتترین شدن اینستا، ساده شدن اهانت و تجاوز به حریم دیگران، کاهش شرم و حیا، رکیک شدن و نظایر آن، اشاره داشته است.

نرگس ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: امکان فعالیت اقتصادی برای مادران با بچه‌های کوچک، سهولت خرید مجازی و نظایر آن، اشاره داشته است.

نرگس در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، از تعمیق شکاف بین نسلی در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

نرگس در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: بمباران اطلاعاتی موجود در اینستا، مواجهه با اضطراب‌های نوپدید در جریان بمباران اطلاعاتی اینستا، درگیری‌های ذهنی نوپدید، بروز تعارض‌های نوپدید، کاهش اعتماد به نفس، بازگشت اعتماد به نفس بر باد رفته، القای برخی از تفکرهای کلیشه‌ای، القای برخی از تفکرهای زیر آستانه‌ای به کاربران، اتلاف وقت، جادوی اینستا، ورود زود هنگام به دنیای بزرگ‌سالی، طرح اینستاگرام به عنوان یک مسکن، ترویج افکار خودکشی توسط اینستاگرام، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است. نرگس در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: تحول‌آفرینی در معیارهای زیباشناختی، تغییر دیدگاه نسبت به مقوله زیبایی، دامن زدن به علایق هنری افراد، احساس نارضایتی از اندام خویش، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

نرگس ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مسأله بی‌حرکی و عوارض زیستی در پی آن، اشاره داشته است.

مصاحبه‌شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به شرکت در پویش‌های حمایت از زیست محیط، پذیرش نگهداری از حیوانات در آپارتمان مسکونی خویش (که به نوعی ظلم به حیوان است)، اشاره داشته است.

نرگس در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به بدبینی سیاسی موجود در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

نرگس در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، از القای هدف از زندگی به کاربران یاد کرده است.

نرگس ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: معرفی کتاب، پدیدآیی عرصه‌ای جهت گذران فراغت، آشنایی با فرهنگ‌های مختلف، اثرگذار واقع شدن عملکرد الگوهای نامتعارف فضای مجازی در جامعه (در ابعاد ظاهری تا ارزشی)، به صحنه آمدن افراد نامتعادل و حاشیه‌ای در فضای مجازی، ارایه ارزش‌ها و هنجارهای جدید به جامعه (غالباً توسط الگوها)، پا به عرصه نهادن افراد حاشیه‌ای در فرهنگ و جامعه، تولید ضدفرهنگ افراد مبتذل، تلاش جوان (بی مایه) برای خودنمایی و پر شدن اینستا از رفتارهای نامتعارف این افراد، بی بهره ماندن افراد زود بسته شده از فرهنگ جامعه، ریخته شدن روان‌شناسی زرد در فضای اینستا و فضای فرهنگی- اجتماعی جامعه، القای مفاهیم فمینیستی (رادیکال) به کاربران، سوق یافتن فرهنگ جامعه به سمت لاکچری بودن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه نرگس ۲۰ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، نرگس در مصاحبه خویش بیان می‌دارد،

با به صحنه آمدن افراد نامتعادل و حاشیه‌ای در فضای مجازی از سویی و بلاگرهای بدون تخصص از سوی دیگر، کاربران اینستا در عمل خود را با منابع ارزشی و هنجاری جدیدی مواجه می‌بینند که پیش از گسترش فضای مجازی، امکان حضور آنان در فضای اجتماعی جامعه فراهم نبود.

از سوی دیگر فضای مجازی به کاربران خویش این امکان را می‌دهد که تولیدهای خود را در فضای مجازی بارگذاری کنند، بنابراین باید انتظار داشت، وقتی برخی از نوجوانان و جوانان برای ارضای خودنمایی خویش یا به دست آوردن تعقیب کننده و فالور بیشتر و بیشتر به شکل روزانه و یا هفتگی دست به تولید محتوا می‌زنند، تولید محتواهای اخیر از فرهیختگی دور باشد.

مجموعه تولید افراد مطرود و حاشیه‌ای که امکان عرضه خویش در فضای مجازی را یافته‌اند، به همراه تولید بلاگرهای بدون تخصصی که تنها با حاشیه‌پردازی‌های غیرمعارف می‌توانند خود را در نزد مخاطبان خویش زنده و مطرح نگه دارند و تولید کودکان، نوجوانان و جوانانی که به تناسب دست به تولید محتواهایی متفاوت زده‌اند، فضای اینستا را به سمت روزمرگی و ابتذال سوق داده و پیش خواهند برد، ابتذالی که در جهان واقع کمتر می‌توان سراغ آن را گرفت.

بنابراین فضای اینستا، خاصه در ایران که بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری از فضای مجازی، امر موهومی بیش نیست، فضایی نزدیک به روزمرگی و ابتدال اندیشه است که غوغای بلاگرهای بدون تخصص آن، تنها به نمایش لاکچری اندیشیدن و لاکچری زندگی کردن ختم می‌گردد و محصولات غربی عرضه شده در آن (از بازی‌های دیجیتالی گرفته تا پویانمایی‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها و دیگر سرگرمی‌های مطرح شده در فضای مجازی) نیز بعضاً با به نمایش کشیدن شهوت و خشونت به افراط، کاربران و مخاطبان خویش را به جای سوق دادن در مسیر اعتلای انسانی خودشان، در مسیری مادون انسانی سوق می‌دهند.

مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله

جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید).

- سلام عزیزم!

سلام.

- عزیزم خوبی؟

خیلی ممنون.

- از این که اجازه دادی با هم مصاحبه داشته باشیم، متشکرم.

خواهش می‌کنم.

- اجازه می‌دی وارد سوال هام بشم؟

بفرمایید.

- ساره جان شما چند وقته که گوشی داری؟

من از اوایل راهنمایی داشتم.

- خودت خواستی برات بخرن یا خانواده خودش تصمیم گرفت بگیره؟

خودم خواستم.

- چی بیش‌تر باعث شد که گوشی بخواهی؟

تا اون جا که یادمه، اکثر هم‌سن‌هام داشتن.

- اکثر هم‌کلاسی‌هات هم داشتن؟

آره، اکثراً گوشی یا تبلت داشتن یا کسی توی خانواده خودشون داشت.

- هم‌کلاسی‌هات اینستاگرام هم داشتن؟

بعضیاشون داشتن، ولی اونایی که شخصاً نداشتن، از اینستای خانواده‌هاشون می‌رفتن.

- با اجازه‌ی خانواده‌هاشون؟

اون رو نمی‌دونم.

- خودت از کی اینستاگرام رو نصب کردی؟

فکر کنم از سال ۹۵.

- بیش‌تر چه کار می‌کردی؟

آهنگ گوش می‌دادم.

- بیش‌تر چه آهنگ‌هایی گوش می‌دادی؟

پاپ یا چیزایی که اون موقع اکثراً گوش می‌دادن، بیش‌تر آهنگای انگلیسی که معلم زبان‌هام می‌گفتن.

- بعد از نصب اینستاگرام تغییری توی سبک موسیقی که گوش می‌دادی داشتی؟

آره، با سبکا آشنا شدم و سبک مورد علاقه‌ام رو پیدا کردم.

- چه سبکی؟

قبل از اینستا آهنگای داداشم رو گوش می‌دادم، خواننده‌هایی مثل ادل و انریکه و شکیرا و سلنا

و سلین دیون و اینا بودن.



بعداً توی اینستا و تل و اینا فهمیدم آهنگای آترناتیو^۱ و راک هم هست، بعد فهمیدم اون سبک رو دوس دارم، یه کم بعدشم که با کی‌پاپ هم آشنا شدم، به نظرم جالب اومد.



- چه طوری به این نتیجه رسیدی که این موسیقی رو دوست داری؟
بین اولین بار توی گوشی دوستانم شنیدم، بعدم خودم چندتاش رو دانلود کردم و شنیدم، توی اینستاگرام هم چند نفر رو که این موسیقی رو کار می‌کردن، فالو کردم.
- یکی از این پیج‌هایی رو که فالو کردی رو می‌تونی به من معرفی کنی؟
بین قبلیا رو یادم نیست، ولی یه گروهی که توی این زمینه خیلی ترکونده، گروه مانسکین^۲ هستش که آهنگاشونم خیلی وایرال شده توی اینستاگرام اتفاقاً.



۱ - راک آترناتیو که به عنوان موسیقی آترناتیو هم شناخته می‌شود، در اواسط دهه ۸۰ با تأثیر از موسیقی پانک راک به وجود آمد، اما از لحاظ ساختاری و ظاهر شبیه هیچ‌یک از سبک‌های قبل از خود نبود، نه ظواهر و ساختار گروه‌های پانک را داشت و نه می‌شد آن را شاخه‌ای از سبک‌های دیگر دانست و به دلیل این که از جنبه‌های بسیاری با موسیقی‌های قبل از خود تفاوت داشت نام «آترناتیو» به معنای «جایگزین» را به آن دادند.

۲ - مونسکین یک گروه موسیقی راک ایتالیایی است. مونسکین به عنوان نماینده ایتالیا در یوروویژن ۲۰۲۱ شرکت کرد و برای آهنگ Zitti e buoni به مقام نخست دست یافت. نام گروه در زبان دانمارکی به معنای مهتاب و نور ماه است که توسط ویکتوریا دی آنجلس، بیسیست گروه که دورگه‌ی ایتالیایی و دانمارکی است انتخاب شده. دامیانو دیوید خواننده‌اصلی، توماس راجی گیتاریست و اتان ترکیو درامر، دیگر اعضای گروه هستند.

- به نظرت چرا آهنگ‌هاشون این قدر فراگیر شده؟
خوب ریتم جالبی داره، جوونا رو خیلی جذب می‌کنه و هیجان داره توی آهنگاش.
- این آهنگ‌ها توی جوونا های ایرانی هم پر طرفدار هست؟
آره، خوب هست.

- آهنگ‌های ایرانی چه طور، آهنگی یا سبک موسیقی هست که طرفدار زیادی داشته باشه؟
خوب ببین مثلاً آهنگ بهت قول می‌دم محسن یگانه^۱ هست که بیشترین بازدید رو توی یوتوب گرفته و آهنگ‌های آرش^۲ رو هم توی اینستاگرام، روی خیلی از کلیپ‌ها دیدم که گذاشتن، ولی خوب آهنگای آرش، هم ترکیب زبان انگلیسی و ایرانیه، برای همین از کشورهای دیگه هم طرفدار داره، ولی خوب به هر حال خوبه، ببین کلاً موسیقی‌های ایرانی روی کلیپ‌های داخلی که توی اینستاگرام هست رو زیاد دیدم، ولی روی کلیپای خارجی ندیدم تا حالا.

۱ - بهت قول می‌دم، نام یکی از تک‌آهنگ‌های خواننده ایرانی محسن یگانه است که در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۹۴، با ترانه‌سرایی، آهنگ‌سازی و تنظیم محسن یگانه و میکس و مسترینگ آرش پاکزاد منتشر شد. نماهنگ این آهنگ که در اواخر سال ۲۰۱۶ در سایت یوتوب بارگذاری شد، با ۱۲۰ میلیون بازدید، چهارمین ویدیوی پربیننده در یوتوب فارسی است.

متن آهنگ بهت قول می‌دم که به نوعی تداعی گر دأئقه موسیقایی نوجوانان و جوانان ایرانی است، به قرار زیر است:
خودت می‌خوای بری خاطره شی اما دلت می‌سوزه تظاهر می‌کنی عاشقمی این بازی هر روزه ترس آدم دم رفتن همش دلشوره می‌گیره دو روز بگذره این دلشوره ها از خاطرت می‌ره بهت قول می‌دم سخت نیست لااقل برای تو راحت باش دورم از تو و دنیای تو راحت باش هیچ کس نمیداد جای تو دلشوره دارم من واسه فردای تو بهت قول می‌دم سخت نیست لااقل برای تو راحت باش دورم از تو و دنیای تو راحت باش دورم از تو و دنیای تو راحت باش دورم از تو و دنیای تو هیچ کس نمیداد جای تو دلشوره دارم من واسه فردای تو از عشق هر چیزی که می‌شناسمو از من گرفتی تو تو باقی مونده احساسم رو از من گرفتی و می‌خوای من باشی و یادت بره مایی وجود داره خودت آماده ی رفتنی و ترست نمی‌ذاره اصلاً ترس راحت برو بی من هیشکی به جز تو منو یادش نیست فکر کردی کی از من خبر داره راحت برو هیشکی حواسش نیست بهت قول می‌دم سخت نیست لااقل برای تو راحت باش دورم از تو و دنیای تو راحت باش هیچ کس نمیداد جای تو دلشوره دارم من واسه فردای تو بهت قول می‌دم سخت نیست لااقل برای تو راحت باش دورم از تو و دنیای تو راحت باش هیچ کس نمیداد جای تو دلشوره دارم من واسه فردای تو مسیرمون با هم یکی بود، ولی مقصد جدا.

۲ - آرش لباف، ۳ اردیبهشت ۱۳۵۶ در تهران متولد شد. او تا سن ده سالگی در تهران زندگی کرد و پس از آن به اروپا مهاجرت کرد. وی در اواخر دهه هشتاد میلادی به سوئد رفت. آرش و خانواده‌اش در آغاز به شهری با نام اوپسالا و پس از آن به مالمو رفتند. آرش در سال ۲۰۱۶ به دبی مهاجرت کرد. پدر او اهل اصفهان و مادرش اهل شیراز است.

وی به دلیل اشتیاقش به موسیقی، پس از تحصیل در کالج، شروع به نوشتن موسیقی کرد. در ابتدا کار خود را در گروهی به همراهی کامرون کاریو و چند تن دیگر آغاز کرد که در کلپ‌ها و بارها می‌خواندند، اما پس از پیشرفت بیشتر در موسیقی، نخستین آلبوم خود را در ۱ فوریه ۲۰۰۵ منتشر کرد که در جدول‌های موسیقی تاپ ۱۰ سوئد شماره یک شد و پس از مدتی در اروپا به شهرت رسید. آلبوم او سومین آلبوم پرفروش شناخته شد. وی علت این که به زبان فارسی و نه انگلیسی می‌خواند را عشق به ایران و زبان فارسی عنوان کرده‌است. آرش پیش از جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶، ترانه «ایران ایران» را به نمایندگی از کشور ایران با همان ملودی «موزیک زبان من است» اجرا کرد. آرش همچنین جزو داوران فصل اول مسابقه استعدادیابی ایرانی، پرشپاز گات تلنت، بوده است.



- چندتا از آهنگ‌هایی که توی اینستاگرام بیش‌تر فراگیر شده و روی کلیپ‌ها بیش‌تر می‌بینی رو به من معرفی می‌کنی؟
بین مثلاً آهنگ venom از امینم هست که یه مدته خیلی با اون کلیپ می‌سازن، بیش‌تر به خاطر ریتمشه البته، چون کلاً یه حالت خفن داره روی کلیپایی که می‌خوان یه چیزی رو خفن نشون بدن، خیلی استفاده می‌کنن، معنیش هم یه چیز توی مایه‌های اینه که من خیلی خفنم، با همه سختیا مبارزه می‌کنم و همچین چیزیه.



- معمولاً چه آهنگ‌هایی زیاد فراگیر می‌شه؟
همین آهنگایی که بیش‌تر ریتم خفن داشته باشه یا آهنگ‌هایی که معنی این که من سخت تلاش می‌کنم یا من بهترینم، همچین چیزی تقریباً داشته باشه، البته یه دسته از آهنگایی هست که وایرال می‌شه، ولی معنیش واقعاً افتضاحه و البته خیلیا اصلاً معنی شون رو نمی‌دونن.

۱ - ارشال بروس مدرز سوم که با نام حرف‌های امینم یا امینم شناخته می‌شود، ریپر، ترانه‌نویس و تهیه‌کننده موسیقی آمریکایی است. امینم با فروش تخمینی بالغ بر ۲۰۰ میلیون از آثارش، یکی از پرفروش‌ترین هنرمندان موسیقی در تاریخ است. او بابت محبوب کردن موسیقی هیپ هاپ در مرکز آمریکا معروف است و از سوی منتقدان به‌عنوان یکی از برترین ریپرها تمام دوران تلقی می‌شود. موفقیت جهانی و آثار تحسین‌شده امینم به‌طور گسترده‌ای برای شکستن موانع نژادی و پذیرش ریپرها سفیدپوست در موسیقی عامه‌پسند در نظر گرفته می‌شود. گر چه بسیاری از کارهای هنر هنجارشکنش در اوایل دهه ۲۰۰۰ بحث‌برانگیز شد، او به جلوه‌گری از خشم مردم طبقه محروم آمریکا بدل شد.

- پس چرا همه گیر می‌شن؟

به خاطر همون ریتمش، کلاً یه سری آهنگا است که به خاطر ریتم‌شون یا یه تیکه خاص آهنگ وایرال می‌شن و ادیت می‌کنن و می‌ذارن روی کلیپ‌ها، ولی مثلاً معنی اون بخش چیه، این که مثلاً خوشم میاد زنا خودشون رو جلوم تکون بدن و لباسای کوتاه بپوشن یا همچین چیزی.

- اون کلیپ‌ها معمولاً حاوی چه چیزهایی هستند؟

مثلاً یه بخش از فیلمه که می‌خواد اون شخص رو خیلی خفن نشون بده، مثلاً یه کلیپه هست که می‌خواد یه نفر رو خاص نشون بده، چه طرف بازیگر باشه یا ورزشکار یا هر چیزی.

- پس خلاصه می‌خواهد با اون آهنگ و کلیپ اون فرد رو جذاب جلوه بده، درسته؟ آره، اون شخص یا اشخاص می‌تونن یا واقعی باشن یا شخصیت فیلم یا سریال مثلاً.

- از نظر خودت هم اون آدم‌های توی کلیپ خفن به نظر میان؟

اممم خوب ببین، مثلاً خیلی اوقات اون فردی که نشون می‌ده، یه آدم واقعاً موفقه و نشون می‌ده که با تلاشی که کرده حالا بالاخره تونسته به هدفش برسه، اگه بخوام بگم که با دیدن اون‌ها، خودم دلم خواسته جاشون باشم، باید بگم که آره، بعضی اوقات این بهم روحیه می‌ده که برای هدف‌هام تلاش کنم.

- چی شد که دلت خواست شما هم اینستاگرام رو نصب کنی؟

بیش‌تر دوستام داشتن و توی گوشی اونا می‌دیدم، برام کلیپا و اینا جالب بودن.

- یادت هست که اون دوران دوستان بیش‌تر چه کلیپ‌هایی در اینستاگرام می‌دیدن؟

کلیپای فان بود بیش‌تر، مثلاً بازی کردن با سگ و گربه‌ها، رپ فارسی هم بودن یا مثلاً سبک دیس لاو مثل مهرباب و اینا که خدا رو شکر هیچ وقت گرفتارشون نشدم.

۱ - در کل دیس لاو سبکی با موضوع احساسی، تنفر، بغض و فریاد است که به دلیل خیانت طرف مقابل خوانده می‌شود. این سبک نوین یک دهه از عمر خود را سپری کرده و باید منتظر ماند و دید که آیا این سبک همانند گذشته احیا خواهد شد و یا این که کامل از بین خواهد رفت. گوش کردن طولانی مدت به این سبک ممکن است عوارض بسیار بدی اعم از افسردگی، پرخاشگری، خودزنی و یا حتی خودکشی برجای بگذارد. از معروف‌ترین خوانندگان این سبک می‌توان به مهرباب (حسین زینالی) اشاره کرد.

۲ - مهرباب خسته صدا با نام اصلی حسین زینالی خواننده رپ در ۱۲ بهمن ۱۳۷۳ در اراک به دنیا آمده و در محله شهرک ولیعصر زندگی تهران زندگی می‌کند.

وی فارغ‌التحصیل رشته برنامه‌نویسی بوده و علاوه بر خوانندگی به عنوان طراح وبسایت و پخش کننده موزیک فعالیت دارد. مهرباب لقب‌های خسته صدا و دیس لاو را گرفته و طرفدارانش با عنوان مهرباب خسته صدا و یا دیس لاو او را می‌شناسند. زینالی در اوایل فعالیتش بدون انتشار عکس از چهره خود و ناشناس فعالیت کرد و دوستدارانش فقط صدای او را می‌شنیدند. مهرباب خواننده رپ بعد از آهنگ مرگ مهرباب ۲ چهره اش را منتشر کرد.

- چرا فکر می‌کنی کسانی که اون آهنگ‌ها رو گوش می‌دادن، گرفتار شدن؟
چون واقعاً آهنگ‌هایی با محتوای مزخرف بودن و فقط با عربده زدن، گوش آدم رو پاره می‌کردن.
- چه محتوایی داشتن؟
این که عشقم ولم کرده، می‌خوام برم بمیرم و می‌خوام خودزنی کنم و برم اونی که با عشقم بهم خیانت کرده رو بکشم، آی من چه بدبختم، رفیقام چه نامردن و همچین چیزای مزخرف و حال خرابی که واقعاً حال آدم رو خراب می‌کرد.
- از آهنگ‌های رپ فارسی چه طور؟
خیلی کم گوش می‌دادم، مثلاً چندتا آهنگ از زذبازیا، گروه وانتونز یا آهنگایی که خیلی معروف می‌شدن، ولی آهنگ مهرباب اینا که دیس لایو بود اصلاً، من افسردگی داشتم همین جوری، فقط آهنگای شکست عشقی گوش دادم مونده بود، بعد آهنگا مسخره بودن از نظر متن یا خیلی ناله می‌کردن، خوشم نمی‌اومد.



- دلیل افسردگی چی بود؟
مشکلات خانوادگی که اون موقع داشتم.
- به نظرت هم‌سن و سال‌ها ت چرا از اون کلیپ‌ها خوششون می‌اومد؟
والا نمی‌دونم، شاید چون آهنگای بهتری نبود، به نظرم اکثراً بچه‌های توی اون سن، برای یک بارم که شده این آهنگا رو گوش دادن.
- می‌توننی نام ببری؟

سیک خوانندگی او رپ و دیس‌لاو است و با آهنگ مرگ مهرباب یک و هم خوانی با ایمان نولاو مشهور شد. از جمله آثار شاخص وی مرگ مهرباب یک و دو و معراج و پرواز و ققنوس و سرباز و... است. همه ترانه‌های محراب از افسردگی و شکست حکایت دارد و خودش نیز دلیل این که به موسیقی روی آورده را شکست عشقی که خورده است عنوان کرده و بیان داشته است که او برای آرامش به سمت موسیقی رفته است. مهرباب به صورت غیر مجاز فعالیت می‌کند. مدتی پیش شایعاتی مبنی بر بیماری سرطان در میان طرفداران و دوستان صدایش منتشر شد که این خبر صحت داشته و مهرباب دیس لایو و یا خسته صدا به سرطان حنجره مبتلا است.

بین مثلاً آهنگایی مثل لالایی میلاد راستاد یا کلاویه از مهرباب، خیلی توی اون زمان روی بورس بود، یادمه خیلیا گوش می‌دادن، من خودم که دوست نداشتم، ولی مثلاً از گوشه دوستام یا استوری شون می‌شنیدم یا می‌دیدم.



- چرا اون آهنگ‌ها رو استوری می‌کردن، دلیلش رو می‌دونی؟
- اکثراً شکست عشقی خورده بودن، می‌خواستن به همه ملت بگن که من شکست عشقی خوردم، حالم بده و این جور چیزا.
- یعنی به نظرت دنبال توجه بودند؟
- می‌شه گفت آره، شایدم این کار رو می‌کردن که پسره اینا رو ببینه، دلش بسوزه، برگرده طرف همون آدم.
- محتوای اون استوری‌ها رو یادت هست؟
- اکثراً کلیپا یا عکسایی با تم دارک بودن.
- به نظرت کلاً چرا دوستان شما چنین آهنگ‌هایی رو گوش می‌دادن؟

خوب فکر کنم چون تازه آدم، وارد فاز احساسی می‌شه توی اون زمان و این جور آهنگای شکست عشقی هم زیاد روی بورس، البته فکر کنم الان دیگه نیست.

- اینستاگرام در این جهت تأثیری داشته که نوجوان‌ها رو وارد این فاز احساسی کنه؟ قطعاً داشته، کلیپای فاز دپ که میان درباره‌ی خیانت و اینا کلیپ می‌سازن، همه‌ی اینا تأثیر داره روی نوجوونا به نظر من، چون دیگه فکر می‌کنه که مثلاً اگه از یکی خوشش اومد و اون طرف حاضر نشد با اون بمونه، باید دیگه از زندگی بیره.

- برای خودت یا دوستانت چنین حسی پیش اومده؟

خودم که نه، ولی از بین دوستانم، بودن کسانی که توی همین اینستاگرام کراش زدن روی یکی، بعد اون طرف رفته با یکی دیگه، حالا این دختره رفته توی فاز غم و دیگه همه چی برای من تمومه و اینا.

- اگه یادت هست، می‌تونی مثال بزنی؟

خوب مثلاً دوستانم توی فضای مجازی با یکی آشنا شد و ازش خوشش اومد، یکی، دو ماه با پسره حرف زد، ولی یه بار رفت بیهو استوریش رو دید که فهمید پسره با یکی دیگه وارد رابطه شده، بعد فاز غم برداشت.

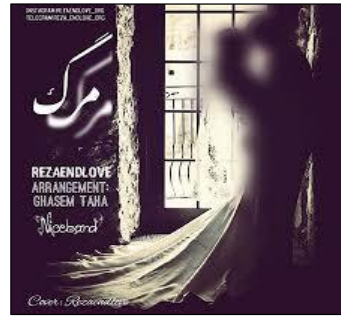
- رابطه‌شون توی طول اون مدت دو ماه چه طوری بود؟

من چیز دقیقی یادم نیست، ولی خیلی با ذوق می‌اومد، راجع بهش حرف می‌زد و حتی سر کلاس با اون چت می‌کرد و دیگه فکر کردیم، واقعاً می‌خواد پیشنهاد بده که قرار بذارن، ولی خوب نشد.

- به نظرت اینستاگرام چه قدر تأثیر داشته توی اون حسی که به دوستت دست داد؟

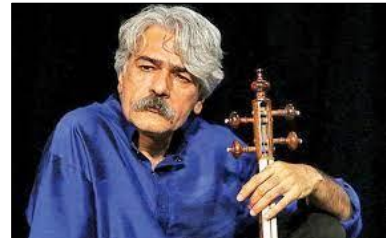
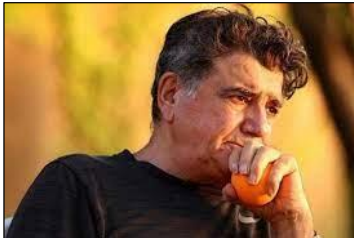
تأثیرش کم نبوده، خوب بین گفتم که کلیپای دپ با موسیقی دیس لاو و اینا زیاد گوش می‌دادن، زده بودن توی کار استوری فاز غم و این جور چرت و پرتا.





- دوست استوری چی می گذاشت؟
یادم نیست دقیق، جمله‌های دپ می داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزها، کلاً از لحاظ روحی پاچید (باشید).
- اون عکس‌های خودزنی برای خودش بود؟
آره، می‌اومد مدرسه، دستش رو باند می‌بست.
- خودزنی رو دوست از کجا یاد گرفته بود؟
خوب چیزیه که بود اون موقع، روی همین کلیپا هم می‌ذارن عکساش رو.
- شما وقتی که دوست‌تون این استوری‌ها رو می‌دید، بهش نمی‌گفتید این راهی که داره می‌ره اشتباهه و داره فقط به خودش آسیب می‌زنه؟

- گفتن که آره، می‌گفتیم، ولی خوب اون گوشش بدهکار نبود و تا چند ماه اوضاعش همین بود.
- برای خودت چنین اتفاقی نیفتاد؟
- من نه راستش، از اول هم این چیزا برام کم اهمیت بود، همین روابط مجازی و اینا.
- پس به نظرت چرا دوستانت جذب این جور چیزها شدن؟
- نمی‌دونم، شاید کمبود محبت داشتن و زیاد وابسته مجازی شدن، شاید دنبال جلب توجه بقیه بودن.
- گفتمی که بعد از آشنایی با اینستاگرام، سبک موسیقی مورد علاقه‌ی خودت رو پیدا کردی؟
- بله، به سبک‌های راک و کی‌پاپ هم علاقه پیدا کردم.
- چه طوری از راه اینستاگرام با این سبک کی‌پاپ آشنا شدی؟
- یکی از دوستانم چندتا پست از شون فرستاد برام، جالب بودن، چندتا از آهنگاشون رو دانلود کردم و گوش دادم، بعد از شون خوشم اومد.
- چی بیش‌تر باعث شد جذب بشی؟
- سبک لباساشون و معنی موسیقی شون جذبه کرد، با محتوا بودن، نه مثل این موسیقی مهرباب اینا دربارهی شکست عشقی و اینا.
- چندتا از دوستای دیگه‌ی شما این سبک موسیقی رو گوش می‌دن؟
- سه، چهارتایی هستیم که اگه چیز جذابی دیدیم در این مورد، برای هم می‌فرستیم.
- اون‌ها چه طور آشنا شده بودن؟
- دقیق نمی‌دونم، ولی فکر کنم اونا هم از راه دوستانشون آشنا شدن.
- این موارد در موسیقی ایرانی پیدا نمی‌شه و از موسیقی‌های ایرانی برای هم کلیپ نمی‌فرستید؟
- بین برای منی که سبک قدیمی رو نمی‌پسندم، نه، آهنگای امروزی همه‌اش یا درباره عشقش داره حرف می‌زنه با یه موضوع تکراری یا درباره این که عشقش ولش کرده و واقعاً این خسته کننده هست.
- وقتی اینستاگرام رو نصب کردی بیش‌تر چه افرادی رو فالو کردی؟
- سلبریتیایی که دوس داشتیم، مثل ادل، آیدل‌های کره‌ای یا مثلاً جاستین بیبر، بعد بیش‌تر شون دوستانم بودن.
- دوستان شما بیش‌تر چه جور پست و استوری‌هایی می‌گذارن؟
- اگه آهنگ منتشر کنن، تبلیغش رو می‌کنن یا به اتفاقات اجتماعی بیش‌تر مربوط به کشورشون، بعضی وقتا واکنش نشون می‌دن.
- می‌تونن از واکنش‌هاشون به اتفاقات اجتماعی مثال بزنی؟
- مثلاً همون بلک لایو مترز او اینا.



- سلبریتی‌های ایرانی چه طور؟
از بین سلبای ایرانی، فقط دریا دادور و کیهان کلهر و شجریان یا هومن سیدی یا شقایق دهقان
رو دنبال می‌کنم.

و نژادپرستی علیه سیاه‌پوستان فعالیت می‌کند. این جنبش به صورت منظم به سازماندهی اعتراضات مردمی به کشته شدن
سیاه‌پوستان به دست نیروهای پلیس و نژادپرستی سازمان یافته در سیستم قضایی و پلیس می‌پردازد.

- چی باعث شد که فالوشون کنی؟

ویدیوهای خوندن و ساز زدن شون رو دیدم یا مثلاً هومن سیدی فیلماش رو چندتاش رو دوس دارم یا شقایق دهقان کلاً بازیگر آروم و بی‌حاشیه‌ای به نظر می‌رسه، بیش‌تر واسه اینا دنبال‌شون می‌کنم.

- منظورت از حاشیه چی هست؟

این‌که مدام پیچ‌ها از شون مطلب بذارن، چه درست، چه غلط، مثل همین ریحانه پارسا که هی دنبال حاشیه ساخته تا به کم توجه کنن بهش، به نظرم خبر مرگش رو هم که چند وقت زیاد توی اکسپلور می‌اومد، از قصد خودش ساخته تا فقط جلب توجه و فالور کنه، مثل همون مهرداد جم یا خیلیای دیگه.

- چرا می‌خواهد که توجه دیگران رو به خودش جلب کنه؟

توجه زیاد، یعنی فالور زیاد و در نتیجه پول زیاد، همه‌ی این‌ها برای کسب پوله از نظر من، چون خیلیا که این‌ها رو فالو می‌کنن، صرفاً جهت مسخره کردن و خندیدن به اوضاع اوناست، نه از روی این‌که عاشق چشم و ابروی طرف باشن، مثلاً همین دنیا کامنت‌هاش پر از فحش و مسخره کرده، ولی بازم کارش رو ادامه می‌ده، چرا؟ چون کلی پول از تبلیغات به دست میاره.

- چرا مردم اون کامنت‌ها رو زیر پست‌هاش می‌گذارن؟

چون ازش بدشون میاد، این به نظرم عادیه، کسی که هر بار به مسخره بازی درمیاره، طبیعیه که مردم این ریکشن‌ها رو داشته باشن نسبت بهش، کسی که به خودش احترام نذاره، بقیه هم بهش احترام نمی‌ذارن.

- شما خودت کامنت‌هاش رو دیدی؟

آره، به چندتاییش رو دیدم.

- می‌تونن دو، سه تا از نمونه‌هاش رو بگی؟

دقیق یادم نمیداد، ولی همین الانم که اگه بری بخونی، مثلاً فحشای خیلی بد یا حرفای توهین‌آمیز بهش زدن.

- به نظرت همین مردم اگه با دنبال نکردن محتوا و کم کردن بازیدهاشون، نسبت به مخالفت-

شون اقدام می‌کردن، بهتر بود یا این‌جوری که اتفاقاً دارن از یک جهت حتی حمایتش می‌کنن؟ خوب قطعاً اولی، بهتر بود، ولی خوب کسی جدی نیست توی این کار، نمی‌دونم، شاید به‌جوری هم هست که دل‌شون می‌خواد یکی باشه که بهش نفرت بدن.

- به نظرت چرا مردم همچین حسی رو دارن؟

شاید مشکلات زندگی، شاید نیاز دارن به جایی فشار عصبی‌شون رو خالی کنن.

- درباره‌ی دوستان هم می‌دونی، این که چه کسانی رو فالو می‌کنن یا طرفدار چه کسانی هستن؟

نه زیاد، راستش فوضولیم نمی‌کنم، ولی دختر عموم طرفدار تتلوعه، نتونستم جلوی فوضولیم رو بگیرم، فهمیدم.

- فن پیج هم داره؟

آره، فن پیجم داره، توی رویکا و اینستا.

- می‌دونی بیش‌تر چه چیزهایی پست می‌کنه؟

فک کنم بیش‌تر اخبار می‌ذاره.

- چه جور اخباری؟

قسمتای جذاب مربوط به مصاحبه‌ها و فعالیتاشون توی فضای مجازی یا کارایی که می‌کن.

- دخترعموت چند سالش هست؟

یازدهم، شونزده سالش می‌شه.

- خودت موقعی که اینستاگرام رو نصب کردی، چه پست‌هایی رو بیش‌تر می‌گذاشتی؟

سعی می‌کردم مثل بقیه باشم، یه پست از پدر و مادر گذاشتم که هنوزم هست، یه گربه هم بود.

- چرا این محتوا رو برای پست کردن انتخاب کردی؟

خوب یه چیز عادی بود به نظرم که قابلیت پست شدن رو داشت.

- چه چیزهایی به نظرت قابلیت پست شدن رو دارن؟

بستگی به خود فرد داره، به نظرم اومد که چندتا عکس از خانواده یا از گربه، یه چیز معمولیه برای

پست کردن و خواستم همین رو انجام بدم، یه جورایی دوست داشتم از چشم بقیه مقبول به نظر بیام.

- مقبول بودن از نظر شما یعنی چه جوری بودن؟

خوب یعنی یه چیزی بذاری که مطمئن باشی کسی از دیدنش بدش نیاد.

- محتوی استوری‌ها ت چه جوری بود؟

بقیه‌اش از خودم و دوستانم بود، استوریامم از فیلما و آهنگا و کتابای مورد علاقه‌ام و میم بود.

- چه طوری انتخاب می‌کردی که چی رو استوری کنی؟

خوب بیش‌تر سعی می‌کردم مقبول باشم، واسه همینم زیاد از کی‌پاپ نمی‌ذاشتم.

- چرا فکر می‌کردی همین جوری که هستی، اشتباهه و باید مثل دوستان و دیگران باشی؟

ببین، بعضی مردم کلاً دید خوبی ندارن به کی‌پاپ، ولی جذابه، منم اعتماد به نفس این که خود

واقعیم رو نشون بدم، ندارم.

- یعنی اگه جایی از شما، از علایقت بپرسن، پنهان کاری می‌کنی یا دروغ می‌گی؟

نه این جورى، اگه بحثش پيش بياد مى‌گم، يا اگه ازم پيرسن كه طرفدار اين چيزا هستى يا نه، مى‌گم كه هستم، ولى خوب انتشارش نمى‌دم، اين جورى احساس امنيت بيش ترى مى‌كنم.

- تصور واكنش اطرافيانت به شما حس ناامنى مى‌ده؟

بيش تر مورد قضاوت قرار گرفتن بهم حس ناامنى مى‌ده، چون اعتماد به نفس كافى ندارم، حس مى‌كنم نمى‌تونم از چيزايى كه دوست دارم دفاع كنم، براى همين پيش كسايى كه علايقشون باهام يكيه، حس آرامش و امنيت بيش ترى مى‌كنم.

- با اين حال شما خود واقعيتر رو در اصل عوض نكردى و چيزهايى كه واقعاً دوست داشتى رو ادامه دادى، درسته؟

آره، بين مثلاً موزيك و ويديوها تحليل و معنى دارن يا آهنگاشون ريثماى قوى و جذاب دارن، همين طور صداهاى جذاب و متفاوتى دارن، ولى خوب دلايل مسخره ميارن براى تمسخر، چون زيادن، مثلاً اكسو دوازده نفر بودن، چون من مى‌دونم اين حرف اشتباهه، دست از چيزى كه دوست دارم، نمى‌كشم.

- تا حالا شده كه پست يا استورى در اين مورد بگذارى كه مورد تمسخر واقع بشى؟

گفتم كه معمولاً نمى‌ذارم، اون اوایل يكى، دو بار گذاشتم و چندتا واكنش بد ديدم، بعد تصميم گرفتم، ديگه پست نذارم.

- چه جور واكنشى بود؟

اين كه مى‌گفتن اين مسخره‌ها چيه گوش مى‌دى و اين جور چيزا.

- اين حرف‌ها چه تأثيرى روى شما داشت؟

باعث شد علايق خودم رو به همه نشون ندم و براى خودم نگه دارم، ولى هيچ وقت باعث نشد از چيزى كه دوست دارم دست بكشم.

- دوستان خودت چه طور، اون‌هايى كه طرفدار اين موسيقى هستن هم مثل شما هستن؟

نه، اونا به حرف بقيه اهميت نمى‌دن، استورى يا پست‌هايى كه از كى پاپ دوست دارن رو مى‌ذارن، مى‌گن تهش قراره آنفالو كنن ديگه، بذار بكنن و من اين طرز فكرشون رو دوست دارم.

- دنبال كندهات بيش تر چه كسانى بودن؟

همه‌شون دوستانم يا فاميل بودن، چون داداشم چك مى‌كرد، ولى گاهى با كسايى كه نمى‌شناختم چت مى‌كردم.

- برادرت اينستاگرام شما رو چك مى‌كرد؟

نه خيلى جدى، ولى حواسش بود.

- پدر و مادرت چى؟

نه، اما داداشم هم بيش تر قصدش مراقبت بود كه اذيتم نكنن.

- الان هم این مراقبت هست؟

نه، الان نیست.

- از کی دیگه نبود؟

از دوم دبیرستان اینا فک کنم، بعدشم آن چنان چک نمی کرد، مثلاً شاید توی کل این چند وقتی که گوشی داشتم، پنج، شیش بار اینا بشه که البته الان اصلاً نیست.

- گفتی با غریبه‌ها هم صحبت می کردی، بیش تر درباره چه موضوع‌هایی صحبت می کردید؟
خب اگه پسر بودن که معلومه دنبال چی بودن، یه مدت باهاشون از چیزای مختلف مثل همون آهنگ و زندگی عادی مون حرف می زدیم، بعد می پیچوندم، هر چند یه جایی آدمای عوضی به تورم خوردن، ولی دخترا میزون بودن، دوست می شدیم، به خصوص اگه یه علاقه‌ی مشترک مثل همین آهنگ داشتیم.

- چی شد که خواستی با پسرها چت کنی؟

حوصله‌ام سر می رفت و حس می کنم، این منع کردنای مسخره‌ی خانواده، از ارتباط برقرار کردن با جنس مخالف، من رو کنجکاو می کرد.

- گفتی معلوم بود دنبال چی هستن، دنبال چی بودن؟

گرفتن عکسای لختی از دخترا یا سر قرار رفتن که من تا حالا سر قرار نرفتم، نمی دونم چه کار می کنن یا اگه خیلی دیگه خوب باشن، لطف می کنن فهم ما رو از خر بیش تر می دونن، اولش یه کم چت می کنن.

- از کجا این رو شنیده بودی؟

نشنیدم، آخر همه‌ی اونایی که باهاشون چت می کردم، عکس از خودم یا اعضای بدنم بود که یه بار هم بد اذیت شدم.

- چه طوری اذیت شدی؟

گفت بیا بریم بیرون، منم گفتم نمیام و کلاً قطع ارتباط کردم با اون، ولی با شماره جدید زنگ می زد، مزاحمت ایجاد می کرد یا آخراش دیگه فحش می داد، حس بدی بهم می داد، انگار که من اشتباه کردم که فقط خواستم با جامعه‌ی انسانی ارتباط برقرار کنم، در حالی که تقصیر من نبود، پدر و مادرای بی‌عرضه‌شون بلد نبودن بچه ادب کنن.

- از اول چه طوری صحبت می کرد و بعد کی شروع به اذیت کردن کرد؟

اولش عادی بود، مثل دو نفری که می خوان با هم دوست بشن، ولی نمی دونم چی شد دقیقاً که مغزم دستور داد، بهش شماره بدم، بعدش گفت بیا رل بزنی و اینا، یه هفته نشده بود، می گفت بیا جرأت حقیقت بازی کنیم، عکس از فلان جای بدنم می خواست، من شیک زدم، بلاکش کردم، حتی بهش نگفتم با این که رل بزنی موافقم، خودش برید و دوخت.

- این اتفاق باعث شد که دیدت نسبت به جنس مخالف عوض بشه؟
- واقعاً نگاهم به جنس مخالف منفی شد بعد از اون اتفاق.
- یعنی دیگه باهاشون حرف نزدی؟
- ولی این جوری نبود که کلاً حرف نزدم.
- پسرا کلاً هیچ خانواده‌ای بهشون سخت نمی‌گیره، می‌گن پسره دیگه، حالا دختر باشه، پدرش رو درمیارن.
- چرا این طوری فکر می‌کنی؟
- چرا نداره، واقعاً این همه قتل‌های ناموسی توی ایران، گویای همه چیز هست.
- قضیه این قتل‌ها رو از کجا شنیدی؟
- همه جا هست دیگه، اصلاً مد شده انگار بین خانواده‌ها.
- برای دوستانت هم تاحالا مسأله مزاحمت اتفاق افتاده؟
- آره بابا.
- چیزی یادت هست که بگی؟
- نه زیاد، مثل من بودن، اکثراً همین جوری مزاحم داشتن، ولی بد بودن شون کم‌تر و بیش‌تر بود.
- به نظرت چرا بعضی پسرها این جوری با دخترها برخورد می‌کنن؟
- همه‌اش به خاطر پدر و مادرای بی‌مسئولیتیه که خودشون رو علامه دهر می‌دونن.
- این مزاحمت‌ها خانواده‌ها رو هم درگیر کرده بود؟
- بودن دوستانی که با خونواده‌هاشون دعوا یا جر و بحث داشته باشن، ولی من مشکلم رو درمیون نذاشتم با کسی.
- چرا درمیان نگذاشتی؟
- خوب بعدش قطعاً کلی بحث و اینا پیش می‌اومد که اصلاً نمی‌ارزید.
- بحث درباره‌ی چی؟
- همین که اصلاً چرا باهاشون صحبت کردی و اینا.
- خوب بعد از نصب اینستاگرام، توی پویش‌های اجتماعی یا حمایتی شرکت کردی؟
- مثلاً چی؟
- مثل پویش‌های حمایت از حیوانات که با استوری کردن یا شیر کردن حمایت می‌کنن.
- آره بابا، زیاد ازینا می‌ذاشتم.
- می‌تونن مثال بزنی؟
- توی استوریام می‌گفتم، مثلاً همون قضیه آب نداشتن خوزستان.
- فالورهای واکنش هم داشتن؟

آره، می‌گفتن که ناراحت ان یا نظر می‌دادن.

- به نظرت اینستاگرام توی این زمینه بستر خوبی برای این جور پویش‌ها هست و تأثیری داره؟
بیش‌تر می‌تونه واسه فرهنگ‌سازی مفید باشه یا مثلاً به اشتراک گذاشتن نظرات، توی چیزای مختلف که خب باعث می‌شه آدم، چیزای جدید یاد بگیره یا چیزای اشتباهی که قبلاً فک می‌کرد، درسته رو، الان درستش رو یاد بگیره

- الان بیش‌تر چه محتوایی برات توی اینستاگرام جذاب هست؟

ویدیوهای asmr^۱ که بیش‌تر مربوط به لوازم آرایشین، ویدیوهای کی‌پاپ، گاهی چندتا بلاگر که آرایش می‌کنن یا غذا درست می‌کنن، پیجای مربوط به ورزش و غذای سالم، اونایی که پرونده‌های جنایی بررسی می‌کنن، چندتا پیج پیشنهاد فیلم دارم که دارن خاک می‌خورن.

- کدوم‌شون برات بیش‌تر جذابیت داره؟

کی‌پاپ و ای‌اس‌ام‌ار آرایشی و بعد از اینا پرونده‌های جنایی.

- یک توضیحی از این ای‌اس‌ام‌ار آرایشی می‌دی؟

خوب توی این ویدیوها با لوازم آرایشی و میکاپ کردن و این جور چیزا، یه سری صداها ریز ضبط می‌کنن که آدم خوشش میاد، ازش آرامش می‌گیره، البته با خیلی چیزا این کار رو انجام می‌دن، ولی من از بقیه‌شون خوشم نیامد، مثلاً صدای خوردن غذا و این جور چیزا.



- خودت علاقه‌ای به تولید محتوا نداری؟

چرا، ولی زیاد نمی‌رم سمتش، چون مسوولیت داره و من درس و برنامه دارم، همین طور نمی‌خوام خودم رو زیاد غرق اینستاگرام کنم، چون قبلاً زیاد وقت می‌گذروندم و بهم آسیب زده بود.

- می‌تونگی بگی چه آسیبی زده بود؟

۱- درباره این که asmr مخفف چیست باید اشاره شود که این کلمه مخفف Autonomous sensory meridian response بوده و در ویکی‌پدیای فارسی به معنی واکنش ارادی اوج‌گیری حسی ترجمه شده است.. امروزه تولیدکنندگان محتوای asmr ویدیوهای جالبی را تولید می‌کنند که بینندگان بالایی دارند. برای بررسی این موضوع می‌توان ویدیوهای asmr را در یوتیوب جست‌وجو کرد. از طرف دیگر برخی از افراد نیز هستند که نسبت به محتوای ای‌اس‌ام‌ار بی‌تفاوت بوده و احساسی با مشاهده ویدیوهای مربوطه در آن‌ها شکل نمی‌گیرد. برخی نیز هستند که با صداها ی خاصی احساس آرامش و تمرکز بیش‌تری دارند.

خب من درس داشتم و کلی برنامه واسه خودم می‌چیدم، ولی گوشی رو می‌گرفتم دستم و بعد که ساعت رو نگاه می‌کردم، می‌دیدم که هیچ کار مفیدی انجام ندادم، این اولین و مهم‌ترینش بود، بهم حس افتضاحی می‌داد.

- این حس افتضاح، بیش‌تر به خاطر چی بود؟

به خاطر این‌که عمرم رو تلف کردم و کار مفیدی انجام ندادم.

- سعی توی تغییر این روند داشتی؟

داشتم، ولی اوایل بی‌تأثیر بود، ولی خوب یه ذره یه ذره، کم کردم و تونستم کنترلش کنم.

- آسیب دیگه به شما وارد کرد؟

آره خب، توی اینستاگرام کاملاً جنگه دیگه، خودت که می‌دونی.

مثلاً یکی پست می‌ذاره، درباره‌ی دختری که بهش تجاوز شده، چهار نفر زیرش کامنت می‌ذارن حش بود، چون حجاب نداشت یا همین چیزی یا همین آیدل‌های کی‌پاپ و اینا که می‌گن شیطان پرستن یا هم‌چین چرت و پرتایی، واقعاً حس بدی بهم می‌دادن، چون انتخاب من بودن و در واقع یه جورایی توهین به من بود، البته الان بهشون می‌خندم و مسخره‌شون می‌کنم، چون به خاطر کمبود یا توهمی بودن خودشونه و اصلاً بهم آسیب نمی‌رسونه، ولی طبق عادت مضطرب می‌شم.

- به خاطر حرف‌های اون‌ها مضطرب می‌شی؟

آره خوب، چون می‌ترسم یه چی بگن، نتونم جواب بدم، یه کمم درگیری ذهنی بعدش پیدا

می‌کنم.

- تا حالا با کسی هم بحث بالا گرفته؟

آره خوب، چند باری شده قبلاً با همون زبون نفه‌ما که هیچی حالی‌شون نیست.

- این حرف‌هایی که مردم توی کامنت‌ها درباره‌ی حجاب و تجاوز و این‌ها زدن، به نظرت تأثیری

روی عوض شدن دیدت نسبت به دین و حجاب داره؟

بی‌تأثیر نبودن، من با آدمای مختلف حرف می‌زدم، ولی این جووری نبود که خیلی تأثیرگذار باشه،

یه جاهایی هم خیلی مخالف بودم.

- می‌تونن بگی حدوداً چند درصد تأثیر داشته؟

شاید ۲۰ درصد.

- کلاً حرف زدن با مردم توی فضای مجازی باعث چه تغییراتی توی تفکرات شما شده؟

اول از همه این‌که هر اطلاعاتی رو قبول نکنم، بعدشم یه طرفه قضاوت نکنم. بعد به هر کسی

اعتماد نکنم و آدمایی که چیز خاصی ندارن رو الکی بزرگ نکنم.

- به نظرت دلیل زیاد شدن توهین و فحاشی توی اینستاگرام، چی می‌تونه باشه؟

سواد مردم فوق‌العاده کمه و اصلاً تلاشم نمی‌کنن که زیادش کنن و دولت هم اصلاً به هم‌چین

چیزی توجه نمی‌کنه که فرهنگ‌سازی کنه و این اعصابم رو به هم می‌ریزه. مردم ایران کوچیک‌ترین

بویی از احترام نبردن و فکر می‌کنن حالا که کسی نمی‌بینشون، آزادن اکانت فیک بزبن و به هر

کی خواستن توهین کنن و عقده‌هاشون رو روی سرش خالی کنن، حتی اگه مخاطب‌شون یه بچه دوازده ساله باشه که اکانت داشتنش توی اینستاگرام غیرقانونیه، اصلاً یه ذره حس هموعی ندارن و دل‌شون واسه همدیگه نمی‌سوزه.

این مردم متعصب، چن‌دش، روی مخ و فوق‌العاده حق به جانب هستند، بنابراین به همه‌ی سلیقه‌ها و عقاید توهین می‌کنن و به خودشون افتخار هم می‌کنن.

- به نظرت بی‌احترامی به سلايق هم، توی اینستاگرام فقط برای مردم ایران هست؟

همه جا هست، ولی این جا خیلی بیش‌تره.

- به نظرت چرا توی ایران بیش‌تر هست؟

اعتماد به نفس بالا، بین همه‌شون فک می‌کنن خودشون می‌دونن و بقیه هیچی حالی‌شون نیست و همین‌طور فکر می‌کنن همه باید مثل اونا باشن، مثلاً فک می‌کنن همه باید مسلمان باشن، مغز اون قدر کوچیک آخه.

- پس به نظرت اینستاگرام بستری برای تخلیه‌ی عقده‌های بعضی از کاربران شده؟

شک ندارم اینا فضاش رو ناامن می‌کنن و من به شخصه، حاضر نیستم بچه توش باشه و باز می‌گم بستگی داره به خود کاربر.

- خودت هم وارد این دعوای مجازی شدی؟

یکی، دو بار وارد شدم، حوصله نداشتم جوابش رو بدم، بحث نصفه موند.

- بعد از اون درگیری ذهنی هم داشتی؟

آره، حس بدی بهم می‌داد.

- چرا؟

خب اولش به خودم و چیزایی که قبول‌شون داشتم فکر می‌کردم، ولی بازم حرفاشون منطقی نبود یا بعضی وقتا حس می‌کردم توی یه فضای پر از انرژی منفی گیر کردم و نمی‌تونم کاری براش انجام بدم، واقعاً خیلی روی مخ ان این جور آدم‌ها، من همه‌شون رو بلاک ریپورت می‌کنم.

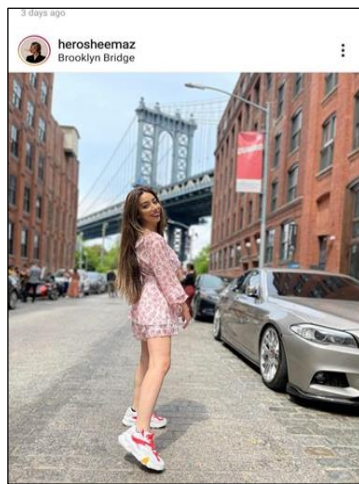
- گفتی که دولت باید فرهنگ‌سازی کنه، به نظرت چه طوری می‌تونه این کار رو بکنه؟

همین تلویزیون که توی فیلمای مزخرف‌شون به جای این‌که هی بگن زن و مرد، هر چی شد با هم بسازن، یا آدمای مذهبی رو خوب نشون بدن و مردم رو با لباساشون قضاوت کنن، چهارتا ازین جور چیزا توش بذارن یا برخورد جدی داشته باشن، البته همه‌اش حل نمی‌شه، ولی خیلی کم‌تر می‌شه. اما اگه برخورد و فرهنگ‌سازی نباشه، بیش‌تر از این توی ذهن مردم جا می‌افته، بنابراین فرق نمی‌کنه چه اپلیکیشنی باشه، در هر صورت این آدم‌ها دوباره کاربرایی می‌شن که به همه آسیب می‌رسونن.

- پس به نظرت دولت باید این فرهنگ‌سازی رو از راه تلویزیون انجام بده؟

تلویزیون یکی از راه‌هاشه به نظرم.

- به نظرت فضای اینستاگرام توی فرهنگ‌سازی کردن به طور کلی کمکی کرده؟
توی یه چیزایی بله، خب بالاخره مردم با هم ارتباط برقرار می‌کنن و یه چیزایی از هم‌دیگه یاد می‌گیرن، همه‌ی بلاگرا هم آدمای دورویی که می‌خوان سر مردم کلاه بذارن، نیستن.
- به نظرت کدوم بلاگرها ارزش فالو کردن دارن؟
اونایی که محتوا تولید می‌کنن یا تبلیغات‌شون اندازه هست، ولی اونایی که با حاشیه بالا میان یا محتوای خاصی تولید نمی‌کنن، باید کلاً بلاک بشن.
- می‌تونن اسم بیری؟
بین مثلاً بلاگر خوب می‌تونم، شیما کاتوزیان رو اسم ببرم، آمریکا زندگی می‌کنه، توی شرکت تسلا کار می‌کنه و خیلی به زن‌ها اعتماد به نفس می‌ده، بهمون می‌گه که روی پای خودمون باشیم و منتظر نمونیم یه پسر بیاد توی زندگی‌مون و عوضش کنه.



بلاگر افتتاح‌ساز هم همینی که خودش رو واسه ساسی می‌خواست مثلاً دار بزنه، یعنی دنیا جهان-بخت.

- به نظرت برای چی بعضی بلاگرها به حاشیه‌سازی علاقه دارن؟
فالوراشون زیاد بشه، تبلیغ‌های گرون می‌گیرن، پول درمیارن.
- به نظرت مردم برای چی علاقه به دنبال کردن این اخبار پیدا کردن؟
بی‌کاری و خیلی رک بگم، کم عقلی.
- این‌هایی که کلیپ فاز دپ یا کلیپ‌های دیگه درست می‌کنن چی، تا حالا ازشون پستی دیدی؟
اونا باز بدک نیستن، البته اگه فقط موضوعشون خیانت و اینا نباشه، ولی بازم به محتوایی که تولید می‌کنن، بستگی داره.

- چه محتوایی به نظرت مناسب هست؟
یه چیز سرگرم کننده باشه، نه این که فقط وقت آدم رو بگیرن، شاید مثل همین دوربین مخفیا.
- خودت دنبال شون می کنی؟
بعضی وقتا اکسپلور میان می بینم، بعضیاشون با احساس بازی می کنن، مصنوعی نیستن، جالبه
برام.

- خودت هم دوست داری که پیج کاری توی اینستاگرام بزنی؟
بدم نمیاد و امتحانشم کردم، بدک نبود، ولی کارای دیگه توی فضای مجازی انجام می دم که مفیدتر بودن، مثلاً کارای ترجمه قبول می کردم یا زیرنویس واسه برنامه و فیلم می زنم.
- توی اینستاگرام سفارش ترجمه می گیری؟
آره، یه پیج داره دوستم از اون جا سفارش می گیرم، بعضی وقتا ادیت کلیپ هم می زنم برای پیجش.

- از آموزش های اینستاگرام استفاده می کنی؟
زبان نه، ولی کالری غذاها یا خوراکی هایی که می خورم رو توی پیجا چک می کنم یا ورزشایی که بعضی وقتا انجام می دم یا ادیت عکس و ویدیو بعضی وقتا.
- تا حالا پیج های مذهبی یا دینی هم داشتی؟
من کلاً مسلمون و دین دار نیستم، ولی چندتایی داشتم.
- قبلاً داشتی، یعنی الان دیگه نداری؟
من خانواده ام مذهبی بودن، پس آره، مسلماً خیلی بچه تر که بودم، داشتم، ولی خودم تحقیق کردم، دیگه ندارم تقریباً، از کلاس هفتم، هشتم شک داشتم و پونزده، شونزده سالگی کاملاً بی دین بودم.

- چی بیش تر باعث شد تفکرت عوض بشه؟
کتاب خوندم یا نظر آدمایی که مخالف دین بودن رو خوندم، حرفاشون منطقی بود.
- توی اینستاگرام هم درباره اش با کسی صحبت کردی؟
خب آره، توی کامنتا صحبت می کردیم، مثلاً درباره همین جایگاه زن که این قدر پایینه توی دین و نابرابری بین مرد و زن.

- این نابرابری رو از کجا متوجه شدی؟
خوب همین که مرد می تونه دوتا زن داشته باشه، اگه زن خیانت کنه باید سنگسار بشه، ولی اصلاً با مرد کاری ندارن و صدها چیز دیگه.
- دنبال دلش هم رفتی؟

دلیلی نداره، دینی که نابرابری این قدر درونش موج بزنه، اصلاً به درد نمی خوره.

- با کسی که توی این زمینه اطلاعات کامل داشته باشه، صحبت کردی که بتونه کمکت کنه؟ اطلاعات کامل که خوب بین هر کسی از دید خودش حرف می‌زنه، ولی من هر چه قدر با خودم فکر می‌کردم، به نظرم حرفای خیلپاشون بی‌معنی بود و درک نمی‌کردم، پس با خودم فکر کردم و به نتیجه رسیدم.

- خانواده‌ات مذهبی هستن؟

آره، تقریباً هستن.

- در این مورد مشکلی هم با خانواده‌ات پیدا کردی؟

زیاد نمی‌گم بهشون، چون درک می‌کنم که قبول نکنن، ولی بحث‌مون می‌افته.

- توی اینستاگرام معمولاً با چه کسانی ارتباط داری؟

طرف‌دارای موسیقی و کی‌پاپ یا دوستانم.

- چه پست‌هایی بیش‌تر برای هم می‌فرستید؟

چیزای خنده‌دار یا پستای کی‌پاپ.

- به نظرت چه سنی برای نصب اینستاگرام مناسب هست؟

خود اینستا که می‌گه سیزده سال، ولی به نظر من فضای مجازی (نه فقط اینستا) کلاً بستگی به

این داره که طرف چه جور باشه، به سن نیست، مثلاً یکی ممکنه دوازده سالش باشه و گول نخوره

یا یکی ممکنه سی سالش باشه و گول بخوره و آسیب ببینه، ولی کلاً زیر سیزده، چهارده سال اکثراً

جنبه ندارن، یا براشون مناسب نیست.

- چی باعث شد که فکر کنی برخی جنبه ندارن؟

خب باعث خیلی از این دعوای مجازی، به نظرم این جور بچه‌ها هستن که هیچی نمی‌دونن،

مثلاً طرف‌دارهای تعصبی ماکان بند یا تتلو و یا بعضی از این شاخا، مثل نیکا و چه می‌دونم این

دختره دیانا، خیلی‌ها هم میان برای دیده شدن کلیپ درست می‌کنن با تقلید از این شاخای مجازی،

بعد بقیه میان مسخره‌شون می‌کنن، بازم دست بردار نیستن، واقعاً نمی‌فهمم خانواده‌های اینا دارن

چه غلطی می‌کنن.

- خرید اینترنتی هم داشتی؟

نه زیاد، یه بار کتاب خریدم فقط، زیاد اعتماد نمی‌کنم، چون خود وسیله رو نمی‌بینم، می‌اندازن

بهم.

- تا حالا این اتفاق برات افتاده؟

خودم نه، ولی دوستانم بودن که مثلاً جنس خراب انداختن بهشون.

- مدها و ترندها رو از اینستاگرام دنبال می‌کنی؟

ترندا توی چی؟

- مدل مو، رنگ مو، خوراکی‌هایی که ترند می‌شده یا لباس‌ها، کلاً این جور چیزها. نه، فقط اینستا نیست، تیک تاک و توئیتر بیش ترن.
- دنبال شون می‌کنی طوری که بخوای خودت هم امتحان کنی؟ معلومه که دوست دارم امتحان کنم، چه دلیلی وجود داره که نکنم.
- منظورم این هست کلاً علاقه داری به دنبال کردن این جور چیزها یا نه؟ آره بابا.
- تا حالا انجام شون هم دادی؟
- خب لباس پوشیدنم یا آرایشم از شون تأثیر می‌گیره یا یه کم رفتارها و این جور چیزها، مثلاً قبلاً توجهم زیاد به ظاهر افراد جلب نمی‌شد، ولی الان بیش تر جذب کسایی می‌شم که اون جوری که دوس دارم لباس می‌پوشن.
- توی استایل بقیه چه چیزهایی توجهت رو جلب می‌کنه؟ مدل لباسا شون، رنگ شون، این که به هیکل شون میاد یا نه.
- چهره یا اندام دخترهایی که توی اینستاگرام می‌بینی، باعث شده که بخوای توی خودت تغییری به وجود بیاری تا مثلاً شبیه اون‌ها بشی؟ نه، به خاطر سلامتی و ورزش می‌کنم یا اصلاً ربطی به این آدما نداره که دوس دارم خوش هیکل باشم، خودم دوست دارم.
- در این مورد از پیج‌های اینستاگرامی هم کمک می‌گیری؟ راجب ورزش و سلامتی و اینا؟ آره، بعضی حرکات ورزشی رو می‌بینم اون‌جا.
- اخبارها رو هم توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟ اخبار چی رو؟ اگه سیاسی منظورته، من زیادم خوشم نیامد، بهم حس بدی می‌دن، چون خبرای بد زیادن، یعنی دنبال نمی‌کنم زیاد.
- یعنی هیچ اخباری رو دنبال نمی‌کنی؟ چه سیاسی، چه راجع به بازیگرها یا اتفاق‌هایی که روزانه توی کشور می‌افته.
- نه بابا، می‌خوام چه کار، همه شون خبرای بد و منفی هستند، همون یه ذره انرژی رو هم که دارم ازم می‌گیرن، بذار این جور بگم که زیاد اخبار دنبال نمی‌کنم و اگه دنبال کنم از تو بیتره.
- دنبال مطالب فرهنگی در اینستاگرام هستی؟ آره. پیجایی که کتاب و فیلم و آهنگ پیشنهاد می‌کردن.
- تعاملاتی هم باهاشون داشتی، مثل این که با اون تبادل نظر کنی؟ آره، اگه چیزهایی که پیشنهاد می‌کنن رو خونده باشم یا دیده باشم یا شنیده باشم، درباره شون نظر می‌دم.

- تا به حال تبلیغات قمار رو توی اینستاگرام دیدی؟
آره زیاد.

- نظرت درباره‌شون چی هست؟
قمار پول دور ریخته، حالا حساب کن آنلاین هم باشه که صدتا تعلق هم توش داره.
- به نظرت مردم چرا جذب این چیزها می‌شن؟
نمی‌دونم والا، به نظر من که قمار پول دور ریخته.
- کار کردن با فضای مجازی و اینستاگرام تأثیری روی نظم خوابت هم گذاشته؟
آره، روی خوابم خیلی تأثیر بدی گذاشته، خیلی بد عادت شدم.
- نسبت به قبل از این که اینستاگرام داشته باشی، کلاً سلامت جسمیت چه قدر به هم ریخته؟
بیش تر خوابم و یه کم مضطرب می‌شم.
- مضطرب، چرا؟

سر همین دعوها و اینا، اصلاً احساس امنیت ندارم توی این جامعه، نه توی واقعیت، نه توی مجازی.

- اینستاگرام به شما کمک کرده که درباره‌ی محیط زیست بیشتر بدونی و بهتر عمل کنی؟
آره، توی پیجای همین اینفلوئنسرا، بعضیاشون می‌ذارن.
- نمونه می‌تونن بیاری؟
مثلاً خیلی پست‌ها هستن که درباره‌ی این که چه طوری از وسایل دور ریختنی، بهترین استفاده رو بکنیم، پست می‌ذارن و این خیلی کمک کرده بهم.

- در آخر نظر خودت رو به صورت کلی درباره‌ی اینستاگرام بگو؟
اوممم خوب به نظرم اینستاگرام یه محیط خوب برای تعاملات اجتماعی، یاد گرفتن چیزای جدید، کمک به زندگی بهتر و آگاهی پیدا کردن نسبت به فرهنگ‌ها و سنت‌های مناطق دیگه هست و همه این‌ها خیلی خوبه، ولی از طرف دیگه، می‌تونه به شدت معتاد کننده و وقت گیر باشه، اگر که مدیریت نشه، می‌تونه محیط خیلی بدی برای افراد باشه، چون خیلی خیلی راحت می‌تونن به اون‌ها توهین و بی‌احترامی کنن و باعث ایجاد ناراحتی و اضطراب بشن، به صورت کلی می‌تونم بگم که یه شمشیر دو لبه هست که آدم همیشه باید حواسش بهش باشه.

تأملی دوباره:

ساره ۲۰ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است. ساره در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به ظرفیت آموزشی اینستا اشاره داشته است.

ساره در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: بالاتر رفتن مهارت‌های تعاملات اجتماعی، شرکت در پوشش‌های اجتماعی، تعاملات اجتماعی در مورد مشکلات جامعه، الزام‌های هویت پنهان در ایران، ایجاد دید منفی نسبت به جنس مخالف، جمع‌گرایی در ایران، هویت پنهان در برابر خانواده، هویت پنهان در جامعه و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ساره در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: شکست تربیت بهینه جوانان در نظام آموزش عمومی و عالی کشور، وجود فضای تمسخر در فضای مجازی و نظایر آن، اشاره داشته است.

ساره ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به امکان فعالیت اقتصادی در اینستاگرام، اشاره داشته است.

ساره در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به فریب اولیا در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ساره در مصاحبه خودش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: اضطراب‌های نوپدید، فشار خودسانسوری در برابر خانواده، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ساره در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: کم رنگ شدن زیبایی درونی در برابر زیبایی‌های صوری، اثرپذیری از نحوه پوشش و آرایش از اینستاگرام، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ساره ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: توجه به سلامت جسمانی، آسیب رساندن جسمانی، تاثیر منفی بر ریتم خواب و تشدید اضطراب، اشاره داشته است.

مصاحبه‌شونده در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

ساره در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به پرهیز از سیاست برای حفظ بهداشت روان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ساره در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: شکست تربیت مناسب جوانان در نظام آموزش عمومی و عالی کشور، بدبینی به دین، ضعف حل نشدن اختلاف‌های جنسیتی در دین، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ساره ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: گذران فراغت در اینستا، مصرف موسیقی برخی از جوانان، رواج موسیقی مبتذل در بین جوانان، کاربری از موسیقی دیس لاو، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه ساره ۲۰ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، ساره در دربیانات خود گزارش می‌دهد، به سبب حل نشدن اختلاف‌های جنسیتی که در دین شاهد آن‌ها بوده است، از دین کناره گرفته است. به همین ترتیب وی از سیاست هم که به زعم خودش بهداشت روانی او را به خطر می‌اندازد، فاصله گرفته است. ساره در تعامل‌های اجتماعی خویش هم با روی آوردن به هویت پنهان، نه تنها در برابر خانواده، بلکه در برابر دیگران نیز با خودسانسوری ظاهر می‌شود تا منویات ذهنی وی مورد سرزنش، شماتت و حمله دیگران قرار نگیرند.

ساره به لحاظ زیستی نیز گزارش می‌دهد، در اثر کاربری از اینستا، خواب وی بهم خورده و اضطراب او تشدید شده است. ساره به لحاظ فرهنگی هم خاطرنشان می‌سازد که علاقه‌مندی بسیاری به موسیقی داشته و اساساً اینستا به سبک موسیقی مورد علاقه وی (همان‌گونه که به علایق زیباشناختی وی جهت داده است) جهت بخشیده است.

ساره در فرآزی از مصاحبه‌اش با اشاره به موسیقی دیس لاو (که به دلیل ممنوعیت آن در جامعه، به طور عمده باید آن را در فضای مجازی جست)، از اسیر شدن خودش و دوستش به این موسیقی یاد کرده، تأکید می‌کند، دوستش در اثر کاربری از این موسیقی، دچار افسردگی و خودزنی شده است. به تعبیر دیگر وقتی خواننده بی‌اعتقادی در عین تجربه شکست عشقی، درگیر یک بیماری صعب‌العلاج هم بشود، تنها بغض، کینه و نفرت خویش را در موسیقی خود می‌پراکند و باید انتظار داشت که رهنمودهای وی در مخاطبان نوجوان و جوانش که افرادی عاطفی و سریع‌التأثیر نیز هستند و ممکن است مشکلات مشابهی را تجربه کرده باشند، نه تنها به خودزنی، بلکه به خودکشی نیز بینجامد.

از این رو باید توجه کرد که فرهنگ انتقالی از سوی موسیقی، فرهنگ مهمی است که توجه به آن امر لازم و ضروری است.

مصاحبه با مامان لیا، ۲۶ ساله

می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه.

- سلام، وقتتون به خیر.

سلام، وقت شما هم به خیر.

- ممنونم که دعوت من رو برای این مصاحبه پذیرفتید.

خواهش می‌کنم.

- من می‌خواهم در مورد فعالیت شما در اینستاگرام و تجربه حضورتون در این مدت، چند سوال

از شما بپرسم.

خواهش می‌کنم، بفرمایید.

- چه مدت هست که شما در اینستاگرام حضور دارید؟

حدوداً ۷ سالی می‌شه.

- فعالیت اصلی تون چی هست؟

من بلاگر هستم.

- در رابطه با چه موضوعی بلاگری می‌کنید؟

چندتا موضوع هست، بلاگر پیچ فکت هستم، همین‌طور آشپزی، دوتا پیچ برای لیا.

۱ - مصاحبه شونده خواست تا با اسم مامان لیا مخاطب قرار گیرد.

۲ - لیا اسم یک گربه خانگی است.



- این پیج مخصوص به لیا را از چه زمانی زدید؟
هنوز یک سال نشده، از وقتی لیا رو آوردم، براش پیج زدم.

- پیج لیا چند فالور داره؟

۱۶ کا پیج اولش و ۸ کا پیج دوم.

- در این پیج چه پست هایی رو منتشر می کنید؟
روزمرگی های زندگی لیا و فیلم و عکس هاش رو منتشر می کنم.
- به نظرتون زندگی روزانه گربه چه جذابیتی داره که نزدیک ۲۴ هزار نفر اون رو دنبال می کنند؟
خیلی جذابیت داره، این پیج مخاطبش خاص اند و با پیج فکتم متفاوت اند، اونایی که اومدن دنبالش می کنند، عاشقش هستند، لیا هم گربه معمولی نیست، جز کیوت ترین گربه های جهان.
- قبل از این که پیج های حرفه ای داشته باشید، چه پیج هایی رو دنبال می کردید؟
اون زمان موسیقی و رقص و مدلینگ و این جور چیزا.
- الان هم این پیج ها رو دنبال می کنید؟
الآن نه، دیگه دنبال نمی کنم.
- چه طور شد که الان علاقه ای به دنبال کردن شون ندارید؟
علاقه دارم، ولی چون پر مشغله تر شدم، وقتش رو ندارم.
- این پر مشغله بودن شما رو خسته نمی کنه؟
بعضی وقت ها فکر می کنم برای خودم نمی توئم راحت باشم و زندگی کنم، چون باید مدام دوربین به دست باشم که اگر لیا حرکت جالبی زد، فیلمش رو بگیرم، ولی اصلاً ناراضی نیستم.
- در بین صحبت هاتون با بلاگرهای دیگه، اون ها از سختی کارشون چی تعریف می کنند؟
بقیه هم مثل من شدن، البته بعضی هاشون که متأهل هستن یا بچه دارند که البته کارشون سخت تره، ولی بستگی داره چه قدر توی خونه باهاشون هم کاری کنند، خود من اوایل مادرم نمی داشت، ولی وقتی دید من عاشق کارم هستم، کوتاه اومد، الان که خودش هم تشویقم می کنه، یه روز که پست ندارم، می گه چرا امروز خبری نبود، اما خیلی ها هستند که خانوادگی کار می کنند که موفق تر هم هستند.
- اوایل دلیل شون برای مخالفت چی بود؟
می گفتند همه اش سرت توی گوشیت، معلوم نیست داری چه کار می کنی، ولی الان همه پذیرفتند.
- واقعاً هم همین طور بود؟
بعضی وقت ها بله، مخصوصاً اوایل که هنوز درست بلد نبودم چه کار کنم، خیلی وقت ازم می گرفت.
- چی شد که تصمیم به ایجاد همچین پیجی گرفتید؟
اتفاقی شد، چون پیج های مشابه خارجی اون رو دیده بودم و لیا هم خیلی کیوته، می دونستم همه عاشقش می شن.
- پیج های مشابه خارجی، چه پست هایی می گذارند؟

هر چیزی که مربوط به پت‌شون می‌شه.

- ممکنه بیش‌تر توضیح بدید؟

ویدیو و عکس‌های حیوانات خانگی شون رو می‌ذارند، کلاً فیلم‌هاشون خیلی طرفدار داره، حتماً شما هم دیدید؟

- بله، پس به نوعی از پیج‌های خارجی الگو گرفتید؟

ایده‌اش رو بله، ولی الان خیلی از پیج‌های خارجی من رو فالو می‌کنند، الان لیا میم شده!

- در مورد میم شدن توضیح می‌دید؟

این ایده رو هم خود فالورها دادن، عکس‌های لیا رو طراحی می‌کردند و برام ارسال می‌کردند، الان هر جایی سرچ کنی میاد، از ژست‌هاش عکس می‌گیرند و روش متن‌های باحال می‌گذارند.



۱- حیوان خانگی

۲- میم (Meme) در واقع یک تصویر یا ویدیو است که با متونی مبتنی بر نمادهای فرهنگی، ایده‌های اجتماعی و رویدادهای حال حاضر تزیین شده و به شکلی ویروس‌وار در سرتاسر اینترنت پخش می‌شود. هنگامی که یک میم توسط کاربران طنین‌انداز شود، در تمام بسترهای اجتماعی از جمله توئیتر، اینستاگرام و... به اشتراک گذاشته می‌شود. هر چه یک میم اشتراک‌گذاری بیش‌تری داشته باشد، تأثیر فرهنگی بیش‌تری از خود بر جا می‌گذارد.

- از این که فالورهایتون این تصاویر رو برای تون ارسال می کنند چه حسی دارید؟
این که می بینم تلاش هام دیده می شه، حس خوبی بهم می ده و وقتی این طور ازم استقبال می کنند، روحیه بیش تری می گیرم.

- پس برای تون تعداد فالور و لایک هم مهم هست؟
بله، خب یعنی بیش تر دیده می شی.

- این که دیده بشید یا خیر چه قدر در زندگی شما تأثیر داره؟
من نمی خوام دیده بشم، می بینید که حتی اسم خودم رو هم نگفتم و کسی من رو نمی شناسه.
- شما که نام واقعی خودتون رو افشا نکردید، چه طور انتظار دیده شدن دارید؟
من نه، ولی لیا رو همه می شناسند.

- یعنی بیش تر علاقه دارید گربه خودتون معروف بشه تا خودتون؟
بله، لیا معروف بشه، انگار من شدم.

- به نظر شما این که همه شما رو با نام مامان لیا می شناسند، هویت جدیدی بهتون داده؟
متوجه نمی شم.

- منظورم این هست که هویتی مستقل از هویت اصلی خودتون در این فضا به نمایش گذاشته شده؟

بله خب، مامان لیا هم خودمم در هر صورت.

- معروف شدن لیا چه مزایایی برای شما داره؟

اول که فرهنگ سازی می شه و دید خیلی ها نسبت به حیوان خانگی عوض می شه، بعدم این کار برای من بیش تر جنبه فان داره و خودم هم خوشم میاد، علاوه بر این درآمدزایی هم داره.

- شهرت چه قدر براتون مهم هست؟

مسلماً وقتی دیده بشی مشهور هم می شی، الان لیا از من مشهور تره، پس برای خودم مهم نیست، ولی لیا همین الانش هم خیلی معروفه.

- چه قدر زمان صرف گذاشتن این فیلم و عکس ها می کنید؟

تولید محتوا خیلی زمان بر هست، مخصوصاً که من فقط عکس و فیلم می دارم و باید روی فیلم هام کار کنم، ادیت شون کنم، صدا بذارم، کپشن نویسی کنم، این وقتی هست که فیلم گرفته شده، ولی برای گرفتن یک فیلم و عکس خوب، باید ساعت ها منتظر بمونم که لیا یک فیگور خاص بگیره یا کاری کنه که خوب ویو بخوره، پیج های دیگه ام هستن مثلاً پیج آشپزییم، غذا درست کردن و فیلم گرفتن، ادیت و صداگذاری خیلی زمان بر هست، پیج فکت هم همین طور.

- پس برای دیده شدن خیلی تلاش می کنید؟

اگر دیده نشه که همه ی زحمت هام به باد رفته.

- یعنی اگر لایک و کامنت کافی نگیرید، ناراحت می‌شید؟
- نه، ناراحت نمی‌شم، فقط ویو بهتر بخوره، پیج رو به رشد می‌شه، ولی همه‌ی پست‌ها به یک اندازه ویو نمی‌خورند و این برای تبلیغ مهمه.
- این کار شما رو خسته نمی‌کنه؟
- مثل همه‌ی کارها سختی خودش رو داره و یک کار ۲۴ ساعته هست، اما عاشق این کارم.
- پیج لیا درآمدزایی هم داره؟ منظورم تبلیغات و... .
- بله، برای تبلیغ تعرفه خودش رو داره.
- تعرفه‌ی تبلیغ رو کسی تعیین می‌کنه؟
- نه، کسی نیست که بخواد تعیین کنه، ولی تعرفه‌ی لیا منصفانه هست.
- می‌تونم بپرسم چه قدر؟
- استوری ۲۴ ساعت ۸۰ تومان، پست ۱۶۰ تومان.
- خودتون هم برای پیج‌تون تبلیغ می‌کنید؟
- بله.
- در ماه چه قدر هزینه‌ی پیج لیا می‌کنید؟
- ۳، ۳/۵ میلیون، الآن کم‌تر، چون رشد کرده.
- مجموع درآمدتون از اینستاگرام تقریباً چه قدر می‌شه؟
- درآمد من اول از پیج فکت هست، بعد آشپزی، لیا درآمدش خرج خودش می‌شه، از تبلیغات شون اون قدری هست که نخوام سرکار دیگه‌ای برم و خرج لیا رو بدم، می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه.
- پس از درآمد اینستاگرام راضی هستید؟
- بله، خوبه، من راضی‌ام.
- قبل از فعالیت اینستاگرامی چه فعالیتی داشتید؟
- جایی کار نمی‌کردم.
- فکر می‌کنید روزی کار مجازی رو رها کنید و شغلی در فضای واقعی داشته باشید؟
- نه، مگه دیوانه‌ام، بهترین کاره این کار.
- شما اگر بخواهید شغل‌تون رو معرفی کنید، می‌گید که بلاگر هستید؟
- بله، الآن جا افتاده و پذیرفته شده هست، قبلاً کسی نمی‌دونست چیه، ولی الآن خیلی‌ها دارند این کار رو می‌کنند و درآمد بالایی هم دارند.
- دوستان یا آشنایی هم دارید که بلاگر باشند؟

بله، هستند.

- در چه زمینه‌هایی فعالیت می‌کنند؟

اونا هم همین طور بلاگر پت، مادلینگ، آرایشی، خواهر خودم پیج آرایشی داره.

- ایشون هم همین قدر درآمد دارند؟

درآمدش از من هم بیش‌تره.

- چه طور؟

چون تخصصی داره کار می‌کنه، همه‌ی انرژی خودش رو گذاشته روی همین یه پیج، معلومه

بیش‌تر رشد می‌کنه.

- خواهرتون پیج شخصی هم ندارند؟

چرا، پیج شخصی داره، ولی مثل من بسته هست.

- علتی داره که پیج شخصی خودتون رو می‌بندید؟

شخصیه دیگه، دوست ندارم کسی که نمی‌شناسمش و غریبه هست عکس‌هام رو ببینه، خانوادگیه.

- اینستاگرام فضای مناسبی برای به اشتراک گذاشتن عکس‌های شخصی تون هست؟

اگر عمومی باشه نه، ولی الان که بسته هست، اشکالی نداره.

- یعنی اگر کسی بخواهد اسکرین شات بگیره نمی‌تونه؟

برای همین می‌گم فقط مخصوص آشنایان هست، چون می‌دونم اونا این کار رو نمی‌کنند.

- چه ضرورتی در به اشتراک گذاشتن مسایل تون در این فضا حتی با آشنایان تون می‌بینید؟

خب چه طور از حال هم‌دیگه خبردار بشیم؟

- به نظرتون راهش اینستاگرام هست؟

الآن که نمی‌شه به فامیل سر زد، بله، بعد من الان با دوستان دبیرستانم همین طوری در تماسم،

اگر اینستا و فیس بوک نبود، چه طور پیداشون می‌کردم؟ الان هر کدوم یه سر دنیان.

- پس فکر می‌کنید این فضا شما رو از دیدار حضوری بی‌نیاز کرده؟

بی‌نیاز نه، ولی در شرایط الان بهترین گزینه هست.

- به چه شکل در این فضا با آشنایان خودتون در ارتباط هستید؟

مثلاً خانواده عمه‌ام همه‌شون کرونا گرفته بودند و ویدیو کال می‌کردیم، البته در اسکایپ بود یا

وقتی دختر خاله‌ام نامزد کرد استوری گذاشت، تولد بچه‌ی دوستم رو از طریق پستی که گذاشته بود،

فهمیدم یا دانشگاه قبول شدن پسر دختر داییم با استوریش که گذاشته بود فهمیدیم.

- یعنی ازدواج دختر خاله خودتون رو از طریق استوری فهمیدید؟

بله، چون ایران زندگی نمی‌کنه.

- حالا به نظرتون این فضا شما رو نسبت به قبل به هم نزدیک‌تر کرده؟

من دارم شرایط الآن رو می‌گم که به خاطر کرونا نمی‌تونستیم هم‌دیگه رو ببینیم، اگر اینم نبود که همین مقدار هم امکانش نبود، پس بله نزدیک‌تر کرده، ولی نمی‌تونه جای مهمانی‌های قبل رو بگیره، هر چند فکر کنم الآن یه سبک شده و همه پذیرفتنش.

- در مورد این که سبک شده، بیش‌تر توضیح می‌دید؟

همین دیدار از راه دور و اینترنتی رو می‌گم که همه پذیرفتند و کار رو راحت‌تر هم کرده، یک مهمانی‌هایی بود که دوست نداشتی بری، حالا با یک استوری حله، من الآن این طوری راحت‌ترم.

- این نظر بقیه هم هست، اطلاعی دارید؟

شاید بزرگ‌ترها عادت نکرده باشند، ولی هم‌سن‌های خودم می‌دونم که راضی اند.

- در مورد مهمانی‌هایی که قبلاً دوست داشتند بروند، اما الآن مجازی شده چه طور؟

اون مهمانی‌ها رو که الآن هم می‌روند، بیش‌تر منظورم خانوادگی‌ها بود که بعضی‌هاشون رو دوست نداشتیم.

- پس مهمانی‌هایی که دوست نداشتید با این شرایط مجازی موجه می‌شه، درسته؟
بله، دقیقاً.

- تنها کاربری شما از اینستاگرام فقط در رابطه با پیج‌های خودتون هست؟

نه، پیج زبان هم گاهی پیگیری می‌کنم، اونم چون مجبورم برای آیلتس بخونم.

- قصد مهاجرت دارید؟

بله.

- به کجا؟

کانادا.

- می‌تونم بپرسم دلیل خاصی داره؟

با این اوضاع و شرایط همه دارن می‌رن، ولی من بیش‌تر به خاطر لیا تصمیم گرفتم که برم، چون ایران برای این بچه‌ها جای خوبی نیست.

- چرا ایران جای خوبی نیست؟

چون دارید می‌بینید دیگه، پت داشتن جرمه توی ایران.

- مطمئنید که این‌طور گفتند؟

مگه نگفتند؟

- شما از کجا شنیدید؟

توی خبرها اومده بود.

- خبرهای اینستاگرام؟

بله.

- به نظرتون چه قدر می‌شه به منابع اطلاعاتی اینستاگرام اعتماد کرد؟
هر منبعی نه، ولی اینی که من می‌گم از منبع موثقی بود.
- گفتید پیج‌های زبان رو هم دنبال می‌کنید، چه قدر آموزش در این فضا می‌تونه کمک کننده باشه؟

زبان که فقط خصوصی راه می‌افته، ولی بعضی از پیج‌ها هم بد نیستند.
- گفتید از زمانی که لیا رو آوردید این پیج رو زدید، چه طور در این مدت زمان کم این قدر پیشرفت داشته و فالور گرفته؟

همه‌اش به خاطر لیاست، لیا گربه خیلی کیوت و نازیه، ما جهانی هم شدیم، استوری‌هاش میلیونی و یو می‌خوره، فقط یکی از پست‌هاش ۱۵ میلیون بازدید خورده، عکس‌هاش رو بلاگرهای خارجی هم می‌ذارند، معلومه که رشد می‌کنه، تا چند ماه دیگه به ۱۰۰ کا هم می‌رسه.
- چه قدر برای تون اهمیت داره که فالورهای زیادی جذب کنید و پیج‌تون بازدید زیادی بخوره؟
خیلی، من همه‌ی تلاشم رو برای این پیج گذاشتم، ساعت‌ها دارم وقت می‌ذارم که محتوای خوب تولید کنم.

- علتش می‌تونه مادی هم باشه؟
هم بحث پوله، هم این که خودش فرهنگ سازیه، هر چه قدر این بچه‌ها بیش تر شناخته بشن، این فرهنگ جا می‌افته.

- به نظرتون سایر بلاگرها چه چیزهایی برای شون مطرح هست؟
پولش، معروفیتش.
- با بلاگرهای دیگه هم در ارتباط هستید؟
بله، باید باشیم.

- در رابطه با چه موضوع‌هایی صحبت می‌کنید؟
فقط در مورد پیج‌مون، این که چه پست‌هایی بگذاریم و چه چالشی بگذاریم که بیش تر فالور بگیریم.

- چه چالش‌هایی می‌گذارید؟
مثلاً پست با جایزه می‌ذاریم و می‌گیم همه فالو کنند، این جور ی بازدهی پیج‌مون چند برابر می‌شه.
- برای من سواله که چرا وقتی یک پیج خوب می‌گیره، برخی دوباره یک پیج دیگه با همون محتوا می‌زنند؟

واضحه اول که محتوایش نمی‌تونه همون باشه، دقیقاً مثل پیج لیا، پیج دومش مخصوص عکس‌اش هست، پیج اول مخصوص فیلم‌هاشه، کسی که فیلم‌هاش رو دنبال می‌کنه، علاقه داره عکس‌هاش

رو هم ببین، پس پیچ دومش رو هم فالو می‌کنه، همه‌ی پیچ‌ها تبلیغات خودشون رو دارن، درآمد بیش‌تر می‌شه، فالور هم که خود به خود براش میاد.

- زندگی شما از زمانی که تصمیم گرفتید به طور حرفه‌ای وارد این کار بشید، نسبت به قبلش چه تغییری کرده؟

خیلی عوض شده، اینستا یک دریچه‌ای روبه‌روی آدم باز می‌کنه که قبلاً تجربه‌اش نکرده، مخصوصاً برای ما بلاگرها همه چیز درش خلاصه می‌شه.

- چرا مگه، چه سودی براتون داره؟

خیلی سود داره براشون، مثلاً شما فرض کن الان یک مادری که بارداره، هنوز بچه‌اش به دنیا نیومده، براش پیچ می‌زنه، وقتی که بچه‌اش به دنیا اومد، تمام شیرین کاری‌هاش رو می‌گذاره توی پیچش، خب همین طوری فالور می‌ریزه، میاد زیاد می‌شه فالورها که چند میلیون شدن، بچه بزرگ‌تر می‌شه، پیچ می‌افته دست مادرش، الانم که مطرح شده، پس می‌تونه تبلیغ بگیره، می‌تونه اصلاً بره برای خودش برند بزنه، من خیلی‌ها رو می‌شناسم که از همین طریق برند دارن، برای خودشان تبلیغ می‌کنند و چه قدر هم درآمد دارن.

- ممکنه بیش‌تر توضیح بدید، یعنی چه طور می‌تونن برای خودشون برند درست کنند؟

ببینید تا زمانی که بچه به دنیا میاد، به هر حال از یک‌سری محصولات می‌خواد استفاده بکنه، از پوشک و شیرخشک گرفته تا لباسی که استفاده می‌کنه، می‌تونه همه‌ی اینا با تبلیغات باشه، تمام مخارج برای خودش مفت درمیاد، الان من یکی رو می‌شناسم که با همین کار شروع کرد، الان که بچه‌اش دیگه بزرگ‌تر شده و مخاطب خاصی نداره، حالا اومده برند لباس مادر و کودک رو زده، الان می‌دونید چقد درآمد داره همین خانم؟

- شما خودتون هم به همین نیت درآمدزایی وارد این کار شدید؟

بله، البته پیچ لیا فرق داره اون درآمدش خرج خودش می‌شه، ولی پیچ فکتم رو برای تبلیغاتش زدم.

- این مدت چه تجربه‌هایی داشتید؟

من با آدم‌های زیادی سر و کله می‌زنم، از شارلاتان و کلاه‌بردار بگیر تا آدم حسابی‌ها و دامپزشک‌ها.

- در رابطه با برخورد با شارلاتان‌ها چه تجربه‌ای داشتید؟

زیاد بودند، عوضی‌ترین شون می‌خواست تیغم بزنه، می‌گفت از پلیس فتاست، چون تبلیغ پت می‌کنم به دادگاه احضار شدم و می‌تونه بهم کمک کنه، بعداً فهمیدم کلاه‌برداره، از چند نفر هم کلاه‌برداری کرده بود.

- دقیقاً چی به شما گفت؟

- گفت ابلاغیه‌ام رو گرفته و آشنا داره که برام پرونده سازی نشه، ۱۵ میلیون خرج داره که بده برام درستش کنند، به یکی از بلاگرها گفته بود ۲۰ تومن بده.
- شما چه طور متوجه شدید که کلاه‌بردار هست؟
- معلوم بود، ابلاغیه بخواد بیاد، میاد دم خونه، بعد ازش مدرک شناسایی خواستم یه کارت فتوشاپی نشونم داد، بعداً فهمیدم اونایی که پت دارند رو شناسایی می‌کنه و ازشون اخاذی می‌کنه.
- از ایشون شکایت کردید؟
- نه، چون فکر کردم شاید برای خودم دردسر بشه.
- چه دردسری؟
- ترسیدم بگن کارم قانونی نیست و لیا رو ازم بگیرن.
- اگر از کس دیگه‌ای بتونه اخاذی کنه چی؟
- اون به من ربطی نداره، چه طور من حواسم بود، بقیه هم حواسشون باشه.
- اگر نفرات قبلی شما این فکر رو می‌کردند، الان می‌تونست از شما تقاضای پول کنه؟
- من که ندادم.
- یعنی ما در قبال دیگران مسوولیتی نداریم؟
- این حرفا آرمانیه، الان باید فقط مواظب خودت باشی.
- بلاگرهای دیگه که گفتید، از اون‌ها هم اخاذی شده، چه طور؟
- نه، اونا هم پولی ندادند، کلاً اسکول بود، فکر کنم سنش هم کم بود.
- موارد دیگه چه طور، گفتید چند مورد بوده؟
- یک بارم یک پیچی بود این بچه‌ها رو می‌فروخت، می‌خواست براش تبلیغ بذارم، اونم خیلی عوضی بود.
- چه کار می‌کرد؟
- عکس‌هایی که از پانسیونش گذاشته بود، همه فیک بودن، این بچه‌ها رو توی شرایط بدی نگه‌داری می‌کرد.
- این رو از کجا فهمیدید؟
- یکی از کلینیک‌ها شناساییش کرده بود، استوری گذاشت که ریپورتش کنیم.
- شما هم براش تبلیغ کرده بودید؟
- بله، چند بار.
- چه احساسی داشتید که برای همچین فردی تبلیغ کردید؟
- خیلی ناراحت بودم، مخصوصاً که فالورهام به من اعتماد دارند، با تبلیغ من بهش پول دادند.
- این مورد رو هم گزارش نکردید؟

- من نه، ولی همون کلینیک از شون شکایت کرد.
- باز هم اگر شکایت نمی‌کردند، شما گزارش نمی‌دادید؟
- چرا این دفعه گزارش می‌دادم، چون پای جون حیوان‌های زبون بسته درمیون بود، بعدش جبران کردم، استوری گذاشتم که ریپورتش کنند.
- به نظرتون در این جور مواقع چه قدر می‌شه از طریق اینستاگرام تأثیرگذار بود؟
- خیلی، وقتی فالورهای بهت اعتماد داشته باشند، هر کاری بخوای می‌کنند.
- غیر از این موارد، دیگه چه موردهایی بوده؟
- مثلاً پست می‌ذارم برای حیوان‌هایی که نیاز به عمل دارند، پول جمع می‌کنم، بارها این اتفاق افتاده و تونستیم جون خیلی‌هاشون رو نجات بدیم.
- چه طور متوجه می‌شید که حیوانی نیاز به کمک داره، کسی بهتون اطلاع می‌ده؟
- بیش‌تر از طریق کلینیک‌ها متوجه می‌شوم، اونا پست می‌ذارند که نیاز به حمایت دارند، منم کمک می‌کنم، همین چند روز پیش برای یک توله سگ استوری گذاشتم، ۸ میلیون جمع شد، دادیم عملش کردند.
- قبل از این که فعالیت اینستاگرام رو جدی‌تر دنبال کنید هم، این مدل فعالیت‌ها رو داشتید؟
- خیلی محدودتر، مثلاً خودم اگر توی خیابون می‌دیدم گربه‌ای زخمی شده، می‌بردم درمانگاه یا برای مخارجش از همکارام کمک می‌خواستم، ولی هیچ وقت کار به این وسعت نمی‌شد و پول زیادی هم جمع نمی‌شد، ولی این‌جا دو روز پست بذارم، بیش‌تر از خرج عملش جمع می‌شه.
- بعد این مقدار اضافه چی می‌شه؟
- می‌مونه برای حیوان‌های حمایتی دیگه.
- شده فکر کنید از این پول برای خودتون به عنوان مزد کارتون بردارید؟
- نه، به هیچ وجه، پول بچه‌ها برای خودشون خرج می‌شه، حتی ۱۰۰۰ تومن هم برنمی‌دارم.
- پت بلاگرهای دیگه هم همین کار رو می‌کنند؟
- بله، تا اون جایی که باهاشون آشنایی دارم، همه این کار رو می‌کنند.
- می‌خواهم بدونم غیر از پیج‌های مشابه خودتون، علاقه به دنبال کردن چه پیج‌های دیگه‌ای دارید؟
- زیاد وقت نمی‌شه برای پیج‌های دیگه، ولی به غیر از کلینیک‌ها و پت شاپ‌ها، پیج خواهرم که آموزش آرایشی هست و چندتا پیج خانوادگی و دوستانم رو دنبال می‌کنم.
- پیج افراد معروف و سلبریتی‌ها رو دنبال نمی‌کنی؟
- نه، همین قدر که گاهی از اکسپلور می‌بینم شون بسه.
- علاقه‌ای به دنبال کردن شون ندارید؟

- نه، از شون خوشم نمیاد.
- دلیلی خاصی داره؟
- اگر منظورتون بازیگرهاست که آدم‌های از خودراضی و مغروری هستن.
- افراد معروف مثل سیاستمداران و بازیگرها و امثال این‌ها را هم پیگیر هستید؟
- سیاستمدار که اصلاً، بازیگر هم خیر.
- چرا سیاستمدار اصلاً؟
- قبول شون ندارم و دروغ گو هستند.
- قبل از این چند سال که وارد اینستاگرام شدی، چه نظری داشتید؟
- در مورد سیاست همین نظر رو داشتم.
- در مورد بازیگران چه طور؟
- قبلاً دنبال شون می‌کردم، الآن دیگه نه وقتش رو دارم و نه علاقه‌ای بهشون دارم.
- چی باعث شد شما که قبلاً دنبال شون می‌کردید الآن نسبت بهشون بی‌علاقه بشید؟
- الآن می‌دونم که اون‌ها هم دروغ‌گو و نون به نرخ روز خورند، البته وقت هم ندارم.
- ممکنه مثال بزنید چی از شون دیدید؟
- آخه بازیگر هم نداریم، مثلاً یکیش بهاره رهنما هس دیگه، حالم ازش بهم می‌خوره یا اون یکی بهنوش بختیاری، اینا بازیگرند مثلاً.
- اما پیج بازیگران رو که نگاه می‌کنیم چند میلیون فالور دارند؟
- اونا هم احمق ان، البته بیش‌ترشون فیک هستن.
- چرا فکر می‌کنید فیک هستند؟
- پول دادند خریدن، الآن شما پیج بده دست من، یک ماهه برات ۱۰۰ کا می‌کنم.
- چه طوری؟
- خیلی راه‌ها هست.
- این راه‌ها رو چه طور یاد گرفتید؟
- تجربه دارم که می‌گم.
- خودتون هم فالور فیک برای پیج‌هاتون دارید؟
- نه، اصلاً.
- یعنی پیج فکت که ۷۰۰ هزار فالور داره، همه فالورهای واقعی هستند؟
- من با تبلیغ به این‌جا رسوندمش، چند سال براش زحمت کشیدم، پیج لیا هم همین طور، هر کسی هست به خاطر لیا اومده، برای من خیلی راحت پیج لیا رو بیرم رو چند صد کا، ولی نمی‌خوام.
- چرا؟

فایده نداره، همه که فرهنگش رو ندارند، الان پیچ فکت من اکثراً آقا هستند، پیام تبلیغ لیا رو بذارم، اینا بیان توی این پیچ چه کار کنند، مخاطبش نیستن، لیا رو نمی‌شناسند، بهش توهین می‌کنند، فحش می‌دن، من حتی تبلیغ غیر از پت شاپ و مشابه پیچ لیا قبول نمی‌کنم، باید موضوعش بخوره.

- پس برای خودتون پیش آمده که مورد ناسزا و انتقاد قرار بگیرید؟

بله، زیاد، چون می‌گم مردم خیلی‌هاشون هنوز فرهنگ پت رو ندارند.

- مثلاً چی می‌گن؟

بعضیا خیلی فضولی می‌کنن دیگه، مثلاً می‌گن به جای این که بیای یک گربه بزرگ بکنی، چرا بچه نمی‌ارین، چرا این قدر که وقتت رو می‌گذاری هر روز پست می‌گذاری، به کار و زندگی و خانواده و همسرت نمی‌رسی، یعنی اصلاً فکر نمی‌کنند که شاید همسر نداشته باشم یا حتی به اونا هم می‌رسم، یعنی مردم همه‌اش دل‌شون می‌خواد که فضولی بکنند و توی کار بقیه نظر بدهند.

- بعد شما چه واکنشی نشون می‌دهید؟

منم جواب‌شون رو می‌دم دیگه، علاوه بر این که خودم جواب‌شون رو می‌دم، فالورا هم جواب‌شون رو می‌دن و بلافاصله بلاک‌شون می‌کنم.

- این بگومگوهای مجازی که بین شما به وجود میاد، تأثیری هم روی شما می‌گذاره؟

خب اعصابم خیلی خورد می‌شه، وقتی آدمای بی‌فکر و احمق رو می‌بینم که هر چی از دهن‌شون در میاد می‌گن و آدم رو می‌خوان قضاوت کنند، با اون مغز کوچیک‌شون فکر نمی‌کند که هر کسی برای خودش زندگی داره و خوش‌تون نمیاد، نیاین دنبال کنید، کی شما را مجبور کرده؟

- دیگه چه مواردی پیش می‌آید که با فالورهاتون به مشکل برمی‌خورید؟

مثلاً وقتی در رابطه با لیا نظر می‌دهند، مثلاً می‌گن که دست و پاش کوتاهه یا مثلاً گوشش خوابیده است، این حرف‌هایی که می‌زنند، واقعاً من رو اذیت می‌کنه.

- شده در این محیط برای شما مزاحمتی ایجاد بشه؟

بله، اینم زیاد برام اتفاق می‌افته و مخصوصاً من به خاطر همین هست که عکسی از خودم نمی‌گذارم توی پیچ، چون واقعاً مخصوصاً بعضی از آقایون هستند که به محض که می‌بینند یا عکسی از خودم می‌گذارم، سریع میان دایرکت و پیشنهادهای نامناسبی می‌دهند.

- واکنش شما به این افراد چی هست؟

من سریع بلاک می‌کنم یا این که آیدی‌شون رو می‌گذارم استوری تا همه ببینند که با چه آدمایی طرف هستند.

- همین باعث نمی‌شه که برای تون مشکل بیش‌تری به وجود بیاد؟

نه، وقتی که بلاکش بکنم و بقیه فالورها هم بلاک کنند، چه مشکل می‌خواد برای من پیش

بیاد؟

- این اتفاقات توی بقیه پیج‌هاتون می‌افته، پیج آشپزی یا پیج فکت؟
نه، اصلاً این اتفاقات نمی‌افته، توی فکت که اصلاً مشخص نیست که ادمین، خانم یا آقایست، توی آشپزی هم هیچ عکسی از خودم نیست، هیچ اسمی هم نیست، نه اون جا هم کسی نظر منفی نمی‌ده معمولاً، مگر این که نظر در رابطه با نحوه‌ی پخت غذاها باشه که خب اونم اشکال نداره.
- من می‌خواهم الان یک سری مقایسه‌هایی را از زمانی که شما وارد اینستاگرام شدید و به صورت حرفه‌ای این فعالیت را انجام داد نسبت به قبل از اون و زمانی که هنوز عضو اینستاگرام نشده بودید، ازتون بپرسم.

بفرمایید.

- می‌خواهم بدونم از زمانی که هنوز وارد اینستاگرام نشده بودید یا فعالیتتون به شکل بلاگری هنوز شروع نشده بود، نظرتون در رابطه با مفاهیم عقیدتی و دینی مذهبی چه طور بوده و چه تغییری در اعتقادات مذهبی شما به وجود اومده؟
ما که کلاً خانواده‌ی مذهبی‌ای هستیم و تم مذهبی داریم و اصلاً قبل از این که من بخوام این کار رو شروع کنم، مذهبی بودیم و هنوز هم پدر و مادر من مذهبی هستند، ولی خوب من و خواهرم یک مقدار کم‌تر.

- من می‌خواهم بدونم اگر برگردیم به هفت، هشت سال پیش، چه تفاوتی در دیدگاه شما از لحاظ مذهبی و اعتقادی به وجود اومده؟

خب اگر بخوام به هفت، هشت سال پیش برگردم، یعنی زمانی بوده که من دوران دبیرستان که بودم، اون موقع اتفاقاً خیلی هم مذهبی بودم و حتی چادر می‌پوشیدم و خواهرم هم همین طور، ولی سال اول کارشناسی بود که دیگه من چادر نپوشیدم، خواهرم هم قبل از من این کار رو کرده بود و ترجیح دادیم که راحت‌تر باشیم.

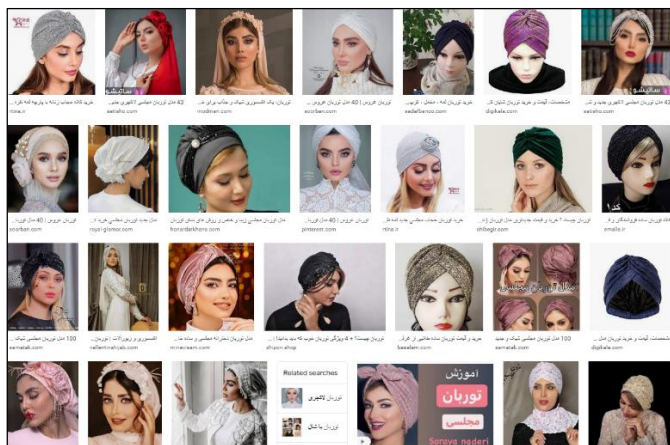
- چه چیزی باعث شد که شما ترجیح دادید که نوع پوشش و حجابتون رو عوض کنید؟
خیلی سخت بود که من بخوام با چادر همه جا باشم، برم دانشگاه بیام و دیگه اطرافیان من خیلی این طوری نیستند که بخوانند چادری باشد و توی جمع دوستانم، یک جورایی تک می‌شدم و اصلاً توی کلاس ما فقط دو نفر بودیم که چادری بودیم، حتی توی خود کل دانشگاه هم خیلی تعداد کمی بودند که چادری بودند و هستند که تصمیم گرفتم که حجابم رو داشته باشم، اما چادری نباشم.
- گفتید که خواهرتون زودتر از شما تصمیم گرفتند که نوع پوشششان را عوض بکنند و اوایل مصاحبه هم گفتید که الان ایشون یک پیج آرایشی دارند. می‌خواهم بدونم که این‌ها با هم منافاتی نداره که یک پیج آرایشی داشته باشند و محصولات آرایشی را بخوان تبلیغ بکنند برای آموزش دادن نوع آرایش و این منافاتی با پیشینه‌ی مذهبی خانوادگی شما نداره؟

چرا، خب اون اوایل که تازه این تصمیم را گرفته بودیم که با مخالفت روبه‌رو شدیم و خانواده‌ام خیلی سخت قبول کردند که ما بخواهیم عوض بشیم، ولی به مرور زمان دیگه پذیرفتند خودشون هم و الآن دیگه کاری ندارند، به این که ما بخواهیم چه پوششی رو انتخاب بکنیم و چون می‌دونن که ما دخترایی نیستیم که بخواهیم خیلی توی این شرایط خودمون رو قرار بدیم که بخواهیم خیلی ارزش‌های خانواده‌مون رو زیر سوال ببریم یا نادیده بگیریم و در رابطه با خواهرم هم نخیر، ایشون از تصویر خودش استفاده نمی‌کنه و فقط روی ویدیوهایی که می‌گیره صدا می‌گذاره و این طوری معرفی می‌کنه و پیچش اون جوری نیست که بخواد خودش رو آرایش کنه، فقط محصولات رو معرفی می‌کنه و یا ویدیوهای خارجی اگه باشه، اون‌ها رو می‌گذاره.

- در روند این تغییر نگرش شما و تغییر اعتقادات و نوع پوشش‌تون فکر می‌کنید که چه قدر حضور شما در اینستاگرام تأثیرگذار بوده، می‌خواهم بدونم که آیا شما در این حین پیج‌هایی را دنبال می‌کردید که خود شما را مُصر بکنه به این که نوع پوشش‌تون رو تغییر بدید؟

در رابطه با پیج‌های اینستاگرام نبوده، چون من گفتم که قبل از این که بخوام وارد این کار بشم، توی محیط دانشگاه بودم که تصمیم گرفتم که پوششم رو عوض بکنم، به خاطر سختی‌هایی که داشت و رفت و آمدی که داشتم، ولی خب به هر حال هم بله و یک‌سری از پیج‌هایی بودند که من اون زمان دنبال می‌کردم و می‌دیدم که بد نیست با همین پوشش و اعتقادی که دارم به کارم هم میاد. - مثلاً چه پیج‌هایی؟

مثلاً نحوه بستن شال و روسری رو دنبال می‌کردم، آموزش می‌دهد که چه طوری شال‌مون رو ببندیم، چه طوری به صورت فرم‌های متفاوتی که این تنوع را هم در پوشش من ایجاد می‌کرد. - یعنی این آموزش برای کسی که تمایل به حفظ حجاب داشت کاربردی بود؟
بله، بستن شال عربی و لبنانی یا استفاده از توربان^۱ بود.



- دیگه چه پیج‌هایی براتون مفید بودند؟

مثلاً مدل‌های گلدوزی رو آموزش می‌دادند، برام مفید بود.

- در رابطه با خواهرتون چه طور، چون گفتید که ایشون زودتر از شما تصمیم به تغییر پوشش خودشون گرفتند و الآن دارند فعالیت آرایشی می‌کنند، می‌خواهم بدونم که چه قدر این فضا در تعیین نوع پوشش و تغییر عقیده ایشون مؤثر بوده؟

نه، خواهر منم که از اول که این تصمیم رو گرفت که از روی اینستاگرام نبود، این طوری نیس که بخواد خودش رو آرایش بکنه و نشون بده، فقط صداگذاری می‌کنه روی ویدیوهایی که می‌گیره و توضیح می‌ده که برای چه پوستی خوبه، مراقبت پوست و این چیزها رو می‌گه یا مثلاً ویدیوهای خارجی رو می‌گذاره و ترجمه می‌کنه، چون رشته‌اش هم مترجمی هست، ترجمه می‌کنه و اونا رو توضیح می‌ده.

- پس یعنی تنها تغییری که در این سال‌ها داشتید، نوع پوشش شما بوده، ولی هنوز اون اعتقادات مذهبی که قبلاً در خانواده شما بوده، در شما دو نفر هم وجود داره، درست‌ه؟
نه به اون شدتی که قبلاً بوده، ولی بله، ما هنوز هم خانواده‌ی مذهبی‌ای هستیم و اعتقادات خودمون رو داریم.

- در رابطه با دوستان بلاگر دیگر خودتون چه طور فکر می‌کنید، فضای اینستاگرام چه قدر روی اعتقادات اون‌ها تأثیر گذار بوده؟

من از شرایط خانوادگی و گذشته اون‌ها اطلاعی ندارم که قبلاً چه طور بوده، ولی الآن می‌بینم که خیلی هم راحت هستند توی این فضا و مثل من این قدر در قید و بند این چیزها نیستند و راحت‌ترند و اون طوری که دارند تبلیغات می‌گذارن، خودشون رو با هر پوششی که راحت هستند، نشون می‌دهند.

- نوع پوشش این افراد تأثیری بر میزان بازدهی و تعداد فالورهایشون داره؟

بله، مسلماً پست‌هایشون بیش‌تر لایک و ویو می‌خوره.

- چه طور شما نخواستید به این طریق از پست‌های خودتون استقبال بشه؟

این در تربیت خانوادگی ما نیست و من نیازی به خودنمایی ندارم و با همین وضعیت هم پیجم رو تا این‌جا بالا آوردم.

- بسیار خوب، خیلی ممنونم از وقتی که در اختیار من گذاشتید و هم‌کاری که با من داشتید.

خواهش می‌کنم، ممنونم از شما.

تأملی دوباره:

مامان لیا ۲۶ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیست محیطی، سیاسی و فرهنگی اشاره داشته است.

مامان لیا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به دامن زدن به علایق هنری کاربران، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مامان لیا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: جهانی شدن، اطلاع رسانی و گسترش ارتباط‌های اجتماعی، رواج به اشتراک‌گذاری اکثر لحظات زندگی در فضای مجازی، مهاجرت و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مامان لیا ۲۶ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: درآمدزایی، شکل‌گیری حرفه‌های جدید در فضای مجازی، عرصه‌های جدید کسب درآمد در فضای مجازی، جهت بخشی حرفه‌ای به کاربران، سوءاستفاده‌های اقتصادی از کاربران کاربر فضای مجازی، اقدام به اخاذی از کاربران فضای مجازی، جذب فالور با ارایه جذابیت‌های بدنی و نظایر آن، اشاره داشته است.

مامان لیا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: تلاش برای دیده شدن، افزایش اعتماد به نفس کاذب، جادوی اینستا، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مامان لیا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به آرایش حیوان‌ها (گره‌ها)، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ظلم به حیوانات، تأیید نظری پوشش‌های حمایت از زیست محیط، شرکت در پوشش‌های حمایت از زیست محیط، اشاره داشته است.

مامان لیا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به یافتن نگاه منفی نسبت به مسوولان و نظام سیاسی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مامان لیا ۲۶ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: ضرورت بسترسازی‌های زیست محیطی در جامعه، تحقق نوعی از تحول - آفرینی‌های فرهنگی (کارآفرینی‌های جدید)، تأثیرپذیری از الگوهای خارجی در حمایت از محیط زیست، تریبون به دست آوردن افراد بدون تریبون در جامعه، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مامان لیا ۲۶ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، مامان لیا در مصاحبه خویش بیان داشته است که وی از ابعاد آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بهره‌مند شده است و با زدن دو صفحه برای گریه‌اش، ضمن کسب درآمد از این طریق، در صدد تبلیغ ضرورت حمایت از زیست محیط برآمده است. به همین ترتیب مامان لیا اظهار می‌دارد که وی با شرکت در پویش‌های حمایت از زیست محیط، در عمل با اطلاع‌رسانی در مورد حیوان‌های زخمی و بیمار، پول مداوای آن‌ها را از سطح کاربران فضای مجازی گردآوری می‌کند.

اما باید در نهایت اظهار داشت، با وجود مثبت بودن علایق مامان لیا به حفاظت از محیط زیست، اصولاً جدا کردن حیوان از محیط طبیعی خودش و انتقال و محبوس کردن آن در خانه (و در همین راستا عقیم کردن آن)، رفتاری ضد محیط زیستی است و انسان‌ها نباید برای لذات موقتی خودشان دست به ظلم کردن به حیوانات بزنند.

مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله

دلم می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواهه.

- سلام.

سلام.

- حال شما خوبه؟

متشکرم.

- اجازه می‌دی چند سوال از شما درباره‌ی چگونگی کاربری شما و دوستان تون از فناوری‌های ارتباطی جدید داشته باشم؟
باشه.

- اسم شما چی هست؟

اسم مریم هست.

- مریم خانم در ابتدا یک دورنما از وضعیت خانوادگی خودت جهت آشنایی بیش‌تر می‌دی؟
خوب من ۱۹ سالمه. دانشجو هستم. یک خواهر کوچک‌تر از خودم دارم و خانواده ما هم از لحاظ اقتصادی طبقه متوسط به حساب میاد.

- خوب مریم خانم شما از چند سالگی اینستاگرام رو نصب کردی؟

من قبل از این که خودم گوشی بخرم، اینستا داشتم توی گوشی مامانم، حدوداً از کلاس هشتم و کلاس نهم که بودم مامانم گوشی قبلیش رو داد به من، البته بدون سیم‌کارت، سال دهم هم گوشی جدید با سیم‌کارت خریدم.

- چی شده بود که اینستاگرام نصب کرده بودی؟

خب دوستم اینستا داشت و اون موقع طرفدار یه خواننده‌ای بودیم، دوتامون خیلی دوستش داشتیم، دنبالش می‌کردیم، اون فن پیج اون خواننده رو داشت، هی تعریف می‌کرد از اتحاداشون و این چیزها، منم نصب کردم که اون خواننده رو دنبال کنم.

- در ابتدا که نصب کردی، بیش‌تر چه استفاده‌ای از اینستاگرام داشتی؟

بیشتر همون آدم و طرفداراش رو دنبال می‌کردم، قبلاً خیلی فوتبالی بودم اخبار پرسپولیس و بارسلونا رو دنبال می‌کردم، فوتبالیست‌ها رو فالو می‌کردم، حتی سرشون بحث می‌کردم، با دوتا جمع خیلی در ارتباط بودم، یکی فن پیج‌های همون خواننده، یکی هم فن پیج‌های پرسپولیس و توی گروه‌های هواداری شون عضو بودم، حتی کلی پست می‌داشتم در موردش و یکی هم پرسپولیس و بازیکناش، بعد هر بازی پست و کامنت می‌داشتم کری می‌خوندیم. اون موقع قابلیت استوری گذاشتن نبود، کلی پست می‌داشتم بعد بازی‌ها یا سر هر موضوع، با خیلیا هم از اون فن پیج‌ها دوست بودم.



- خوب گفتم کری می‌خوندید تا حالا شده اون‌جا دعوات هم بشه؟
آره، به طرز عجیبی اون موقع این چیزا برام مهم بود، کسی به رامین رضاییان مثلاً حرفی می‌زد، عصبی می‌شدم، کلی پیام می‌دادم، بحث می‌کردم، یه وقتایی آیدی طرف رو می‌دادیم، بقیه هم بلاک و ریپورت کنن.

- شده بود تبدیل به دعوای حضوری هم بشه؟
دعوای حضوری با کسی که توی مجازی شناختمش نه، تهش هم‌دیگه رو بلاک ریپورت می‌کردیم، ولی برای یکی از دوستانم پیش اومده بود، خودم یه بار یه پست، در مورد یه بازی آسیایی استقلال گذاشتم، کری خوندم، دوست صمیمیم که استقلالی بود، بهش برخورده بود، توی مدرسه دعواشون شد، حدوداً دو هفته هم قهر بودیم.

- خوب اون موقع والدینت بر روی استفاده‌ها از اینستا نظارت هم داشتن؟

پدر و مادرم همین الانم حتی زیاد سر درنمیایم از فضای مجازی، من روی گوشی مامانم اینستا داشتم یه سال، ولی اصلاً نمی‌دونست اون برنامه چیه که واردش بشه، همین الان هم که اینستا دارن، هیچ کاری بلد نیستن بکنن، باهاش فقط پست لایک می‌کنن، ولی اواخر فامیلا از پست و استوری‌ها حرف می‌زدن، هی پیش مامانم، چون از خودمم دیگه پست می‌داشتم، یه کم بهم گیر دادن که از خودت عکس نذار و این چیزا، یه مدت کوتاهی بحث داشتیم، ولی حرف من چربید، دیگه چیزی نگفتن، به نظرم پدر و مادرم یه کم ذهن بین هستن، به حرف فامیلا اهمیت می‌دن، برای همین با اونا بحث نکردم، به جاش فامیل رو هاید می‌کنم از همه‌ی استوریام.

- مگه از خودت چه جور عکس‌هایی می‌گذاشتی که فامیل تون به شما گیر داده بودن؟
من واقعاً چیز بدی نمی‌داشتم، خب یه عکس از خودم بود دیگه، اونا عقب مونده اند، به من چه، می‌گفتن چرا بدون روسریه عکسای پروفایلم، اصلاً درکشون نمی‌کنم، یه مو هست دیگه، همه مو دارن، چرا باید توی عکس بیوشونمش؟ همیشه سر این با بابا بزرگم بحث دارم که جلوی پسر داییم روسری سرم نمی‌کنم، اونم به مامانم می‌گه، مامانم دعوا می‌کنه، اون موقع هم سر همین چیزای الکی بود.

- تا حالا شده بود سر پست‌ها یا استوری‌ها با فامیل حرفت بشه؟
اوایل که گوشی خریده بودم، داییم گوشیم رو چک می‌کرد، خیلی بدم می‌اومد، پدر و مادرم چیزی بهش نمی‌گفتن، می‌گفتن بزرگ‌ترته، بهت شک نداره که با تو شوخی می‌کنه، یه بار سر این با مامان و بابام بحثم شد که می‌ذارن فامیلا دخالت کنن.
- خوب داییت که گوشیت رو چک می‌کرد، تا حالا شده بود که چیز بدی هم توی گوشیت پیدا کنه؟

توی یه گروهی بودم توی اینستا، همه پرسپولیسی بودیم، یه پسری بود اسمش حسین بود، باهاش توی دایرکت شخصی مون هم زیاد چت می‌کردیم، یه بار نوتیفش رو وقتی گوشیم توی شارژ بود دید، به بابام گفت، بهش گفتم اکانت فیکه به اسم پسر، وگرنه طرف دختره، نمی‌دونم باور کرد یا نه، ولی دقیقاً از اون موقع چک می‌کرد گوشیم رو، شک کرده بود دیگه.

- چی شده بود که فکر می‌کردی رعایت نکردن حجاب جلوی نامحرم اشکالی نداره؟
خب وقتی می‌دونم پسر داییم نگاه بدی به من نداره، چرا بیوشونم موهام رو، من با اون بزرگ شدم، یهو از ۹ سالگی به بعد جلوش روسری سر می‌کردم، خیلی ضایع بود، البته ۱۵، ۱۶ سالگی سرم می‌کردم، بعدش دیگه کم‌کم حجاب رو جلوی پسرای فامیل گذاشتم کنار، برام مسخره شد این کار.

- توی اینستاگرام هم هر وقت عکس می‌گذاری، حجاب رو رعایت نمی‌کنی؟

نه، اگه یه عکسی رو بیرون از خونه گرفته باشم، چون مجبورم توی خیابون روسری سرم کنم، به خاطر گشت ارشاد، عکسه هم با حجابه دیگه، ولی توی حالت عادی، توی خونه عکس می‌گیرم، بدون حجاب می‌ذارم، حتی باز و بسته بودن لباسم، زیاد برام مهم نیست.

- دوستان شما چی، اون‌ها چه جور می‌هستند؟

آره دیگه، الان تقریباً همه این جورین، آدمای مذهبی خیلی کم هستند، دیگه برای کسی این چیزا مهم نیست که، همه‌مون هم توی خانواده‌ی مذهبی بزرگ شدیم، من هنوزم مامانم مذهبی، کلی‌ام بحث می‌کنم باهاش سر اعتقادات بی‌دلیلش، اونا هم همین طورن.

- توی لباس‌هایی هم که باهاشون از خودت پست و استوری می‌گذاری، شده بوده یا شده که از کسی الگو بگیری؟

نه که از هر کسی الگو بگیرم، ولی یه پیجایی هستن در مورد مد لباس و استایل هستن، اونا رو زیاد دنبال می‌کنم، استایل مورد علاقه‌ام هم کژواله، این جوری تیپ می‌زنم، همیشه بعد توی اون پیجا می‌بینم چه چیزایی مد شدن، عکسش رو سیو می‌کنم، می‌رم می‌خرمش!



۱ - استایل کژوال: از آن جایی که استایل کژوال دنیای بزرگی از پوشاک را در بر می‌گیرد، بهتر است نه بر اساس آن چه که هست، بلکه بر اساس آن چه که نیست، تعریف شود، به عبارتی به لباسی که حالت کلاسیک و رسمی نداشته باشد، کژوال گفته می‌شود. استایل کژوال انواع مختلفی دارد، ولی ویژگی مشترک و مهمی که همه‌ی کژوال‌ها باید داشته باشند، این است که شما با آن‌ها احساسی خوب، سبک و راحت داشته باشید. همچنین استایل کژوال، سبکی از لباس پوشیدن است که در آن زنان و مردان از نظر جنسیتی محدودیتی در استفاده از اکسسوار و پوشاک ندارند و با این استایل به راحتی می‌توانند، خودشان باشند. به طور مثال در یک دوره‌ای از تاریخ، استفاده از جواهرات و اکسسوار برای مردان امری بسیار غیرعادی بود، ولی امروزه در استایل‌های کژوال مختلف بسیار مورد توجه آقایان قرار می‌گیرد.

- چه جوری شد که با این استایلی که می‌گی آشنا شدی؟
یکی از همین پیجایی که گفتم، چندتا پست گذاشته بود در مورد استایل‌های مختلف، مثل گرانج و کلاسیک و همین کژوال، از بین همه‌شون کژوال دقیقاً سلیقه منه، لباسای راحت اصلاً زرق و برق ندارن، ولی خیلیم قشنگن.



- بعد اشخاص معروفی هم می‌شناسی که از این استایل پیروی کنن و شما تلاش کنی مثل اون‌ها بشی؟
از بازیگرای خودمون نازنین بیاتی، واقعاً خوش‌تیپه به نظرم، یه پستی هم بود در مورد استایل‌های مختلفش، همه‌ی لباساش قشنگ بودن، ازشون اسکرین‌شات گرفتم.
- اون استایلیش همین کژوالیه که گفتی؟

۱ - استایل گرانج: گرانج در دهه ۸۰ ظهور کرد و در دهه ۹۰ به اوج محبوبیت رسید. این سبک بخشی از خرده فرهنگ گسترده‌تری بود که توسط ژانر موسیقی گرانج پشتیبانی می‌شد. به همین ترتیب، نوازندگان، مانند کرت کوبین، پیشگامان این امر بودند. ظاهری بی‌دقت و خشن از اصول سبک گرانج است.
اگر چه این سبک به عنوان بیانیه‌ای ضد مد آغاز شد، اما به سرعت جریان اصلی پیدا کرد و به دنیای مد راه پیدا کرد. به همین ترتیب، علایم تجاری گرانج، از جمله لایه‌های سنگین، پیراهن‌های فلانل، دکتر مارتنز، جین پاره شده، سایه‌های بولد و و ژاکت‌های کشدار به زودی در همه جا یافت شد.
۲ - استایل کلاسیک: زنان کلاسیک، برای جلب توجه دیگران لباس‌های پر زرق و برق و لخت نمی‌پوشند. ظاهر ساده، اعتمادبه‌نفس و عزت نفس بالای آن‌ها، آن چیزی است که موجب می‌شود توجه دیگران را به خود کسب کنند. افراد با این مدل لباس، حسی که به دیگران القا می‌کنند، این است که این افراد، افراد قدرتمند و قابل اعتمادی هستند.
در استایل کلاسیک طرح‌های شلوغ رنگارنگ و متنوع جایی ندارند. لباس کلاسیک، باید لباس راحتی باشد، بنابراین داشتن یک استایل کلاسیک نیازمند صرف هزینه زیادی برای خرید کیف، کفش، مانتو، پالتو است. زیرا این‌ها علاوه بر راحتی به لباس جلوه می‌بخشد و باعث می‌شود حتی لباس‌های ارزان قیمت نیز، گران و ارزشمند به نظر برسند.

آره، بیش تر وقتا، ولی یه وقتایی کلاسیک هم می پوشه.

- دوستان شما چه طور، توشون کسانی هستن که از اشخاص دیگه ای الگو بگیرن؟

توی لباسایی که توی خیابون می پوشن که مثل من هستن، ولی همه مون توی استایلامون برای مهمونی ها یا چیزای دیگه از سلبریتی های هالیوودی که دنبال می کنیم، الگو می گیریم، مثلاً دوستم عاشق لباسای تیلور سویفتته^۱، همه پیش رو دوست داره، خود من یکی از لباسای آریاناگرانده^۲ رو سیو کردم که اگر یه مراسمی پیش اومد، بدم بدوزن برام، مدل موهاش که همیشه دم اسبی می بنده رو هم خیلی دوست دارم.



۱ - تیلور سویفت: با فروش بیش از ۲۰۰ میلیون نسخه از آثارش در سراسر جهان، یکی از پرفروش ترین هنرمندان موسیقی است. از دستاوردهای او می توان به جایزه های گوناگونی از قبیل ۱۱ جایزه گرمی (شامل سه جایزه آلبوم سال)، یک جایزه امی، ۱۲ جایزه اتحادیه موسیقی کانتری، ۲۵ جایزه موسیقی بیلبورد (بیش ترین دفعات برد توسط یک هنرمند زن) و ۵۲ رکورد جهانی گینس اشاره کرد. نام او در فهرست ۱۰۰ ترانه سرای برتر تمام دوران رولینگ استون (۲۰۱۵) آمد و در رتبه هشتم فهرست بزرگ ترین هنرمندان تاریخ (۲۰۱۹) مجله بیلبورد قرار گرفته است. سوئیفت در رده بندی های گوناگون قدرتمندترین افراد جهان گنجانده شده است، از جمله ۱۰۰ شخص تأثیرگذار جهان تایم و ۱۰۰ ستاره ثروتمند فوربز. او از سوی بیلبورد زن دهه ۲۰۱۰ و از سوی جوایز موسیقی آمریکا هنرمند دهه ۲۰۱۰ نام گرفت. سوئیفت به دلیل تلاش های خیرخواهانه و حمایت از حقوق هنرمندان و توانمندسازی زنان در صنعت موسیقی نیز شناخته شده است.

۲ - آریانا گرانه - بوترا زاده ۲۶ ژوئن ۱۹۹۳ خواننده، ترانه نویس و بازیگر آمریکایی است. گرانه در بوکا راتون، فلوریدا زاده شد و حرفه خود را در سال ۲۰۰۸ از ۱۵ سالگی در نمایش موزیکال ۱۳ در تئاتر برادوی آغاز کرد. او به خاطر ایفای نقش گربه ولنتاین در مجموعه های تلویزیون به شهرت رسید. او پس از آن در سال ۲۰۱۱ قراردادی را با ناشر آمریکایی ریپابلیک رکوردز پس از این که مدیران این ناشر فیلم های یوتیوب مربوط به بازخوانی ترانه های او را کشف کردند، امضاء کرد. نخستین آلبوم او با عنوان ارادتمند شما با ژانر پاپ و آراندبی که تحت تأثیر موسیقی دهه ۱۹۵۰ میلادی قرار داشت، به برترین رتبه جدول فروش موسیقی بیلبورد ۲۰۰ ایالات متحده آمریکا رسید، در حالی که تک آهنگ آغازین آن با عنوان راه در میان ده رتبه برتر در ۱۰۰ آهنگ داغ بیلبورد قرار گرفت.

او فعالیت حرفه ای خود در بازیگری را به صورت رسمی در سال ۲۰۰۸ در سن ۱۴ سالگی، در تئاتر برادوی موزیکال ۱۳ آغاز کرد، سپس نقش کت ولنتاین را در سریال ویکتوریوس از شبکه نیکولین در سال ۲۰۰۹ بازی کرد. پس از چهار فصل، سریال پایان یافت، و گرانه در سال، ۲۰۱۳ در سریال سم و کت ایفای نقش کرد، ساخت این سریال در سال ۲۰۱۴ به پایان رسید. همچنین گرانه برای انیمیشن ها هم صداگذاری کرده است. آریانا گرانه در حال حاضر ششمین فرد جهان در فهرست بیش ترین دنبال کننده در اینستاگرام است (ویکی پدیا).

- تا حالا شده که شما و دوستان خودتون تلاش کنید بدن یا چهره‌تون رو هم مثل این سلبریتی‌هایی که گفتی بکنید؟

هیچ کدوممون عمل زیبایی نداریم، خانواده‌هامون نمی‌ذارن، ولی اگه بذارن خیلی دوست دارم مثل بیلی موهام رو رنگ کنم، رنگای فانتزی مثل آبی.

- و دلت هم می‌خواهد که زندگیت مثل اون سلبریتی‌هایی که گفتی بود؟

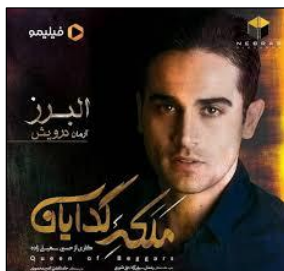
من توی زندگی پول برام خیلی مهمه و این رو رک می‌گم، خیلی دوست دارم پول دار بشم، خونه‌ام هم توی یه محله لاکچری باشه، فکر نکنم استعداد بازیگری داشته باشم، ولی خیلی دوست دارم پول دار بشم، یه عکسی از ویلای علی کریمی توی لواسان پخش شده بود، دیدمش چه قدر حسرت خوردم، مثل کاخ بود.

- کلاً چه سلبریتی‌هایی رو فالو می‌کنی؟

قبلاً که همه بازیکنای پرسپولیس رو فالو می‌کردم، ولی الآن آنفالو کردم، فهمیدم بیش‌ترشون فقط به خاطر پول توی تیم هستن، اصلاً تعصب ندارن، فقط کنعانی زادگان و امید عالیشاه رو فالو می‌کنم.



از بازیگرای ایرانی، آرمان درویش رو فالو می‌کنم، خیلی خوشگله از زن‌هاشون، کسی رو فالو نمی‌کنم توی ایرانیا، ولی توی خارجی‌ها جنیفر انیستون، تام ایس، آریاگرانده و هانده ارچل رو فالو می‌کنم، بیش‌تر بلاگرها رو دنبال می‌کنم.





- به نظرت این سلبریتی‌هایی که می‌گی چون پول‌دارن، خوشبخت هستن؟ کاملاً خوشبخت که نمی‌دونم هستن یا نه، ولی من ترجیح می‌دم توی پنت هاوس‌ام توی الهیه گریه کنم تا توی آپارتمانم توی پایین شهر و این‌که من الان همه چی توی زندگیم خوبه، فقط پول کم دارم، اگه پول‌دار بودم، هیچ مشکلی نبود، همون مشکلا‌ی جزیی هم با پول اوکی می‌شد.

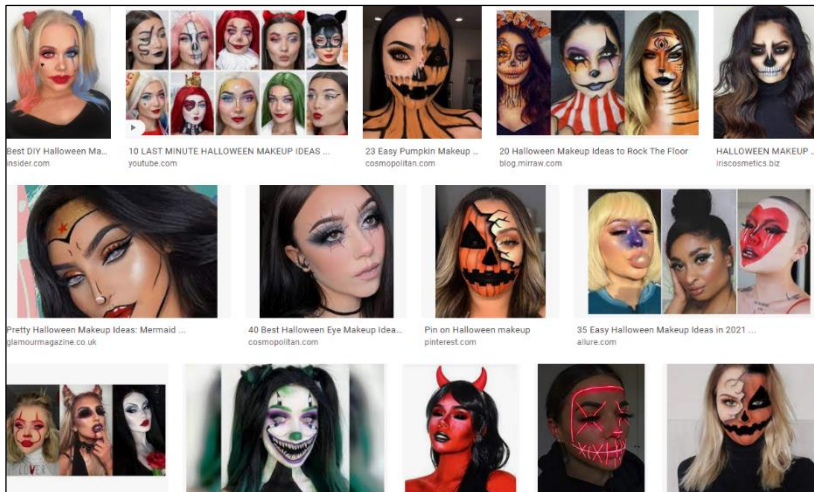
- اینستاگرام هم تأثیری توی شکل‌گیری این فکر در شما تأثیری داشته؟ این جمله‌ای که گفتم که ترجیح می‌دم توی پنت هاوسم توی بالا شهر گریه کنم رو یه پیج طنز توی اینستا نوشته بود، واقعاً حق بود به نظرم، الان آخه همه‌مون بزرگ‌ترین مشکل‌مون توی این وضع ایران، پول، هر بدبختی‌ای هم داریم سر پول، سلبریتی‌ها مثلاً چه مشکلی می‌تونن داشته باشن، وقتی توی بهترین منطقه شهر زندگی می‌کنن، هر وقت حوصله‌شون سر بره، گرون‌ترین جاها رو می‌رن می‌گردن.

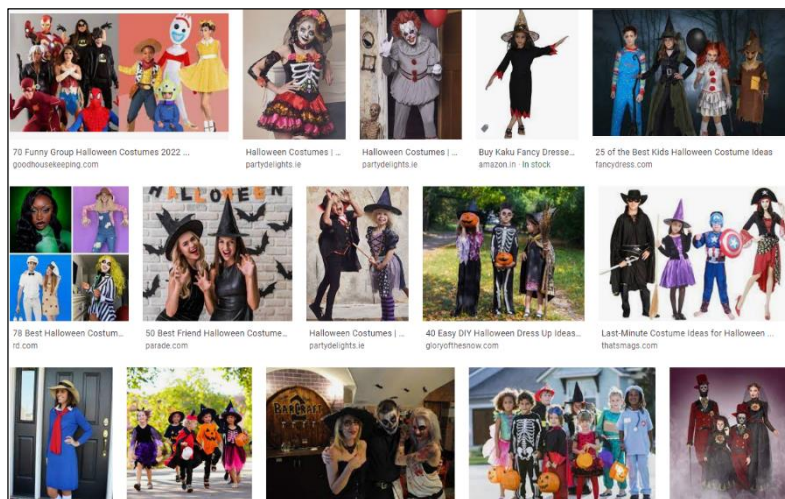
- یعنی این‌ها باعث می‌شه آدم خوشبخت باشه؟ نود درصد مشکلا با پول حل می‌شه، اون ده درصد هم وقتی مشکل مالی نداشته باشی، خیلی قابل تحمل‌تره، حداقل یه دغدغه داری، نه یه دغدغه و هزار جور قسط و بدبختی.
- خوب این بلاگرهایی که گفتی فالو می‌کنی، مثلاً چه جوری هستن؟

بیش تر بلاگرهای آرایشی اند، آیدی هاشونم اگه بخواید می گم یکی شون که صدف بیوتیه، علاوه بر این که آرایش یاد می ده، هر لوازم آرایش جدیدی که میاد رو آنباکسینگ می کنه، از مسافرت هاش هم ولاگ می ذاره، یکی دیگه شونم رها شهبازی، اون بیش تر لوازم بهداشتی معرفی می کنه.



- شما شده که از این ها الگو بگیری و خودت رو آرایش کنی؟
آره دیگه، صدف برای مناسبت های مختلفم آرایش می ذاره، الان نزدیک هالووینه، کلی گریم ترسناک آموزش می ده، با همین لوازم آرایش معمولی می شه انجام داد، پارسال هم از روی یکی از ویدیوهای شب یلداش آرایش کردم، برای شب یلدا، بعد اونم مثل من لاغره، برا همین لباسایی که می پوشه، اکثراً به منم میان، از لباساشم ایده می گیرم.





- اولین بار کی بود که از صدف و رها بیوتی الگو گرفتی؟
فکر کنم ۳ سال پیش بود که صدف رو فالو کردم، رها هم یه ساله فالو می‌کنم، زمانی که صدف رو فالو کردم بیشتر توی فاز آرایش کردن بودم، کلی لوازم آرایش می‌خریدم، هر ماه همه‌ی پول توی جیبیم می‌رفت برای لوازم آرایش جدید، الان بیشتر بهداشتی می‌خرم، کم‌تر آرایش می‌کنم، دیگه آرایش زیاد مد نیست.

- اون موقع چند سال تون بود؟
۱۶ سالم بود.

- آیا تا به حال از محصولاتی که معرفی می‌کنن، خرید هم کردی؟
آره. معرفی می‌کنن، مثلاً فروشگاه روزا رو صدف معرفی کرده بود، ازش زیاد خرید می‌کنم، لوازم آرایش خیلی خوشگلن، می‌رم توی سایتش دلم می‌خواد همه‌شون رو بخرم.



- تا حالا چند بار ازشون خرید کردی، یعنی تقریباً تا الآن چه قدر به خاطر این چیزها هزینه کردی؟

نمی‌دونم چه قدر، لوازم آرایشی چند ماه می‌مون، ولی بهداشتی‌ها هر ماه تموم می‌شن دیگه، شوینده و تونر و ضدآفتاب و ماسک و خیلی چیزای دیگه، ولی خورد خورد می‌خرم، نمی‌فهمم چه قدر می‌شه، بخوام نمی‌تونم همه‌اش رو با هم بخرم، خیلی گرون می‌شه.

- یعنی هزینه زیادی برای این لوازم می‌کنید، درسته؟

بله، تقریباً دو سوم پول توی جیبیم، بقیه‌اش هم که با دوستانم می‌رم بیرون.

- الآن اگه می‌گید آرایش مد نیست، پس اون پیچ‌های آموزش میکاپ رو برای چی فالو دارید؟

اونم مطابق با مد پیش می‌ره دیگه، آرایش‌های ترندی رو آموزش می‌ده، الآن آرایش‌هاش نچرال‌ترن نسبت به قبل.

- گفتی که از یک استایل خاصی پیروی می‌کنی، آیا صدف بیوتی هم از همون استایل پیروی

می‌کنه و آیا از مارک یا برند خاصی، لباس‌ها رو می‌خری؟

از مارک لباس زیاد سر در نمی‌آرم، پیچ‌های فروش لباس رو فالو دارم، از اونا خرید می‌کنم، اونا

هم مارک‌های معروف گرون نیستن، استایل صدف هم آره، بیش‌تر وقتا لباسای راحت می‌پوشه،

مثل خودم، لباساش رو دوس دارم.

- یعنی تا حالا نشده از لباس‌های برندی که هر کدوم از سلبریتی تبلیغ کردن، تحت تأثیر اون

تبلیغ، خرید کنی؟

برندهایی که صدف بیوتی تبلیغ می‌کنه، توی ایران نیستن، وگرنه خیلی دوست داشتم ازشون

خرید کنم، خیلی تبلیغ شین رو می‌کنه، ولی ارسال به ایران ندارن که این برندی خوب، کلاً به

خاطر توی ایران بودن مون از خیلی چیزای خوب محرومیم، خیلی گرون ان، پول مون نمی‌رسه

بخریم که، ولی اون‌جا با پول اونا ارزون‌تره، بنابراین اون لباس‌ها یا نیستن یا اگر هم هستن، خیلی

گرون ان، ولی این برندی که گفتیم ارسال به ایران نداره.



- یعنی اگر پول داشتی می خریدی و آیا دوست داشتی پول داشتی که بخری شون؟
پول داشتم معلومه که می خریدم، چرا نباید بخرم.
- درباره‌ی هالوین صحبت کردید که این پیج‌ها میکاپ مخصوص هالوین آموزش می دن، مگه شما هالوین رو جشن می گیرید؟
توی خانواده که نه، جشن نمی گیریم، بعضی وقتا با دوستانم به این مناسبتا دور هم جمع می شیم که تم دارن، طبق اون تم آرایش می کنیم.



- لباس مخصوص اون جشن‌ها رو هم می پوشید؟
عا لباس هامون لباس مهمونیه دیگه، حالا در حد عروسی که نه، ولی مثلاً تاپ و دامن و بلوز و شلوارایی که مناسب مهمونی اند رو می پوشیم، دور هم آهنگ می گذاریم، می رقصیم، خوراکی می خوریم و خوش می گذرونیم، البته همه‌ی دوستانم توی مهمونی رو مامانم می شناسه، اونا هم خونواده‌هاشون من رو می شناسن.

- با لباس مهمونی هالوین رو جشن می گیرید؟
نه بابا، هالووین رو نمی گم که، تولد مثلاً.
- من منظورم اعیاد غربی مثل هالوین و کریسمس و عید پاک و ولنتاین و این چیزها بود.
نه، تولدهاشون تم دارن، مثلاً دوستم تولد گرفته بود، تمش هالووین بود، نه این که واقعاً هالووین رو جشن بگیریم، اون گریه‌ها یه جاهای این جوری به درد می خورن. ولی پیارسال یکی از بچه‌ها هالوین رو توی خون شون جشن گرفت، بعد خب با اون لباس و آرایش و اینا که نمی شه رفت توی خیابون، برای همین لباس‌ها و لوازم آرایش و همه چی مون رو بردیم همون جا، توی خونه‌شون آماده شدیم، کار خاصی هم نکردیم، فقط نشستیم برای هم دیگه داستان‌های ترسناک گفتیم و چیز میز خوردیم.

- چندتا پیج توی اینستاگرام داری؟

الآن یه پیچ دارم، ولی یه دوره‌ای ۳ تا پیچ داشتم.

- خوب با اون سه تا پیچ چی کار می‌کردی؟

یه پیچ که عمومی بود، همه داشتش و گفتم چه پستایی می‌داشتم، ولی فالوینگاش زیاد شده بود، کلی پست می‌اومد توی قسمت هوم، یه پیچ دیگه هم زد که فقط دوستان داشتش و بقیه پبجایی که می‌خواستم فالو کنم رو با اون فالو کردم که پیچ اولم خیلی شلوغ نشه و چون فقط دوستان بودن، راحت‌تر بودم دیگه، حتی یه بار یه استوری گذاشتم که توش سیگار دستم بود، پیچ سومی‌ام فیک بود، اسم خودم روش نبود، برای فضولی بود.

- خوب با اون پیچ سوم بیشتر چه کارهایی می‌کردی؟

گفتم که برای سرکشی بود، مثلاً یه بار دوستم می‌خواست دوست پسرش رو فالو کنه، ببینه استوری‌هاش رو، باهاش قهر بود، فالوش کردم، از استوری‌هاش شات می‌دادم، خودمم یه مدت روی داداش عروس خاله‌ام کراش زده بودم با اون پیچ فالوش می‌کردم.

- و شده بود که اون پیچ‌تون لو بره؟

نمی‌دونم، اگر هم فهمیدن به رومون نیاوردن، ولی فکر نکنم، امکان نداشت، چون نه اسمش، اسم خودم بود، نه پروفایلش، نه فالوینگاش آشنا بود، نه حتی با شماره خودم بود که توی قسمت پبجای پیشنهادی براشون بره، عکس پروفایلش عکس فیک بود، از پیچ یه دختر خارجی برداشته بودم.

- شده بود با اون پیچ به فامیل‌تون که روش کراش داشتی، بهش پیام بدی؟

استوری‌هاش رو ریپلای می‌کردم، ولی قبل از این که بفهمه منم، دیگه پیام ندادم، کلاً آدمی نیستیم که طولانی رو یکی کراش بزیم، سریع آن کراش می‌کنم، بعدم می‌فهمید دختر خاله دامادشون با پیچ فیک بهش پیام می‌ده، خیلی به فنایی بدی می‌شد.

- خوب توی اون پیچ استوری هم می‌گذاشتی؟

از خودم که نه دیگه، فیک بود، ولی از آهنگ و این چیزا می‌داشتم یا یه سری عکس بودن، صورت دختره معلوم نبود، فیک بود، ولی معلوم نبود که فیکه، اونا رو می‌داشتم چندوقت یه بار.

- خوب توی اون دو تا پیچ دیگه‌ات، چه استوری و پست‌هایی می‌گذاشتی؟

اولی که عمومی بود، گفتم از چی می‌داشتم، درباره‌ی فوتبال و گاهی بیرون می‌رفتم عکس می‌داشتم، البته فامیل رو هاید می‌کردم، بعضی وقتا توی اون دومی دیگه راحت بودم، پیچ شخصی بود، فقط دوستای نزدیکم بودن، حتی سیگار دستم بود توی بعضی استوریایی که می‌داشتم.

- دوست‌های خودت چه پست‌ها و استوری‌هایی می‌گذارن؟

دوست‌هام از اقشار مختلفی‌اند، یه سری شون دایم بیرون‌ان، از کافه رفتن‌شون استوری می‌ذارن، یه سری دایم توی خونه دارن کتاب می‌خونن یا مهمونی‌اند، از این چیزا استوری می‌ذارن، یه سری

دوستم دارم استوریاشون کلاً برای درد و دل کردنه، هر اتفاقی می‌افته میان ناله می‌کنن توی استوریا.
- خوب تا حالا از طریق پیج‌های اینستاگرامی خرید هم کردی؟

بله، خیلی خرید می‌کنم، مخصوصاً توی دوره کرونا که نمی‌شد بریم بازار، بیش‌ترم لوازم آرایشی می‌خرم، لباس هم می‌خرم، ولی کم‌تر، چون بعضی وقتا به چیز می‌فرستن سایز و رنگش با اون‌ی که سفارش دادی به کم فرق داره.

- تا حالا شده اون چیزی که خریدی متفاوت از چیزی باشه که فرستادن؟
یه بار یه مانتو جلو بسته از اینا که مثل شومیزه خریدم، خیلی از چیزی که توی عکس بود بلندتر بود، باز می‌شد درستش کرد، بردم خیاطی کوتاه کرد برام، ولی یه بار شلوار سایز ۴۰ سفارش دادم ۴۲ فرستاده بودن، پسم نگرفتن آخر.

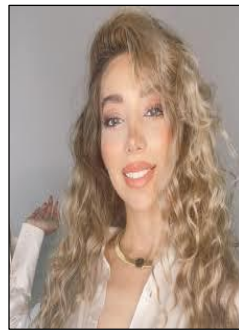
- وقتی که پس نگرفتن از هیچ طریقی دیگه پیگیری هم نکردی؟
می‌تونستم برم پلیس فتا شکایت کنم، ولی حوصله‌اش رو نداشتم.
- خوب تا حالا شده که پیج بزنی و تلاش کنی که از این طریق چیزی رو بفروشی یا درآمدی کسب کنی؟

من نه، ولی یه‌سری از دوستانم بعد این‌که دانشگاه فرهنگیان قبول شدن، با حقوقی که می‌گرفتن، جنس‌های مختلف آوردن، پیج زدن، می‌فروختن، مثل جوراب و لباس خونگی و لوازم آرایشی، یکی دیگه از دوستانم پیج فروش جوراب و لباس زیر داره، ارسال به سراسر ایرانم داره، جدیداً فالوراش بالا رفته، فروشش خیلی خوبه.

- خبر هم داری که چه قدر درمیارن؟
قیمت‌های جنساشون خوب بود، مثلاً یه فیس برایش شارژی ۳۰۰ هزار تومن بود، همین اطرافیانش و دوستاش ازش زیاد خرید می‌کردن، جدیداً هم فالوراش داره زیاد می‌شه، احتمالاً خوبه دیگه درآمدش، چون یه آنلاین شاپ دیگه هم بود، خانومه بعد یه سال که پیج زده بود، خونه‌اش رو عوض کرد، حدوداً ۲۰۰ کا هم فالور داره، فروشش زیاده، اون یکی دوستم هم خودم ازش چندتا از این جوراب تا به تاها خریدم، قیمتاش خوب ان، بعد کلی سفارش می‌ره پست می‌کنه، هر هفته یه حساب سرانگشتی بکنی، هفته‌ای دو تومن فروش داره.

- خوب تا حالا شده توی اینستاگرام لایو بگذاری؟
نه، اون قدر اعتماد به نفس ندارم که همین جوری پاشم برم جلوی دوربین لایو بذارم، بعدم لایو من برای فالورام فکر نکنم جالب باشه که پاشن بیان توی لایوم، کسی نمیداد ضایع می‌شم.
- خوب شده که بری لایوهای بقیه رو ببینی؟

آره، قبلاً ساعت ۴ صبح مثلاً صدف لایو می‌داشت، آرایش می‌کرد، حرف می‌زد، تا ۶ صبح طول می‌کشید، می‌دیدم. الانم یه پیج هست، هیروشیماعه اسمش، اونم بلاگر آرایشیه، لایوهاش رو می‌بینم، بازیگرای مورد علاقه‌ام لایو می‌ذارن، می‌بینم، ولی خیلی انگلیسی و ترکی متوجه نمی‌شم، بعداً فالوراشون ترجمه شده‌اش رو می‌ذارن، اونا رو هم می‌بینم، بعد چون اونا اکثراً آمریکا هستن، شباً نباید بخوابم که بتونم لایوهاشون رو ببینم و دنبال شون کنم.



- خوب اون بازیگرهای خارجی معمولاً لایو می‌گذارن، توی لایوهاشون چه کار می‌کنن؟
اصلاً کار خاصی نمی‌کنن، میان با فالورهاشون حرف می‌زنن، سوالاشون رو جواب می‌دن، بعد بعضیاشون هوادارا رو میارن بالا، باهاشون حرف می‌زنن، دخترا گریه می‌کنن وقتی میارن شون بالا، خیلی می‌خندم.

- خوب تا حالا شده تلاش کنی که چیزی از اینستاگرام یاد بگیری؟
هر چی که می‌خوام یاد بگیرم، اول توی اینستا هشتگش رو سرچ می‌کنم، فیلمای آموزشش رو میاره می‌بینم، حتی از فیلمایی که توی گوگل می‌ذارن هم جدیدتر و بهترن، یا اون کلمه رو که سرچ می‌کنم، کلی فیلم درباره‌اش میاره، مثلاً این اواخر پیجای آموزش زبان فالو می‌کنم، کلی اصطلاح روزمره می‌ذاره، می‌خونم شون، چندتا پیج آموزش گویندگی هم فالو می‌کنم.

- با استفاده از اینستاگرام زبان انگلیسی و گویندگی یاد می‌گیری؟
آره، دومی رو فقط فالو دارم، البته زیاد جدی دنبالش نیستم، فقط هست اون‌جا، شاید یه روزی برم دنبالش خیلی جدی، جالب ان برام.

- تا حالا به فکر این افتادی از چیزهایی که بلدی محتوای آموزشی درست کنی و توی اینستاگرام بگذاری؟

الآن نمی‌تونم، ولی آره توی فکرشم که پیجم رو عمومی کنم، بعداً که مدرکم رو گرفتم، لازمه که فالور داشته باشم، آدما بشناسنم، دیگه بیش‌ترم برای بازاریابی، حالا یه چیزایی هم آموزش می‌ده آدم.

- خوب برای بالا بردن پیجت و بازاریابی و این چیزهایی که گفتی، چه کارهایی تا الان کردی یا می‌خواهی بکنی؟

چون پیجم قراره کاری باشه، نمی‌خوام از این اینفلوئنسر الکیا باشم، نمی‌تونم کارایی که اونا می‌کنن رو بکنم واس فالور جمع کردن، ولی می‌تونم بهشون پول بدم، تبلیغ رو کنن، خودمم پست و استوری زیاد بذارم، پیجم می‌ره توی اکسپلور فالور جمع می‌شه، پولی که برای تبلیغ دادم برمی‌گرده.

- تا الان کاری برای بالا رفتن فالور نکردی؟

چرا، کردم، مثلاً پیجا رو فالو می‌کردم، بعد که بک می‌دادن آنفالوشون می‌کردم، ولی کارایی که بقیه می‌کنن رو نکردم، پست می‌ذاشتم، خودشون فالو می‌کردن.

- بعد پیج شخصیت رو می‌خواهی در آینده پیج کاری کنی؟
بله، پیجی که الان دارم رو در آینده کاری می‌کنم، همین الانم پیجم پابلیک، فالورا خودشون میان فالو می‌کنن، ولی فعلاً پست و استوری نمی‌ذارم.

- اون اینفلوئنسر الکی‌ها که می‌گی، دقیقاً چه کارهایی می‌کنن؟
همین که مثلاً چند روز پیش خبر خودکشی ریحانه پارسا پخش شده بود، الکی بود دیگه، یه خبری از خودشون پخش می‌کنن، مردم می‌ریزن توی پیج‌شون، مثلاً نیلی افشار و پویان مختاری که کات کرده بودن، خودم خیلی چک‌شون می‌کردم، ولی من برای خودم دوست ندارم این جور باشم دیگه، من این جور دوس ندارم درآمد داشته باشم، مثلاً دوست دارم کار خودم رو که می‌کنم، پیجم پابلیک باشه، آدما بشناسنم، جذب مراجع باشه.





- اون وقت کار خودت چی هست؟

رشته‌ام روان‌شناسیه، البته ترم یکم، ولی خب دوست دارم این کار رو.

- خوب شاخ‌های مجازی رو هم فالو می‌کنی؟

فالوشون نمی‌کنم، چون فالو کردن شون یه جوریه، بقیه می‌گن چه قدر بی‌کاری که اینا رو فالو می‌کنی، ولی جلو فضولیم رو نمی‌تونم بگیرم که توی اکسپلورم که میاد، می‌رم پیج‌شون رو چک می‌کنم، چند روز پیش پیج دنیا جهان‌بخت رو چک کردم، استوریاش رو دیدم که بینم بچه‌اش به دنیا اومده یا نه، یه دختره هم هست نگین فضلی، خیلی خوشگله، دوست پسرشم خیلی خوش تیپه، حسودیم می‌شه بهش، چکش می‌کنم حرص می‌خورم، ولی با این حال بازم چکش می‌کنم.

- این خانومی که می‌گی خوشگله، مگه چه شکلیه که فکر می‌کنی خوشگل هست؟

بین بلده چه جوری آرایش کنه، بدون آرایش معمولیه، ولی با آرایش خیلی خوشگل می‌شه، چشماش درشته، مژه‌هاشم لیفت کرده، لباشم فکر کنم ژل زده قلوهایه، صورتشم توپره.

- شما هم دوست داری این ژل زدن و لیفت کردن و این‌ها رو انجام بدی که مثل اون خوشگل

بشی؟

با عمل زیبایی مشکلی ندارم، اگه قیافه رو بهتر می‌کنه، خب چرا عمل نکنیم، دوست دارم دماغم

رو عمل کنم و ژل بزدم، یه عملم هست با نخ ابروها رو لیفت می‌کنن، ابروها کشیده می‌شه، دوست

دارم انجام بدم، ولی چندشم می‌شه، به این که نخه قراره زیر پوستم بمونه فکر می‌کنم.



- توی اینستاگرام دیدی کسانی رو که با این عمل‌ها زیبا شدن؟
پیچ به کلینیک زیبایی رو فالو می‌کنم، مثلاً با پلاسما بینی رو کوچیک می‌کنن، از این چیزا پست می‌ذاره، کلاً قیافه طرف عوض می‌شه، خیلی بهتر می‌شه.
- دوستان شما چه طور، خبر داری که دوستان شما هم از این چیزها فالو می‌کنن یا نه و آیا اون‌ها هم علاقه‌ای به این عمل‌ها دارند؟
با دوستانم درباره این چیزا حرف می‌زنیم، دیگه یکی شون همه‌اش برام مدل رنگ مو می‌فرسته، می‌گه موهات رو این رنگی کن، بهت میاد، منم وسوسه می‌شم، خودشونم دوس دارن.
- خوب تا حالا شده در اثر پیچ‌هایی که دنبال می‌کنی، به این فکر کنی که مستقل از خانواده‌ات زندگی کنی؟

مامان و بابام رو دیوونه کردم، اون قدر هی بهشون گفتم می‌خوام مستقل زندگی کنم، اونام من رو دیوونه کردن، اون قدر الکی مخالفت کردن، همین الان که نمی‌خوام برم خونه مستقل بگیرم، اصلاً پولش رو ندارم، ولی بعد از لیسانسم خیلی دوس دارم خونه مستقل بگیرم، مخالفت می‌کنن، می‌گن جامعه خرابه.

- چی شد که به این فکر افتادی که مستقل زندگی کنی؟
هر چی بزرگ‌تر می‌شم زندگی با خانواده سخت‌تر می‌شه، من از زندگی سنتی متنفرم، از این که اصلاً درباره‌ی من نظر بدن، بدم میاد، مثلاً می‌گم می‌خوام برم موهام رو رنگ کنم، فقط دارم بهش خبر می‌دم که می‌خوام برم موهام رو رنگ کنم، بعد دخالت می‌کنه می‌گه اجازه نمی‌دم، خوشم نیاد، اصلاً رنگ موی من عوض بشه، چی می‌شه مثلاً که حساس هستن روش، رنگ موی من چه ربطی به اون‌ا داره.

- اون وقت چی شد که فکر کردی باید از زندگی با اون‌ها که سنتیه، فاصله بگیری و چی شد که فکر کردی اگر موهات رو رنگ کنی، زیباتر هستی؟

خب تفاوت نسلیه دیگه، دو دهه فاصله داریم، این که روی یه چیزایی تعصب دارن خیلی توی منم، با یه کاری مخالفت می‌کنن، ازشون بپرسی چرا مخالفی، خودشون نمی‌دونن چراها، فقط

می‌دونن زشته، نباید اجازه بدن، برم توی خونه خودم، دیگه مجبور نیستم اجازه بگیرم، در مورد رنگ مو هم، خب قشنگه دیگه، من رنگ موهای فانتزی رو خیلی دوس دارم، مخصوصاً نقره‌ای.

- به نظرت اینستاگرام در تشدید این تفاوت نسلی که می‌گی، تأثیری داشته؟

آره خب، اصلاً دلیل این که اون قدر افکارشون پوسیده هست، همین، با دنیای مدرن ارتباطی ندارن، مامانم می‌خواد با گوشیش یه کاری بکنه، هزار بار بهش یاد می‌دم، آخر هم یاد نمی‌گیره، یه کمم اون گوشی رو نمی‌گرده خودش، دستش بیاد چه جوریه، کلاً انگار از این که کارای جدید انجام بدن می‌ترسن، من و شما مگه کسی بهمون یاد داد با گوشی مون چه جوری کار کنیم؟ خودمون همه جاش رو گشتیم، یاد گرفتیم، بعد ما خب توی شبکه‌های اجتماعی، مخصوصاً اینستا، می‌بینیم بقیه دنیا چه جوریه، می‌فهمیم مدل زندگی مون درست نیست.

- توی اینستاگرام، بیش‌تر زندگی مردم دنیا چه جوری هست؟

هم‌سن‌هام توی کشورای دیگه رو می‌بینم که چه قدر آزادترن، هر کاری دوس دارن می‌کنن، نمی‌ترسن مامان و باباشون ناراحت بشن، دعواشون کنن، مجبور نیستن به خاطر حرف آشناها خودشون رو سانسور کنن، توی فیلم و سریالا مخصوصاً می‌بینم، حسودیم می‌شه.

- به نظرت اون چیزی که از زندگی شون توی اینستاگرام نشون می‌دن، واقعیت هست؟

همه‌ی واقعیت نیست، ولی بالاخره بخشی از واقعیت که هست، بعدم فیلم و سریالا که دیگه فرهنگشون رو نشون می‌دن.

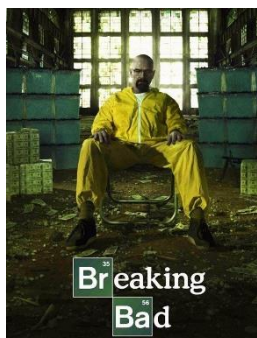
- توی اینستاگرام پیج‌هایی که درباره‌ی فیلم و سریال باشه رو هم دنبال می‌کنی؟

آره، توی اکسپلورم زیاد میاد، از اون جا دنبال می‌کنم، بیش‌ترشون پستای طنزن، درباره‌ی فیلم و سریالا، بعد از اون جا اخبار جدید رو هم می‌خونم، از یه فیلم خیلی تعریف شده باشه با خواهرم می‌بینم.

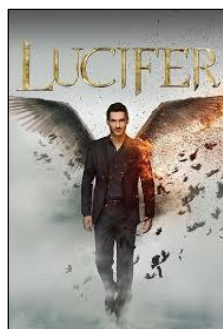
- پست‌هاشون بیش‌تر درباره‌ی چه جور فیلم و سریال‌هایی هست، به طور مثال آخرین فیلم یا

سریالی که از اون طریق جذبش شدی و رفتی دیدیش، چی بود؟

همه چیز هست دیگه، بیش‌ترشون درباره‌ی سریالایی مثل برکینگ بد و لوسیفر و وایکینگزه، چون خواهرم اینا رو دوس داره، پستاشون رو لایک می‌کنه، واسه منم میاد، آخرین بارم سریال لوسیفر رو تا فصل ۳ دیدم، خیلی قشنگه، می‌بینمش، دلم می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواهه.



- این سریال لوسیفر دقیقاً درباره چی هست؟
لوسیفر شیطان، سریاله تخیلیه، شیطان مثلاً اومده روی زمین زندگی می‌کنه و با خدا که پدرشه، سر این که از بهشت بیرونش کرده، به خاطر این که به انسان سجده نکرده بود، مشکل داره، خیلی باحاله.



- اون وقت این دوتا سریال دیگه‌ای که اسم بردید هم از طریق اینستاگرام باهاشون آشنا شدید و رفتید دیدید؟
برکینگ بد که خب خیلی معروف بود، خودم از قبل می‌شناختم، ولی وایکینگز رو انقدر دوستانه‌ی ازش استوری می‌داشتن، رفتم دیدم که ببینم چیه.
- دقیقاً این دو سریال درباره چی هستند؟
سریال برکینگ بد، درباره یه معلم شیمی که مثلاً خیلی مخه، بعد به خاطر بی‌پولی می‌زنه توی کار تولید مواد، سریال وایکینگز هم درباره یه کسیه که اسم شاه رگنار که بزرگ قبیله وایکینگ‌هاست و بعد جنگ می‌شه مثلاً با نیروهای حکومتی و این چیزا، اون هم خیلی باحاله.



- خوب پیج‌های سیاسی چه طور، پیج‌های سیاسی رو هم دنبال می‌کنی؟
اگه منظورت پیج اخبار سیاسیه، پیج من و تو و ایران اینترنشنال رو به خاطر اخبار چک می‌کنم، بعد سپیده قلیان رو هم فالو می‌کنم، زندانبه سیاسیه، ولی بیش‌تر محتوای سیاسی که دنبال می‌کنم توی توئیتره.



- پیج‌های اخباری که دنبال می‌کنی، چه قدر از وقتت رو روشن می‌گذاری؟
تایم که نگرفتم، ولی کلاً من گوشی هم‌هاش دستمه، نیم ساعت یه بار حداقل اینستا رو چک می‌کنم، بعد یه خبری ببینم کنجکاو بشم، می‌رم توی توئیتر، هشتگش رو سرچ می‌کنم یا توی همون اینستا چک می‌کنم، بفهمم چی شده.

- شده خبری برایت خیلی مهم شده باشه؟

دیروز خبر یه خانومی بود که شوهرش سوزونده بودش، به خاطر این که بچه شیشمش هم دختر شده بود، پسر خاله‌ام برام فرستاد، خیلی حرص خوردم، رفتم درباره‌اش چندتا پست دیگه‌ام دیدم، فهمیدم نه، واقعاً مردم‌مون هنوز توی این چیزا گیر کردن، سوزونده زنش رو، سوزونده، مرتیکه آشغال، عوضی، کثافت، بی‌شعور، نفهم، کم ناموس، کم شعور.

- خوب این خانوم زندانی سیاسی که قبل‌تر گفتی، بیش‌تر درباره‌ی چی پست و استوری می‌گذاره؟
آخرین فعالیتش این بود که از توی زندان بوشهر استوری گذاشته بود، گفته بود وحشتناک‌ترین زندان ایرانه، وضعیتش خیلی بده، خیلی بد شکنجه می‌کنن، حتی سوءاستفاده جنسی می‌شه ازشون، بعد به خاطر همین حرفاش براش احضاریه رفته بود، فکر کنم الان توی زندان اوینه بی‌چاره.

- آیا به نظرت این چیزهایی که گفته بود، همه واقعیت داره؟

آره، چرا باید الکی جونش رو به خطر بندازه، بعدم دیگه همه‌مون دیدیم چه جوری توی خیابون مردم رو می‌زدن دیگه، چه برسه به توی زندان‌ها، یه خبر دیدم چند وقت پیش، نوشته بود، ایران در سال بیش‌ترین تعداد اعدامی رو داره، رسماً جنایته، خیلی از اونا یا اعدام‌شون به خاطر اعتراضات یا اگر مجرم هستن، می‌تونن اصلاح بشن، چرا باید بکشن‌شون آخه.

- این آماری که درباره‌ی اعدام هست رو از کجا دیدید؟

پارسال یه خانومی رو اعدام کرده بودن، خبرش همه جا پیچیده بود، بعد توی گوگل آمارش رو سرچ کردم.

- شما توی اینستاگرام و این‌ور و اون‌ور دیدید که مردم رو زدن یا خودتون دیدید؟

سال ۹۸ بود، خیابونا شلوغ شده بود، سر خیابون ما هم خیلی شلوغ شده بود، مامانم نداشت ما بریم بیرون، فیلماش رو دیدم.

- در شکل‌گیری این طرز تفکر شما، اینستاگرام چه تأثیری داشته؟

اینستاگرام نبود که اصلاً این چیزا رو نمی‌فهمیدیم که... مامان بزرگم می‌گه تا قبل این که ماهواره و این گوشیا بیاد، ما فکر می‌کردیم آخوندا خدا هستن.

- مگه توی اینستاگرام چه خبره که شما می‌فهمید آخوندها خدا نیستن؟

مثلاً فیلمای سخنران‌هاشون رو که می‌بینم، بعضی حرف‌هاشون خیلی مسخره است، فیلمای گشت ارشاد رو که می‌بینم، دخترا رو می‌زنن، آخوندا توی خیابون راه می‌افتن دنبال کسایی که حجاب‌شون خوب نیست، بهشون زور می‌گن، می‌گن باید روسریت رو سرت کنی، آرامش مردم رو گرفتن با دین زوری.

- از کجا می‌دونی، این فیلم‌هایی که از اینستاگرام می‌رسه، واقعی هست؟

خب فیلم رو که دیگه نمی‌شه فوتوشاپ کرد، واقعیته دیگه، درضمن خودمم تجربه‌اش رو داشتم، زدنم‌ها، اما اگر می‌زدن که دهن‌شون رو س*** می‌کردم، ولی بلانسبت سگ، خیلی بداخلاق هستن.

- آیا اینستاگرام بر عقاید دینی شما هم تأثیری داشته؟

راستش خودمم نمی‌دونم، تأثیرش چه جوری بوده، ولی می‌دونم از وقتی با یه جامعه بزرگ‌تری در ارتباطم از این طریق، محدودیت‌های دین واسم خیلی مسخره شده.

- یعنی چی، دقیقاً این محدودیت‌های دین منظورتون چی هست؟

مثلاً این که مجبور باشم جلوی پسر خاله‌ام روسری سرم کنم، خیلی مسخره است، من با اون بزرگ شدم، نگاه بدی به من نداره که تا ۹ سالگی پیشش راحت باشم، بعدش چی عوض می‌شه که می‌گن باید موهات رو ببوشونی؟ جلوی پسر خاله‌ام از کلاس هفتم به بعد، تقریباً دیگه روسری سر نمی‌کنم.

- از میان دوستان شما کسی هست که در اثر اینستاگرام عقایدش عوض شده باشه؟

همه‌مون به تأثیری روی عقیده‌هامون داشته دیگه، مثلاً چند ماه پیش با یکی از دوستان حرف می‌زدیم، می‌گفت قبلاً خودارضایی به نظرش خیلی کار زشتی بوده، ولی به بلاگری درباره‌اش به بار حرف زده، روی عقیده‌اش تأثیر گذاشته، می‌گفت به نظرش خودارضایی امن‌ترین روش برای ارضای جنسیه.

- آیا از تصاویر برهنه‌ای که توی اینستاگرام هست هم کاربری داشته؟

یه پیجی بود آیدیش رو یادم نیست، دخترا عکسای نودشون (برهنه) رو می‌فرستادن اون پیج، توی استوری‌ش می‌داشت، چند باری نشونم داده بود، عکساشون واقعاً قشنگ بود، یه جوروی که دل‌م می‌خواست خودم از خودم نود بگیرم.

- ایشون هم عکس‌شون رو فرستاده بودن؟

نه، پیش هم بودیم، نشونم داد.

- خود شما هم آیا از این تصاویر نگاه می‌کنید؟

به قصد این که لذت خاصی ببرم نه‌ها، ولی چندباری توی اکسپلورم اومده، ژست‌هاشون قشنگ ان، حتی شات گرفتم برای دوستانم فرستادم، یه بار گفتم اندامش چه قدر قشنگ افتاده توی عکس، دوستانم هم از این عکسا که می‌فرستاد، خودمونم چند بار وسوسه شدیم از خودمون عکس نود بگیریم، مثل اونا حرفه‌ای نه، ولی یه عکسایی از خودمون گرفتیم، برای هم فرستادیم، در حالی که نیمه برهنه بودیم، مثلاً با حوله، ولی خب دیگه مثل قبل خجالت نمی‌کشیدیم، قبح نداشت برامون این که یه جاهایی از بدنمون رو کسی ببینه.

- تا حالا شده که مثلاً چیزهای هنری ببینی توی اینستاگرام و خوشت بیاد؟

راستش زیاد اهل نقاشی و هنر نیستم، از بچگی هم نقاشیم خوب نبود هیچ وقت، فالوشونم نمی‌کردم، ولی جدیداً یکی از آشناها یه پیج زده، نقاشه، بعد شعرها و تک بیتی‌ها رو با آبرنگ و مداد رنگی، مثل تایپوگرافی می‌نویسه و طراحی می‌کنه، خیلی قشنگن، یه پیج عکاسی هم فالو می‌کنم، دختره عکساش یه مدلی اند، اسم سبک‌های عکاسی رو نمی‌دونم، عکساش یه جور مبهمی اند، همه چیز توش تاره تقریباً، ولی خیلی قشنگ ان، انگار آشفته‌گی درونی اون طرف رو نشون می‌دن، شما می‌دونید اسمش رو؟

- به اون شعرها و تک بیتی‌ها می‌گن سیاه مشق.

باحال هستن، برا کادو قشنگه.

- خوب ولی خودت نشده که متأثر از این‌ها سعی کنی عکاسی یا خطاطی انجام بدی؟

نه، نقاشی که گفتم، زیاد استعدادش رو ندارم، ولی دیدن‌شون رو دوس دارم، بیش‌تر به گویندگی علاقه‌مند شده بودم، یه مدت تحت تأثیر همین پیج‌های گویندگی و پادکست، خیلی دل‌م می‌خواست پادکستر بشم، ولی وقت و حوصله کلاسای صداسازی رو ندارم.

- تا حالا سعی نکردی خودت خطاطی کنی، مثلاً یک دونه از همین سیاه مشق‌ها کار کنی؟

سعی کردم، ولی به شدت ناامید شدم، خطم اصلاً خوانا نیست، جزوه هم که می‌نویسم کسی جز خودم نمی‌تونه بخونه، تنها چیزی که توی این کارای هنری توش استعداد دارم، ویترای هست، چندتا طرح توی اینستا پیدا کردم، یه بار قشنگ بودن، بعد یه پیج آموزشی واسش پیدا کردم، یاد گرفتم، حتی یه ویترای هم برای تولد دوستم درست کردم، خیلی خوشش اومد.

- ویترای چی هست؟

نقاشی روی شیشه، خیلی قشنگه.

- چرا ادامه ندادی؟

هنوزم رنگاش رو دارم، ولی قلموهام گم شدن، بعد سرگرم درسام شدم، وقت نکردم برم بخرم، ولی خیلی دوست دارم دوباره شروع کنم.

- گفתי شعرها رو سیاه مشق می‌کرد، پیج‌های شعر رو هم دنبال می‌کنی؟

تیکه شعرهای قشنگ رو که توی اکسپلور میاد می‌بینم، دیگه بعضیاشون برای بایو تلگرام و اینستاگرام خیلی قشنگ هستن، برمی‌دارم می‌ذارم بایو یا استوری‌شون می‌کنم.

- تا حالا شده متأثر از اون‌ها تلاش کنی، شعر هم بسرایی؟

نه نشده، دفتر داشتم که توش دل‌نوشته بنویسم، ولی هی می‌ترسیدم یکی برداره بخونه‌شون، شخصی بود دیگه، برای همین دیگه همونا رو هم ننوشتیم، همچین قشنگ نبودن، ولی می‌نوشتیم دیگه.

- تا حالا شده که برید توی سایت‌های قماری که شاخ‌های اینستاگرام تبلیغ می‌کنن، شرط‌بندی کنی؟ خودم نه، چون ببازم ضرر کنم، مامان و بابام پدرم رو درمیارن، اطرافیانم شرط‌بندی می‌کردن، دوتا از پسر خاله‌هام و یکی از دوستام که چند سال پیش دوست بودیم، با یه دوست دیگه‌اش پول می‌داشتن روی هم، پسره شرط‌بندی می‌کرد، بعد سهم دوستم رو می‌ریخت.

- خودت هم دوست داشتی که این کار رو بکنی؟

شانسه دیگه این چیزا، منم آدم خوش شانسی‌ام، شاید می‌تونستم ازش درآمد داشته باشم، ولی خیلی ریسکه، از اون جایی که پول توی جیبیم رو از بابام می‌گیرم، نمی‌تونم توی این چیزا خرجش کنم، آخه آمار جیبیم رو دارن.

- گفתי روزی چند ساعت رو در اینستاگرام می‌گذرونی؟

نمی‌دونم، گوشی داریم دسته دیگه، مخصوصاً که آموزش مجازی شده، کلاسامون توی واتساپ برگزار می‌شه، بعضی وقتا و هم‌زمان که معلم داره درس می‌ده، من توی اینستاگرام دارم می‌گردم، هر کاری که می‌کنم، وسطش هی چک می‌کنم، شاید ۷، ۸ ساعت در روز.

- وقت زیادی که توی اینستاگرام می‌گذاری، تأثیری روی درس‌هات هم داشته؟

خیلی کارام عقب می‌افته، دو هفته هست یه تحقیق می‌خوام بنویسم، هی حسش نمیداد، به جاش می‌رم توی اکسپلور می‌گردم و باعث می‌شه همه‌اش تلنبار بشه، آخر هول هولی انجام بدم همه رو.

- تا حالا نمراتت هم به خاطر این موضوع افت داشته؟
اون موقع که حضوری بود، آره، مثلاً نمی‌رسیدم ارایه‌ام رو آماده کنم، چون حوصله نداشتم، وقتم دایم به دیدن پستای مختلف می‌گذشت، بعد نمره‌ام کم می‌شد، ولی الآن خدا رو شکر مجازیه، دیگه همه چی تق و لقه، هم‌چنان نمی‌رسم به درسام، نمی‌خونم، ولی استادا نمره می‌دن.
- خوب پیچ هیچ کدوم از استادای خودتون رو فالو کردی؟
پیچ معلم فلسفه‌ام رو فالو می‌کنم، خیلی دوشش دارم، اصلاً مثل استاد‌های دیگه عقده‌ای نیست، بقیه‌شون انگار ارث پدری شون رو طلب دارن، داد می‌زنن، ولی این آدم خیلی خوبه، فلسفه غرب رو در دانشگاه تهران خونده، بعد بهمون فیلم و کتاب معرفی می‌کنه، استوری هم می‌ذاره، اونا رو می‌خونم.
- یعنی آموزش مجازی باعث افزایش میزان استفاده‌ات از اینستاگرام شده؟
آره، خب دایم گوشی دستمه دیگه، حتی وقتی سر کلاس می‌تونم چک کنم اینستاگرامم رو.
- در مورد دوستان شما چه طور، اون‌ها هم درس شون مثل شما شده؟
جز یه عده که خرخون هستن، قبل آنلاین شدن آموزش هم زیاد اهل این چیزا بودن، بعد الآنم فقط برای درساشون گوشی دارن رسماً، بقیه‌مون مثل همیم، یعنی اونایی که قبلاً هم فعالیت داشتیم، الآن فعالیت‌مون بیش‌تر شده.
- یعنی هیچ کدوم از اون‌هایی که قبلاً خرخون بودن، در اثر اینستاگرام، تغییری در روند درسی شون ایجاد نشد؟
تغییر توی روند درسی همه‌مون ایجاد شده، خب خیلی کم‌تر درس می‌خونیم، معدل ۱۹ و نیم کلاس - مون امسال معدلش ۱۸ شد، ولی هم‌چنان اونا بیش‌تر از ما می‌خونن، ما معدل‌مون رسیده به ۱۶-۱۷.
- آیا پیچ‌های حمایت از محیط زیست رو فالو می‌کنی؟
پیچ حمایت از محیط زیست رو فالو نمی‌کنم، ولی اخبارش رو دنبال می‌کنم، کمپین‌هاشون رو و این چیزا رو، ولی خودم حرکتی نزدم براش، پیچ‌های حمایت از حیوانات رو بیش‌تر فالو می‌کنم، خیلی حیوونا رو دوست دارم، مخصوصاً سگ.
- توی اون پیچ‌های کمپین و اخبارشون چی می‌گذارن؟
واس حیوونایی که توی خیابون پیدا می‌کنن و زخمی‌اند، پست می‌ذارن، شماره کارت می‌دن، پول جمع می‌کنن، برای درمان شون بعد پست می‌ذارن، درباره این‌که هر نژاد سگ رو چه طور باید تربیت کرد، چه سگی به درد آپارتمان می‌خوره و این چیزا.
- دوستان شما چی، اون‌ها این پیچ‌ها رو فالو می‌کنن؟
بعضی‌هاشون کلاً از حیوون‌ها می‌ترسن، بعضی‌هاشون هم دنبال می‌کنن، یکی از دوستانم شوهرش براش گربه گرفت، البته به سرپرستی گرفتن.
- پیچ‌های تورهای مسافرتی و پیچ‌های مربوط به سفر رو فالو داری؟

خییلی دوست دارم این پیجا رو، ولی هی می بینم حسرت می خورم، دیگه سیو می کنم که برم بعداً، ولی کو تا من بتونم مجردی مسافرت برم، ولی حداقل فایده اش این بوده که اطلاعاتم در مورد شهرای مختلف ایران و مکان های گردشگریش بیش تر شده.

- دوستان خودت چه طور، اون ها هم این پیج ها رو دنبال می کنن و آیا تا به حال نخواستید که با هم برید؟

دوستام دنبال می کنن، کلاً همه مون خیلی دوست داریم بریم جاهای مختلف کمپ بزنینم، الان هم بیرون می ریم، ولی ساعت نه شب باید خونه باشیم، دوست داریم مثلاً بریم لب ساحل شب بمونیم که نمی دارن خونواده ها، ولی اگه یه کم بزرگ تر شدیم و باز هم مخالفت کنن، نهایتش اینه که به اسم خوابگاه و دانشگاه می پیچونیم و می ریم.

- تا حالا خودت از طریق اینستاگرام دوست پسر داشتی؟

رابطه لانگ دیستنس نداشتم، اصلاً درکش نمی کنم، ولی یه پسره بود خونه شون چندتا خیابون اون ورتر از ما بود، البته اون هم خیلی زود دلم رو زد، با اون پسره از طریق اینستا آشنا شدم، در واقع من رو از توی پیج یکی از دوستام پیدا کرده بود، با اون دوست بودن، فالوم کرد، استوری هام رو ریپلای می کرد یه مدت زیادی و کم کم با هم راحت شدیم، بعد هم پسره خوشگل بود و معیارهای ظاهریم رو داشت، قدش بلند بود و اینا...، یه مدت با هم اوکی بودیم.

- خوب درباره ی دوستانت، آیا اون ها از طریق اینستاگرام تا حالا رابطه ای با کسی داشتن؟

یه دوستم کلاً همه رابطه هاش مجازی بوده، ولی من اصلاً نمی فهمم این رو، خب اگه نتونی دوست پسرت رو ببینی و بغل کنی، به چه درد می خوره اون رابطه، اگه مسأله چارتا قربون صدقه هست که پدر و مادر آدمم قربون صدقه اش می رن، آدم اگه توی مجازی هم با کسی دوست می شه، حداقل جوری باید باشه که بتونن ببینن هم رو دو بار، دست هم رو بگیرن حداقل.

- آیا رابطه رو فقط بغل کردن و دست گرفتن می دونی؟

فقط این ها نمی دونم، ولی یه بخش خیلی بزرگیش اینه، اصلاً تفاوت رل ها با دوتا دوست اینه که هم رو بغل می کنن یا می بوسن، وگرنه با دوستامونم با محبت با هم حرف می زنیم دیگه.

- تا به حال توی دوستان خودت کسی نبوده که رابطه رو از مجازی بیاره توی واقعی؟

کم پیش میاد خب، یکی از آشناها خیلی قبل تر، توی لاین با هم آشنا شدن و ازدواج کردن، ولی کلی با هم به مشکل خوردن، دارن طلاق می گیرن الان.

- تا به حال این اشکالاتی که به نظرت میاد رو با دوستت مطرح کردی؟

می گم ناراحت می شه، می گه همین که هست کافیه، این خیلی مسخره هست خب، از کجا معلوم پسره با یکی دیگه نباشه، مخصوصاً این که نمی بینن هم رو، بخوایم یا نخواستیم مسایل جنسی مهمه.

- چند سالگی ازدواج کردن؟

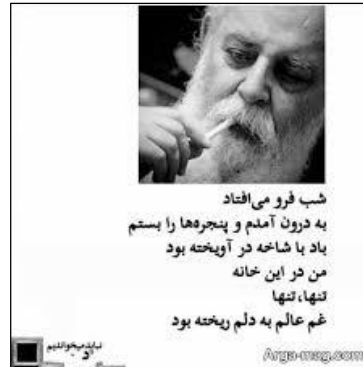
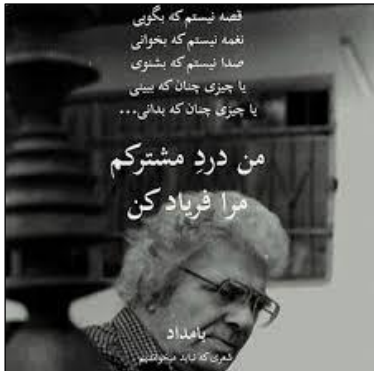
پسر ۲۲ سالش بود، دختره ۱۹.

- خوب پیچ‌های مربوط به کتاب هم فالو می‌کنید؟

آره، پیچ نباید می‌خواندیم رو فالو می‌کنم، پیچ یه بوک بلاگر به اسم نازنین هم فالو می‌کنم که سلیقه کتابامون یکیه، معرفی می‌کنه کتابی رو سیو می‌کنم که بعداً بخونم.

- خوب این پیچ نباید می‌خواندیم، درباره‌ی چی هست؟

تیکه‌های کتابای مختلف رو می‌ذاره، دل‌نوشته‌های نویسنده‌ها، مثلاً نامه‌های فروغ فرخزاد و این چیزا.



- اون خانوم نازنین، توی پیچ‌شون چی می‌گذارن؟

اون هر کتابی که می‌خونه رو معرفی می‌کنه، اگه خوب باشه یا بد هم باشه می‌گه دوشش نداشته،

سلیقه‌هامون هم مثل همه تقریباً، برا همین هر کتابی بگه خوبه رو وقت کنم، می‌خونم.



- بیش‌تر چه جور کتاب‌هایی معرفی می‌کنه؟

اوم بیش‌تر کتابای روان‌شناسی معرفی می‌کنه، کتابای خودشناسی و این چیزا، مثل چهار اثر، نیمه

تاریک وجود.

۱ - نازنین بیاتی زاده ۱۵ دی ۱۳۶۸، بازیگر ایرانی است. او فعالیت خود را با فیلم دربند (۱۳۹۱) آغاز کرد که نامزد دریافت جایزهٔ سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن از جشنواره فیلم فجر شد.

- نظرت درباره چیزهایی که معرفی می‌کنه چی هست و از این چیزهایی که می‌گی معرفی می‌کنه توی زندگی هم استفاده می‌کنی؟

توی کتاب نیمه تاریک وجود، به خاطر اینکه خودمون اون ویژگی رو داریم و فرافکنی می‌کنیم توی آدمای دیگه، دقیقاً از همون ویژگی بدمون میاد و این باعث شده اگه بدی‌ای توی کسی دیدم، ببینم خودم اون ویژگی رو دارم یا نه و خودم رو تغییر بدم.

- خوب اینستاگرام روی سلامتیت اثری داشته؟

از نظر این که زیاد سرم توی گوشیه تأثیر داشته، من می‌گرن دارم، بعد زیاد که گوشی دستم می‌گیرم عود می‌کنه، هر کاری می‌کنم خوب نمی‌شه، هر چه قدرم قرص بخورم، فقط باید بخوابم که خوب بشه، خیلی هم که سرم خم باشه توی گوشی، گردن درد می‌گیرم.

- به نظر خودت، اخلاقت نسبت به قبل داشتن اینستاگرام تغییری نکرده؟

آره، مثلاً از نظر تغذیه همین امروز در مورد فواید خام‌خواری و گیاه‌خواری سرچ کردم، جالب بودن، خیلی مفیده برای پوست و همه چی، ولی از خام‌خواری چندشم شد، شاید گیاه‌خوار شدم، چون کلاً بوی گوشت رو دوست ندارم. بعضی پیج‌های روان‌شناسی که فالو می‌کنم، باعث شدن خیلی رکت‌ر باشم با آدما، اگه باهاشون حال نکردم راحت دیگه مثلاً پیامشون رو سین می‌زنم، جواب نمی‌دم، راحت‌تر می‌ذارمشون کنار یا نه می‌گم، خیلی تأثیر گذاشته دیگه، مثلاً دیگه معتقد نیستم، مثل قبل اخلاقم رکت‌ر شده، کلاً با همه حتی مامان و بابام تعارف ندارم، به کارشون روی مخم باشه، می‌گم.

- تا حالا شده مثلاً باهاشون دعوا کنی یا سرشون داد بزنی یا بهشون توهین کنی؟

آره، خیلی پیش میاد، وقتی که برای یه کاری بهم اجازه نمی‌دن، دعواشون می‌شه، صدام می‌ره بالا.

- تا حالا شده به خاطر این کنار گذاشتن آدم‌ها با کسی دعوات بشه یا شده که درباره کسی زودتر

قضاوت کرده باشی؟

آره، من یکی از دوستانم رو پارسال بعد ۸ سال گذاشتم کنار، به خاطر این که توقع داشت بذارم کل زندگیم رو کنترل کنه، بعد دیشب پدر و مادرش من رو توی خیابون دیدن، روشون رو برگردوندن، یعنی من شدم آدم بده، ولی اون ۸ سال ذهن من رو سرویس کرد، از پدر و مادرم بیش‌تر کنترل می‌کرد.

- در کل فضای اینستاگرام گستره ارتباطات رو بیش‌تر کرده یا کم‌تر؟

آره، هم ارتباطم با دوستای خودم بیش‌تر شده، گروه داریم، پست می‌فرستیم برای هم، هم چند نفر از دوستای چند سال پیشم رو هنوز فالو می‌کنم، دوستیم با هم، یکی شون همدانه اسمش محبوبه هست، فن پیج یکی از خواننده‌های مورد علاقه‌ام بود، با هم آشنا شدیم، دوست شدیم، هنوز هم

دوستیم، یه دوستم داشتم از طریق یکی از دوستای مشترکمون با هم آشنا شدیم، گروه زد آشنامون کرد، مازندران، هنوز فالو می‌کنیم هم رو.

- خوب عمق ارتباطات چی؟

به آدمای مجازی راحت‌تر می‌تونم همه چیز رو بگم، درد و دل کنم باهاشون، چون مطمئنم هیچ کدوم از آدمای اطرافم رو نمی‌شناسن، نمی‌تونن به کسی چیزی بگن، این جور نیست که هر روز حرف بزنی، ولی هر وقت دل‌مون می‌خواد درد و دل کنیم، با هم حرف می‌زنیم، ماهیت دوستی‌مون یعنی صرفاً اینه باهاشون، حالا گاهی هم یه پستایی می‌فرستیم برای هم، درباره‌اش حرف می‌زنیم. - خوب مطالب دپ هم توی اینستاگرام می‌بینید؟

بیش‌تر شعر و دل‌نوشته‌اند، توی این پیجایی که تک بیتی می‌ذارن، توی اکسپلورم میاد سیوشون می‌کنم، یه پیجم به اسم اومیکس هست، با تیکه‌های فیلما و آهنگا ادیت می‌زنه، وقتایی که دلم می‌گیره، اگه حرف زدن با دوستام نباشه، دیگه می‌رم این پستا رو می‌بینم، وقتم رو می‌گذرونم تا خوابم ببره.

- تا حالا شده با این پست‌ها فکر خودکشی در شما ایجاد شه؟

یه مدت واقعاً فاز خودکشی داشتم خیلی، مخصوصاً یه دوره‌ای که مامان و بابام خیلی دعوا می‌کردن، به خاطر یه مشکل خانوادگی که داشتیم، هر دفعه که دعوا می‌کردن، همون موقع من اینستا رو هم تازه نصب کرده بودم، می‌دیدم این چیزا رو، دلم می‌خواست خودکشی کنم، ولی جرأتش رو نداشتم.

- دوستانت چی، آیا بین اون‌ها کسی بوده که در اثر این پست‌ها قصد خودکشی داشته باشه؟

کلاً دخترا توی یه سنی خیلی توی فاز این چیزان، توی دوره راهنمایی، یادمه راهنمایی که بودیم دخترا روی دستاشون با تیغ خط می‌انداختن، خودمم یه بار این کار رو کردم، هنوز جاش مونده، بعد یکی از دخترای مدرسه توی دستشویی مدرسه با تیغ رگش رو زده بود، می‌خواست فقط جلب توجه کنه، همون جور اومد توی سالن، خون می‌ریخت کف سالن، همه ترسیده بودن، بعدم اخراج شد... بیخشید من باید به کاری برسم.

- خوب از وقتی که گذاشتی ممنونم، خدانگه‌دار.

خدافظ.

تأملی دوباره:

مریم ۱۹ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیبایی‌شناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

مریم در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، از عدم تمرکز در مسایل تحصیلی توسط خود و دوستانش اشاره داشته است.

مریم در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: اتکای اطلاعاتی به فضای مجازی، جهانی اندیشیدن، رواج به اشتراک گذاری لحظات خاطره انگیز، شکل‌گیری هویت شبکه‌ای، شکل‌گیری هویت دوپاره شده (در ارتباط با خانواده، اطرافیان و دوستان) در برخی از کاربران، شکل‌گیری هویت کاذب در برخی از کاربران، آرزوی یافتن هویت لاکچری، خلاء الگویی، تعمیق شکاف بین نسلی و احساس حقارت ملی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مریم در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: گسترش اخلاق لذت‌مدار تحت القاءات اینستا، شکسته شدن قبح برهنگی، کاهش شرم و حیاء و به حراج نهادن آبرو برای جذب فالور و نظایر آن، اشاره داشته است.

مریم ۱۹ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: یافتن نگاه نقادانه نسبت به وضعیت اقتصادی کشور، محوریت یافتن پول، پذیرش نسبی کسب پول به روش‌های نامشروع، سوق دادن کاربران به سمت مصرف‌گرایی هر چه بیش‌تر، ترغیب به شرط‌بندی و قمار بازی آنلاین و نظایر آن، اشاره داشته است.

مریم در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: ایجاد اختلاف‌های خانوادگی، مخفی کاری و دور زدن اولیا توسط کاربران، زیر سوال رفتن تدریجی اولیا در برابر فرزند، کم رنگ شدن نسبی اهمیت خانواده برای کاربران، ایجاد اختلاف‌های خانوادگی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مریم در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: ارضای هیجان‌جویی کاربران، عادی دانستن دوست داشتن‌های زودگذر (یا به اصطلاح کراش داشتن روی فردی)، کاهش تدریجی حساسیت، تخلیه روانی و درد دل کردن، احساس حسرت، اختلال در خواب و کم خوابی، استقبال از مواد دخانی، آشنایی عملی با انحرافات جنسی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مریم در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: دیگرپیروی برخی از کاربران در ابعاد زیباشناختی از سلبریتی‌ها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی، تشویق آرایش، استقبال از آرایش و مدگرایی، استقبال برخی از کاربران از جراحی زیبایی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مریم ۱۹ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به تشدید میگردن خویش در جریان کاربری از اینستا، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

مریم در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، از نگاه منفی خویش به سیاست روز یاد کرده است.

مریم در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: نقد نمایش خرافی دین، غرق شدن در دنیا و فاصله گرفتن از معنویات، یافتن نگاه منفی به فرهنگ و تربیت دینی و ایجاد تردید در اندیشه الهی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است. مریم ۱۹ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: طرح ضعف الگوهای بومی مطرح شده، تأثیرپذیری از انبوه الگوهای ارایه شده غربی، پذیرش القانات عقیدتی در پوشش محصولات فرهنگی (فیلم و سریال) آن سوی آب، اثرپذیری از مدل‌ها و مدهای غربی در ابعاد زیباشناختی، اخذ عناصر فرهنگی غرب در لفافه آرایش و مدگرایی، استقبال از عناصر فرهنگی غرب، اثرپذیری از مفهوم کلیدی پول در اقتصاد غرب، اخذ فرهنگ رک‌گویی از الگوهای غربی، کاهش تدریجی حساسیت در برابر سکس و خشونت، جایگزینی تدریجی اینترنت و ماهواره به جای رسانه‌های داخلی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است. اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مریم ۱۹ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، مریم در مصاحبه خویش پس از نقد ضعف الگوپردازی در داخل و بیان عدم ارضای هیجان‌جویی مطلوب طبع نوجوانان و جوانان و طرح نقدهای خویش به خطمشی‌های سیاسی کشور، از جایگزینی تدریجی اینترنت و ماهواره به جای رسانه‌های داخلی سخن گفته است و در گذر کاربری از این رسانه‌ها با تأثیرپذیری از انبوه الگوهای ارایه شده غربی (از سلبریتی‌ها گرفته تا بلاگرها و اینفلوئنسرها) رفته رفته به اخذ ارزش‌های اقتصاد سرمایه‌داری و خدا پنداشتن پول، اخذ ارزش‌های فرهنگی (نظیر کاهش حساسیت در برابر سکس و خشونت)، اجتماعی، عقیدتی و زیباشناختی غرب نایل آمده است.

مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله

کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم.

- سلام عزیزم.

سلام.

- ممنونم که قبول کردی برای مصاحبه هم‌کاری کنی.

خواهش می‌کنم.

- رؤیا جان شما چند سال تون هست؟

۱۶ سالمه.

- چه رشته‌ای در دبیرستان می‌خونی؟

تربیت بدنی می‌خونم.

- شما از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

بله.

- از چه زمانی اینستاگرام رو نصب کردی؟

خیلی ساله، فکر کنم ۶ ساله.

- به نظرت زندگی از زمانی که اینستاگرام رو نصب کردی، تغییری کرده یا نه؟

آره، اما نه از همه جنبه‌ها.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

خب اینستا تغییری توی عقاید من به وجود نیاورده، اما مدل تفریحاتم و خرید کردنم عوض شده،

اونم تازگیا، نه از همون اوایل.

- می‌شه برای این تغییرات مثال بزنی؟

کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده

و ترند (طبق مد) رفتار می‌کنم.

- مثل چه کارهایی؟

مثلاً تازگیا موهام رو کوتاه کردم، چون دیدم مد شده یا این که دیگه مثل خارجیا فقط لباس مارک

می‌پوشم، چون اونا معتقدن که نمی‌تونیم همه‌اش پول لباس بدیم، پس لباس مارک می‌خریم که

دیرتر خراب بشه یا مثلاً جدیداً رقص‌های مختلف همه‌اش توی اینستا می‌بینم، من اونا رو تمرین می‌کنم.

- شما اون اوایل که ۱۰ سالت بوده چه استفاده‌ای از اینستاگرام داشتی؟

اون موقع تقریباً هیچی، به خاطر اصرار دوستانم نصبش کردم و بعضی اوقات عکس‌هایی که می‌گرفتم، پست می‌کردم.

- عکس‌هایی از خودت؟

نه، من عاشق عکاسی بودم و با تبلتم از همه چی عکس می‌گرفتم، بعضیاشون رو پست می‌کردم.

- چند ساعت در روز از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

۳، ۴ ساعت.

- معمولاً چه زمانی از شبانه روز مشغول این برنامه هستی؟

خب یه تایم کوتاهی، صبح وقتی از خواب بیدار می‌شم، فقط استوری‌ها رو چک می‌کنم و عصرها

تقریباً ۲ ساعتی توی اکسپلور می‌گردم و شب قبل خواب.

- شب‌ها چه ساعتی می‌خوابی و صبح‌ها چه زمانی بیدار می‌شی؟

شب ساعت ۱۱ می‌رم توی رختخواب، اما تا ۱ معمولاً بیدارم و صبحا ساعت ۷/۵ بیدار می‌شم و

تا ۸ توی اینستا هستم، بعد روتینم رو انجام می‌دم و واسه کلاس آنلاین می‌شم.

- چرا شب‌ها دیر می‌خوابی؟

خوب اینستا و فضای مجازی جذابیت خودش رو داره، نمی‌شه راحت بذاریش کنار.

- به نظرت این موضوع باعث آسیب زدن به بدنت نمی‌شه؟

چرا، اتفاقاً یه مدت انگشتای دستم شبا تیر می‌کشید، اما از توی همین اینستا یه سری حرکات

ورزشی و اصلاحی درآوردم و انجام دادم، اوکی شد.

- منظورت از جذابیت چی هست؟

راستش دقیق نمی‌دونم، اما وقتی شروع می‌کنم به دیدن عکسا و ویدیوها، خودشون شروع می‌شن

و تموم می‌شن و می‌رن پست بعدی، من و دوستم واسه هم پست‌های جالب سند می‌کنیم و من

دلهم نمی‌خواد، جلوی این روند رو بگیرم، فقط نگاه می‌کنم، با این که خوابم میاد.

- شب‌ها فقط با اینستاگرام کار می‌کنی؟

نه، خب واتساپ اگه دوستم پیام بده می‌رم، اما اکثراً توی اینستا.

- بیش‌تر چه محتواهایی دنبال می‌کنی؟

اکثراً پیج‌هایی که فالو دارم لباس و کیف و کفش اند، بعضیاشون مربی و ورزشکارن و یه چندتایی

واینر و بلاگر.

- از پیج‌های لباس و کیف و کفش، خرید هم کردی؟

بله و کلی پست سیو کردم که بازم بخرمشون، اما اون قدر خوشگل و گرون هستن بعضیاش که دیگه نمی‌تونم بگیرم.

- چرا؟

چون مامانم مدام غر می‌زنه، منم اصلاً حوصله بحث کردن باهاش رو ندارم، فکر می‌کنه ما مثل زمان خودشون هستیم، درکی از شرایط من نداره.

- شرایط شما چه فرقی با جوونی‌های مادرت داره؟

شما خودت هم می‌دونی دیگه دوره زمونه تغییر کرده، الان دیگه خوش‌پوشی و شیک بودن یه ویژگیه عادیه، این که هر کسی توی یه سبکی لباس بپوشه و عالی به نظر بیاد، اما مامان من متوجه نمی‌شه و فکر می‌کنه ۴ دست لباس کافیه.

- سر این موضوع بحث هم کردید؟

اوه تا دلت بخواد، یه بار پلنم (برنامه) با اکیپ (جمع دوستان) رو کنسل (لغو) کردم، چون دلم نمی‌خواست من رو دوباره با اون لباس ببینن.

- توی صحبت‌ها به سبک اشاره کردی، لطفاً بیش‌تر توضیح بده؟

خب الان صنعت مد پیشرفت کرده و بیش‌تر مردم از طریق اینستا و تیک‌تاک اینا با اون آشنا شدن و انواع سبک لباس پوشیدن به وجود اومده، مثلاً گرانچ، مینیمال... .



۱ - مشخصه اصلی سبک گرانچ، ظاهر نامرتب است. در بسیاری از موارد، لباس‌هایی برای پوشیدن انتخاب می‌شوند که باهم مطابقت ندارند.

۲ - مینیمال به معنای حداقل‌ها و سادگی در سبک پوشش در طراحی مد است که در آن عنصر سادگی بیش از هر چیزی دیگری در کانون توجه است.

- شما کدوم سبک رو می‌پسندی؟
- من عاشق سبک مینی‌مالم، رنگ‌های نود (مات و کم‌رنگ) و لباس‌های ساده و تقریباً گشاد که احساس راحتی و مدرنی رو کاملاً درک می‌کنی.
- می‌شه بعضی از لباس‌هایی که مدنظرت هست با قیمت‌شون نشونم بدی؟



- این پیج‌ها سفارشت رو مستقیم از ترکیه می‌فرستن، تمام کاراشون اصله.
- چرا قیمت نداره؟
- چون قیمت‌ها به دلار و نوسان داره و همون لحظه باید بپرسی.
- مثلاً هفته پیش که قیمت کردم، با هزینه ارسالش می‌شد ۱ میلیون و ۴۲۰ تومن.
- حتماً باید مارک باشه؟
- معلومه که آره، پس از تولیدی ایرانی یا چین بخرم که همه می‌پوشن؟ اون طوری که دیگه خاص نیست.

- می‌خواهی این لباس‌ها رو کجا بپوشی؟
- هر جا که حال کنم، خب اونایی که خیلی بازه رو نمی‌شه توی خیابون پوشید، اما بقیه‌شون رو اکثراً واسه بیرون می‌پوشم.
- پس یعنی لباس‌هایی که برای بیرون می‌پوشی پوشیده هستن؟
- نسبت به بقیه لباسام آره، اما نه این که فکر کنی خودم رو با چادر بقچه می‌کنم، مثلاً شلوارهایی که بیرون می‌پوشم، قدش تا پایین زانومه یا مثلاً تاپی که زیر ماتوم می‌پوشم بالا نافی هست.
- از این وضعیت راضی هستی؟
- نه، اتفاقاً همیشه حسرت این خارجیا رو می‌خورم که چه قدر راحت لباس می‌پوشن و می‌گردن، بدون این که کسی بهشون گیر بده یا اذیت‌شون کنه.

- نظر خانواده‌ات در این مورد چی هست؟
- خیلی موافق نیستن، اما کاری ازشون برنمیاد، یعنی اوایل خیلی غُرُغُر می‌کردن یا بابام چند باری باهام بحث جدی کرد، اما من کوتاه نیومدم.
- خانواده‌ات انتظار دارن چه طوری بگردی؟
- اون خودشم به چادر و اینا اعتقاد نداره خدا رو شکر، اما می‌گه آدم باید ساده بگرده و توی چشم نباشه، اما من می‌گم اون پسرها و مردها هستن که نباید به ما نگاه کنن، ما هم حق زندگی داریم.
- در جریان خریدهای اینترنتی، شما چه طوری به طرف مقابل اعتماد می‌کنی؟
- الآن عصر بی‌زینس اینترنتی و تکنولوژی و این که سعی می‌کنم پیج معتبر پیدا کنم.
- چه طوری؟
- از دوستانم می‌پرسم یا از طریق چک کردم استوری و هایلایتایی که گذاشتن، می‌شه متوجه شد کلاه‌بردار نیستن.
- منظورت چه استوری و هایلایتی هست؟
- اونایی که می‌زنه رضایت مشتری و واریزی و یا این که می‌بینی افراد فیمس (مشهور) اومدن تبلیغش رو کردن دیگه، دستت میاد که این پیج اوکیه.
- آخرین بار که ازشون خرید کردی کی بوده؟
- تقریباً همین ۴ روز پیش که هنوز سفارشم نرسیده، از کارای نیو سیزن (فصل جدید) سفارش دادم.
- تاحالا شده از خریدت راضی نباشی؟
- خب آره، اما مشکل از خودم بوده، نه از لباس اونا.
- یعنی چی؟
- خب خودتونم توی عکس دارید می‌بینید دیگه، من قدم کوتاهه و پاهای تپلی دارم، واسه همین لباس اون طوری که دلم می‌خواد توی تنم نمی‌ایسته.
- راه‌کاری هم برای این موضوع پیدا کردی؟
- آره، اولش از آموزش‌های مد کمک گرفتم و سعی کردم لباسایی که به هیکلهم میاد بخرم، اما بعد چند وقت بی‌خیال شدم و تصمیم دیگه‌ای گرفتم.
- چرا بی‌خیال شدی؟
- چون از اون لباسا خوشم نمیاد، مثلاً می‌گه پالتو بلند، خیلی بلند پوشید یا می‌گه شلوار خیلی جذب پوشید که پاهاتون چاق‌تر دیده شه، اما من دقیقاً همه این لباسا رو که می‌گه پوشید، دوست دارم.
- پس به جاش چه تصمیمی گرفتی؟

این که خودم رو و بدنم رو تغییر بدم.

- چه طوری؟

اول رفتم سراغ ورزش که پاهام رو فرم بدم و قدم بلندتر بشه، روی قد که گفتن خیلی تأثیری نداره، چون از سن بلوغم گذشته، اما واسه پا از مربی‌های معروف اینستا برنامه گرفتم و انجام دادم، اما خیلی تغییری نکردم، با این که ۱ ماهه کامل ورزش کردم، واسه همین گفتم دو سال دیگه که ۱۸ سالم شد، می‌رم عمل می‌کنم چربی‌سوزی رو خارج می‌کنم، بعداً می‌تونم همون چربی رو به سینه‌ام تزریق کنم.

- این اطلاعات رو از کجا به دست آوردی؟

مربی واسه برنامه دادن که توی اینستا ریخته، یکی شون خیلی هیکلش خفنه، اسمش شقایق، از همون آنالین برنامه گرفتم، یعنی عکس فرستادم واسش و اینا، واسه قد و این عمل و اینا که یه سرچ توی هشتگ (#) کردم، هر چی می‌خواستم آورد.

- از صحت این اطلاعات مطمئن هستی؟

آره، دیگه همه‌اش تحقیق می‌کنم تا بالاخره متوجه بشم چی به چیه.

- چه طوری تحقیق می‌کنی؟

از طریق همون اینترنت و این که بقیه چه تجربه‌ای داشتن، چون توی اینستا می‌گن همه.

- برای عمل دکتر خاصی مد نظر داری؟

آره، دکتر... این جور عملی زیبایی رو انجام می‌ده و نمونه کاراش رو می‌ذاره و با مراجعینش لایو می‌گیره، کارش عالیه.

- دقیقاً چه جور نمونه کاری؟

عکس قبل و بعد عمل و این که باهاشون صحبت می‌کنه که از عمل راضی بودن یا نه.

- عکس‌ها برهنه هستش؟

وا! خب آره دیگه، باید فرم سینه و باسن و گودی پهلو اینا رو نشون بده.

- اگه عمل کنی می‌گذاری دکتر از عکس‌هات در اینستاگرام استفاده کنه؟

اگه کارش خوب باشه چرا که نه، این طوری به بقیه کمک کردم که دکتر رو خوب بشناسن... .

- یعنی لحظه‌ای که دارن از بدن برهنه‌ات فیلم می‌گیرن، احساس ناراحتی نمی‌کنی؟

شاید اولش یه کم خجالت بکشم، اما خب همه‌مون سینه داریم، دیگه چه فرقی می‌کنه، بعدشم قیافه‌مون توی فیلم نیست.

- به نظرت این کار از لحاظ اخلاقی درست هست؟

اخلاق کیلویی چنده؟ مگه ماها خیلی انسانیت رو رعایت می‌کنیم که حالا نشون دادن بدن جز اخلاقیات محسوب بشه.

- از لحاظ اعتقادات دینیت چه طور، با اون‌ها مغایرت نداره؟
من به دین به اون معنا اعتقاد ندارم، دینی که من قبول دارم به این مسایل کاری نداره.
- اسم دینت چی هست و از کجا اومده؟
اسم خاصی نداره، از آگاهی و دانش به دست اومده.
- اینستاگرام هم در به دست آوردنش کمکت کرد؟
آره خب، اطلاعات مفید خوبی توش داره که چشمت رو به جهان باز می‌کنه.
- مثل چی؟
خیلی زیاده، الآن خیلی یادم نمیداد، اما کلاً توی اینستا خوندم که این زمین و ما از کجا اومدیم و خدا به اون معنی ترسناک وجود نداره، یه انرژی که می‌خواد به ما کمک کنه.
- اگه قبل از این که با اینستاگرام آشنا بشی از شما درخواست می‌شد عکس بدنت رو بگذاری توی فضای مجازی، چی می‌گفتی؟
خب اون زمان شاید به راحتی قبول نمی‌کردم.
- چرا؟
چون خیلی بیش‌تر خجالت می‌کشیدم، اما الآن که می‌بینم همه انجام می‌دن و یه اتفاق عادیه.
- شاید بقیه دارن اشتباه می‌کنن.
درست و غلط موضوع‌ها رو خودمون مشخص می‌کنیم، الآنم این چیزا کاملاً جا افتاده، اگه به خاطر تحریک بقیه بود، قضیه فرق داشت، اما کاری که من می‌خوام بکنم، واسه کمک به کسب و کار یه نفر و اطلاع‌یابی بقیه هست.
- دوست داری پاهات بعد از عمل چه شکلی بشه؟
یه چیزی توی مایه‌های همون مربیه شقایق یا مثلاً آریانا گراند، پای لاغر و کشیده.
- دیگه چه معیارهایی از این اشخاص که گفتی رو دوست داری؟
بینی آریانا عالی‌ه، کوچولو و سربالا، واسه من اندازه دسته بیل، شاید بینیم عمل کردم، بعدشم یه پیرسینگ ریز بزنم.
- پیرسینگ بینی؟
بله.
- آریانا هم داره؟
آره دیگه، چون اون زده، منم می‌خوام بزنم.



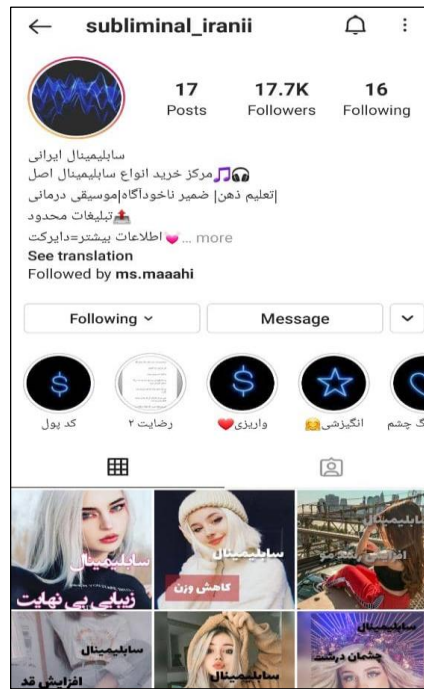
- از دردش نمی‌ترسی؟
- نه بابا، کلی از فیلماش رو توی اینستا نگاه کردم، اصلاً درد نداره، یه مین (دقیقه) با آنژیو می‌زنه و تمام.
- دلیل خاصی داره که می‌خواهی پیرسینگ بزنی؟
- نه، فقط دوست دارم و به نظرم خیلی چهره رو خاص می‌کنه.
- نظر خانواده‌ات در این مورد چی هست؟
- طبق معمول مخالف هستن، اما اهمیتی نداره واسم، چون بدن خودمه و واسه انجام این کار به اجازه‌شون نیاز ندارم.
- چه طور شد که به این نتیجه رسیدی که خودت اختیار بدن خودت رو داری، اینستاگرام نقشی توی این موضوع داشت؟
- خب راستش من کلاً از بچگی، وقتی می‌دیدم با زنا چه جور رفتار می‌شه و بابام من رو مال خودش می‌دونه، بعداً هم شوهرم، خیلی ناراحت می‌شدم. چند وقت پیش توی اینستا، توی پیج‌های فمینیست، یه جنبش دیدم که هر کاری با بدن‌شون می‌خواست می‌کردن، چون مال خودشونه و این موضوع خیلی روی من تأثیر گذاشت واسه این تصمیم.
- منظورت از هر کاری چی هست؟
- هر چی دیگه، تتو یا پیرسینگ یا رابطه با جنس مخالف.
- باهاشون موافق هستی؟
- خب معلومه، چه طور پسرا هر کار دوست دارن بکنن، اما ما چون دختریم نه؟
- پس به نظرت فرقی بین دختر و پسر نیستش؟
- فرق هست، اما نباید از لحاظ قانونی تفاوتی باشه، چون این فرق فقط از لحاظ ظاهریه.
- در مورد قدت چه طور، با اون کنار اومدی؟

واسه اون راهی پیدا نکردم، یه سری قرص‌های گرون قیمت که بی‌فایده بود خریدم که هیچی به هیچی، اما تازگیا یه راهی پیدا کردم که توش دو دلم.

- چه راهی؟

یه پیج هست که با نوعی موسیقی درمانی می‌تونه چشمت رو رنگی کنه، قدت رو بلند کنه و از این کاره، دلم می‌خواد امتحانش کنم، اما باورش واسه خودمم سخته.

- می‌شه لطفاً پیجش رو ببینم.



- می‌شه بیش‌تر در مورد روش این پیج توضیح بدی؟

والا خودمم خیلی نمی‌دونم، توضیحات خود پیجش رو خوندم که گفته بود، روان‌شناسان و آهنگ-سازان که با یک سری کد و پیام مخفی، روی ضمیر ناخودآگاه تأثیر می‌ذارن تا به هر چی می‌خوای برسی.

- از این طریق کسب درآمد می‌کنند؟

بله، پکیج‌های مختلف می‌فروشن به اسم ساب، از ۱۳۰ تومن شروع می‌شه به بالا.

- شما خودت بهشون اعتقاد داری؟

راستش باورش برام سخته، اما خب نشدنی هم نیست، وقتی نظر بقیه رو می‌خونم، دوست دارم امتحانش کنم، اما چون اعتقاد ضعیفه، باز منصرف می‌شم.

- اگه اون عمل‌ها و پیرسینگ رو انجام بدی، احساست نسبت به خودت چی می‌شه؟
خب مطمئناً اون موقع خودم رو خیلی بیش‌تر دوست دارم و راحت‌تر توی جمع‌ها حاضر می‌شم و شاید این طوری بتونم کسی رو جذب خودم کنم.

- منظورت از کسی چی هست؟
(خنده) یه جاست فرزند (دوست معمولی) پسر، فقط همین، مگه دیوونم برم رل (دوستی با جنس مخالف) بزمنم، خودم رو درگیر این کارا کنم.

- الان جاست فرزند نداری؟
راستش من کلاً درون‌گرا هستم و نمی‌تونستم توی جمع‌ها یا حضوری با بقیه حرف بزوم و اوکی شم، در حالی که می‌دیدم دوستانم خیلی راحت این کار رو انجام می‌دن، وقتی کرونا اومد، کلاً همه چی آنلاین و مجازی شد، بعد منم یه کم راحت شدم، توی چت کردن پُروتر بودم و طرف خوشش می‌اومد، اما جدیداً حوصله اون کارم ندارم.

- منظورت از پُرو چی هست؟
خب مثلاً وقتی طرف در مورد مسایل خصوصی (منظور همان جنسی است) حرف می‌زد، بیش‌تر می‌تونستم همراهیش کنم یا این که فعالیت‌ها رو توی اینستا زیاد کردم، پست و استوری می‌داشتم و لباسای راحت‌تر می‌پوشیدم.

- الان چرا تغییر کردی؟
چون چه پسر، چه دختر، خیلی راحت در مورد نظر می‌دادن، می‌گفتن چاقی، پاهات شبیه مرغه یا مثلاً عکس‌هایی که می‌داشتم، خیلی آرایش نداشتم، بهم می‌گفتن شبیه میمونی، برو یه چیزی بمال به صورتت، شب خوابت رو نبینیم، در حالی که از اون‌ور مامانم من رو تحت فشار می‌داشت و اجازه نمی‌داد، حتی توی خونه زیاد آرایش کنم، پس کلاً بی‌خیال شدم.
- تا حالا دوست پسر داشتی؟

نه، فقط همین جوری با چندتا پسر چت می‌کردم، مثل دوست، اما الان همه‌شون توی بلاکن.
- چرا؟

چون دوتا شون خیلی سریع رفتن، سراغ حرفای جنسی و خواسته‌های عجیب داشتن، یکی شون هم اصلاً بهم محل نمی‌داد و من از لحاظ عاطفی، داشتم بهش علاقه‌مند می‌شدم، واسه همین خودم بیش‌تر از این کشش ندادم.

- منظورت از خواسته‌های عجیب چی هست؟
خب یکی شون بود که شدیداً گیر داده بود هم رو حضوری ببینیم و می‌گفت از من خیلی خوشش اومده و توی اون زمان همه‌اش می‌گفت، چرا تا الان رابطه نداستی، تو حق داری این رو

تجربه کنی و از این حرفا، آخر سر که قبول کردم برم بیرون با اون، آدرس خونه شون رو داد که من منصرف شدم.

- بقیه چه طور؟

یکی شون می گفت فقط چت کنیم و عکس بفرستیم و از این چیزا، جفت شون فقط به مسایل جنسی توجه می کردن.

- شما اون کار رو کردی؟

نه بابا (جابه جایی سریع پاها و نگاه به اطراف مصاحبه شونده حکایت از دروغ گویی وی دارد).

- از نظر شما کاری که اون ها کردن درست بوده؟

نه، چون اونا فکر می کنن من یه ابزارم برای برطرف کردن نیاز جنسی شون و این دید حالم رو بهم می زنه، اما مخالف این نیستم که آدم نیاز جنسیش رو برطرف کنه.

- منظورت برطرف کردن نیاز جنسی بدون ازدواج هست؟

آره دیگه، ازدواج که خودش یه چاله محسوب می شه، اما دوتا آدم می تونن با رضایت کامل، بدون این که وابستگی عاطفی بین شون شکل بگیره، نیازشون رو برطرف کنن، تا این طوری به خاطر این نیاز نرن ازدواج کنن و بدتر توی دردسر بیفتن.

- خودت این کار رو می کنی؟

الآن که نه، اما اگه خیلی تحت فشار قرار بگیرم، آره.

- منظورت از این که ازدواج مثل چاله می مونه، چی هست؟

خب یه کار مسخره هست، چون فقط خودت رو می اندازی توی دردسر، باید به یه شخصی پایبند بشی تمام عمر که فکر می کنه تو وسیله شخصیش هستی و از همه فامیل و دوست دور می شی و هر وقت بخواد، باید در اختیارش باشی یا اگه نخواد، نمی تونی بری سر کار.

- کی این موضوعها رو به شما گفته؟

بعضی اوقات که از فک و فامیل می شنوم، اما از توی این پیج های مشاوره اینستا هم خوندم و مطمئن شدم که ۹۰ درصد ازدواجی امروزی کشکه.

- گفتی که داشتی به یکی شون وابسته می شدی، می شه بیش تر توضیح بدی؟

یه پسری بود به اسم نیما که من از چهره و استایلش خوشم می اومد و شروع کردیم با هم حرف زدن، در مورد علایق و زندگی خودمون، اما اون بعد یه هفته خیلی دیر به دیر جواب می داد و از طرفی استوری های عاشقانه می داشت، من فکر کردم مخاطبش منم و کلی ذوق داشتم، اما بعد یه مدت، دیدم توی بیو اسم یه دختره رو زده، فهمیدم اصلاً به من فکر هم نمی کرده، خلاصه داغون شدم و کلاً بلاکش کردم.

- چی باعث شد بهتر بشی؟

هیچی، فقط زمان گذشت برام عادی‌تر شد.

- کسی توی این مدت کمکت نکرد؟

نه، هر کی مشغول خوشی خودش و استوری گذاشتن بود، کسی حوصله یه آدم افسرده نداره.

- تا حالا برات اتفاق افتاده که مثال بزنی؟

آره، تا دل‌تون بخواد، مثلاً یه بار با خانواده سر همین مسایل همیشگی بحثم شده بود و واقعاً دپ بودم و پی‌ام دادم به یکی از رفیقام که حرف بزنی، اونم سریع جواب داد و تا من گفتم این طوریم و اون طوریم و فهمید که می‌خوام درد و دل کنم، دیگه سین نزد با این که آنلاین بود. دو روز بعد اومد گف، وای ببخشید، من خیلی سرم شلوغ بود، در حالی که من استوری اون یکی دوستم رو دیده بودم که با هم رفتن بیرون.

- وقتی این اتفاق افتاد با خودت فکر نکردی که کاش اینستاگرام نبود؟

برعکس، خیلی خوشحال شدم که با این برنامه‌ها، تونستم رفیق واقعی رو بشناسم و بدونم باید

با هر کسی چه طور رفتار کنم.

- توی صحبت‌ها از برنامه‌ی منظم روزانه صبحگاهی خودت صحبت کردی، می‌شه بیش‌تر

توضیح بدی؟

شاید خودتون هم توی اینستا دیده باشید، یه سری فیلم که روتین صبح و شب می‌ذاره و می‌تونن از شون الگو بگیرن، مثلاً روتین من اینه که صبحا یه کم ورزش کششی انجام بدم و یک مقدار آرایش کنم و یه قهوه بخورم و شروع کنم به نوشتن برنامه روزانه، شب هم، روتین پوستم رو انجام می‌دم، یعنی ماسک می‌زنم و از این صحبتا.

- این برنامه‌ها چه میزان وقت رو می‌گیره و چه قدر برات هزینه داره؟

در مورد وقت که می‌شه گفت روزی یک ساعت، اما وقتم رو هدر نمی‌ده و به نظرم جز کارای مفید هستش و اما در مورد هزینه هم بستگی داره، مثلاً اگه بخوای یه ماسک طبیعی توی خونه درست کنی، هزینه‌ای نداره، اما اگه بخوای از این مدل گوگولیا که توی فیلماشون هست بخری، کلی پولش می‌شه.

- شما کدوم رو انجام می‌دی؟

اکثراً اقتصادی رفتار می‌کنم، اما خب دلم می‌خواد از اون ماسکایی که توی فیلماشون هست هم استفاده کنم.

- به نظرت این برنامه‌ها تأثیر مثبتی روی زندگیت دارن؟

انجام خود اون کارها آره، اما فیلمایی که می‌گیرن، خیلی از زندگی واقعی من قشنگ‌تره و من هر چی تلاش می‌کنم به اون مدل نزدیک شم، بی‌فایده هست.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی، منظورت از قشنگ‌تر چی هست؟

خب ببین مثلاً دختره شروع می‌کنه به یادداشت کردن، توی یه دفتر خیلی خوشگل و خاص یا این‌که شمع‌های خیلی قشنگی داره که روشن می‌کنه، من این چیزها رو ندارم و واسه تهیه‌شون هم پول زیاد می‌خوام و هم باید بگردم تا توی تهران شاید پیدا کنم یا مثلاً روتین شب می‌ره توی وان از بمب صابون^۱ و کلی لوسیون استفاده می‌کنه، ما که نه وان داریم، نه این همه لوسیون.



- این شرایط باعث می‌شه چه احساسی داشته باشی؟
من اون کارها رو انجام می‌دم، اما بازم از خودم و شرایطم راضی نیستم و حس می‌کنم باعث می‌شه انگیزهام خیلی ضعیف‌تر بشه واسه زندگی.
- لطفاً در مورد پیج‌های افراد معروف که دنبال می‌کنی بگو، چه کسانی هستند و چه قدر جدی دنبال شون می‌کنی؟
تعداد بلاگرها خیلی کمه، نهایتاً دو نفر که تستر غذا هستن و رستوران‌های مختلف معرفی می‌کنن و من بعداً با دوست یا خانواده می‌ریم اون‌جا، یکی امیر جابری، یکی هم عمو روحی، دو، سه نفر هم واینر هستن، مثل میلادخواه، مبین، عرفان علیرضایی که کلیپای طنز درست می‌کنن که من واقعاً دوس شون دارم و دنبال شون می‌کنم.



۱ - بمب صابونی ترکیبی از صابون و مواد شوینده بدن است که به شکل یه کره درآمده و برای استفاده باید آن را در آب وان و استخر حل کرد.



- بلاگرها دقیقاً چه کار می‌کنن؟
- بستگی داره، خب هر کدوم توی یه زمینه فعالیت می‌کنن و فالورشون می‌ره بالا و با تبلیغات پول جمع می‌کنن، اما اونایی که من دنبال می‌کنم، فقط غذا معرفی می‌کنن.
- به نظرت پیجش کاربردی هست؟
- آره، خیلی، ما خیلی از رستوران‌ها و فست فودای خوب با همین عمو روحی اینا شناختیم، تازه تخفیف هم می‌گیرن واسه فالورها.
- واینرها چه محتواهایی رو طنز می‌کنن؟
- همه چی رو، روزمرگی، روابط دوست دختر و دوست پسری، دختر و پسرای دبیرستانی، بادی بیلدینگ‌های باشگاه و کلاً واقعیت‌های زندگی که شاید خیلیاشونم تلخ باشه، اما اونا طوری بیان می‌کنن که از خنده می‌ترکی.
- اون‌ها از ساختن این کلیپ‌ها چه سودی می‌برن؟
- هیچی، فقط واسه تبلیغات، هر چیم درمیارن حلال شون واقعاً، چون دارن زحمت می‌کشن، نه سایت شرطبندی دارن، نه سر مردم کلاه می‌ذارن، تازه به کسب و کار مردم کمک می‌کنن.
- یعنی مخالف کسانی هستی که سایت شرطبندی دارن، مثل تتلو یا پویان مختاری و امثال شون؟
- حالم از همه شون بهم می‌خوره، باعث می‌شن آدم از ایرانی بودن خودش خجالت بکشه، یه مشت آدم سطح پایین و بی‌سواد. من اصلاً فالو ندارم شون، هر وقت هم پستی در موردشون توی اکسپلورم میاد، درجا می‌زنم می‌ره.
- چرا پیج‌های مربی‌های ورزش رو دنبال می‌کنی؟
- چون مرتبط با رشته خودمه و ازشون چیزای زیادی یاد می‌گیرم، از طرفی هم لذت می‌برم وقتی می‌بینم این همه آدم هیکل‌لای به این خفنی دارن.
- دوست داری شبیه اون‌ها باشی؟
- آره، چرا که نه، اما حالش رو ندارم، واسه همین به فکر عملم.
- بین مربی‌هایی که فالو کردی خارجی هم هست؟

آره، اتفاقاً تعداد اونا بیش‌تره، چون خانمایی که خارج هستن لباس‌های راحت‌تر می‌پوشن و تو بهتر می‌تونی عضلات بدن‌شون رو ببینی، اما مربی‌های خانم ایران، نهایتاً بتونن یه لباس جذب بیوشن که اونم معلوم نیست اصله یا نه.

- منظورت چی هست؟

ایرانیا اون قدر لباس‌شون پوشیده هست که نمی‌تونی بفهمی، اون سینه یا باسنی که از روی لباس ورزشی این قدر بزرگ و ورزشکاریه، واقعیه یا نه با پد مصنوعی و فتوشاپ و این چیزا ساختنش.

- راستی موبایلت چی هست؟

آیفون ۱۲ پرو مکس.

- پس یعنی جدیدترین مدل آیفون رو داری؟

نه، الان ۱۳ اومده.

- دلت می‌خواهد عوض کنی؟

آره، اما خیلی واجب نیست، چون گوشیم هنوزم لاکچریه، فعلاً باید روی پیکرتراشی تمرکز کنم.

- چه طوری این گوشی رو به دست آوردی؟

خوب معلومه، گفتم می‌خوام، بابام خرید.

- نظرت در مورد ویدیوها و عکس‌هایی که مربوط به چالش‌های مختلف هستن چی هست؟

بی‌معنی و مسخره، یه سری افراد دروغ‌گو که دارن نقش بازی می‌کنن و باعث می‌شن احساس

تنهایی و افسردگی کنی.

- چرا؟

خب هر چه قدرم توی چالشا ادا دربیارن، بالاخره با هم دوست بودن که چالش رو اجرا کردن

دیگه، من همون یه دوست رو هم ندارم یا مثلاً می‌بینم یه اکیپ دختر و پسر دور هم جمع شدن

بازی می‌کنن و شام می‌خورن، اما من اگه با یه پسر برم بیرون، مامانم می‌کشتم، چه برسه با چندتا

پسر دور هم جمع شیم.

- این موضوع مشکل همه‌ی هم‌سن و سال‌های شما هست؟

نه، من دوستای خیلی آزادی دارم که راحت دارن زندگی‌شون رو می‌کنن و با دوست پسرشون

می‌رن شمال و کیش و اون قدر استوری می‌ذارن که خدا می‌دونه، خونواده من مشکل داره.

- چرا وقتی اینستاگرام این قدر باعث آزارت می‌شه، حذفش نمی‌کنی؟

چون اون طوری دیگه خیلی بی‌کار می‌شم و این که درسته که خودم نمی‌تونم انجام بدم، اما شاید

یه روز تونستم، مثل بقیه زندگی کنم و اون موقع نمی‌خوام از کسی عقب باشم.

- منظورت از عقب بودن چی هست؟

خب وقتی توی اینستا یه چرخ ساده می‌زنی، می‌فهمی چی مده و چه آهنگی تازه اومده و الآن کی کجاست و از این چیزا.

- پس دوست داری از زندگی بقیه سر دربیاری؟
یه جورایی آره.

- چرا؟

که منم سعی کنم مثل اونا خوب زندگی کنم.

- از کجا می‌دونی تظاهر نمی‌کنی؟

خب اونا تظاهر کنن، اما من یاد می‌گیرم، واقعاً اون مدلی زندگی کنم.

- پیش از این که با اینستاگرام آشنا بشی، چه طوری الگوهای زندگی رو انتخاب می‌کردی؟

خب اون زمان سنی نداشتم که بخوام الگویی داشته باشم، به این مسایل فکر نمی‌کردم.

- به نظرت چه طور می‌شه از اینستاگرام درست استفاده کرد؟

خیلی راحت، فقط باید روی خودت کنترل داشته باشی که سمت مسایل حاشیه و چیزایی که

اذیتت می‌کنه نری و پیج‌هایی رو دنبال کنی که محتوای درستی دارن، مثل پیج‌های مشاوره و مثبت

اندیشی و این چیزا.

- شما به مثبت اندیشی اعتقاد داری؟

بله.

- از چه طریقی با اون آشنا شدی؟

اینستاگرام و تلگرام.

- مثبت اندیشی دقیقاً یعنی چی و چه پایه‌های اعتقادی داره؟

اتفاقاً مثبت اندیشی دقیقاً همون حرف خدا و پیامبران رو می‌زنه، اما به زبون دیگه و به نظرم

مثبت اندیشی باعث می‌شه به دین نزدیک بشی، چون واقعیت‌های دین رو می‌گه و ظواهری که

شاید دیگه قابل قبول نباشه رو می‌ذاره کنار.

- مثلاً چه ظواهری؟

مثلاً مثبت اندیشی می‌گه نماز خیلی خوبه، چون نوعی مدیتیشن هستش و واسه همین خدا گفته

۵ بار در روز انجامش بدیم و دلیل این که گفتن اذان صبح نماز بخونیم، به خاطر این که اون تایم

انرژی زمین خیلی زیادیه و ما وقتی بیدار بشیم، اون انرژی رو دریافت می‌کنیم.

- خوب حالا خودت این کار رو انجام می‌دی؟

دوست دارم، اما راستش نه.

- چرا؟

چون تا چشم بهم می‌زنم شب شده و بعدشم که دیگه یه کم با گوشی فیلم می‌بینم و دیگه حال ندارم پاشم از این کارا کنم.

- پیش از این که با اینستاگرام آشنا بشی، وضعیت اعتقادات دینیت به چه صورت بود؟
من کلاً دین رو قبول داشتم، هنوزم دارم، اون زمان بچه‌تر بودم و تحت تأثیر حرف معلم و کتاب دینی بودم، اما الان همون اعتقادات رو خیلی منطقی‌تر و درست‌تر دارم.

- پس با توجه به این که به دین اعتقاد داری پوشش و اخلاقیات مشکلی ایجاد نمی‌کنه؟
نه، گفتم که دین من به ظواهر کاری نداره، فقط واسش مهمه کارهای درست و انسان دوستانه انجام بدی.

- تا به حال با محتوای محیط زیست توی اینستاگرام روبه‌رو شدی؟
آره، اتفاقاً پست‌های مربوط به این موضوع کم نیستن، یه سری هشتک‌های عمومی مثل جنبش راه می‌اندازن، برای حفاظت از محیط زیست یا کمک کردن و غذا دادن به حیوانات یا یه چیزی که الان خیلی ترند شده، سبک گیاه‌خواری هستش که مدام تبلیغش می‌کنن.

- این پست‌ها باعث شدن شما هم کاری در این زمینه انجام بدی؟
من کلاً عاشق حیواناتم و قبل دیدن این پست‌ها هم، واسه شون غذا می‌داشتم یا اگه می‌شد بچه‌هاشون رو نگه می‌داشتم و بزرگ می‌کردم، پس فکر نمی‌کنم تأثیر این پست‌ها بوده باشه، اما درکل باهاشون موافقم.

- ممنونم بابت وقتی که گذاشتی، خدانگه‌دار.
خداحافظ.

تأملی دوباره:

روای ۱۶ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

رویا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: کاربری اطلاعاتی از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، آموزش‌های سطحی و آسیب‌زا، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

رؤیا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: ردگیری یکدیگر در فضای مجازی، محدود شدن حریم شخصی افراد، شکل‌گیری هویت‌های جدید (هویت شبکه‌ای، هویت کاذب) و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است. رؤیا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: تحقق کاهش تدریجی حساسیت‌ها، شکسته شدن قبح برخی از رفتارها، کاهش شرم و حیا و نظایر آن، اشاره داشته است.

رؤیای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: تغییر ذائقه مصرفی نوجوانان در جریان سلیقه سازی برای آنان، تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، رواج کلاهبرداری اینترنتی، احساس سرخوردگی اقتصادی و نظایر آن، اشاره داشته است.

رؤیا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: ایجاد اختلاف‌های خانوادگی، احساس نارضایتی والدین، مشاجره با خانواده، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

رؤیا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: کاهش تدریجی حساسیت‌ها، ترس عقب ماندن از دیگران، خستگی ذهنی و جسمی در اثر کاربری زیاد از اینستا، جادوی تصویری اینستا، کاهش اعتماد بنفس، درگیر شدن در وسواس فکری، توجه زود هنگام به مسایل جنسی، کاهش سن برقراری رابطه جنسی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

رؤیا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: توجه مفرط به جذابیت‌های جسمانی، توجه مفرط به زیبایی‌های صوری، سوق یافتن به سمت عمل‌های جراحی و پیکرتراشی، سوق یافتن به سمت عمل‌های جراحی پیشرفته، مدگرایی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

رؤیای ۱۶ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: اختلال در خواب، دردهای عضلانی و اسکلتی، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

رؤیا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به نفی خطامشی‌های سیاسی موجود، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

رؤیا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: تحقق دینداری در قالب‌های جدید، پررنگ شدن زندگی مادی، پررنگ شدن سبک زندگی لذت‌مدار، کم رنگ شدن اندیشه معنوی، تضعیف اعتقادات دینی، سوق یافتن به سمت بی‌دینی، خرافه‌گرایی، انتخاب اندیشه فمینیستی مالکیت فرد بر بدن خویش، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

رؤیای ۱۶ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: تحول در گذران فراغت، شروع زودهنگام استفاده از فضای مجازی از سنین پایین، تولید محتوا برای فضای مجازی، کاهش تدریجی حساسیت‌های فرهنگی، استقبال از دیدگاه‌های فمینیستی، سایه گستر شدن فمینیسم، اثرگذاری‌های گسترده فرهنگی انتخاب اندیشه فمینیستی مالکیت فرد بر بدن خویش، تبدیل اینستا به یک مرجع اطلاعاتی و ارزشی، استقبال از روابط نامشروع، الگوبرداری از غرب، الگوبرداری عمیق از الگوها، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه رؤیای ۱۶ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، رؤیا در مصاحبه خویش نشان می‌دهد که از اینستا به عنوان یک مرجع اطلاعاتی و ارزشی سود می‌برد. اظهاراتی نظیر این که «ازدواج مترادف بردگی است»، «زندگی ایده‌آل، داشتن دوست پسر و صرف وقت با او در بیرون است»، «ناتوانی در خرید ماسک‌های صورت برند، اسباب تأسف است»، «مثبت اندیشی همان حرف‌های دین را می‌زند» و مانند آن‌ها، برخی از مواردی هستند که رؤیا با تغذیه ارزشی از اینستا آن‌ها را اخذ و درون‌سازی کرده است.

در همین راستا مواردی مانند: کاهش تدریجی حساسیت‌های فرهنگی رؤیا، شکسته شدن قبح برخی از رفتارها در نزد وی، تغییر ذائقه مصرفی رؤیا در جریان سلیقه‌سازی برای وی، مصرف‌گرایی، ایجاد تعارض‌ها و اختلاف‌های خانوادگی، خستگی ذهنی و جسمی در اثر کاربری زیاد رؤیا از اینستا، ترس رؤیا از عقب ماندن از دیگران، انتخاب اندیشه فمینیستی مالکیت فرد بر بدن خویش، توجه زودهنگام به مسایل جنسی، سوق یافتن به سمت عمل‌های جراحی و پیکرتراشی (مثلاً برداشتن چربی اضافی پا و تزریق آن به سینه)، تحقق دینداری در قالب‌های جدید (نظیر کنار نهادن تکالیف و خوب بودن تنها)، پذیرش خرافه‌گرایی‌ها توسط رؤیا (مانند اعتقاد به تغییر رنگ چشم با شنیدن یک موسیقی خاص)، از دیگر مصادیقی هستند که رؤیا تحت تأثیر اینستا آن‌ها را اخذ و در ذهن خویش درون‌سازی کرده و در اندیشه تحقق عینی و عملی آن‌ها برآمده است.

مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله

اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، وگرنه، نه.

- سلام.

سلام.

- خوبی؟

ممنون، خوبم.

- اسم شما چی هست؟

اسم غزاله هست.

- غزاله خانم، شما چند سال تون هست؟

۲۰ سالمه.

- دانشجویی؟

آره، علوم انسانی می‌خونم.

- وقت داری چند سوال در مورد کاربری جوانان از شبکه‌های اجتماعی از شما بپرسم؟

اشکالی نداره.

- غزاله جان، می‌شه بگی چند ساله موبایل داری؟

حدود هفت سال.

- چند وقته که از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

حدود ۵ سال.

- فکر نمی‌کنی زود شروع به استفاده از اینستاگرام کردی؟

چرا، زود بود، اما اون موقع همه داشتن تقریباً.

- چرا فکر می‌کنی زود بود؟

چون خیلی به درسم لطمه زد و به خصوص ساعت مطالعه‌ام رو خیلی آورد پایین، من اصلاً قرار بود برای استفاده درسی نصبش کنم، چون یکی از دبیرامون یک‌سری نکات تستی و آموزشی می‌داشت اینستا که بچه‌ها می‌گفتند، خیلی مفیده و کمک می‌کنه، نمرات عالی بگیرند و منم به همون علت رفتم اینستا، اما خب به اون استفاده محدود نشد و استفاده‌های دیگه هم بردم و همون‌ها خیلی باعث شد از لحاظ درسی عقب بمونم.

- چی شد که به درست صدمه زد؟

خب اینستا خیلی اطلاعات متنوع و پست‌های جذاب داره و باعث می‌شه، بخوایم بیست و چهار ساعته توی اون بگردیم و وابسته بشیم بهش و بدون هیچ دلیلی بریم سراغش، تازه چیزای مفید زیادی هم نداره، خیلی کم مطالب خوب و آموزنده داره، بقیه‌اش نامناسب و بد هست.

- روزی چند ساعت از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟
حدود ۶ ساعت این جوراً.

- می‌شه از مطالب نامناسبی که گفتی مثال بزنی؟

می‌دونی اون زمان که من شروع به استفاده از اینستا کردم، خب سنم که کم‌تر بود و توی دوران نوجوانی بودم، یک‌سری چیزای بیهوده، مثلاً اخبار سلبریتی و شاخ‌های مجازی برام جذاب بود و خیلی درگیرش بودم. مثلاً تتلو چه کار کرد، دنیا جهان‌بخت چی شد و با کی توی رابطه است و اینا. الگوریتم اینستا این جوریه که میاد پست‌هایی که بیش‌تر ازشون دیدن می‌کنی رو شناسایی می‌کنه و از اون مدل بیش‌تر برات میاره و اکسپلور من، پر همین مطالب شاخ‌های مجازی و لایوهای اون‌ها بود.

- آیا این مطالب روی شما اثری گذاشتن؟

آره، به شدت، اون زمان خیلی بد دهن شده بودم و فکر می‌کردم فحش دادن، نشونه باکلاس بودن و البته جو دوستانم خیلی اثر گذاشت توی این مورد، زمانی که اینستا نصب کردم، خود به خود دوستانم تغییر کردند و بیش‌تر به سمت اون بچه‌هایی که اینستا داشتند و کلاً شیطون بودن، جذب شدم، در حالی که قبلاً جزو گروه درس خوان‌ها بودم و همین مسأله هم حرف زدند و هم لباس پوشیدند رو خیلی تغییر داد، البته الان صحبت کردنم متعادل شدم، اما هنوز نوع لباس پوشیدنم رو حفظ کردم، چون شیک‌تره.

- لباس پوشیدنت چه تغییری کرده؟

خیلی طبق مد لباس می‌پوشم و لباس‌های شیک‌تری انتخاب می‌کنم، قبلاً ساده می‌پوشیدم، قبلاً یه لباس رو می‌گرفتم چهار سال می‌پوشیدم تا پاره بشه، اما حالا زود به زود لباس می‌گیریم و لباسا و کفش‌ها و این‌ها رو با هم ست می‌کنم، به قول بابام غزاله می‌ره بازار، بازار رو با خودش میاره، تقریباً ماهی دو، سه تا لباس می‌خرم.

- به نظرت استفاده از اینستاگرام تونسته باعث ایجاد فرهنگ لذت‌گرایی در شما بشه؟

بله، خیلی زیاد، مثلاً تبلیغاتی که انجام می‌شه، چه خواسته یا ناخواسته روی تو و دیگران اثر می‌ذاره. نمونه ساده همین اینفلوئنسرهایی که محتواهای طنز می‌سازند، اون‌ها برای درآمدزایی مجبور به تبلیغ هستند و به خاطر همین، انواع مختلفی از وسایل و لباس و... رو تبلیغ می‌کنند و مردم هم به سمت خرید اون‌ها کشیده می‌شن که خود من هم همین‌طور هستم یا مثلاً به شکل

غیرمستقیم با نشون دادن زندگی‌های خیلی لذت‌بخش خودشون، یه جورى به مردم القا می‌شه که فقط همین زندگی رو داریم و باید از اون لذت ببریم، خود من وقتی که چنین چیزهایی رو می‌بینم، قطعاً زندگی رو ساده‌تر می‌گیرم و دیگه مثل مامان و باباهامون که خیلی زندگی رو سخت می‌گرفتند و روی اعتقاداتشون خیلی سخت‌گیری می‌کردند، زندگی رو سخت نمی‌گیرم.

- منظورت از ساده گرفتن زندگی چی هست؟

این که حتماً مطابق با چیزی که قانون جامعه بهمون می‌گه رفتار کنیم، گفتن چادر بپوش، پس می‌پوشم، گفتن نماز بخون، پس می‌خونم، اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، وگرنه، نه.

- فکر می‌کنی این تغییر خوبه یا بده؟

فکر می‌کنم این تغییر نه خوبه و نه بده، به هر حال چیزی هست که اتفاق افتاده، بیا فرض رو بر این بگذاریم که اون دنیای ماوراء طبیعی که ازش این همه حرف زده شده، وجود نداره و اگه ما تمام عمرمون یه زندگی ساده و بدون هیچ لذتی داشته باشیم و بمیریم، واقعاً اون موقع پشیمون می‌شیم، پس خیلی بهتره که الان از زندگی خودمون لذت ببریم. من نمی‌گم خیلی بی‌بند و بار رفتار کنیم یا خیلی آزادانه هر کاری دل‌مون خواست انجام بدیم، ولی حداقل هر چیزی به نظرم یک بار امتحان کردنش واقعاً خوبه، شاید نظر تو یا یکی دیگه با من فرق داشته باشه، ولی فکر می‌کنم، هیچ کس نمی‌تونه نظر اون یکی رو درباره این مورد تغییر بده، چون این نوع نگاه من به زندگیه.

- مثلاً چه چیزهایی رو امتحان کنیم؟

غذاهای گرون، رفتن به هتل‌های شیک، لباس‌های مارک و برند خریدن، رابطه‌های عاشقانه و اینا.

- شما خودت این‌ها رو امتحان کردی؟

خیلی رو آره، ولی یک‌سری رو نه هنوز.

- این نظرهایی که الان داری، تا چه اندازه به استفاده‌ات از اینستاگرام مربوط می‌شه؟

آشنایی ما با محیط‌های لاکچری از طریق فضای مجازی و اینستاگرامه دیگه، قبل از این که توی اینستا هتل‌های خیلی مجلل یا لباس‌های برند رو ببینیم و بشناسیم، تقریباً اطلاع دقیقی ازشون نداشتیم، شنیده بودیم یا توی تلویزیون یه کم با اون رو به رو شده بودیم، ولی به صورت گسترده، فقط اینستا ما رو با اون مواجه کرد و هم‌چنین جرأت این که بریم بعضی‌هاشون رو تجربه کنیم، مثلاً روابط عاشقانه رو از طریق اینستا به دست آوردیم.

- یعنی روابط عاشقانه رو از طریق فضای مجازی به دست آوردی؟

بله.

- اگه امکانش هست می‌شه بیش‌تر درباره‌اش توضیح بدی، این که چه طور آشنا شدین؟

از اون جایی که دانشگاه‌ها هنوز مجازیه با بچه‌های کلاس‌مون توی تلگرام یه گروهی داریم و اون‌جا با هم آشنا شدیم، یکی از پسرها خیلی جذاب بود برای من و من روش کراش داشتم، اما خوب نمی‌شد برم بهش توی گروه یا پی‌وی بگم که من روت کراش دارم، تا این‌که یکی از بچه‌ها گفت آیدی‌های اینستاتون رو بدین و اون‌جا هم رو فالو کنیم و منم آیدی‌م رو دادم و اون اومد فالو کرد و منم فالووش کردم و روز تولدش استوری گذاشت، منم فرصت رو غنیمت شمردم و جرأت‌م رو جمع کردم، رفتم تبریک گفتم و طبق همیشه که توی گروه با هم حرف می‌زدیم، شروع کردیم توی دایرکت صحبت کردن و یهو گفت من ازت خوشم اومده و هی می‌خواستم پیام بهت پیشنهاد بدم و نشده و اینا، منم گفتم اتفاقاً منم همین‌طور و خلاصه با هم یه جورایی رفتیم مرحله بعد و رابطه‌ی صمیمی رو شروع کردیم و طی زمانی که گذشته احساس می‌کنم، واقعاً شخص خوبی و هر دو به هم علاقه‌مند شدیم، اگه اون روز استوری نداشته بود یا من نرفته بودم دایرکتش، چیزی بین‌مون نبود، پس این رابطه‌مون رو مدیون اینستا مییم.

- قبل از نصب اینستاگرام، نظرت درباره‌ی ایجاد روابط با جنس مخالف چی بود؟

من اون دوره توی یه شهر کوچیک زندگی می‌کردم و خاصیت شهرهای کوچیک، اینه که این روابط رو نادرست می‌دونند و من هم تحت تأثیر نظر خانواده حواسم بود که یه چنین رابطه‌ای نداشته باشم، من حتی تا یک سال بعد از نصب اینستا، همچنان به نظرم این روابط بد بودن و وقتی به پست‌های این چینی می‌رسیدم، احساس گناه و حس عذاب وجدان داشتم که دارم این‌ها رو می‌بینم و از ترس این‌که خانواده‌ام ببینند و دعوا کنند، سریع ردشون می‌کردم.

- دیدن چه جور پست‌هایی؟

پست‌هایی که در اون جنس مخالف خیلی بهم هم نزدیک بودن و هم رو می‌بوسیدند، اما بعد کم‌کم برام عادی شد و دیگه حس بدی نداشتم و حتی خوشم می‌اومد و سریع نمی‌زدم بره.

- دیدن این پست‌ها نسبت به قبل از استفاده از اینستاگرام باعث ایجاد چه تغییرات دیگه‌ای در

شما شد؟

یکی از نظر نوع نگاهم به این روابط بود که گفتم و یکی دیگه هم نمی‌دونم بگم یا نه، اما بذار بگم، وقتی می‌دیدم تازه یک‌سری نیازهای جدیدی رو در خودم کشف کردم و چون نه راه درست برطرف کردنش رو بلد بودم و نه آموزشی دیده بودم، به شکل بدی با اون کنار اومدم و کارهای اشتباهی انجام دادم و اصلاً راه دیدن این فیلم‌ها رو پیدا کردم و از سایت‌های پورنوگرافی دیدن کردم.

- دوستان خودت چه طور؟

کلاً زیاد درباره‌اش حرف نمی‌زنیم، چون مسایل شخصی هست، ولی توی حرف‌های دیگه خودشون، مشخصه که اون‌ها هم تجارب این چینی مثلاً رابطه‌ی جنسی با دوست پسرشون یا مثلاً خود ارضایی رو داشتند.

- آیا وقت‌های دیگه‌ای هم بوده که موقع حضور در اینستاگرام عذاب وجدان داشته باشی؟
بله، خیلی زیاد، یه مدت بود که بدون اطلاع خانواده از اینستاگرام استفاده می‌کردم و همین باعث می‌شد که احساس کنم کار اشتباهی دارم انجام می‌دم یا مثلاً وقتی که امتحان دارم و می‌شینم پای اینستا، وقتم رو هدر می‌دم و هی عذاب وجدان این رو دارم که چرا درس نمی‌خونم یا قبلاً کوچیک‌تر که بودم، بعضی وقت‌ها با چیزایی توی اینستا روبه‌رو می‌شدم که دیدنش با اعتقاداتم جور در نمی‌اومد، مثلاً یه سری فیلم‌های نامناسب می‌دیدم یا رمان‌های نامناسب می‌خوندم و اعتقاد داشتم که نباید این کار رو انجام بدم و به خاطر همین خیلی اذیت می‌شدم که آخرش باید چیزی که می‌خوام انجام بدم، یه چیزی که فکر می‌کنم درسته، ولی بعد کم‌کم متوجه شدم که خیلی از چیزهایی که فکر می‌کنیم نادرسته، به خاطر القائات خانواده و جامعه بوده و به خودی خودشون اشتباه نیستند و البته استفاده نادرستم هم از فضای مجازی و اینستا کم‌تر شد و دیگه چنین مشکلاتی برام پیش نیومد.

- گفתי یک‌سری مواردی به خودی خود اشتباه نیستند و به خاطر خانواده و جامعه و القائات‌شون فکر می‌کردی اشتباه هستند، می‌شه در این باره مثال بزنی؟

مثلاً همون فیلم‌های پورن یا این‌که من گاهی عکس‌هایی که در اون‌ها حجاب نداشتم، از خودم می‌داشتم یا با پسرا صحبت می‌کردم، خانواده این‌ها رو خیلی اشتباه و بد و نامناسب می‌دونست و اون اوایل من واقعاً دچار دوگانگی شده بودم، نمی‌دونستم این درسته یا اون، از یه طرف اعتقادات خانواده رو داشتم، از طرفی هم حس کنجکاویم مجبورم می‌کرد، این‌ها رو ببینم و یا مثلاً دوست‌هام هی می‌گفتند، دوتا عکس از خودت بذار توی پیجت یا می‌رفتیم خونه‌ی هم و بدون حجاب زیادی عکس می‌گرفتند و استوری می‌داشتند و منم باید خودم رو شبیه‌شون می‌کردم، البته حرفم این نیست که کار اشتباهیه و نباید انجام می‌دادم، اما به هر حال اون زمان بین اعتقاداتم و رفتارم، دوگانگی زیادی وجود داشت.

- آیا الان نسبت به قبل از استفاده از اینستاگرام به جز این مواردی که گفתי، اعتقاداتت تغییری

داشته؟

آره، خانواده من تاحدی مذهبی هستند و منم تا ۵، ۶ سال پیش آدم محجبه‌ای بودم، نه چادر و اینا، اما به حجاب و پوششم خیلی حساس بودم، اما کم‌کم به نظرم اومد که چه اشکالی داره، منم شبیه اکثریت جامعه باشم و شیک بگردم و یا حتی از ایران برم که بتونم آزادانه زندگی کنم یا مثلاً حرف زدن با پسرها رو درست نمی‌دونستم و سعی می‌کردم دوستانم کسایی باشن که زیاد از این جور درگیری‌ها رو نداشته باشن، اما الان نه دوستانم چنین ویژگی‌هایی دارن و نه خودم، سوالات زیادی

برام درباره خدا و دنیا و آفرینش ایجاد شده و حقیقتاً دیگه اون مسایل دینی باورش برام سخته و بعید می‌دونم بهشت و جهنم و خدا و فرشته و... وجود داشته باشه و حتی اگه هم وجود داشته باشه، بعید می‌دونم چنین چیزایی که به اسم دین خوردمون دادن، اهمیتی داشته باشه.

- فکر می‌کنی علتش چی بوده؟

خب این سبک زندگی اکثر شاخ‌های مجازی و اینفلوئنسرهای اینستا هست و وقتی من می‌بینم شون، ناخودآگاه تحت تأثیر جذابیت‌های سبک زندگی لاکچری شون قرار می‌گیرم و دلم می‌خواد شبیه اون‌ها باشم و اعتقادات مذهبی کمی که داشتم هم کنار می‌ره. یه جورى انگار قبلاً منبع اعتقادات و ارزش‌هامون خانواده بوده، اما حالا اینستا و کلاً فضای مجازی جایگزینش شده.

- آیا تا به حال توی اینستاگرام با محتواهایی روبه‌رو شدی که خرافه‌گرایی رو رواج بدن؟

نه واقعاً، فکر کنم حتی باعث کم شدن خرافه‌گرایی هم شده، مثلاً وقتی که ببینی شخصی که آدم مطرحیه، مثل اینفلوئنسرها و می‌گه که این خرافه‌ها مسخره هستند، قطعاً مثل اثرات دیگه، مردم از این هم اثر می‌پذیرند و این خرافه‌گرایی‌ها را کم‌تر می‌کنه، مثلاً دیگه کم‌تر کسی رو می‌بینی که فکر کنه عدد ۱۳ نحسه یا اگه گربه سیاه ببینیم، فلان می‌شه و از همین چرت و پرت‌ها.

اما شاید اگه بهش فکر کنیم، یه مدل خرافه‌گرایی جدید ایجاد کرده باشه، البته نمی‌تونم اسمش رو بذارم خرافه‌گرایی، اما خب به هر حال اعتقاد بی‌اساسی وجود داره، مثلاً این که تعداد فالورهای یک نفر نشان دهنده موقعیت اجتماعی باشه و این یه اعتقاد مسخره هست که افراد را بر اساس تعداد فالورهاشون بسنجیم و به نظرم این یک مدل خرافه‌گرایی جدیده.

- قبل از نصب اینستاگرام، درباره‌ی دوستی‌های مجازی چه نظری داشتی؟

دوست‌های هم‌جنس رو نظری نداشتم، اما دوستی با جنس مخالف در اینستا و فضای مجازی رو حرام اندر حرام و آسیب‌زا می‌دونستم، به خاطر چیزهایی که دیده بودم، اما وقتی دیدم این روابط عادیه توی جامعه، دلم خواست تجربه کنم و ببینم چه جوریه.

- گفתי دوستی با جنس مخالف رو به خاطر چیزهایی که دیده بودی آسیب‌زا می‌دونستی، می‌شه

درباره‌اش توضیح بدی؟

من یه زمانی کلاس گیتار می‌رفتم و با چندتا از دخترها، اون‌جا دوست بودم و خیلی صمیمی بودیم، اون زمان تازه اینستا اومده بود، خب چون اون بزرگ‌تر از من بودن، اینستا رو نصب کردند و یکی‌شون با یکی حرف می‌زدن و رابطه‌شون به خاطر فرستادن جوک‌های ۱۸+ که رد و بدل می‌کردند، خیلی صمیمی شد و با هم رل‌زدن و بعد پسره، هی بهش می‌گفت بیا قرار و اینا و خلاصه که اتفاقات نادرستی اون وسط پیش اومد و با هم رابطه جنسی داشتند دو، سه ماه و بعدش پسره حرف کات کردن رو پیش کشید و دوست منم وضعیت روحیش واقعاً نابود شد و دیگه کلاس نیومد و ارتباطمون اون‌جا تموم شد. برای همین من حس می‌کردم همه‌ی پسرها غیرقابل اعتماد و عوضی

ان و منتظر هستن تو یه نگاه بهشون بکنی تا کار خودشون رو بکنند، اما بعد که توی اینستا و با توجه به حرف‌های دوستانم با پسرها برخورد داشتیم، متوجه شدم اصلاً چنین چیزی واقعیت نداره و پسرها، خوب و بد دارن، الانم که خودم توی رابطه‌ام، متوجه شدم باید آدم درستش پیدا بشه و اگه پیدا بشه، خیلی هم خوبه.

- از چه نظر خوب هست؟

توی اینستا آشنایی بیش‌تری می‌تونی با طرف پیدا کنی، این‌که چی استوری می‌کنه، چی رو دنبال می‌کنه، نشون دهنده شخصیته و من قبل از این‌که بهش علاقه شدید پیدا کنم، کاملاً متوجه سبک و سلیقه موسیقی و غذا و سبک زندگی و... اون شدم و به نظرم این برای آینده رابطه‌مون خیلی خوبه.

- آیا اینستاگرام تأثیری در نظر شما روی مسأله ازدواج داشته؟

بله، از یک طرف من پست‌های مختلف و استوری‌های دوست‌هام رو می‌بینم که همه دارن ازدواج می‌کنند و به این مسأله ترغیب می‌شم و از طرف دیگه کسی رو پیدا کردم که همه جوره با اون صمیمی شدم و بهش علاقه‌مند شدم و آینده‌ام رو با اون تصور می‌کنم و همین باعث می‌شه که نسبت به ازدواج متمایل باشم.

- به نظر شما اینستاگرام روی ایجاد روابط عاشقانه بین هم‌جنس‌ها هم اثری داشته؟

نه، به نظرم ربطی به اینستا نداره، شاید اینستا باعث آشنایی طرفین بشه، اما توی ایجاد روابط نقشی نداره.

- به نظر شما اگه اینستاگرام و اطلاع‌رسانی‌هاش در این مورد نبود، افراد گرایش‌های خودشون رو راحت می‌پذیرفتند؟

خودشون آره، ولی دیگران نه، می‌شه گفت اینستاگرام نگاه دیگران به این مسأله رو تغییر داده و باعث شده حدود نیمی از جامعه بپذیرند که این مسأله تابو نیست و همین کمک می‌کنه به افراد که گرایش‌شون رو راحت‌تر اعلام کنند، اما خودش نمی‌تونه باعث ایجاد این گرایش‌ها بشه.

- به نظر شما نوجوان‌هایی که در دوره‌ی هویت‌یابی خودشون هستند هم از این قبیل پست‌ها تأثیر می‌پذیرند؟

نمی‌دونم، شاید این اتفاق بیفته، کلاً دوره‌ی نوجوانی دوره‌ای هست که افراد هویت‌های مختلف رو هی امتحان می‌کنند تا بالاخره به هویت خودشون برسند، اگه فرد توی اینستاگرام با انواع گرایش‌ها و هویت‌های مختلف آشنا بشه، ممکنه اون‌ها رو هم وارد پروسه هویت‌یابی خودش بکنه و شاید سردرگم هم بشه، چون این مسأله گرایش‌های مختلف جنسی به نظر من خیلی مسأله جذابییه و از اون‌جایی که با قوانین و سنت‌ها در تضاده، خیلی جذاب‌تر هم می‌شه، به خصوص توی دوره

نوجوانی که افراد دنبال هیجان جویی هستند و می‌خوان و رای قوانین عمل کنند، اما فکر نکنم اثرات خیلی جدی داشته باشه، چون در نهایت این سیر طبیعی ریشه.

- به نظر شما اینستاگرام می‌تونه باعث تمایل به خودکشی بشه؟

بله، چون افراد توی فضای مجازی، مثل هندونه در بسته‌اند و قبل شناخت کامل، نمی‌شه گفت یکی آدم خوبیه، یکی آدم بد و اگه از بی‌تدبیری گیر به آدم نادرست بیفتی، ممکنه آسیب‌های جدی به آدم برسونه، مثل همون دوستم که گفتم توی اینستا و فضای مجازی با یه پسر آشنا شد و همین باعث آسیب جدی اون شد و دچار افسردگی شد.

- تا به حال برای خودت یا اطرافیان پیش اومده که بخواید به خودکشی فکر کنید؟

خودم نه، اما برای یکی از اطرافیان من پیش اومده.

خاله من شش، هفت سال از من بزرگ‌تر بود، چند وقت پیش یعنی حدود ۴ یا ۳ سال پیش، برای ماجراهایی که پیش اومده بود، خودکشی کرد.

- می‌شه بگی چه علتی داشت؟

به من نگفتند، اما چیزی که فهمیدم، این بود که با یه پسر به صورت مجازی، حالا نمی‌دونم اینستا یا جای دیگه، آشنا شده بود و پسر هم خیلی خوب بود و حتی با خانواده هم رفت و آمد می‌کرد و دیگه همه کاملاً بهش اعتماد داشتند، اولین بار برای سرمایه‌گذاری و کار با هم آشنا شدند، اما خاله‌ی من پول زیادی رو برای سرمایه‌گذاری نداشته بود، چون هنوز نمی‌تونست اعتماد کنه، اما خب بعد که اعتمادش رو جلب کرد و حتی به دروغ ازش خواستگاری هم کرد، کاملاً بهش اعتماد کرد و ماشین و خونه و طلاهاش رو فروخت و بهش داد تا سرمایه‌گذاری کنه که روز بعد پسر از کشور خارج شده بود. هر چه قدر هم دنبالش گشتند و اینا، پیداش نکردند، خاله‌ی من هم که نتونست تحمل کنه، خودکشی کرد و متأسفانه فوت کرد.

- آیا اینستاگرام روی اخلاقت هم اثری گذاشته بود؟

نمی‌دونم روی اخلاقم بود یا چی، اما به شدت ددت با خانواده توی بحث و جدل بودم.

- چرا؟

من می‌خواستم چیزای جدید امتحان کنم و کارهای خفن انجام بدم، اون‌ها نمی‌داشتند و محدود می‌کردن.

- مثلاً چه کارهایی؟

مثلاً بیرون رفتن با اکیپ دوستانم یا شرط‌بندی.

- چرا نمی‌گذاشتن با دوستان خودت بیرون بری؟

چون یه اکیپ مختلط بودیم، دوستانم چندتا شون دوست پسر داشتند و با دوست پسرشون و دوستای اون‌ها که بیش‌تر توی اینستا هم رو فالو داشتیم، یه اکیپ باحالی داشتند که زیاد این طرف و اون طرف و حتی سفرم می‌رفتند، اما بابای من نمی‌داشت.

- شما همه‌ی اون‌هایی که توی اکیپ بودن رو می‌شناختی؟

همه رو نه، اما ۸۰ درصدشون رو آره، توی اینستا هم رو فالو داریم، از همون جا من متوجه بیرون رفتن‌ها و سفرهاشون می‌شم.

- آخرش باهاشون بیرون رفتی یا نه؟

اون زمان نه، اما اخیراً چرا رفتم، البته بدون این که به خانواده بگم، قرار بود دو روزه برن کاشان و دانشگاه منم همون کاشانه، با همکاری بچه‌ها و اینا، منم به بهونه این که استادمون گفته یک جلسه حضوری باید بیاین، رفتم اون‌جا.

- فکر می‌کنی چرا خانواده‌ات مخالف هستن؟

چون فکر می‌کنند ممکنه اتفاق بدی بیفته برام، چون دوستانم رو نمی‌شناسند و نمی‌تونند اعتماد کنند، اما من که می‌شناسم می‌دونم قابل اعتمادند.

- به نظرت این آشنایی که در اینستاگرام به وجود اومده کافی هست؟

آره تقریباً، به هر حال زندگی شخص توی اینستاست دیگه، می‌شه شناختش.

- امکان دروغ گفتن نیست؟

نه، دیگه طرف چرا دروغ بگه، دوستیم با هم خیر سرمون و دوستانم مدت خیلی بیش‌تریه که با اون‌ها ارتباط دارند.

- به نظرت اینستاگرام روی روابط اجتماعی چه اثرات دیگه‌ای داشته؟

به جز گسترده کردن روابط دوستانه‌ام، تقریباً هیچی.

- روابط خانوادگی شما نسبت به قبل از استفاده از اینستاگرام چه تغییری داشته؟

اطلاعاتم رو برده بالاتر و همه جا حرف برای گفتن دارم و همین اعتبارم رو پیش خانواده بالا برده.

- گفتی خانواده به شما اجازه‌ی شرط‌بندی نمی‌دادند، می‌شه بیش‌تر راجع بهش توضیح بدی؟

آره، خب ببین یه زمانی این پیج‌های شرط‌بندی خیلی مشهور شده بودن و خیلی هم توی اینستا، تبلیغات می‌شد درباره‌شون و منم چون خیلی درگیر این شاخ‌های مجازی و این جور چیزها بودم و اون‌ها خیلی تبلیغ می‌کردند و حتی خودشون هم سایت داشتند، زیاد باهاشون روبه‌رو می‌شدم و دلم می‌خواست از این طریق پولی چیزی به دست بیارم، اما نشد، چون خانواده‌ام اعتقاد داشتند که کار حرامیه، اما من دیگه برام حرام بودن و نبودنش، اهمیتی نداشت زیاد.

- الان چه طور، هنوز هم دلت می‌خواد شرط‌بندی کنی؟

والا الان یعنی حدوداً یک ساله که به نظرم مسخره میاد و راههای بهتری برای کسب درآمد هست و به همین دلیل دیگه تمایلی ندارم، اما اون اولاً خیلی می‌خواستم این کار رو انجام بدم.

- چه کاری برای کسب درآمد انجام می‌دی؟

سرمایه‌گذاری توی بورس.

- سودآور بوده؟

خیلی زیاد، من با ۱۰۰ هزار تومن شروع کردم، الان خیلی بیش‌تر شده.

- چی شد که سمت بورس رفتی، ربطی به اینستاگرام داشت؟

بله، همه یه مدت بود از بورس حرف می‌زدند و می‌گفتند خیلی خوبه، اما من کلاً کاری به حرفها نداشتم، چون سنم هنوز برای این کارها کمه و نیازی به پول نداشتم، ولی یه روز توی اینستا، رسیدم به یه پستی که تیتزش رو نوشته بود، آموزش بورس برای همه و منم رفتم ببینم چیه اصلاً که اگه یه جایی بحثش شد، دوباره یه چیزایی بدونم، اما علاقه‌مند شدم و به کمک بابام سرمایه‌گذاری کردم، از ۱۰۰ هزار تومن شروع کردم که چیزی برای از دست دادن نداشته باشه و دیدم خیلی خوب شده و افتادم روی غلطک، بعد واقعاً اون پیج آموزش‌های خیلی خوبی بهم داد و به خاطر اون بود که وارد شدم و سود کردم، وگر نه، همون اول همه چی می‌رفت.

- دیگه کسی رو می‌شناسی که به شکلی از طریق اینستاگرام شروع به درآمدزایی یا سرمایه‌گذاری کرده باشه؟

بله، زن عموم کار بازاریابی انجام می‌ده و محصولاتش رو تبلیغ می‌کنه.

- نظرت درباره‌ی این کسب و کارها چی هست؟

از یه طرف خوبه، چون نیازی به مغازه و اینا ندارن و با سرمایه کم می‌شه کار راه انداخت، اما از طرفی خیلی وقت گیره و با بسته شدن پیج که یه چیز عادیه و ممکنه پیش بیاد، افراد خیلی ضرر می‌بینند و به نظرم ریسک بالایی داره.

- به نظرت اینستاگرام تا چه اندازه روی رواج این نوع کسب و کارها اثر داشته؟

طبیعتاً وقتی می‌بینی بقیه دارن از این طریق درآمدزایی می‌کنند، تو هم ترغیب می‌شی.

- قبل‌تر درباره‌ی رفتن از ایران هم یک چیزهایی گفتی، اینستاگرام روی این نظرت درباره‌ی مهاجرت اثری داشته؟

بله، قطعاً.

- چه دلیلی برای مهاجرت داری؟

مشکلات اقتصادی و کم آبی و... البته شاید این کم آبی برای خیلی از استان‌های دیگه مشکلی نباشه، ولی برای اصفهان خیلی مسأله جدیه، این چند وقت یه استوری دیدم، درباره‌ی همین مشکل و نوشته بود پیش بینی شده که تا ۴ سال آینده زمین‌های اصفهان فرونشست شدیدی داشته باشند،

به خاطر برداشت شدید آب از سفره‌های زیرزمینی و فاضلاب کشی ناصحیح و همین که این رو دیدم، تازه وخامت ماجرا رو درک کردم و چند وقتی می‌شه خیلی شدید دنبال یه شهر دیگه توی ایرانیم که بریم اون‌جا، البته ترجیح من اینه که کلاً کشورمون رو تغییر بدیم، اما خانواده‌ام این مسأله رو نمی‌پذیرند که از ایران بریم و یا من از ایران برم.

- اینستاگرام روی این نظرت چه اثری داشته؟

می‌شه گفت تنها راهی که می‌شه این مسایل و مشکلات رو فهمید یکی صحبت با خانواده هست یکی اینستا که با توجه به شرایط کرونا و کم شدن رفت و آمدها، این آگاهی‌رسانی‌ها توسط اینستا انجام می‌شه و به همین دلیل که گفتم، اینستا نظرم رو نسبت به مهاجرت تغییر داده. هم‌چنین توی اینستا آزادی مردم کشورهای دیگه و دوم رفاه اون‌ها رو می‌شه دید و همین مسأله منجر می‌شه به علاقه به مهاجرت، از طرف دیگه، اظهار نظر افراد متخصص درباره‌ی شرایط زندگی رو بهمون نشون می‌ده و با نظر متخصص آشنا می‌شیم و می‌فهمیم که دقیقاً داره چه اتفاقی می‌افته. بعد کلاً می‌شه گفت به خاطر محبوبیت اینستا، روی تمام جنبه‌های زندگی کاربرانش اثر داشته.

- به نظرت علت محبوبیت اینستاگرام بین مردم چی هست؟

جذابیت مطالبش چون از نوع تصویریه، تنوعش، سرگرمی و استفاده‌های علمی و انگیزشی که می‌شه ازش داشت.

- می‌شه درباره‌ی مطالب علمی و انگیزشی که گفتمی بیشتر توضیح بدی؟

بله، مثلاً صحبت‌های دکتر انوشه که هم خیلی خوبه هم می‌شه ازش استفاده کرد، مثلاً من روی خودم کار کردم که با اطرافیانم با صبر بیشتری رفتار کنم یا ارتباطاتم رو قوی‌تر کنم و در کل کنترل رفتارم رو توی دستم گرفتم. مطالب انگیزشی هم توی دوره کنکور زیاد به دردم می‌خورد، من خیلی دیر درس خوندم برای کنکور رو شروع کردم و فکر نمی‌کردم قبول بشم، اما هی صحبت رتبه‌های برتر رو می‌خوندم که می‌گفتن از فلان وقت شروع کردن و رتبه‌هاشون خوب شده، انگیزه پیدا کردم و یا این‌که به کل از رشته خودم خوشم نمی‌اومد و می‌خواستم بعد تموم کردن دبیرستان، از طریق کنکور هنر برم رشته طراحی لباس، اما با آشنا شدن با رشته فعلی خودم، متوجه شدم واقعاً دوستش دارم و رفتم اون رشته.

- چرا طراحی لباس؟

چون توی اینستا زیاد پست‌هایی که مربوط به هنر و طراحی لباس باشه می‌دیدم قبلاً، واقعاً رشته جذابی، این‌که با مداد بتونی هنر خلق کنی، خیلی جذابه و فوق‌العاده زیبا هست.

- به نظرت استفاده از اینستاگرام لازم هست؟

استفاده صحیح، بله لازمه، اما اگه قرار باشه کسی مثل قبلاً من، روزی ۲۰ ساعت توی گوشی باشه که هم هر روز بخواد اینترنت بخره و هم زمانش رو از دست بده، به نظرم نداشته باشه بهتره،

به خصوص دوران دبیرستان، اون دوره خیلی اینستا می‌تونه وقت خوب آدم رو بگیره، اون زمان رو من می‌تونستم کلی کتاب بخونم، اما نشد.

- به نظرت سن مناسب استفاده از اینستاگرام چه سنی هست؟

۱۸ سالگی به بعد.

- چرا؟

چون اون زمان دیگه شخص درست و غلط رو تقریباً می‌فهمه و اثرات بدی که اینستا می‌تونه داشته باشه کم‌تر می‌شه و حداقل دوره دبیرستانش تموم شده و آینده‌اش تحت تأثیر زیاد قرار نمی‌گیره.

- به نظرت این بچه‌هایی که از سنین کم، مثلاً از دبستان از اینستاگرام استفاده می‌کنند، دچار چه مشکلاتی می‌شن؟

مشکلات خیلی زیادی، توی این سن شخص هنوز نمی‌تونه درست و غلط رو تشخیص بده و خیلی بیش‌تر از افراد دیگه تحت تأثیر مطالب نامناسب اینستا قرار می‌گیره، خودم رو که مثال زدم و تازه من سنم خیلی هم پایین نبود.

- می‌شه توضیح بیش‌تری بدی؟

آره، مثلاً آدم از همون بچگی می‌افته توی مسیر زیبایی‌های ظاهری و این جور موارد، دنبال مد و چیزای جدید و قشنگ و از همون بچگی یاد می‌گیره که باید خودش رو با دیگران مقایسه کنه، چیزی که ما الآن چند ساله با اون روبه‌رو هستیم رو بچه از سن کم با اون درگیر می‌شه و این اصلاً درست نیست یا مثلاً با محتواهای نامناسب جنسی توی اینستا برخورد می‌کنه و این‌ها خیلی باعث آسیب زدن به اون می‌شند، علاوه بر این باعث شکل‌گیری اطلاعات نادرست در اون‌ها می‌شه، هم باعث تحریک حس کنجکاوی‌شون می‌شه و ممکنه برن سمت سایت و مطالبی که حس کنجکاوی‌شون برطرف بشه، مثل خود من و حتی بدتر، گاهی هم این مسایل رو براشون عادی می‌کنه و اگه مورد تجاوز قرار گرفتند، براشون چیز غیرعادی نیست و به کسی نمی‌گن و باعث می‌شه که زودتر با این مسایل آشنا بشند و نیازهای جنسی و بلوغ جنسی‌شون زودتر ایجاد بشه و همین باعث ایجاد رابطه با جنس مخالف از سن کم می‌شه.

من چند وقت پیش با دختر عموی ۱۱ ساله‌ام حرف می‌زدم و درباره‌ی دوستاش برام می‌گفت که رابطه دارند با پسرها و حتی به شکل غیرقابل باوری می‌گفت، دوستم گفته، مامانم گفته باید تا ۱۴ سالگی صبر کنم که بتونم رابطه جنسی داشته باشم و الآن فقط در حد بوسه پیش می‌ریم و منتظرم بزرگ بشم تا رابطه جنسی داشته باشم. وقتی من این رو شنیدم، داشتم شاخ در می‌آوردم.

- به نظرت علت این استفاده‌ی زودهنگام از اینستاگرام چی هست؟

خانواده‌ها، چون خودشون غرق در فضای مجازی هستند، اصلاً اهمیتی نمی‌دن به سن بچه و اجازه می‌دند بچه‌ها از سن کم گوشی داشته باشند و حتی ذوق می‌کنند که بچه‌ها با سن کمش می‌تونن توی فضای مجازی باشه، از اون طرف بچه هم که می‌بینن خانواده‌اش ۲۴ ساعته توی گوشی هستند، یاد می‌گیره و اون هم استفاده می‌کنه. تازه بعضی اولیا هم که خودشون بچه رو به این سمت سوق می‌دن و بچه‌ها رو به تولید محتوا از سن کم مشغول می‌کنند و این به شدت باعث مشکل توی بچه‌ها می‌شه، هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روانی که گفتم.

- به نظرت استفاده‌ی خانواده از اینستاگرام روی بچه‌هاشون چه اثری می‌گذاره؟
نمی‌دونم واقعاً، چون نمونه‌ی خاصی اطرافم ندارم، اما قطعاً کسی که خیلی از اینستاگرام استفاده کنه، وقتی برای بچه داری و بازی کردن و بزرگ کردن بچه نداره و همین یک معضل خیلی بزرگه و به نظرم اگه توی آینده همه خانواده‌ها، به همین نوع و اندازه استفاده از موبایل و اینستاگرام ادامه بدن، بچه‌هاشون زندگی خیلی سختی دارند. البته شاید این استفاده اولیا از اینستا، بتونه تفاوت‌های نسلی بین خودشون و بچه‌هاشون رو کم کنه و راحت‌تر بتونند بچه‌ها رو درک کنند، واقعاً نمی‌دونم چه اتفاقی قراره بیفته، ممکنه خوب باشه ممکنه بد.

- به نظرت اینستاگرام می‌تونه باعث ایجاد اختلاف در خانواده‌ها بشه؟
بله، خیلی زیاد، همین الانش نیمی از دعوای خونه‌ی ما سر اینه که من چرا توی اینستا هستم یا مثلاً خانواده‌هایی که درآمد خوبی ندارند، ممکنه تحت تأثیر چشم و هم‌چشمی‌هایی که توی اینستاگرام هست، اختلافات شدید بین شون به وجود بیاد و حتی از هم جدا بشن، قبلاً که اینستاگرام نبود، نهایتاً ادما درباره‌ی زندگی هم دیگه توی مهمونی‌ها می‌شنیدند، اما الان خیلی راحت با باز کردن اینستا، می‌تونن ببینن که هر کس چی کار کرده، چه غذایی خورده، کجا رفته، چی خریده و همه این‌ها و همین باعث بالا رفتن انتظارات افراد از هم دیگه می‌شه یا مثلاً توی اینستا با فیلترها و این همه آرایش و عمل جراحی، می‌شه گفت هیچ آدم زشتی وجود نداره، ولی در فضای واقعی که این طور نیست و خب این مسأله ممکنه باعث ایجاد اختلافات خانوادگی بشه.

- می‌تونن در این باره مثال بزنی؟
نه، هیچ کدوم شون رو توی اطرافیانم ندیدم، اما از مطالبی که خوندم و اخبار اجتماعی خانوادگی و چیزهایی که از اطرافیانم شنیدم، این‌ها را گفتم.

- آیا استفاده از اینستاگرام روی استفاده‌ی شما از مشروبات الکلی و یا سیگار اثری داشته؟
نه، به نظرم برای افراد کمی این مسأله پیش میاد، مثلاً با دیدن فیلم و عکس‌هایی که توی اینستا به طرف سیگار و مشروب، به خصوص سیگار جذب می‌شن، اما نه صد در صد، بیشتر هم نوجوون‌ها و افراد کوچک‌تر این کار رو می‌کنند، من خودم یک بار سیگار کشیدم، اون هم به خاطر دوستانم بود که می‌کشیدن.

- الان بیش تر چه چیزهایی رو توی اینستاگرام دنبال می کنی؟

مطالب مربوط به رشته ام، آموزش رقص به صورت حرفه ای، چون کلاس می رم و گیتار که اونم

به صورت حرفه ای کار می کنم.

- مواردی رو که گفتی کاربردی هستند؟

به شدت، من رقص رو از طریق اینستا اول شروع کردم، بعد که خوشم اومد رفتم کلاس، گیتار

هم برام جنبه یادآوری داره، چون دیگه به خاطر کرونا کلاس نمی رم، با کلیپ ها کار می کنم، به

خصوص آهنگ های جدید رو، مطالب علمی هم بیش تر به شکل آموزش کاربردی و این جور

مهارتم بالاتر می ره. راستی مطالب فن بیانم کار می کنم، من کلاً آدم زیاد حرفی نبودم، برای

همین با مطالب فن بیان، دارم روی صدام و لحنم کار می کنم.

- آیا از طریق اینستاگرام فیلم و سریال هم دنبال می کنی؟

نه، چون تم یاری نمی کنه و خیلی زود به زود تموم می شه اون جور، اما گاهی بعضی فیلم ها

رو اون جا تیزر و تبلیغش رو می بینم و می رم دانلودش می کنم.

- بیش تر چه فیلم هایی؟

علمی- تخیلی یا درام.

- فیلم و سریال ایرانی چه طور؟

قبلاً فقط از تلویزیون فیلم و سریال می دیدم، اما الان که توی اینستا، تبلیغات فیلم های خارجی

رو می بینم، کلاً اون فیلم های ایرانی هیچ جایگاهی ندارند برام، چون من علاقه ای به سبک های

عاشقانه مسخره ندارم و علمی- تخیلی می پسندم و فیلم و سریال های ایرانی ژانر و سبک علمی-

تخیلی ندارن و حقیقتاً سریال های تلویزیون خیلی مسخره هست و اون پخش خانگی ها هم پولیه و

من نمی تونم پرداخت اینترنتی کنم با کارت خودم و بابام هم اهل سریال نیست و یاری نمی کنه.

- آیا استفاده از اینستاگرام اعتماد به نفست رو نسبت به قبل از نصب اون تغییری داده؟

نه.

- درباره ی دوستان خودت چه طور؟

بله.

- می شه توضیح بدی؟

از یک طرف توی اینستا افراد جنبه ی خوب زندگی شون رو نشون می دن و شادی هاشون رو و

مسافرت ها و غذاهای رنگ و وارنگی که می خوردند و همین باعث می شه افرادی که به خاطر شرایط

اقتصادی شون، نمی تونند چنین کارهایی بکنند، دچار سر خوردگی بشند و اعتماد به نفس شون رو از

دست بندن و فکر کنند، اون ها فقط این مشکلات رو دارند. الان که دقت می کنم، می بینم خودمم

همین طور بودم و زمانی چنین مشکلی برام پیش اومد، دوستانم چندتایی شون آیفون داشتند و با اون

عکس می‌گرفتند و من نداشتم و همین یه کم اذیتم کرد و باعث شد در مقابل اون‌ها زیاد اعتماد به نفس نداشته باشم، از طرف دیگه هم مثلاً افرادی که چهره‌ی طبیعی دارند، ممکنه وقتی با سلبریتی‌ها و افرادی که صورت‌شون، تماماً جراحی زیبایی شده یا آرایش سنگین دارن روبه‌رو بشند و فکر کنند که قشنگ نیستند و باید اون‌ها هم عمل زیبایی انجام بدن و مثال این رو در اطرافیانم زیاد دارم. تمام دوستانم بعد از دبیرستان بینی‌هاشون رو عمل کردند و ژل تزریق کردند و این‌جور کارها یا مثلاً خود من طرف افرادی که می‌شناسم این‌جوری هستن نمی‌رم، به همه می‌گم به خاطر اینکه که خوشم نیاد. من از این که کسی من رو با اون‌ها مقایسه کنه و بگه من زشتم، می‌ترسم، اما این مسأله خیلی زندگیم رو تحت تأثیر قرار نداده و سعی دارم کنترلش کنم.

از طرف دیگه این مسأله هم می‌تونه باعث ایجاد اعتماد به نفس کاذب بشه توی افراد، مثلاً یه عکس می‌ذاره و کلی لایک می‌خوره و حالا فکر می‌کنه دیگه خداست و همه باید زانو بزنند جلوش، نمونه‌اش یکی از دوستانمه، اول خیلی با هم صمیمی بودیم تا این که یهو و لایک پست‌هاش که اغلب عکس‌های خیلی ناجور از خودش، بالا رفت و از اون موقع زیادی خودش رو می‌گیره، یه جورى که انگار می‌خواد بگه من خیلی خفنم و شما در مقابل من هیچی نیستید، در حالی که زیاد چیز خاصی نداره حقیقتاً.

- تا به حال شده دیدن پست‌های دیگران باعث ایجاد حسادت در شما بشه؟

بله، جدیداً مد شده هر کس از دواج می‌کنه، عکس‌های مختلف‌شون رو توی اینستا پست و استوری می‌کنن، بعد همین مسأله باعث می‌شه گاهی اوقات آدم احساس کنه، از هم‌سن و سال‌هاش عقب افتاده یا مثلاً بعضی‌ها هر مسافرت و مهمونی که می‌رند، عکس می‌گیرند و پست می‌کنند، هر غذایی درست می‌کنند هم همین‌طور، خوب این‌ها همه باعث می‌شه آدم از زندگی خودش راضی نباشه، چون قطعاً یه سری از این کارها رو من نمی‌تونم انجام بدم، بعضی‌ها هم هستند که اصلاً شرایط مالی درستی ندارند و خیلی از این چیزها رو تا حالا تجربه نکردند و خوب همه این‌ها باعث می‌شه بعضی‌ها حسادت کنند.

- آیا اینستاگرام باعث عصبی شدن و پرخاشگری شما شده؟

بله، استفاده بیش از حد از اینستا باعث می‌شه رفتارمون رو نتونیم کنترل کنیم و رفتارهای پرخاشگرانه نشون بدیم.

- به نظرت این مسأله چه جورى پیش میاد؟

با الگوگیری از افراد خاص، مثلاً سلبریتی‌ها یا همین شاخ‌های مجازی، مثلاً یه سری رفتارهایی که تتلو در برخورد با افراد مختلف داره، باعث می‌شه همه فکر کنند، اگه چنین رفتارهایی داشته باشند، خیلی خفن و باحال هستند و من هم قبلاً هم این احساس رو داشتم و به همین علت گاهی

پیش می‌اومد، بدون هیچ دلیلی، وقتی که توی مدرسه، یکی از بچه‌ها به هم یه حرف خیلی ساده می‌زد، شروع می‌کردم فحش بدم و داد و بیداد کنم و خب این رفتار اصلاً درست نبود.

- آیا اینستاگرام میزان خوابت رو نسبت به قبل از استفاده از این برنامه تغییر داده؟

آره، من قبل خواب می‌رم توی اینستا که یه ربع اینستا رو چک کنم و دیگه بیرون نمیام، مثل چاله فضاییه.

- این کم خوابی چه اثراتی روی شما داشته؟

خب صبح که کلاس دارم، نمی‌تونم تمرکز کنم روی درس‌هام و خواب آلوده‌ام و کلاً سر کلاس حواسم سر جاش نیست. می‌خوام درس بخونم، اصلاً تمرکز ندارم، صبح‌ها و از اون طرف چون تا دیر وقت توی اینستا، سر درد می‌گیرم وقتی بیدار می‌شم.

- دیگه چه اثرات جسمی نسبت به قبل از استفاده از اینستا برات داشته؟

چون گوشی رو مدت زیادی بالا نگه می‌دارم، دستام درد زیادی دارند اصولاً و چشمام ضعیف‌تر شده.

- تغذیه‌ات تحت تأثیر استفاده از اینستاگرام تغییری داشته؟

آره، خیلی کم خوراک شدم، همه‌اش دلم می‌خواد این غذاهای لاکچری که توی اینستا هست رو بخورم و امتحان کنم و از غذاهای تکراری خسته شدم.

- به نظرت اینستاگرام می‌تونه باعث ایجاد افسردگی در افراد بشه؟

بله، ممکنه مثلاً همین اخبار و شایعات دروغی که پخش می‌شه، باعث بشه مردم کم‌کم امید خودشون رو از دست بدن و در نتیجه دچار افسردگی بشن.

- منظور از اخبار و شایعات دروغ چه چیزهایی هست؟

مثلاً اخباری که درباره‌ی گرونی و شرایط اقتصادی هست، اصلاً قرار نیست که جنسی گرون بشه، اما خب وقتی این شایعه می‌پیچه، مردم امیدشون رو از دست می‌دن یا مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، پخش شدن عکس‌های مناسبت‌های مختلف هست یا مثلاً همون غذاها و عکس سفرهایی که پست و استوری می‌کنند، همه این‌ها با هم دیگه باعث می‌شه که افرادی که از لحاظ اقتصادی شرایط خوبی ندارند، دچار افسردگی بشند. بعضی مواقع پیش میاد که مثلاً عکسی که شخص توی پیجش به شکل کلوز فرند گذاشته، پخش می‌شه و خوب این هم باعث می‌شه که یه کم شخص دچار استرس و اضطراب و حتی افسردگی بشه، یکی از دوستای من، چند وقت پیش یه هم‌چنین اتفاقی افتاد براش، اون هیچ وقت از این‌ها نبود که عکس‌های خیلی باز توی اینستا بذاره، اما یه بار با چندتا از دوستاش توی خونه خودشون تولد گرفته بودند و یکی از عکس‌های نسبتاً باز تولدش رو استوری کرد و به خاطر این‌که خانواده‌ای نسبتاً مذهبی داشت، نمی‌خواست که خانواده‌اش در این باره چیزی بدونن، اما یکی از اقوام نزدیکشون و چندتا از دوستاش از همون عکس اسکرین شات

گرفته بودند و استوری کرده بودند و بهش تبریک گفته بودند، درسته که این مسأله از روی قصد و غرض نبود، اما بازم خیلی باعث اذیت شدنش شد و خیلی استرس و اضطراب داشت که نکته خانوادهاش این عکس رو ببیند.

- آیا می‌تونی مثال دیگه‌ای از همین اضطرابی که به خاطر اینستاگرام به وجود میاد در خودت بزنی؟

بله، مثلاً همین اخبار بازگشایی دانشگاه‌ها و حضوری شدن امتحانات از اول مهر، تا الان هی توی پیج‌های مختلف اخبار متضاد و متناقضی پخش می‌شه، یک بار می‌گن دانشگاه‌ها حضوری می‌شه و حتی امتحانات حضوری قراره برگزار بشه، یه بار می‌گن کاملاً مجازیه و این بلا تکلیفی ما، باعث ایجاد استرس در ما می‌شه، نمی‌دونیم روی پروژه‌هایی که بهمون دادند، برای آموزش مجازی کار کنیم یا بشینیم درس‌ها رو بخونیم که امتحانات حضوری رو بتونیم پاس کنیم و به شخصه من خیلی از این مسأله استرس می‌گیرم. البته این مسأله فقط به خاطر اینستاگرام نیست و بیش‌تر به خاطر عدم مدیریت درست کشوره، اما جایی که من بیش‌تر این اخبار را می‌بینم، اینستاگرام هست و اگه نبود، من چنین چیزهایی رو هی با اون درگیر نبودم.

- دیگه چه نوع اخباری رو دنبال می‌کنی؟

اخبار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی، کلاً هر مدل خبری، ولی اخبار مورد علاقه‌ی خودم، اخبار سیاسی، حتی یه زمانی بود که توی دوره دبیرستان، این قدر به این مسأله سیاست علاقه داشتم که می‌خواستم برم رشته علوم سیاسی، اما خانوادها مخالفت کردند و گفتند، این رشته عاقبت خوبی نداره، به خصوص برای من که نمی‌تونم جلو دهنم رو بگیرم.

- چرا عاقبت خوبی نداره؟

چون برخلاف این که می‌گن آزادی بیان وجود داره، هیچ آزادی بیانی نیست، کوچک‌ترین حرفی بزنی که به مذاق شون خوش نیاد، جلوت رو می‌گیرند، یه بار یکی از معلم‌هامون چند سال پیش داشت توی کلاس درباره‌ی یکی از مسایل اقتصادی و سیاسی بحث می‌کرد و شرایط جامعه را نقد می‌کرد و بیش‌تر صحبتش درباره‌ی انتخابات بود، صحبت‌هایی که می‌کرد یه مقدار متضاد با اون چیزایی بود که به دل مسوولین بشینه و چند وقت بعد دیدیم، دیگه نیومده و آخر بار فهمیدیم که به گوش اداره رسیده و مشکل براش ایجاد شده، وقتی که تو بخوای حرف بزنی، باید همه چیز حکومت رو تأیید کنی، هر چند که قابل تأیید نباشه.

- مگه شرایط چه جوریه که قابل تأیید نیست؟

وقتی توی کشوری زندگی می‌کنیم که سران مملکت‌مون به جای این که سیاست بلد باشند روحانی هستند و رئیس جمهورمون تحصیلاتش تحصیلات حوزویه، نتیجه‌اش می‌شه این که وقتی خشکسالی می‌شه، به جای این که به یه دونه متخصص بگن که باید چه کار کنیم، با اعتماد به نفس

کامل می‌گن قرآن بخونید و حجاب رو رعایت کنید تا شرایط درست بشه، یا فکر می‌کنن هر کسی که به دین شون توهین کرد، دشمن قطعی آن‌هاست و به هیچ عنوان نباید دست دوستی به سمت دشمن گرفت، کرونا اومده، واکسن آمریکایی حرام و بده، ما خودمون داروی امام کاظم داریم، شرایط اقتصادی بد، به جای این که برن تلاش کنند، تحریم‌ها را بردارند، به هر مناسبت مسخره که می‌شه، می‌رن شعار می‌دن مرگ بر آمریکا و اصلاً هم به این فکر نمی‌کنند که آمریکا یه قاره است، نه یه شخص و اصلاً چرا باید بگیم مرگ بر آمریکا.

- آیا اینستاگرام اثری بر این نوع نگاه شما به شرایط داشته؟

کلاً اینستا دلیل علاقه من به سیاسته، توی دوره دبیرستان یه پیجی رو فالو کردم که درباره تحلیل سیاسی مسایل بود و خیلی برام جذاب بود اون مطالب و اصلاً اون جا با سیاست آشنا شدم و بهش علاقه مند شدم و تقریباً آگاهی‌هایی که به دست آوردم، به خاطر اون نگاه انتقادی بود که از اون پیج به دست آوردم. الان هم که اخبار رو می‌بینم و می‌خونم، بعد می‌رم سراغ پیج‌های انتقادی که دارم و در کل منبع آگاهی من از سیاست فقط و فقط اینستاست، چون نمی‌تونم به صدا و سیما اعتماد کنم.

- به نظرت اینستاگرام می‌تونه باعث ایجاد نوع دوستی در افراد بشه؟

به نظرم بیش‌تر باعث خودخواهی در افراد می‌شه، شاید حداقل به اسم گفته بشه که یه سری از افراد به دیگران کمک می‌کنند، اما در اصل اگه دور و بر خودمون رو ببینیم، تغییر خاصی توی افراد و رفتار و نگرش شون درباره اطرافیان خودشون ایجاد نشده.

- مثالی برای این مسأله می‌تونن بزنن؟

مثلاً خودم رو که می‌بینم، می‌تونم بگم شاید مثلاً حرف از برابری حقوق زن و مرد بزنم، اما رفتارم خیلی تغییری نکرده، هم‌چنان اگه یه خانوم و آقا سر یک مسأله‌ای بحث کنند، من حق رو به اون خانوم می‌دم یا مثلاً ده بار تا حالا با خانواده‌ام سر این که افغان‌هایی که توی کشور ما زندگی می‌کند، همه حق زندگی دارند، بحث کردم، اما چند وقت پیش که با یکی از از همین افراد روبه‌رو شدم، نتونستم رفتار خوبی نشون بدم، در کل می‌شه گفت از نظر حرف زدن همه او کییم، ولی وقتی پای عمل می‌رسه، توی همه چیز گند می‌زنیم.

- به نظرت عدالت خواهی شما الان نسبت به قبل از استفاده از اینستاگرام، تغییری داشته؟

عدالت خواهی بله، اما روی برقراری عدالت نه.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

بین قبلاً اصلاً نمی‌دونستیم عدالتی هست یا نه، اما الان می‌دونیم عدالت چیه و آیا در اطرافمون هست یا نه، مثلاً میایم حقوق و زندگی سلبریتی‌ها رو و یا آقازاده‌ها رو با خودمون مقایسه می‌کنیم و می‌گیم که عدالتی وجود نداره، ما بدبختیم، اما اون‌ها همه زندگی راحتی دارند و باید عادلانه همه

چیز تقسیم بشه و...، اما شرایط هیچ فرقی نکرده، چون اون‌هایی که باید کاری انجام بدن، کاری به این مسأله که ما چی می‌گیریم ندارند و رفتار خودشون رو ادامه می‌دن، در اصل این عدالت‌خواهی بین مردم عادی رواج پیدا کرده، اما روی مسوولین که باید این عدالت و ایجاد کند، اصلاً اثر نداشته. - آیا تا به حال شده توی فضای مجازی و اینستاگرام با افرادی روبه‌رو بشی و از آن‌ها الگو بگیری؟

بله، خیلی از متخصص‌های رشته خودم الگو گرفتم.

- در چه زمینه‌ای ازشون الگوبرداری کردی؟

ترفندهای مختلفی که به کار می‌گیرند، شخصیت‌شون، فن بیان و مهارت‌هاشون و تحصیلات عالیه.

- یعنی با دیدن آن‌ها به تحصیلات عالیه علاقه‌مند شدی؟

بله، قبلاً علاقه‌ای به درس خوندن توی مقطع دکترا و این‌ها نداشتم، و با خودم گفتم من که فقط لیسانس می‌گیرم، اما حالا که دارم هی مطالب مختلف رو درباره‌ی رشته و شغل آینده بررسی می‌کنم و می‌بینم، واقعاً انگیزه پیدا کردم که درسم رو بخونم و شروع به کار کنم، در حدی علاقه‌مند شدم که از همین حالا با یه نفر صحبت کردم که برم پیشش کارآموزی.

- نظرت درباره الگوبرداری از دیگران در فضای مجازی چی هست؟

در کل به نظرم این الگوبرداری‌ها بد نیست، یعنی تمام الگوبرداری‌ها نمی‌شه گفت منفیه، اما خیلی از بچه‌ها و افراد دیگه هستند که از افراد نادرست تقلید می‌کنند و اینه که نادرست و بده.

- از آشناهات کسی رو می‌شناسی که تحت تأثیر استفاده از اینستاگرام از افراد نادرست الگوبرداری کرده باشه؟

بله، یکی از دوستانم چون بازیگر مورد علاقه‌اش رفته یه پرستو تتو کرده، اونم تتو زده. یکی از پسر خاله‌هام هم از وقتی اینستا نصب کرده، خیلی بد دهن شده، در حدی که جلو خانواده فحش‌های خیلی بدی می‌ده، در حالی که قبلاً اصلاً این طوری نبود، با دوستاش تا دیر وقت بیرون و پی‌خوش گذرونیه و کارای مزخرف می‌کنند و به نظرم تمام این رفتارها الگوبرداری از افراد نادرسته و صرفاً این افراد نادرست، شاخ مجازی و سلبریتی و... نیستند، بعضی مواقع دوست‌ها از هم تقلید می‌کنند، قبلاً توی مدرسه این اتفاق می‌افتاد و کم‌خطرتر بود، اما الان دیگه توی فضای مجازی و به خصوص اینستا این مسأله و این تقلید کردن‌ها بیش‌تر شده.

- آیا استفاده کردن از اینستاگرام اثری در پیشرفت یا پس رفت تحصیلی شما داشته؟

فکر می‌کنم خیلی کم باعث پیشرفت تحصیلی بشه، بیش‌تر باعث افزایش اطلاعات عمومی آدم می‌شه و همین اطلاعات عمومی، گاهی از وقت‌ها می‌تونه باعث پیشرفت‌های تحصیلی هم بشه، اما در کل به نظرم بیش‌تر اثرش به روی پس رفت تحصیلیه، چون حجم اطلاعات اون قدر زیاده که

باعث می‌شود ذهن آدم، در لحظه درگیر چندین مطلب مختلف بشود و همین، ذهن رو درگیر نگه می‌دارد و ممکنه باعث کم شدن تمرکز بشود و وقتی هم که تمرکز آدم کم بشود، سخت‌تر مطالب رو یاد می‌گیره و از اون طرف وقت زیادی می‌گیره، مثلاً می‌ری دو دقیقه وقت توی اینستا، به پست رو چک کنی و به خودت می‌بینی که یه ساعت، یه نیمه توی اینستا و واقعاً هیچ چیز به درد بخوری ندیدی.

- به نظرت اینستاگرام روی نوع رفتار افراد با محیط زیست و حیوانات اثری داشته؟
به صورت عملی نه، درسته که خیلی از پیج‌ها درباره این مسایل صحبت کردند و تذکراتی داده شده، اما هنوز که هنوزه مردم ساده‌ترین مسایل، مثل بیرون انداختن زباله‌ها از ماشین یا آتش روشن کردن توی جنگل‌ها رو یاد نگرفتند و به نظرم می‌شه گفت که اصلاً اثر خاصی روی رفتار افراد نداشته.

- سوالات من تموم شد، مرسی از هم‌کاریت.
خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره:

غزاله ۲۰ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی - تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.
غزاله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: کاربری آموزشی از اینستاگرام، افت درسی، آموزش در جهت شناخت بهتر جنس مخالف اشاره داشته است.

غزاله در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: گسترده شدن دامنه روابط اجتماعی، الگوبرداری، تلاش جهت واقع‌گرایی، ایجاد نسل تجربه-گرا، به اشتراک گذاشتن لحظه به لحظه زندگی، جایگزینی رسانه‌های خارجی به جای رسانه‌های داخلی، مهم شدن اعتبار اجتماعی مجازی، نقد اثرگذاری‌های سطحی اینستا، محدود شدن - خودخواسته - حریم شخصی افراد، اندیشه مهاجرت و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

غزاله در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: کاهش تدریجی حساسیت، تحولات ارزشی، محدود شدن حریم شخصی افراد، حسادت و نظایر آن، اشاره داشته است.

غزاله ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، محوریت یافتن پول، سرخوردگی اقشار کم درآمد جامعه، کلاه برداری‌های اقتصادی و نظایر آن، اشاره داشته است.

غزاله در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: ارتقای موقعیت خانوادگی، تحولات ارزشی خانواده‌ها، ایجاد اختلافات خانوادگی، پنهان‌کاری از خانواده، درگیری میان خانواده، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

غزاله در مصاحبه خودش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: ضرورت توجه به سطح تحولی افراد، اینستا به مثابه آزمون فرافکن، کاهش تمرکز، اتلاف وقت، برقراری رابطه زود هنگام با جنس مخالف، اضطراب‌های نوپدید، از خودبیگانگی، جادوی اینستا، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

غزاله در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به توجه به مدگرایی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

غزاله ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: سر درد، دردهای عضلانی و اسکلتی، کاهش توان بینایی، کم‌اشتهایی ناشی از دیدن غذاهای لاکچری، اشاره داشته است.

مصاحبه‌شونده در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

غزاله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به ترویج نگاه عدالت خواهانه، اشاره داشته است.

غزاله در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: تغییرات ارزشی، کاهش تدریجی حساسیت، تحولات اعتقادی، تردیدهای اعتقادی آغازین، تضعیف اعتقادات دینی، کاهش خرافات، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

غزاله ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: ترویج فرهنگ لذت‌گرایی، تشویق تجربه کردن مسایل مختلف، کاهش تدریجی حساسیت، تغییر مرجع فرهنگی از خانواده و مدرسه و جامعه به اینستا، اخذ الگو از سلبریتی‌ها و دوستان همسال، رکیک شدن بیان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه غزاله ۲۰ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، غزاله در مصاحبه خویش در عمل نشان می‌دهد که مرجع فرهنگی وی از خانواده و مدرسه و جامعه به اینستا تغییر کرده است. غزاله در قسمتی از مصاحبه خود به صراحت بیان می‌دارد مسایلی نظیر کنار نهادن حجاب، دیدن فیلم‌های هرزه‌نگار، برقراری روابط عاشقانه با پسران، خرید لباس‌های برند، شیک پوشی و نظایر آن‌ها را از شاخ‌های مجازی و اینفلوئنسرهای اینستا اخذ کرده است:

«خود من هم با دیدن زندگی‌های خیلی لذت بخش اینفلوئنسرها، نتیجه می‌گیرم که فقط همین زندگی رو داریم و باید از اون لذت ببریم...»

بیا فرض رو به این بگذاریم که اون دنیای ماوراء طبیعی که ازش این همه حرف زده شده، وجود نداشته باشه و اگه ما تمام عمرمون یه زندگی ساده و بدون هیچ لذتی داشته باشیم و بمیریم، واقعاً اون موقع پشیمون می‌شیم، پس خیلی بهتره که الان از زندگی خودمون لذت ببریم. من نمی‌گم خیلی بی‌بند و بار رفتار کنیم یا خیلی آزادانه هر کاری دل‌مون خواست انجام بدیم، ولی حداقل هر چیزی به نظرم یک بار امتحان کردنش واقعاً خوبه.

- مثلاً چه چیزهایی رو امتحان کنیم؟

غذاهای گرون، رفتن به هتل‌های شیک، لباس‌های مارک و برند خریدن، رابطه‌های عاشقانه و اینا.

- شما خودت این‌ها رو امتحان کردی؟

خیلی رو آره، ولی یک‌سری رو نه هنوز.

- این نظرت تا چه اندازه به استفاده از اینستاگرام مربوط می‌شه؟

آشنایی ما با محیط‌های لاکچری از طریق فضای مجازی و اینستاگرامه دیگه، قبل از این که توی اینستا هتل‌های خیلی مجلل یا لباس‌های برند رو ببینیم و بشناسیم، تقریباً اطلاع دقیقی ازشون نداشتیم، شنیده بودیم یا توی تلویزیون یه کم با اون رو به رو شده بودیم، ولی به صورت گسترده، فقط اینستا ما رو با اون مواجه کرد و هم‌چنین جرأت این که بریم بعضی هاشون رو تجربه کنیم، مثل روابط عاشقانه رو از طریق اینستا به دست آوردیم...»

من حتی تا یک سال بعد از نصب اینستا، هم‌چنان به نظرم روابط دختر و پسر بد بودن و وقتی به پست‌هایی که در اون جنس مخالف خیلی بهم نزدیک بودن و هم رو می‌بوسیدند می‌رسیدم، احساس گناه و حس عذاب وجدان داشتم، اما بعد کم‌کم برام عادی شد و دیگه حس بدی نداشتم و حتی ازشون خوشم می‌اومد و سریع نمی‌زدم بره...»

من وقتی فیلم‌های پورن می‌دیدم یا این که گاهی عکس‌هایی که حجاب نداشتم، از خودم می‌داشتم یا با پسرا صحبت می‌کردم، خانواده این‌ها رو خیلی اشتباه و بد و نامناسب می‌دونست و اون اوایل من واقعاً دچار دوگانگی شده بودم، نمی‌دونستم این درسته یا اون، از یه طرف اعتقادات خانواده رو داشتم، از طرفی هم حس کنجکاویم مجبورم می‌کرد این‌ها رو ببینم و یا مثلاً دوست‌هام هی می‌گفتند، دوتا عکس از خودت بذار توی پیجت یا می‌رفتیم خونه‌ی هم و بدون حجاب زیادی عکس می‌گرفتند و استوری می‌داشتم و منم باید خودم رو شبیه‌شون می‌کردم، البته حرفم این نیست که کار اشتباهیه و نباید انجام می‌دادم، اما به هر حال اون زمان بین اعتقاداتم و رفتارم، دوگانگی زیادی وجود داشت... .

خانواده من تاحدی مذهبی هستند و منم تا ۵، ۶ سال پیش آدم محجبه‌ای بودم، اما کم‌کم به نظرم اومد که چه اشکالی داره، من هم شبیه اکثریت جامعه باشم و شیک بگردم و یا حتی از ایران برم که بتونم آزادانه زندگی کنم.

- فکر می‌کنی علت این مسأله چی بوده؟

خب این سبک زندگی اکثر شاخ‌های مجازی و اینفلوئنسرهای اینستا هست و وقتی من می‌بینم‌شون، ناخودآگاه تحت تأثیر جذابیت‌های سبک زندگی لاکچری‌شون قرار می‌گیرم و دلم می‌خواد شبیه اون‌ها باشم و اعتقادات مذهبی کمی هم که داشتم، کنار می‌ره. یه جورى انگار قبلاً منبع اعتقادات و ارزش‌هامون خانواده بوده، اما حالا اینستا و کلاً فضای مجازی جایگزینش شده». تجربه غزاله، بیانگر تحول ارزشی عمیقی است که در جامعه در حال وقوع است و در روند آن، مرجعیت ارزشی نوجوانان و جوانان از خانه و مدرسه و جامعه به مرجعیت فضای مجازی و اینستا در حال تغییر است!